

# انقلاب اسلامی



در ایران



۱۱۱۱۱۱

- سرشناسه : پرهیزکار، غلامرضا، ۱۳۵۱-
- عنوان و نام پدیدآور : انقلاب اسلامی و رشد مهدویت در ایران / نویسنده غلامرضا پرهیزکار.
- مشخصات نشر : قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹.
- مشخصات ظاهری : ۲۷۲ص: جدول
- فروست : انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۷۰۹. جامعه‌شناسی؛ ۱۸.
- شابک : 978-964-411-487-8
- وضعیت فهرست نویسی : فیا
- یادداشت : کتابنامه.
- موضوع : مهدویت
- شناسه افزوده : موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
- رده بندی کنگره : پ ۴ الف ۸ / BP۲۲۴
- رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۶۲
- شماره کتابشناسی ملی : ۱۶۴۶۰۰۲

# انقلاب اسلامی و رشد مهدویت در ایران

غلامرضا پرهیزکار

انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره

۱۳۸۹





شماره ردیف ۷۰۹  
شماره موضوعی جامعه‌شناسی-۱۸  
۱۳۸۹-۱۹

## ■ انقلاب اسلامی و رشد مهدویت در ایران

- نویسنده: غلامرضا پرهیزکار
- ناشر: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
- چاپ: نگارش
- نوبت و تاریخ چاپ: اول، بهار ۱۳۸۹
- شمارگان: ۱۰۰۰
- قیمت: ۳۳۰۰ تومان

● دفتر مرکزی: قم، خیابان شهدا، کوی ممتاز، پلاک ۳۸  
تلفن و نمابر: ۰۲۵۱-۷۷۳۳۳۲۶

● شعبه مؤسسه امام خمینی (ره): قم، بلوار امین، بلوار جمهوری اسلامی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)  
تلفن: ۰۲۵۱-۲۱۱۳۶۲۹

شابک ۸-۴۸۷-۴۱۱-۹۶۴-۹۷۸

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

## فهرست مطالب

مقدمه معاونت پژوهش ..... ۱۱

### فصل نخست: کلیات

۱. مقدمه ..... ۱۷

۲. بیان مسئله ..... ۱۹

۳. مفاهیم مهم ..... ۲۰

انقلاب اسلامی ..... ۲۰

مهدویت ..... ۲۰

رشد ..... ۲۰

رشد کمی ..... ۲۱

رشد کیفی ..... ۲۱

۴. پیشینه ..... ۲۱

۵. پرسش‌های تحقیق ..... ۲۲

پرسش اصلی ..... ۲۲

پرسش‌های فرعی ..... ۲۲



۲۳	۶. روش تحقیق
۲۶	۷. چشم اندازهای نظری
۲۷	نظریه‌های جامعه‌شناسی دین
۲۸	جنبش‌های هزاره‌ای
۳۱	نظریه سکولاریزاسیون
۳۴	چهارچوب نظری
۳۴	نظریه ابرنظام فرهنگی و رشد نظام‌های اجتماعی- فرهنگی
۳۴	انواع پدیده‌ها
۳۵	مجموعه فرهنگی
۳۵	نیمه مجموعه فرهنگی
۳۵	نظام فرهنگی
۳۶	نظام‌ها و ابرنظام‌های مهم فرهنگی
۳۸	مکانیزم رشد نظام‌های اجتماعی- فرهنگی
۴۲	مدل تحلیلی

### فصل دوم: مهدویت در باور شیعی

۵۳	۱. گزیده‌ای از زندگی امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۵۴	۲. غیبت
۵۵	۳. انتظار
۵۶	۴. آخرالزمان
۵۹	۵. شرایط و نشانه‌های ظهور
۶۲	۶. ظهور و انقلاب جهانی
۶۳	۷. جامعه آرمانی پس از ظهور
۶۵	۸. ویژگی‌های امام مهدی <small>علیه السلام</small>

۶۶	الف) ویژگی‌های عام
۶۶	ولایت سیاسی
۶۷	ولایت دینی
۶۷	ولایت تکوینی
۷۱	ب) ویژگی خاص
۷۱	منجیگری

### فصل سوم: تاریخ تحولات مهدویت از آغاز تا انقلاب اسلامی

۷۷	۱. از غیبت تا انتظار
۷۷	الف) غیبت
۷۷	پیش از غیبت
۷۹	غیبت و حیرت
۸۲	حیرت زدایی و بازخوانی وضع جدید
۸۳	ب) انتظار
۸۴	انتظار فعال و متفعل
۸۵	انتظار نمادین
۸۷	انتظار نظامی
۸۸	انتظار سیاسی و انقلاب اسلامی
۹۳	۲. از مرجعیت تقلید تا ولایت فقیه (رشد تدریجی نیابت عام)
۹۴	نیابت علمی
۹۶	نیابت مالی
۹۹	نیابت سیاسی
۱۰۸	نیابت معنوی
۱۱۰	ولایت فقیه



۱۱۷.....	نتیجه
۱۱۸.....	۳. از حکومت غیردینی تا حکومت دینی
۱۲۰.....	الف) بعید یا حرام دانستن تشکیل حکومت دینی در عصر غیث
۱۲۳.....	ب) انقلاب اسلامی و حکومت دینی در عصر غیث
۱۲۳.....	انجمن حجّیه، حکومت دینی و انحلال پس از انقلاب
۱۲۷.....	امام خمینی (ع) و عمومی ساختن ایده حکومت دینی
۱۲۷.....	ارائه دیدگاه جدید در میان حوزویان و نقد دیدگاه پیشین
۱۲۸.....	تبلیغ و ترویج این ایده در بین عموم مردم
۱۲۹.....	بهره‌گیری از آموزه‌های عاشورایی
۱۳۱.....	تشکیل عملی حکومت دینی

### فصل چهارم: انقلاب اسلامی و مهدویت

۱۳۵.....	مهدویت در دوران مبارزه
۱۳۵.....	۱. مبنای مشروعیت حرکت انقلابی
۱۳۷.....	۲. نخبگان انقلابی و مهدویت
۱۳۷.....	امام خمینی (ع)
۱۳۸.....	شیخ احمد کافی
۱۴۰.....	دکتر علی شریعتی
۱۴۰.....	آیت‌الله مرتضی مطهری
۱۴۱.....	آیت‌الله سید محمود طالقانی
۱۴۲.....	۳. مهدویت در شعارهای انقلابیان
۱۴۶.....	۴. جشن‌های نیمه شعبان
۱۴۸.....	۵. نتیجه
۱۵۰.....	مهدویت پس از انقلاب

دوره اول انقلاب (۱۳۵۷-۱۳۷۴).....	۱۵۰
۱. تحولات انقلاب و مهدویت.....	۱۵۱
۲. امام خمینی <small>علیه السلام</small> و تداعی گری امام غایب <small>علیه السلام</small> .....	۱۵۸
۳. انقلاب اسلامی و زمینه سازی برای ظهور.....	۱۶۷
۴. انقلاب اسلامی و سیاست صدور انقلاب.....	۱۷۲
۵. سکوت موقت.....	۱۷۷
۶. انقلاب اسلامی و رشد مسجد جمکران.....	۱۸۱
دوره دوم انقلاب (۱۳۷۴-۱۳۸۶).....	۱۹۸
۱. شکست سکوت.....	۱۹۸
۲. رشد وسایل انتقال نظام مهدوی.....	۲۰۰
۳. رشد عوامل انسانی نظام مهدوی.....	۲۱۳
۴. رشد نظام معنایی مهدوی.....	۲۱۸
.....	۲۵۵
.....	۲۵۵
.....	۲۵۹
.....	۲۶۳
.....	۲۶۹
.....	۲۷۰
.....	۲۷۰



## مقدمهٔ معاونت پژوهش

حقیقت اصیل‌ترین، جاودانه‌ترین و زیباترین راز هستی و نیاز آدمی است که سلسلهٔ مؤمنان و عالمان صادق چه جان‌ها که در راه آن نباخته، و جاهلان و باطل‌پرستان چه توطئه‌ها و ترفندها که برای محو و مسخ آن نساخته‌اند. چه تلخ‌واقعیتی است مظلومیت حقیقت، و چه شیرین‌حقیقتی است این واقعیت که در مصاف همیشگی حق و باطل، حق سربلند و سرفراز است و باطل از بین‌رفتنی و نگونسار. این والا و بالانشینی حقیقت، گذشته از سرشت حق، وام‌دار کوشش‌های خالصانه و پایان‌ناپذیر حقیقت‌جویانی است که در عرصهٔ نظر و عمل کمر همت محکم بسته و از دام و دانهٔ دنیا رسته‌اند، و در این میان، نقش و تأثیر ادیان و پیامبران الهی، و به‌ویژه اسلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و جانشینان برحق و گرامی علیهم السلام، برجسته‌ترین است.

دانشمندان نام‌آور شیعه رسالت خطیر و بی‌نظیر خویش را بهره‌گیری از عقل و نقل و غوص در دریای معارف قرآن و برگرفتن گوهر ناب حقیقت از سیرهٔ آن پیشوایان و عرضهٔ آن به عالم بشری و دفاع جانانه در برابر هجوم ظلمت‌پرستان حقیقت‌گریز دانسته و در این راه دیده‌ها سوده و جان‌ها فرسوده‌اند. اکنون در عصر بحران معنویت که دشمنان حقیقت و آدمیت هر لحظه با تولید و انتشار فزون از شمار آثار نوشتاری و دیداری و به‌کارگیری

انواع ابزارهای پیشرفته سخت‌افزاری و نرم‌افزاری در عرصه‌های گوناگون برای سیطره بر جهان می‌کوشند، رسالت حقیقت‌خواهان و اندیشمندان حوزوی و دانشگاهی، به‌ویژه عالمان دین، بس عظیم‌تر و سخت‌دشواری‌تر است.

در جهان تشیع، پژوهشگران حوزوی در علوم فلسفی و کلامی، تفسیری و حدیثی، فقهی و اصولی و نظایر آن کارنامه درخشانی دارند، و تأملات ایشان بر تارک پژوهش‌های اسلامی می‌درخشد. در زمینه علوم طبیعی و تجربی و فناوری‌های جدید نیز پژوهشگران ما تلاش‌هایی چشمگیر کرده، گام‌هایی نویدبخش برداشته و به جایگاه درخور خویش در جهان نزدیک شده‌اند، و می‌کوشند تا با فعالیت‌های روزافزونشان مقام شایسته خویش را در صحنه علمی بین‌المللی بازبایند. ولی در قلمرو پژوهش‌های علوم اجتماعی و انسانی تلاش‌های دانشمندان این مرز و بوم آن‌گونه که شایسته نظام اسلامی است به بار ننشسته و آنان گاه به ترجمه و اقتباس نظریات دیگران بسنده کرده‌اند. در این زمینه کمتر می‌توان رد پای ابتکارات و به‌ویژه خلاقیت‌های برخاسته از مبانی اسلامی را یافت و تا رسیدن به منزلت مطلوب راهی طولانی و پرچالش در پیش است. از این روی، افزون بر استنباط، استخراج، تفسیر و تبیین آموزه‌های دینی و سازماندهی معارف اسلامی، کاوش در مسائل علوم انسانی و اجتماعی از دیدگاه اسلامی و تبیین آنها از مهم‌ترین اهداف و اولویت‌های مؤسسات علمی به‌ویژه مراکز پژوهشی حوزه‌های علمیه است.

مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام در پرتو تأییدات رهبر کبیر انقلاب اسلامی و حمایت‌های بی‌دریغ خلف صالح وی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای «مد ظله العالی» از آغاز تأسیس بر اساس سیاست‌ها و اهداف ترسیم شده از سوی حضرت آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی «دامت برکاته» به امر پژوهش‌های علمی و دینی اهتمام داشته و در مسیر برآوردن نیازهای فکری و دینی جامعه، به پژوهش‌های بنیادی، راهبردی و کاربردی پرداخته است. معاونت پژوهش مؤسسه برای تحقق این مهم، افزون بر برنامه‌ریزی و هدایت



دانش پژوهان و پژوهشگران، در زمینه نشر آثار محققان نیز کوشیده و بحمدالله تاکنون آثار ارزنده‌ای را در حد توان خود به جامعه اسلامی تقدیم کرده است.

کتاب پیش روی، پژوهشی است در قلمرو مهدویت که با تلاش پژوهشگر ارجمند جناب حجت‌الاسلام آقای غلامرضا پرهیزکار نگارش یافته است. هدف اصلی نویسنده بررسی تأثیرهای انقلاب اسلامی در رشد مهدویت در ایران است. معاونت پژوهش از مؤلف محترم و جناب حجج اسلام آقایان دکتر سیداحمد رهنمایی و محمدرضا ضمیری که با مطالعه و ارائه نظرهای سودمندشان، بر اتقان و غنای آن افزوده‌اند، صمیمانه سپاسگزاری می‌کند و توفیق روزافزون ایشان را از خداوند متعالی خواستار است.

#### معاونت پژوهش

مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

فصل نخست:

کلیات

## ۱. مقدمه

اقبال روزافزون جامعه ایران به مهدویت و افزایش گرایش به موعود در غرب، از دیگر گونی‌های اساسی در حوزه موعودخواهی و مهدویت‌گرایی حکایت می‌کند. بی‌گمان بررسی پدیده موعودگرایی در سطح جهانی، از موضوعات اجتماعی-دینی تازه و جذابی است که برخی بدان پرداخته‌اند و لازم است همچنان - به‌ویژه با استفاده از بنیان‌های معرفتی و کلامی شیعه - موضوع پژوهش قرار گیرد. موضوع بحث این نوشتار، مهدویت‌گرایی در ایران است. البته شناخت دقیق مهدویت‌گرایی در جامعه کنونی ایران، بدون توجه به انقلاب اسلامی و آثار گسترده دینی آن، ممکن نخواهد بود. از این رو، رشد مهدویت را در چهارچوب تأثیرهای احتمالی که انقلاب اسلامی بر این بخش مهم از دین داشته، پی خواهیم گرفت.

مهم‌ترین و بیشترین مطالب کتاب که در فصل چهارم جای گرفته، درباره تأثیرات انقلاب اسلامی بر رشد مهدویت در ایران است و بخش اندکی از این فصل، نگاهی گذرا بر تأثیرهایی خواهد بود که مهدویت بر انقلاب اسلامی داشته است. البته در فصل سوم نیز که به تاریخ تحولات مهدویت از آغاز تا انقلاب اسلامی می‌پردازیم، به تناسب بحث از انقلاب اسلامی، به تأثیرهای انقلاب بر مهدویت توجه کرده‌ایم، ولی هدف اصلی این



فصل، بیان اجمالی سیر تحولات مهدویت از آغاز غیبت تا پیروزی انقلاب اسلامی است. چرایی پرداختن به سیر تحولات مهدوی، در فصل سوم و نیز در بخش روش‌شناسی فصل کلیات خواهد آمد.

در فصل نخست یا فصل کلیات، به برخی مسائل عمومی و برخی کلیات توجه شده است. شاید برخی خوانندگان گرامی مطالعه فصل کلیات را ضروری نپندارند و بخواهند مستقیم سراغ دیگر فصل‌ها بروند. اگر این‌گونه تصویری دارید، دست کم بخش مربوط به چهارچوب نظری و به‌ویژه، مدل تحلیلی را مطالعه کنید؛ زیرا این بخش، دورنمایی از درون‌مایه متن و جهت‌گیری کلی کار را نشان می‌دهد و شما را برای ورود به بخش‌های دیگر آماده می‌سازد.

مطالب اصلی، در سه فصل یادشده عرضه شده است. در فصل دوم، به باورهای مهدوی شیعیان پرداخته‌ایم. مطالعه این فصل برای دریافت تصویری اجمالی از مهدویت، پیش از ورود به بحث درباره مهدویت سودمند خواهد بود. سرانجام در بخش پایانی که با عنوان «خاتمه» آمده، پاسخ‌هایی کوتاه به پرسش‌های اساسی مطرح در این پژوهش و نیز ارزیابی نهایی از کار آورده شده است.

در پایان، شایسته است از زحمات فراوان جناب آقای دکتر محمدهادی همایون و جناب آقای دکتر سیدضیاء هاشمی تشکر کنم که در نگارش این اثر مرا یاری نمودند. همچنین از جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای دکتر سیداحمد رهنمایی و جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای محمدرضا ضمیری سپاسگزارم که با مطالعه اثر و ذکر برخی تذکرات سودمند، بر غنای کار افزودند. افزون بر آن، باید قدردان همه عزیزانی باشم که در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، زمینه نگارش و چاپ کتاب را فراهم آوردند. نیز تشکر و قدردانی فراوان خود را به همسر و فرزندم ابراز می‌کنم که با ایشارگری‌های خود، در به ثمر رسیدن این اثر مرا یاری کردند.

## ۲. بیان مسئله

اگر کسانی که در حدود دهه شصت یا پیش از آن به مسجد جمکران، واقع در حاشیه شهر قم رفته باشند، مشاهدات خود را با آنچه اکنون در آنجا می‌بینند مقایسه کنند، به افزایش بسیار زیاد زائران این مکان مقدس اذعان خواهند کرد.

مسجد جمکران در بین مردم ایران، یکی از مهم‌ترین نمادهای مهدوی و مکانی منتسب به امام زمان علیه السلام و مرتبط با ایشان شمرده می‌شود. از بنای نخست این مسجد که بر پایه نقل‌های تاریخی، به دستور امام زمان علیه السلام در اوایل غیبت کبرا ساخته شده، حدود هزار سال می‌گذرد. در این مدت طولانی، این مسجد، مسجدی کوچک، بی‌رونق و رها در کنار روستایی در حاشیه شهر قم بوده است.

اما بنا بر اعلام شاهدان عینی و برخی آمارها، در دو سه دهه اخیر، آمار زائران مسجد جمکران به شدت افزایش یافته است. این افزایش، پیش از آنکه متأثر از حضور مردم قم در مسجد باشد، نتیجه حضور مردم ایران از استان‌های گوناگون است و در این افزایش، پیش از آنکه خود مسجد جمکران موضوعیت داشته باشد، امام مهدی علیه السلام و مسئله مهدویت موضوعیت دارد؛ زیرا جمکران، نمادی از امام مهدی علیه السلام و مهدویت در ایران است.

به راستی علت این پدیده جدید که نشانه‌ای از رشد مهدویت در ایران است، چیست؟ در این دو سه دهه، چه اتفاق جدیدی رخ داده که در حدود دهه قرنیه که از تاریخ ساخت مسجد می‌گذرد، به وقوع نپیوسته بود؟

پاسخ ابتدایی به این پرسش، پدیده «انقلاب اسلامی» است. میان پیروزی انقلاب اسلامی و رشد زائران مسجد، هم‌زمانی معناداری وجود دارد و برخی قرینه‌های اولیه نیز وجود ارتباط میان این دو را تأیید می‌کند. بر همین اساس، در این نوشتار به بررسی تأثیرات انقلاب بر رشد مهدویت در ایران خواهیم پرداخت.

ضمن اینکه افزایش زائران مسجد جمکران، نقطه آغاز و به وجود آورنده پرسش تحقیق است. البته ما فقط به این مورد بسنده نخواهیم کرد و به مصداق‌های دیگری از مهدویت گراییم که در جامعه مشهود است، خواهیم پرداخت. افزون بر آن، به رشد کمی مهدویت نیز بسنده نخواهیم کرد و رشد کیفی آن نیز مد نظر قرار خواهد گرفت. بعید است یک اندیشه و نظام فکری به پدیده‌ای اجتماعی تبدیل شود و رشد کمی نماید، ولی رشد کیفی نداشته باشد.

### ۳. مفاهیم مهم

#### انقلاب اسلامی

منظور از انقلاب اسلامی، انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ در ایران است.

#### مهدویت

منظور از مهدویت، مجموعه‌ای از ارزش‌ها، باورها، رفتارها، نمادها و شعایری است که در پرتو اعتقاد به امام دوازدهم شیعیان و منجی بودن ایشان در آخرالزمان شکل گرفته است.

#### رشد

رشد، واژه‌ای وام گرفته از زیست‌شناسی است که بیشتر در حوزه توسعه و اقتصاد به کار می‌رود و در تعریفی، آن را «به معنای تغییرات کمی و کیفی دانسته‌اند که با پیشرفت زمان در طبیعت و ساخت و رفتار موجود زنده حادث می‌شود و در طول حیات ادامه دارد»<sup>۱</sup> البته آنچه از واژه رشد به ذهن می‌رسد، تغییر به سمت کمال و بهتر شدن است، ولی منظور از رشد در اینجا، دو نوع رشد کمی و کیفی است که اکنون بدان می‌پردازیم.

۱. علیرضا شایان‌مهر، دایرةالمعارف تطبیقی علوم اجتماعی (کتاب اول)، ص ۲۸۱.

### رشد کمی

منظور از این رشد، افزایش عددی انسان‌هایی است که به ارزش‌های مهدوی می‌گرایند یا به هنجارهای مهدوی پایبندی عملی دارند یا به ترویج آن می‌پردازند. افزون بر افزایش عددی، گسترش نمادها، ابزارها و در مجموع هر نوع محمل یا ابزار مادی مرتبط با مهدویت نیز مد نظر است.

### رشد کیفی

منظور از این رشد، تغییری است که در اجزای مادی، معنایی و انسانی به سمت انسجام بیشتر میان اجزا و تطبیق با شرایط جدید برای پاسخ‌گویی به نیازهای مطرح صورت می‌گیرد. همین‌طور، گسترش نظام معنایی مهدوی از راه خلق معانی جدید و لازم یا احیای معانی متروک مانده را می‌توان از جمله مصداق‌های رشد کیفی دانست. منظور از نظام معنایی مهدوی یا نظامی از معانی مهدوی، هر امر معنایی مرتبط به حوزه مهدویت، همچون ارزش‌ها، باورها و هنجارهای مهدوی است که در ارتباط باهم، معنادار و دارای کارکرد می‌شوند. مثلاً باور به ارتباط نظام‌مندی که میان پذیرش نقش مؤمنان و منتظران در نزدیک ساختن ظهور و درست بودن انتظار فعال به جای انتظار منفعلانه وجود دارد، از اجزای این نظام معنایی است.

### ۴. پیشینه

برخی تحقیقات در قالب کتاب، پایان‌نامه یا مقاله، با عناوینی چون بازتاب‌های انقلاب اسلامی یا تأثیرات انقلاب اسلامی عرضه شده است، ولی بیشتر این تحقیقات در حوزه سیاست قرار می‌گیرد. مثلاً در تحقیقاتی مستقل، اثرگذاری انقلاب اسلامی بر برخی کشورهای منطقه بررسی شده یا بازتاب‌های جهانی انقلاب اسلامی مد نظر قرار گرفته



است. نیز در برخی تحقیقات، تأثیرات انقلاب اسلامی بر نظریات انقلاب بررسی، یا به تأثیرات انقلاب اسلامی بر رشد گرایش‌های معنوی و دینی در منطقه و جهان پرداخته شده است. از برخی از این تحقیقات، به فراخور بحث بهره خواهیم برد.

اما در خصوص مهدویت، باینکه کتاب‌های فراوانی در این حوزه نگاشته شده، تحقیقی که به بررسی تأثیر انقلاب اسلامی یا هر نوع پدیده اجتماعی یا سیاسی بر مهدویت پرداخته باشد، مشاهده نشد؛ به جز مواردی که در آنها تلاش شده میان انقلاب اسلامی و مهدویت، پیوندهایی از راه زمینه‌ساز دانستن انقلاب اسلامی برای ظهور برقرار شود. همچنین در مواردی با منطق دینی، نقش مهدویت در پیروزی انقلاب اسلامی بررسی شده است.

در خصوص مهدویت و مسجد جمکران، پایان‌نامه‌ای با عنوان «پیدایش و گسترش جمکران (بخشی در جغرافیای جهان‌بینی)» در رشته جغرافیا به دست آمد که به بررسی تأثیر باورهای مذهبی بر توسعه فیزیکی جمکران پس از پیروزی انقلاب پرداخته است. این پایان‌نامه در سال ۱۳۷۴ در دانشگاه شهید بهشتی به وسیله خانم فلوریا خرازی دفاع شده است که از آن در ضمن کار، بهره خواهیم برد.

## ۵. پرسش‌های تحقیق

### پرسش اصلی

انقلاب اسلامی چه تأثیری بر رشد مهدویت در ایران داشته است؟ ابعاد این تأثیر احتمالی چگونه بوده است؟

### پرسش‌های فرعی

۱. آیا پس از انقلاب اسلامی، تعداد شیعیانی که به امور مرتبط با مهدویت گرایش دارند و آن را در قالب رفتارهای مهدوی نیز بروز می‌دهند، افزایش یافته است؟

۲. آیا بر اثر انقلاب اسلامی، ابزارها و محمل‌های مادی که برای ترویج و تثبیت مهدویت در سطح جامعه لازم است، افزایش یافته است؟
۳. انقلاب اسلامی چه تأثیری بر نوع نگاه شیعیان به حکومت در عصر غیبت داشته است؟
۴. انقلاب اسلامی چه تأثیری بر مفهوم نیابت عام از امام غایب علیه السلام در عصر غیبت داشته است؟
۵. انقلاب اسلامی چه تأثیری بر باورهای مرتبط با انتظار داشته و چه تغییرات احتمالی در آن به وجود آورده است؟
۶. آیا انقلاب اسلامی، زمینه‌های تطبیق عصر حاضر را با آخرالزمان موعود فراهم آورده و سبب زودانگاری ظهور در بین مردم شده است؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، در این زمینه چه اقداماتی صورت گرفته است؟
۷. مهدویت چه نقشی در مبارزات انقلاب اسلامی داشته است؟

## ۶. روش تحقیق

موضوع هر تحقیق و نوع پرسش‌های آن، روش آن تحقیق را مشخص می‌کند. در این تحقیق، دو امر مهم است: مهدویت و تأثیرهای احتمالی انقلاب اسلامی بر آن. از جمله ویژگی‌های مهم مهدویت، تاریخی بودن آن است. مهدویت، بخش مهمی از باورهای شیعی است که از زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و حتی پیش از آن وجود داشته و از عصر غیبت به این سو، بیش از پیش مراحل نضج خود را پشت سر گذاشته و به مرور از حالت نظامی فکری، به نظامی هنجاری و مادی تبدیل شده است. مهدویت، چه به لحاظ دینی و چه به لحاظ تاریخی - که بخشی از آن در متن روشن می‌شود - پدیده‌ای واحد است که در طول تاریخ در مسیر تکامل تدریجی قرار گرفته است.

پدیده‌هایی از این دست، کاملاً به گذشته و آینده خود مرتبط‌اند و در واقع چون موجود واحدی هستند که بخشی از آن را باید در گذشته، بخشی را در حال و بخشی را در آینده مشاهده کرد، و نمی‌توان آنها را جدای از قبل و بعد از آن فهمید؛ هر چند دسترسی فعلی به آینده برای ما مقدور نیست. البته درباره مهدویت، با تکیه بر آموزه‌های دینی می‌توانیم حلقه‌های تبیینی خود را درباره آینده نیز تکمیل کنیم.

بنابراین، مهدویت، امر واحدی است با اجزای به هم پیوسته که هر جزء آن را باید در بخشی از امتداد تاریخ مشاهده کرد. از این رو، فهم مهدویت در برشی از زمان، فهمی ناقص است. فهم درست مهدویت، به فهم موقعیت تاریخی آن بستگی دارد. بر این اساس، برای شناخت تأثیرهای انقلاب اسلامی بر مهدویت، باید ابتدا مراحل تاریخی و تکاملی مهدویت را تا عصر حاضر بشناسیم و از جایگاه فعلی مهدویت آگاه شویم تا امکان فهم درست تأثیری که انقلاب اسلامی در عصر حاضر بر مهدویت گذاشته است، به وجود آید. به همین دلیل، با روش تاریخی به بررسی پیشینه مهدویت خواهیم پرداخت. در این مسیر، از اسناد موجود که عمدتاً کتاب‌های تاریخی، فقهی و غیره است، بهره خواهیم برد.

در اینجا مناسب است به روش‌شناسی اگوست کنت اشاره کنیم. پویایی و ایستایی، دو مقوله اصلی جامعه‌شناسی کنت است. در ایستایی، بخشی از تاریخ برش می‌خورد و بررسی می‌شود؛ ولی در پویایی، سلسله حوادث تاریخی در کنار هم دیده می‌شوند. به قول کنت، اعضای مرده جامعه بشری، بسیار بیشتر از اعضای زنده آن است<sup>۱</sup> و نمی‌توان در بررسی‌های جامعه‌شناختی، از اعضای در گذشته عبور کرد و به آنان بی‌توجه بود. کنت مبحث پویایی را برای فهم مراحل سه‌گانه‌ای که در نظر او بشر پشت‌سر گذاشته است، مطرح ساخت؛ البته نگاه ما به تاریخ، به فراخی و کلانی نگاه کنت به این مقوله نیست.

«استفاده از روش تاریخی و بررسی اسناد را برای هر تحقیق اجتماعی مربوط به حال،

۱. لوئیس کوزر، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، ص ۳۲-۳۵.

جهت بررسی پیشینه تحقیق و همین‌طور پیشینه موضوع و تحولات آن لازم می‌شمارند، اما هر گاه پدیده‌ای به لحاظ زمانی، هر بخشی از آن در قطعه‌ای از زمان گسترده باشد، بی‌تردید باید به گذشته آن توجه کرد تا حال آن را یافت.<sup>۱</sup> روش تاریخی با آنکه با همه کار نیز مرتبط است، بیشتر، مقدمات بحث را پوشش می‌دهد.

حدوداً پنجاه سال از آغاز مبارزات انقلاب اسلامی و سی سال از پیروزی انقلاب اسلامی می‌گذرد، و این سبب شده انقلاب اسلامی و رخدادهای آن، به تاریخی بودن نزدیک شود و دست کم به لحاظ روش‌های قابل بررسی، روش‌های تاریخی و اسنادی پاسخ‌گوی مسائل باشد؛ زیرا آن رخدادها از آغاز انقلاب تاکنون روی داده‌اند و دیگر امکان مشاهده مستقیم آنها وجود ندارد و برای بررسی این‌گونه موارد، مراجعه به اسناد از مناسب‌ترین شیوه‌هاست. بنابراین، روش اسنادی، بخش مهمی از روش این پژوهش را تشکیل می‌دهد. از این روش در بخش اصلی پژوهش که تأثیرهای انقلاب را بر مهدویت بررسی می‌کنیم، بهره خواهیم برد.

دوروزه، درباره نوع سندهای قابل استفاده می‌گوید: «سندها متنوع‌اند و نمی‌توان آنها را به مواردی خاص محدود کرد. هر چه بتوان بر آن تکیه کرد و دلالتی بر موضوع داشته باشد، در حکم یک سند خواهد بود.»<sup>۲</sup> «اسناد می‌تواند منابع مکتوب، مثل کتاب‌ها، روزنامه‌ها، مجلات و...، منابع شفاهی، منابع هنری، وسایل مادی، منابع سمعی و بصری، بناها، مقبره‌ها و... غیره باشد.»<sup>۳</sup>

در این پژوهش، از کتاب‌ها، سایت‌ها، ویلاگ‌ها، مجلات، عکس‌ها، بناها، آمارها، بروشورها و... استفاده می‌کنیم. البته بیشترین استفاده از کتاب‌ها و دیگر اسناد مکتوب، نه

۱. باقر ساروخانی، روش تحقیق در علوم اجتماعی، ج ۱، ص ۲۶۱.

۲. همان، ص ۷۹.

۳. بهروز نبوی، روش تحقیق در علوم اجتماعی، ص ۶۸، ۶۹.



به‌عنوان منبعی کتابخانه‌ای و در راستای فهم آنچه نویسنده قصد بیان آن را دارد، بلکه در راستای آنچه این پژوهش درصدد فهم آن است، صورت می‌پذیرد. درواقع، کتاب‌ها را به‌عنوان اسنادی مهدوی می‌بینیم و نگاهی ثانوی به آنها داریم.

مهم‌ترین روش در این پژوهش، روش اسنادی است. درعین‌حال، در مواردی نیز به فراخور نیاز، از مصاحبه با افراد مرتبط و مسئول درزمینه مهدویت برای فهم نوع و میزان فعالیت‌هایشان استفاده می‌کنیم.

## ۷. چشم‌اندازهای نظری

هدف از این بخش، بررسی مبانی تئوریکِ موضوع پژوهش و بهره‌مندی از ذخایر مفهومی و نظری است که تا پیش‌ازاین ارائه شده و دست‌کم تا حدی به تأیید رسیده است. این کار، محقق را با تجربیات پیشین آشنا می‌سازد و این امکان را به او می‌دهد تا منطق نظری کار خود را استوارتر بنیان نهد. درعین‌حال، پژوهشگر باید متوجه باشد که چشم‌اندازهای نظری موجود، هرچند می‌تواند قدرت تبیینی خوبی به او بدهد، ساختاری است که او را به محدودیت نیز خواهد انداخت و آزادی عمل را از وی خواهد گرفت. واقعیت‌های بیرونی تعهدی ندارند تا در قالب نظریات انسان‌ها بگنجد و حیاتشان را به چهارچوب‌هایی که ما می‌سازیم، محدود سازند. حتی اگر در آغاز، چهارچوب نظری را دقیقاً تعریف کرده باشیم، هنگام انجام کار هر جا واقعیت بخواد ما را به سمت‌وسویی دیگر ببرد، باید به همراهش به ناکجاآبادی برویم که او می‌خواهد و از همراهی با چارچوب‌های گاه تخیلی، ناقص یا نامرتبط با موضوع دست بکشیم. پژوهشگر توانا در پایان کار و به‌عنوان نتایج نظری پژوهش، می‌تواند به ارائه دیدگاه‌های تألیفی یا جدید همت گمارد تا سرمایه‌ای باشد برای تحقیقات بعدی.

موضوع این پژوهش، «بررسی تأثیرهای انقلاب اسلامی بر رشد مهدویت در ایران»

است. با دقت در عنوان پژوهش، از جمله حوزه‌های جامعه‌شناسی که می‌تواند به غنای مفهومی و نظری این پژوهش کمک کند، حوزه جامعه‌شناسی دین است که اکنون به نظریه‌های مربوط به آن اشاره می‌کنیم.

### نظریه‌های جامعه‌شناسی دین

به نظر می‌رسد با توجه به ماهیت دینی موضوع پژوهش، مناسب است سراغ نظریه‌های مطرح در این حوزه برویم. به یک اعتبار می‌توان این نظریه‌ها را به دو بخش عمده تفسیری و تبیینی تقسیم کرد. نظریه‌های تبیینی، مثل نظریه‌های مارکس و دورکیم، به دنبال علل خارجی حوادث دینی هستند، ولی نظریه‌های تفسیری، همچون نظریه‌های گیرتز و الیاده، به دنبال کشف معنای یک حادثه یا فعل در زمینه اجتماعی خاص آن هستند.<sup>۱</sup> نظریه‌های تفسیری، هرچند برای فهم ماهیت دین توانایی بیشتری دارند و آن را به صورت امری مستقل می‌بینند، نه در حاشیه عوامل اجتماعی، و از این نظر به درک پدیده‌های دینی بیشتر نزدیک می‌شوند، ولی مانعی که در این پژوهش بر سر راه بهره‌گیری از این دسته نظریه‌ها وجود دارد، آن است که ما در صدد فهم تأثیرهای انقلاب اسلامی به عنوان عاملی خارجی بر نوع خاصی از گرایش‌های دینی، یعنی مهدویت هستیم و این دسته نظریه‌ها، دین را به عنوان امری مستقل و جدا از عوامل خارجی بررسی می‌کنند. بنابراین، برای تحقیق ما که در پی بررسی تأثیرهای علی انقلاب اسلامی هستیم، سودمند نخواهند بود.

دسته دوم از نظریه‌ها که با نگاه تبیینی سراغ پدیده‌های دینی می‌روند، نگاه به تبیین کارکردی روی می‌آورند، که این دسته نیز برای این تحقیق که به دنبال تبیین کارکردهای مهدویت یا کارکردهای انقلاب اسلامی نیست، کارایی لازم را نخواهند داشت، و نگاه به تبیین علی پدیده‌ها می‌پردازند. در تبیین علی می‌توان به بررسی تأثیرهای علی دین بر پدیده‌های

۱. دانیل لیتل، تبیین در علوم اجتماعی، ترجمه عبدالکریم سروش، ص ۱۱۳.

اجتماعی پرداخت؛ همچون اثر معروف وبر، که اخلاق پروتستانی را عاملی برای ایجاد سرمایه‌داری و عقلانیت ابزاری در غرب معرفی می‌کند؛ یا می‌توان تأثیر پدیده‌های اجتماعی را بر دین بررسی کرد. نوع اخیر با موضوع پژوهش که بررسی تأثیرهای «انقلاب اسلامی» که پدیده‌ای اجتماعی است، بر «رشد مهدویت» که پدیده‌ای دینی است، تناسب دارد.

اصل تأثیرگذاری جامعه بر دین، امری پذیرفتنی و توجه به آن برای دین‌داران، مسئله‌ای مهم و شایسته‌اعتناست. دین در عین منشأ الهی خود، هنگامی که از مرحله دریافت و ابلاغ آن از سوی پیامبران می‌گذرد و به جامعه انتقال می‌یابد، در معرض اجتماعی شدن قرار می‌گیرد. این سخن را می‌توان از برخی روایات شیعی نیز فهمید.<sup>۱</sup>

در این زمینه، کسانی به بحث پرداخته‌اند و نمونه‌هایی را بررسی کرده‌اند. فیل زاگرمین در کتاب درآمدهی بر جامعه‌شناسی دین، دو نمونه از تأثیر زندگی اجتماعی را بر دین توضیح می‌دهد. او تأثیر فمینیسم بر زندگی دینی در امریکا، و نیز تأثیر جنبش حقوق مدنی در امریکا و عوامل دیگر را بر تغییر آموزه‌های مورمون‌ها در قبال سیاه‌پوستان، که زمینه را برای پذیرش مذهبی سیاهان و امکان کشیش شدن آنان فراهم ساخته است، توضیح می‌دهد.<sup>۲</sup> البته نویسنده، مکانیزم خاصی برای تأثیر اجتماع بر دین بیان نمی‌کند و صرفاً به ذکر برخی شواهد تاریخی می‌پردازد که می‌توانسته بر تغییرات مورد ادعا اثرگذار باشد.

### جنبش‌های هزاره‌ای

در میان نظریه‌های مطرح در جامعه‌شناسی دین، می‌توان به نظریه‌هایی اشاره کرد که به جنبش‌های هزاره‌گرایی می‌پردازند. این دسته از نظریه‌ها به دلیل نزدیکی و همخوانی با موضوع مهدویت، احتمالاً بیش از دیگر نظریه‌ها می‌توانند در فهم موضوع کمک کنند.

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۹۷، ح ۱۶؛ سیدابوالقاسم خویی، معجم رجال الحدیث، ج ۹، ص ۱۶۱.

۲. ر.ک: فیل زاگرمین، درآمدهی بر جامعه‌شناسی دین، ترجمه خشایار دیهیمی، ص ۱۴۰-۱۷۱.

همیلتون، خلاصه‌ای از دیدگاه‌های مطرح در این زمینه را مطرح می‌کند. برای جنبش‌های هزاره‌ای، ویژگی‌های متعددی بر شمرده‌اند. تالمون دربارهٔ برخی از این ویژگی‌ها می‌نویسد: این جنبش‌ها، مذهبی هستند و در انتظار رستگاری قریب‌الوقوع، همه‌جانبه، غایی [پایان خوش تاریخ]، این جهانی و همگانی می‌باشند. کوهن، جنبهٔ غایی را حذف می‌کند و به جای آن می‌افزاید که رستگاری هزاره‌ای، معجزه‌آسا محقق خواهد شد.<sup>۱</sup> جنبش‌های هزاره‌ای، دارای توان انقلابی و قدرت تغییر جهانی است و زیرورو شدن کل نظم جهانی را انتظار می‌کشد و با شورش و انقلاب ستم‌دیدگان پیوستگی دارد<sup>۲</sup> و عواطف شدیدی را در مؤمنان برمی‌انگیزاند و تمام وجود آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این میان، مؤمنان احساس عمیق گناه یا احساس مسئولیت بالا در قبال مصیبتی دارند که دچار آن شده‌اند. این مسئله با گناهکار بودن ذاتی انسان در مسیحیت مرتبط است.

ویژگی دیگر این جنبش‌ها، به رهبرانی بازمی‌گردد که برای انجام این رسالت برگزیده شده‌اند. رهبران از میان مردگان برمی‌خیزند یا شخصیت‌های فراطبیعی با سیمای انسانی هستند یا نیای رستاخیز در برخی قبایل‌اند.<sup>۳</sup>

برای پیدایش جنبش‌های هزاره‌ای، برخی زمینه‌ها را بر شمرده‌اند که با جوامع ابتدایی و جوامع فتودالی مربوط است و از ذکر آنها پرهیز می‌کنیم، ولی ذکر این زمینه می‌تواند مهم باشد که «هرگاه جامعه با یک قدرت سیاسی برتر در نبرد باشد و از یک رشته شکست‌ها و سرخوردگی‌ها رنج برد و آرزوهایش برآورده نگردد، باعث می‌شود گرایش‌های هزاره‌ای در مردم رشد کند و زمینهٔ پیدایش این جنبش‌ها به وجود آید».<sup>۴</sup>

«ورزلی می‌گوید: جنبش‌های هزاره‌ای پس از وحدت بخشیدن به مردم و...، به صورت

۱. ملکم همیلتون، جامعه‌شناسی دین، ترجمهٔ محسن ثلاثی، ص ۱۵۲.

۲. همان، ص ۱۵۱.

۳. همان، ص ۱۵۳، ۱۵۴.

۴. همان، ص ۱۶۱.

سازمان‌های سیاسی دنیوی تحول می‌یابند یا ماهیت هزاره‌ای‌شان را از دست می‌دهند و یا به صورت فرقه‌هایی انفعالی، تسلیم‌گرا و کناره‌گیر درمی‌آیند.<sup>۱</sup>

به‌طور خلاصه می‌توان گفت در جامعه‌ای که مذهب، توصیفی روشن از جامعه‌ای آرمانی برای مردم ارائه کرده باشد، بسته به نوع توصیف که بخش مهم آن، بهبود وضع زندگی مادی است، آرمان‌ها و آرزوهای مردم شکل می‌گیرد. در این میان، هرگاه فشارهای اقتصادی یا سیاسی بر مردم شدت گیرد و از راه‌های عادی امکان برطرف ساختن آنها وجود نداشته باشد، این امکان وجود دارد که از طریق یک رهبر با جنبه‌های قوی ماورایی، زمینه پیدایش جنبش‌هایی برای ایجاد جامعه آرمانی و ایجاد تحول عمیق در سطح جامعه و حتی جامعه جهانی و جای‌گزینی ارزش‌ها و هنجارها و ساختارهای جدید سیاسی و اجتماعی به وجود آید.

توضیحات پیشین، تا حدی ما را با دیدگاه‌های مطرح در این زمینه آشنا می‌سازد، ولی برای استفاده از این دسته مباحث و مرتب ساختن آنها در چارچوبی منطقی برای فهم موضوع پژوهش، با مشکلاتی مواجه هستیم. باید توجه داشت که هزاره‌گرایی، مفهومی مسیحی است و برای کاربرد آن در جامعه شیعی ایران، لازم است نوعی بازخوانی و سامان‌دهی جدید بر اساس باورهای شیعی در آن صورت گیرد. همین‌طور برخی، هزاره‌گرایی را مربوط به گذشته دانسته‌اند و بر اساس شرایط جوامع ابتدایی و فئودالی به تحلیل یا بیان ویژگی‌های آن پرداخته‌اند. از این نظر نیز باید به بازسازی آن همت گماشت.

اما مشکل اساسی در استفاده از دیدگاه‌های مطرح در این زمینه، آن است که این دسته تحلیل‌ها، هزاره‌گرایی را عاملی برای به وجود آمدن جنبش و اقدامات انقلابی و ایجاد تحولات عمیق در سطح جامعه می‌دانند. از این رو، برای فهم چرایی وقوع یک انقلاب می‌تواند سودمند باشد، ولی برای فهم گرایش‌های موعودگرایانه پس از انقلاب کسارایی



لازم را ندارد؛ چنان که برخی گفته‌اند: این جنبش‌ها پس از موفقیت یا در پی دورانی از مبارزه، ماهیت هزاره‌ای خود را از دست می‌دهند، در حالی که فرضیه‌های این پژوهش، در راستای بیان رشد مهدویت - یا به تعبیری تسامحی هزاره‌گرایی - در سطح جامعه ایران پس از وقوع انقلاب اسلامی، به‌ویژه در سال‌های اخیر است.

ناگفته نماند که از بخش‌هایی از این نظریه برای فهم اجزایی از پدیده‌های به‌وقوع پیوسته یا در حال وقوع بهره خواهیم گرفت. مثلاً برای تحلیل افزایش توجه به جمکران یا افزایش آخرالزمان‌گرایی در جامعه از آن استفاده خواهیم کرد؛ چنان که نقش منجی‌گرایانه امام خمینی علیه السلام و نیز بحثی که با عنوان «امام خمینی علیه السلام، تداعی گرامام غایب علیه السلام» بدان خواهیم پرداخت، در راستای این نظریه‌ها بیشتر قابل فهم می‌شود.

### نظریه سکولاریزاسیون

نظریه عرفی شدن یا سکولاریزاسیون که به بررسی نقش اجتماعی دین در جامعه مدرن می‌پردازد، معتقد است: بر اثر عواملی چون نوسازی، تقسیم کار، تخصصی شدن و...، نقش اجتماعی و سیاسی دین در جوامع جدید رو به کاهش، و قدرت و نفوذ دین در حال از بین رفتن است.

عرفی شدن که از جمله نظریه‌های مطرح در حوزه جامعه‌شناسی دین است و به تأثیر عوامل اجتماعی بر دین می‌پردازد، با موضوع این پژوهش نیز به‌نوعی همخوانی دارد؛ زیرا این نظریه، به تحولاتی می‌پردازد که در نظام سیاسی و اجتماعی در جامعه جدید روی داده و سبب تغییر و کاهش نقش دین در عرصه اجتماع و به‌ویژه سیاست گشته است. از سویی، انقلاب اسلامی، یک پدیده بزرگ سیاسی و اجتماعی است که بر اساس فرضیه‌های تحقیق، بر بخشی از دین اثر می‌گذارد.

این نظریه نیز مشکلی اساسی دارد؛ زیرا مدعایش، حذف یا کاهش نقش دین در

اجتماع و سیاست است، در حالی که انقلاب اسلامی، سبب افزایش حضور اجتماعی و سیاسی دین و از جمله حضور اجتماعی و سیاسی مهدویت شده است و این در تناقض با نظریه سکولاریزاسیون قرار می‌گیرد و یک نظریه نمی‌تواند عکس فرضیه‌های خود را تبیین کند.

از سویی، از زمان شکل‌گیری جامعه‌شناسی تا چند دهه اخیر، در کشورهای صاحب این دانش، دین اجتماعی رو به افول بوده است. از این رو، در این کشورها، زمینه اجتماعی برای پرداختن به رشد دین سیاسی وجود نداشته است. افزون بر آنکه برخی از جامعه‌شناسان نیز به دین و به ویژه دین سیاسی روی خوش نشان نمی‌دادند. به همین دلیل، شاهد نظریه‌پردازی در این حوزه نیستیم و آنچه به تازگی -چه در داخل کشور و چه در خارج- مطرح می‌شود، تا آنجا که می‌دانیم، به شکل نظریه مشخص اجتماعی انسجام نیافته است.

در عین حال، در خصوص عرفی شدن، بیان نکته‌ای را مقدمه برای طرح نظریه بعدی که مبنای کار خواهد بود، قرار می‌دهیم. در بیشتر تاریخ بشر، دین در همه عرصه‌های زندگی، فعالانه حضور داشته است. با آغاز رنسانس و شکل‌گیری دوران جدید، دین در مغرب‌زمین به حاشیه رفت و از نقش آن در اجتماع و سیاست کاسته شد و جریان سکولاریستی بر اجتماع و سیاست این جوامع حاکم گردید. با نزدیک شدن به آغاز هزاره سوم میلادی و شاید به دلیل باورهای هزاره‌گرایی موجود در غرب و شاید به دلیل رشد معنویت‌خواهی جهانی که پس از انقلاب اسلامی به وجود آمد، جریان مخالف با جریان سکولاریستی رشد یافت. این مسئله در سطح جهان اسلام که البته از نظر قدمت، با حضور استعمار در این کشورها نزدیکی دارد، نمونه‌های بارزتر و بیشتری داشته است و در چند دهه اخیر، شاهد رشد جریان‌ها و حرکت‌هایی هستیم که خواهان حضور سیاسی دین هستند. در میان همه حرکت‌ها و جنبش‌های سیاسی دینی که در جهان اسلام به وقوع پیوست، انقلاب اسلامی ایران، بزرگ‌ترین و مؤثرترین آنها به شمار می‌آید.

برخی، این جریانات و انقلاب اسلامی را خلاف جریان طبیعی عالم و دنیای جدید می‌دانند و به تعبیر برگر، این جریانات را آخرین خاکریز در برابر سکولاریزم می‌دانند که از بین خواهد رفت. «گروه قلیلی از جامعه‌شناسان دینی تلاش داشته‌اند نظریه قدیمی سکولاریزم را با آنچه من آخرین خاکریز نام نهادم، نجات دهند. نوگرایی، سکولاریزم را رواج می‌دهد و نهضت‌های دینی، نظیر حرکت اسلامی و حرکت پروتستان‌تیزم انجیلی، نماد آخرین دفاع و خاکریز دین در برابر سکولاریزم هستند که پایدار نخواهند ماند»<sup>۱</sup>. برخی دیگر مثل برگر، جریان جدید را بازگشت به روال گذشته معمول و دینی تاریخ می‌دانند و در واقع، سکولاریزم را برخلاف جریان طبیعی تاریخ برمی‌شمارند.

در راستای نگاه دوم، انقلاب اسلامی در مسیر احیای دوباره دین سیاسی و بازگرداندن تاریخ به مسیر طبیعی خود قرار گرفته است. می‌توان انقلاب اسلامی را به لحاظ تاریخی و نقش تمدنی، با انقلاب فرانسه مقایسه کرد؛ با این تفاوت که انقلاب فرانسه در مسیر سکولار ساختن جهان حرکت کرد و انقلاب اسلامی در مسیر دینی‌سازی سیاست. البته انقلاب فرانسه با پیشینه حدود ۲۲۰ سال، آثار تمدنی بیشتر و ملموس‌تری داشته و انقلاب ایران به لحاظ نقش تمدن‌سازی که می‌تواند بر عهده داشته باشد، به دلیل پیشینه کمتر و حدود سی ساله خود، آثار کمتر و ناآشکارتری بر جای گذاشته است.

توجه به جایگاه انقلاب اسلامی از منظر مورد بحث و همچنین از نظر تأثیری که می‌تواند بر دین و گرایش‌ها و رفتارهای دینی بر جای بگذارد، زمینه مناسبی برای طرح نظریه تاریخی - چرخشی و نظام‌های فرهنگی سوروکین و مباحثی که او در رشد و افول نظام‌های اجتماعی - فرهنگی دارد، فراهم می‌سازد. مدلی که سوروکین برای رشد نظام‌های اجتماعی - فرهنگی ارائه می‌دهد، مبنایی برای چهارچوب نظری و مدل تحلیلی این پژوهش خواهد بود.

۱. پیتر برگر، افول سکولاریزم، دین خیزش‌گر و سیاست جهانی، ترجمه افشار امیری، ص ۲۷.

## چهارچوب نظری

### نظریه ابرنظام فرهنگی و رشد نظام‌های اجتماعی- فرهنگی

الکساندر پیتریم سوروکین، جامعه‌شناس روسی که بیشتر عمر خود را در امریکا گذراند، پس از بررسی‌های مفصل تاریخی درباره تمدن‌ها و نظام‌های اجتماعی و فرهنگی حاکم بر جوامع گذشته، نظریه چرخشی خود را در خصوص ابرنظام‌های فرهنگی که تاکنون مشاهده شده، بیان می‌کند.

این نظریه به تعبیری، دو سطح کلان و میانی دارد. سطح کلان آن برای درک موقعیت انقلاب اسلامی سودمند است و سطح میانی که در پیوند با سطح کلان و برای توضیح آن ارائه شده، برای تبیین چگونگی رشد مهدویت در چهارچوب انقلاب اسلامی قابل بهره‌گیری است. سوروکین در سطح میانی، الگویی برای رشد یا افول نظام‌های اجتماعی- فرهنگی ارائه می‌دهد. در این پژوهش، مهدویت را چونان یک نظام اجتماعی- فرهنگی در نظر می‌گیریم و رشد آن را در چهارچوب انقلاب اسلامی بررسی می‌کنیم. برای توضیح این نظریه، ابتدا به طرح برخی مفاهیم آن و سپس به اصل نظریه می‌پردازیم.

## انواع پدیده‌ها

سوروکین، پدیده‌ها را به سه دسته تقسیم می‌کند: ۱. پدیده‌های غیرارگانیک که تنها از یک عامل فیزیکی- شیمیایی تشکیل شده‌اند؛ ۲. پدیده‌های ارگانیک که دو عامل فیزیکی و حیاتی دارند؛ ۳. پدیده‌های سوپرارگانیک یا فرهنگی که عامل مجرد معنا نیز به آن افزوده می‌شود. این عامل، نقشی تعیین‌کننده در سرنوشت پدیده‌ها دارد.<sup>۱</sup>

۱. الکساندر پیتریم سوروکین، نظریه‌های جامعه‌شناسی و فلسفه‌های نوین تاریخ، ترجمه اسدالله نوروزی، ص ۲۲۳، ۲۲۴.

### مجموعه فرهنگی

توده‌ای از زباله که در نزدیکی شهر قرار دارد، متشکل از اشیای بی‌شمار و گوناگون فرهنگی است که مجاورت مکانی، تنها رابط میان آنهاست. بنابراین، می‌توان برخی از این اشیای را تغییر داد، کم یا زیاد کرد و به قطعه‌های کوچک‌تر تقسیم نمود، بی‌آنکه تغییری در دیگر اشیای فرهنگی مجاور به وجود آید. این اشیای در کنار هم، یک مجموعه فرهنگی را درست می‌کنند.<sup>۱</sup>

### نیمه مجموعه فرهنگی

هرگاه هیچ‌نوع رابطه محسوس علی و معنایی میان تعدادی اشیای فرهنگی وجود نداشته باشد، مثل اشیای متنوعی که در جیب شلوار هر آدمی ممکن است یافت شود، ولی هر کدام از این اشیای از نظر علی بتواند با عامل مشترکی پیوند داشته باشد، همه آنها از راه رفع یکی از نیازهای صاحبشان، باهم ارتباط علی غیرمستقیم دارند، درعین‌اینکه تأثیری نیز بر هم ندارند. این اشیای فرهنگی، یک نیمه مجموعه فرهنگی را به وجود می‌آورند.<sup>۲</sup>

### نظام فرهنگی

در نظام فرهنگی، هر تغییری که در یک بخش مهم آن روی دهد، الزاماً در دیگر بخش‌ها و در نهایت، در کل مجموعه اثر محسوسی خواهد داشت. در نظام فرهنگی، رابطه مستقیم علی میان اجزا وجود دارد. برای مثال، در یک نظام انعطاف‌ناپذیر طبقاتی، تحرک و ارتقا به سطوح بالاتر اجتماعی عملاً ناممکن است. اگر مجموعه‌ها و انبوهی از معناها صرفاً از راه مجاورت مکانی وحدت یافته باشند، هرگونه فرضیه‌ای درباره اجزای آن بی‌معناست، ولی

۱. همان، ص ۲۲۹.

۲. همان، ص ۲۲۹، ۲۳۰.

در نظام فرهنگی، مجموع فرضیه‌ها به یک کل بامعنا و قابل فهم تبدیل می‌شود. در این نظام، هیچ فرضیه مهمی نمی‌تواند تغییر کند، مگر آنکه بسیاری از معادله‌ها و فرمول‌های دیگر را تغییر دهد، تا دوباره هماهنگی اولیه آن نظام به وجود آید. این امر در مورد تمامی نظام‌های معنایی بزرگ فلسفی و... صادق است. این وحدت را می‌توان در آیین مسیحیت یا دیگر مذهب‌های بزرگ مشاهده کرد.<sup>۱</sup> مثلاً در نظام فرهنگی شیعه، تغییر در نوع نگاه به حکومت در عصر غیبت و تغییر نیابت عام امام معصوم از مرجعیت به ولایت فقیه، به تغییر در دیگر اجزا، همچون نوع نگاه به انتظار می‌انجامد.

### نظام‌ها و ابرنظام‌های مهم فرهنگی

در کلیت فرهنگ هر ملت، انبوهی از مجموعه‌ها و نظام‌های علی - معنایی وجود دارد. این سلسله، از کوچک‌ترین نظام‌ها یعنی «الف با ب مساوی است» آغاز می‌شود و تا بزرگ‌ترین و گسترده‌ترین آنها ادامه می‌یابد. نظام‌های فرهنگی زبان، علوم، فلسفه، هنر، اقتصاد و... از جمله بزرگ‌ترین نظام‌های فرهنگی هستند. مذهب نیز یکی از بزرگ‌ترین نظام‌های فرهنگی است که بخش عمده‌ای از معانی، ارزش‌ها و هنجارهای آن در یک کل ایدئولوژیک هماهنگ شده و وحدت یافته است. این نظام ایدئولوژیک، به‌طور محسوسی در همه فرهنگ یا محمل‌های مادی و در رفتار هریک از حاملان، کارگزاران و اعضای آن فرهنگ، و نیز در میلیون‌ها شیء مادی، از معبدها و ساختمان کلیساهای بزرگ گرفته تا میلیون‌ها شیء مذهبی و سپس در اعمال روزانه پیروان آن عینیت می‌یابد.

افزون بر نظام‌های گسترده فرهنگی، نظام‌های گسترده‌تری نیز وجود دارد که می‌توان آنها را ابرنظام‌های فرهنگی نامید.<sup>۲</sup>

۱. همان، ص ۲۳۰، ۲۳۱.

۲. همان، ص ۲۳۵، ۲۳۶.



سوروکین معتقد است: تاریخ اجتماعی - فرهنگی بشر، دگرگونی دُوری بین سه ابرنظام است که عبارت‌اند از: ابرنظام حسی، ابرنظام شهودی و ابرنظام حسی - شهودی یا ترکیبی. ابرنظام، واحد یا شخصیتی است که اجزای آن به وسیله اصل بنیانی مشترکی به هم پیوسته است و ارزش اساسی همانندی در بندبند آن وجود دارد. هر ابرنظام، واجد اصلی مرکزی است که کل آن ابرنظام در محور آن شکل می‌گیرد و هر یک از اجزای آن، از آن اصل مرکزی معنا کسب می‌کند و در نتیجه، مجموعه اجزا به صورت یک کل درمی‌آید.

در ابرنظام حسی، اصل مرکزی که برای دیگر اجزا نقش محوری دارد و آنها را حول خود سامان می‌دهد، همان حس و امور محسوس است. حس، حقیقت اصلی و ارزش راستین است و ورای آن، هیچ واقعیت غیرحسی دیگری وجود ندارد. حس، اصل مرکزی برای همه نظام‌های فرهنگی کوچک و بزرگ است؛ یعنی وجه غالب علوم، فلسفه، هنر، سیاست و... حس خواهد بود و با بررسی هر یک از این نظام‌های فرهنگی، حسیات را آشکارا در آن مشاهده می‌کنید؛ البته غیرحسیات نیز ممکن است در حاشیه یافت شود.

سوروکین، نمونه ابرنظام حسی را تمدن فعلی غرب می‌داند و معتقد است این ابرنظام از حد خود گذشته و فرسوده گشته و روبه زوال است و باید مشعل خلاقیت را به شکل‌های دیگری از فرهنگ تحویل دهد که فرهنگ جای‌گزین حسی - شهودی یا شهودی خواهد بود. او می‌گوید: بحران بشریت به وسیله هیتلر، استالین یا موسولینی خلق نشده است، بلکه بحران موجود آنها را آنچنان کرده است که هستند. او درباره حوادث پس از جنگ پیش‌بینی کرد که حتی اگر متفقین در جنگ پیروز شوند، بحران بدون تغییر باقی خواهد ماند؛ زیرا بحران اصلی، عملکردهای برخی افراد یا ملت‌ها نیست، بلکه فرهنگ حسی بیش از حد پیشرفته غرب است.

در ابرنظام دوم، یعنی ابرنظام شهودی که توضیحات آن مشابه ابرنظام حسی است، خداوند به عنوان واقعیت و ارزش حقیقی در همه جا نفوذ دارد. از این رو، در همه نظام‌های

فرهنگی، شاهد همین اصل محوری خواهیم بود. نمونه آن، فرهنگ قرون وسطایی است که مفروضات مهم شهودی در تمام اجزای اصلی فرهنگ این دوره نمایان است. مثلاً در تمام انواع هنرهای آن دوره، خدامحوری دیده می‌شود.

در ابرنظام حسی - شهودی یا ایدئالیستی، بخشی از واقعیت حسی و برخی ماورایی است و ترکیبی از دو ابرنظام پیشین وجود دارد. سوروکین برای ابرنظام حسی - شهودی، فرهنگ اروپای قرن سیزده یا فرهنگ یونان قرن پنجم پیش از میلاد را مثال می‌زند. او ابرنظام حسی - شهودی را به دوران انتقال از حسی به شهودی یا برعکس مربوط می‌داند.<sup>۱</sup>

تا این بخش از سخن سوروکین، برای درک مفاهیم مطرح در نظریه او و کلیت انقلاب دینی ایران به عنوان ابرنظامی حسی - شهودی سودمند است، ولی برای بررسی تأثیر انقلاب اسلامی بر رشد مهدویت، از بخش دیگری از نظریه سوروکین بهره خواهیم برد که در آن، به مکانیزم رشد یا افول نظام اجتماعی - فرهنگی می‌پردازد.

### مکانیزم رشد نظام‌های اجتماعی - فرهنگی

بر اساس نظر سوروکین، هر نظامی سه جزء دارد: نظام معانی، وسایل انتقال و عوامل انسانی. هر نظامی که به مرحله تعیین و تجربی شدن رسیده باشد، اولاً نظامی از معانی دارد که این معانی بر آن اصل مرکزی غالب در جامعه و ابرنظام فرهنگی استوار است. مثلاً قانون اساسی و دیگر قوانین امریکا، نمونه‌ای از یک نظام معانی در دل نظام امریکایی و ابرنظام حسی موجود است. ثانیاً نظامی از وسایل منتقل‌کننده تجربی دارد که به نظام معانی، وجود خارجی می‌دهد. برای مثال، وسایلی که به قانون اساسی امریکا یا دیگر قوانین وجود خارجی می‌دهد، عبارت‌اند از: نطق‌ها، اسناد و نوشته‌های کتبی، تشریفات قانونی و بناهایی

۱. همان، ص ۲۳۵-۲۳۹؛ رابرت اچ. لاور، دیدگاه‌هایی درباره دگرگونی اجتماعی، ترجمه کاووس سیدامامی،

مانند دادگاه‌ها و غیره. سرانجام، عوامل انسانی را باید برشمرد که نظام معانی را تحقق می‌بخشد و از راه وسایل منتقل‌کننده معانی، آنها را به اجرا می‌گذارد.<sup>۱</sup>

رابرت اچ. لاور، مطالب پیشین را از کتاب *پویایی‌های اجتماعی و فرهنگی سوروکین* نقل می‌کند. سوروکین در کتاب دیگر خود، *نظریه‌های جامعه‌شناسی و فلسفه‌های نوین تاریخ*، مطالب مشابه‌ای دارد که به درک بهتر از موضوع مورد بحث یاری می‌رساند.

او که ایدئولوژی را به «مجموعه معنای و ارزش‌ها و هنجارها» تعریف می‌کند، می‌گوید: گاه افراد یا گروه‌ها صرفاً از یک ایدئولوژی شناخت کلی دارند، بی‌آنکه به آن عمل کنند یا مجموعه‌ای از محمل‌ها و اشیای مادی مرتبط را درست کرده باشند. گاه این ایدئولوژی در رفتارها نیز ظاهر می‌شود. مثلاً مسیحیت یا بودیسم، ایدئولوژی‌های خود را در اعمال روزانه نیز به کار می‌برند. در اینجا ایدئولوژی، شکل رفتاری به خود می‌گیرد و گاه نیز ایدئولوژی‌های بامعنا را تجسم یا عینیت می‌بخشد. مثلاً بوداییان معبد می‌سازند [یا ایرانیان جمکران را توسعه می‌دهند]. در این صورت، شکل مادی آن ایدئولوژی به وجود آمده است. شکل نخست، سطحی‌ترین شکل آن است که وقتی بُعد رفتاری و مادی گرفت، بر اندیشه‌ها، معناها، رفتارها و فرایندهای مادی اثر می‌گذارد.<sup>۲</sup>

در جایی دیگر، هنگامی که از تولد تمدن‌ها و مراحل ایجاد نظام‌های علی-معنایی سخن به میان می‌آید، می‌نویسد:

هرگونه نظام کوچک و بزرگ معنایی، برای نخستین بار در ذهن توانای خالق آن شکل می‌گیرد. دومین مرحله تولد نظام‌های معنایی-علی، عینیت یافتن آن از طریق محمل‌های مادی است. برای مثال، ثبت آن روی کاغذ،

۱. رابرت اچ. لاور، *دیدگاه‌هایی درباره‌ی دگرگونی اجتماعی*، ترجمه کاووس سید امامی، ص ۳۶.

۲. الکساندر پیتریم سوروکین، *نظریه‌های جامعه‌شناسی و فلسفه‌های نوین تاریخ*، ترجمه اسدالله نوروزی، ص ۳۲۷، ۳۲۸.

استفاده از امواج صوتی، ساختن نمونه‌ای از ابزار ابداعی و یا هر شیوه دیگری که نظام معناها، هنجارها و ارزش‌ها را عینیت بخشند. وقتی عینیت یافتن کامل شد، می‌توان نظام را تولید یافته تلقی کرد. اما اگر بخواهد عمر طولانی داشته باشد و رشد یابد، باید وارد سومین مرحله، یعنی واقعیت تجربی یا مرحله نشر و تکثیر یا جامعه‌پذیری شود و صورت‌های ایدئولوژیکی، رفتاری و مادی آن نیز باید علاوه بر پذیرش نزد پدیدآورنده‌اش، میان دیگر گروه‌های انسانی و مجموعه‌های فرهنگی گسترش یابد؛ در غیر این صورت، با خالق خود می‌میرد. اگر نظام معنایی بزرگ باشد، گاه برای تکمیل هر کدام از مراحل آن، سال‌ها طول می‌کشد و حتی ممکن است قرن‌ها بگذرد تا نظام عینیت یافته‌ای به‌طور گسترده نشر یابد و به‌عنوان نظامی مهم در کل فرهنگ شناخته شود.<sup>۱</sup>

توجه به این مراحل برای درک مراحل ایجاد و تثبیت اجزای گوناگون مهدویت، همچون نیابت عام در قالب ولایت فقیه در جامعه ایران می‌تواند سودمند باشد. سوروکین برای رشد و افول نظام‌های اجتماعی - فرهنگی، مدلی تقریباً یکسان ارائه می‌دهد که با توجه به نوع نیاز این پژوهش، به رشد نظام‌ها می‌پردازیم:

رشد یک نظام، دارای جنبه‌های کمی و کیفی است. رشد کمی یک نظام، با ازدیاد عددی وسایل انتقال یا عوامل انسانی یا هردو صورت می‌گیرد. برای مثال، در یک نظام حقوقی، رشد کمی از طریق افزایش تعداد دادگاه‌ها، حقوق‌دانان یا موضوعات حقوقی و... صورت می‌گیرد، اما رشد کیفی از طریق بهبود در هر یک از سه جزء یا همه اجزاء، یعنی نظام معانی، وسایل انتقال و عوامل انسانی ممکن است روی دهد. رشد کیفی، در واقع حرکتی

است به سمت انسجام مطلوب آن نظام. بنابراین، در یک نظام حقوقی، رعایت هرچه بیشتر برابری و عدالت در میان اعضای جامعه و پایبندی هرچه بیشتر حقوق دانان به ضوابط شغلی و وجدانی، از جمله نشانه‌های رشد کیفی آن است.

عوامل تغییر ممکن است خارج از نظام اجتماعی - فرهنگی باشد و ممکن است از داخل نظام عمل کند یا اشتراکی باشد. اما تأکید سوروکین بر عوامل داخلی است. هر نظامی در اثر فعالیت‌های خود، زمینه تغییر درونی خود را به وجود می‌آورد و هر دگرگونی خاص ممکن است از طریق نظام معانی، وسایل انتقال یا عوامل انسانی آغاز شود.<sup>۱</sup>

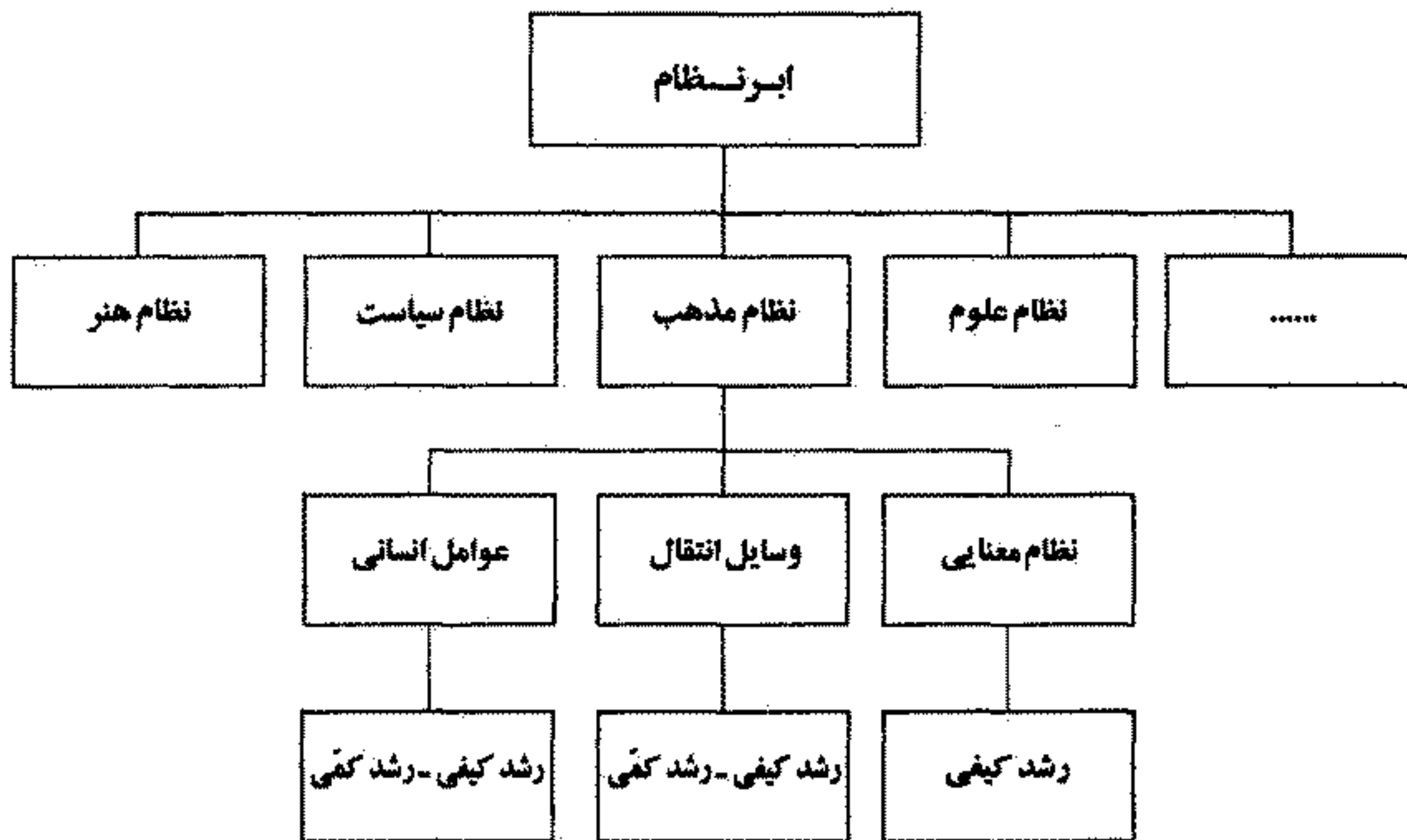
هرگاه تغییر از یک نقطه آغاز شد، به دلیل خاصیت نظام‌مندی، این تغییر به دیگر اجزا نیز می‌رسد. سوروکین، اصولی را برای بیان نحوه تغییر و ارتباطی که میان کل و اجزایش وجود دارد، بیان می‌کند. در اینجا برخی را که با موضوع پژوهش تناسب بیشتری دارد، ذکر می‌کنیم:

اول اینکه در یک نظام شدیداً منسجم، دگرگونی به عنوان مجموعه رخ می‌دهد؛ یعنی تمام بخش‌ها هم‌زمان تغییر می‌کنند. دوم اینکه اگر مجموعه کاملاً منسجم نباشد، دگرگونی ممکن است در برخی خرده‌نظام‌ها رخ دهد، بدون آنکه خرده‌نظام‌های دیگر متأثر شوند. سوم اینکه دگرگونی‌های چشمگیر در بخش‌های مهم نظام قادرند تغییر را در سراسر آن نظام نشر دهند و موجب تغییر در کل فرهنگ شوند.<sup>۲</sup>

دیدگاه‌های سوروکین را می‌توان در مدل ذیل خلاصه کرد:

۱. رابرت اچ. لاور، دیدگاه‌هایی درباره دگرگونی اجتماعی، ترجمه کاووس سیدامامی، ص ۳۶-۳۸.

۲. همان، ص ۳۷، ۳۸.



### مدل تحلیلی

اینک بر اساس نظریه سوروکین، به توضیح برخی ابعاد ارتباط میان انقلاب اسلامی و مهدویت می‌پردازیم.

بخش نخست نظریه سوروکین که به ابرنظام‌ها می‌پردازد، با آنچه در خصوص جریان سکولاریزم و انقلاب اسلامی گذشت، در ارتباط است. جریان تاریخی حضور و غیاب دین در عرصه اجتماع و سیاست و رشد سکولاریزم در چند قرن اخیر و همین‌طور، رشد دین سیاسی با انقلاب اسلامی در این چند دهه و جایگاهی که می‌توان برای انقلاب اسلامی در این روند قایل شد، با نظریه تاریخی سوروکین پیوند دارد. می‌توان انقلاب اسلامی را که در صدد جمع میان دین و دنیا یا همان حس و شهود است، در مراحل نخست ایجاد ابرنظام حسی - شهودی برشمرد.

با پذیرش این فرض، این ابرنظام جدید می‌تواند همچون برخی نمونه‌های تاریخی،

نقش انتقالی ایفا کند؛ چنان که سوروکین با توجه به واقعیت‌هایی تاریخی که تاکنون روی داده، همین ادعا را درباره ابرنظام‌های حسی - شهودی مطرح می‌کند که می‌تواند از صرف تعلق داشتن به یک دوره انتقالی بگذرد و به ابرنظامی مانا مبدل شود. تجربه تاریخی بشر می‌تواند مؤیدی برای احتمال اخیر باشد. توضیح آنکه، بشر در دوران طولانی از تاریخ خود، با رشد بسیار کندی در حسیات روبه‌رو بود و اصل مرکزی که امکان مشاهده آن در ابرنظام‌های بشری وجود داشت، امور شهودی بود. پس از دوره‌ای رشد سریع حسیات، احساس بی‌نیازی به امور شهودی شکل گرفت و در نتیجه، حسیات، اصل مرکزی ابرنظام به وجود آمده را ساخت. اما پس از چند قرن حس‌گرایی، ضعف‌های آن آشکار شد و گرایش به بهره‌گیری هم‌زمان از دو نوع تجربه بشری که هر کدام کارکردهای خاص خود را دارند، فراهم آمد. در این مقطع از تاریخ، انقلاب ایران بر اساس دینی به پیروزی رسید که در مقایسه با دیگر ادیان، واجد بیشترین توانایی برای جمع میان حس و شهود است. بنابراین، انقلاب اسلامی ایران را می‌توان در یک موقعیت حساس تاریخی دید و عهده‌دار مسئولیتی سترگ در برابر جامعه بشری دانست.

این سخن، همچنین در پیوند با دیدگاه‌هایی قرار می‌گیرد که با توجه به منطق دینی، انقلاب اسلامی را مقدمه ظهور و زمینه‌ساز تأسیس جامعه آرمانی مهدوی معرفی می‌کند؛ جامعه‌ای که در آن، هم مادیات و هم معنویات در اوج خواهد بود.

حال با این مقدمه و درک موقعیت ایران بر اساس نظریه سوروکین، می‌توان گفت انقلاب اسلامی، ایران را در مسیر ایجاد تحولات ساختاری و ارزشی قرار داد و شاخصه اصلی خود را اسلام سیاسی و اهتمام به نیازهای مادی و معنوی انسان تعریف کرد که در نقش اصل مرکزی برای ابرنظام جدید عمل می‌کند. انقلاب ایران در مسیر تحقق تدریجی این امر، در حال تزریق آن اصل مرکزی در نظام‌های گوناگون در سطح جامعه



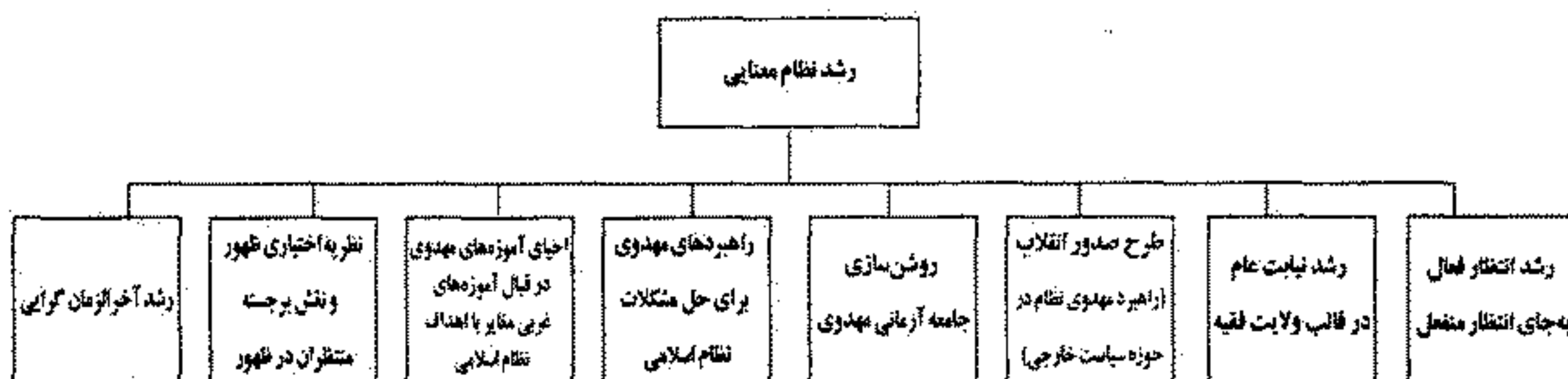
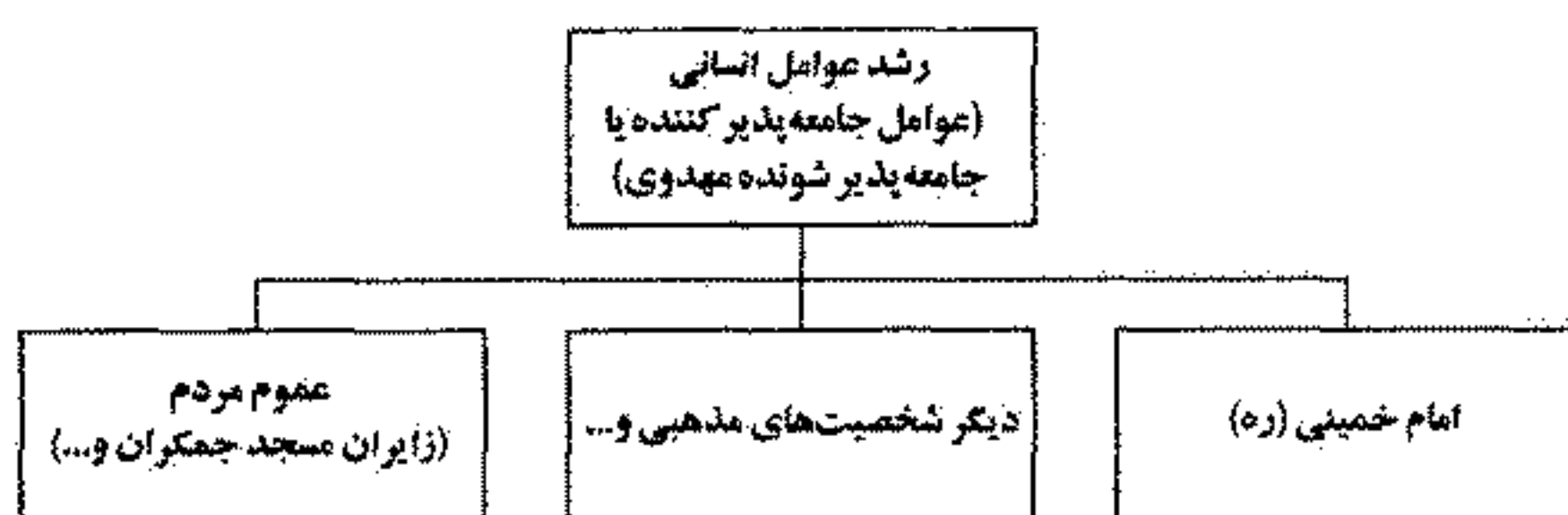
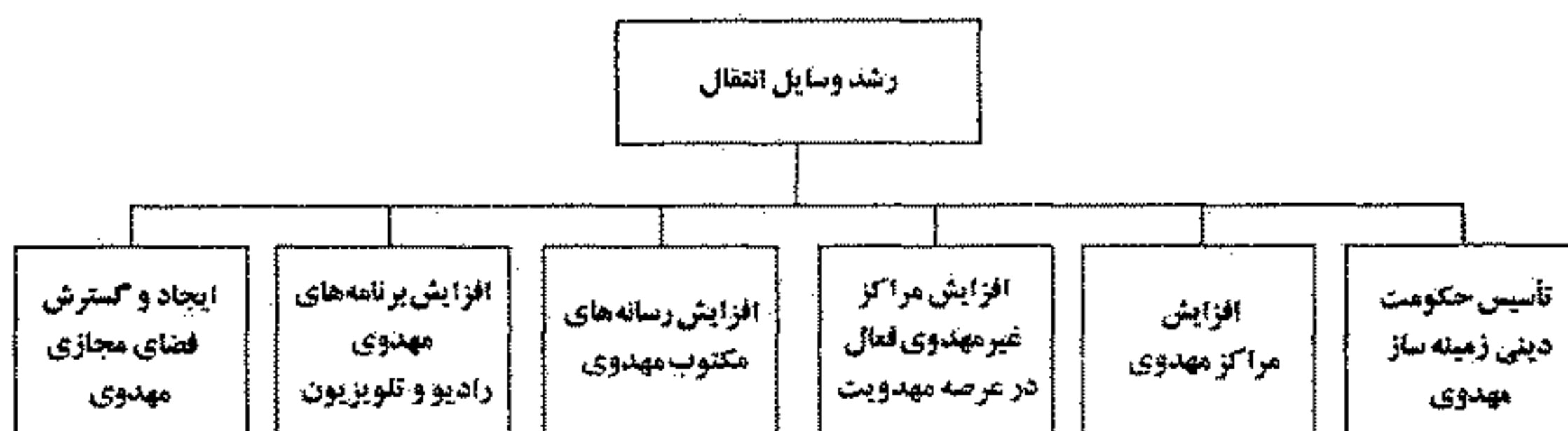
ایران و در مواردی خارج از ایران است. حال اگر بخواهیم بر اساس طرح کلان سوروکین به بررسی نقش احتمالی تمدن‌سازی ایران پردازیم، باید میزان حضور اصل مرکزی ابرنظام جدید مفروض را در مهم‌ترین نظام‌های موجود در جامعه ایران بررسی کنیم و ببینیم: آیا در هر نظام اجتماعی - فرهنگی بزرگ در جامعه ایران، نظام معانی و ایدئولوژیکی مرتبط با آن نظام، وسایل انتقال و محمل‌های مادی آن و نیز عوامل انسانی مجری و همین‌طور جامعه‌پذیری آن نزد غیر از نسل نخست، در حال تحقق است یا خیر؟ اما هدف ما این بررسی سترگ نیست. مهم‌ترین استفاده ما از دیدگاه‌های سوروکین، بررسی حلقه‌ای از حلقه‌های طرح کلان سوروکین، آن‌هم نه لزوماً برای مشخص ساختن جایگاهی است که در طرح سوروکین دارد. در اینجا می‌خواهیم رشد یک نظام اجتماعی - فرهنگی، یعنی نظام مهدوی را در دل ابرنظام حسی - شهودی در حال شکل‌گیری بررسی کنیم.

البته نظام مهدوی به دلیل آنکه نوع نظام سیاسی و جامعه آرمانی را که باید برای رسیدن به آن، برنامه‌ریزی و تلاش کرد، مشخص می‌کند، از اهمیتی ویژه در بین دیگر نظام‌ها برخوردار است و چون در چهارچوب مفهوم نیابت عام، نوع نظام سیاسی را مشخص می‌سازد، در تولید اصل مرکزی ابرنظام حسی - شهودی که همان اسلام سیاسی است، نقش ایفا می‌کند و هنگام رشد تدریجی ابرنظام، همین اصل مرکزی برخاسته از نظام مهدوی، دیگر اجزای نظام مهدوی را متأثر از خود به رشد و کمال بیشتر می‌رساند.

به بیانی دیگر، در این نوشتار می‌خواهیم حرکت نظام اجتماعی - فرهنگی مهدوی را به سمت انسجام بیشتر در چهارچوب ابرنظام حسی - شهودی جدید و شکل‌گیری محمل‌های مادی و وسایل انتقال آن، و نیز تا حدی جامعه‌پذیری آن را در بین مردم پس از انقلاب اسلامی بررسی کنیم.

اکنون بر اساس دیدگاه‌های سوروکین، مدلی را برای فهم تأثیرات انقلاب اسلامی بر مهدویت بیان می‌کنیم. قالب این مدل، برگرفته از نظریه سوروکین و محتوای آن بر اساس واقعیت‌های مربوط به انقلاب اسلامی و مهدویت در ایران سامان یافته است. بیان تفصیلی محتوای مورد نظر در فصل‌های آتی خواهد آمد.





برای درک بیشتر از نظریه سوروکین و مدل بیان شده، یادآوری چند نکته لازم است:

۱. سوروکین، عوامل رشد نظام را عمدتاً داخلی می داند و معتقد است: «محرک دیگرگونی اجتماعی را باید در منطق درونی هر یک از این جوامع جست و جو کرد؛ به این معنا که جوامع بشری تحت فشار داخلی برای بسط شیوه تفکرشان به آخرین حد منطقی اش قرار دارند»<sup>۱</sup>.

۱. جورج ریتزر، نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، ص ۷۸.

به نظر می‌رسد برای تبیین رشد نظام مهدوی در ایران، همین نوع عوامل در تبیین مسئله پاسخ‌گو باشد؛ در عین حال در مواردی جزئی، به عوامل خارجی نیز استناد می‌کنیم (در خصوص آخرالزمان‌انگاری عصر حاضر و طرح جدی‌تر آخرالزمان در جامعه ایران).

۲. دیگر آنکه درباره چگونگی عملکرد و تأثیرگذاری عوامل داخلی بر رشد یک نظام توضیحاتی گذشت. برای روشن شدن بیشتر این سخن و نیز برخی گزاره‌ها که در خصوص انسجام نظام مهدوی و تأثیر تغییر یک جزء بر دیگر اجزا در مدل آورده شده، توضیحات ذیل از سوروکین می‌تواند سودمند باشد، ضمن اینکه در جایگاه خود به این بحث خواهیم پرداخت.

هرگاه نظامی از معناها به وسیلهٔ محمل‌های مادی عینیت یابد، دیگر صرفاً نظامی ایدئولوژیک (= مجموعهٔ معناها، ارزش‌ها و هنجارها) نیست، بلکه به صورت نظامی رفتاری و مادی متجلی می‌شود و به نظام علی - معنایی تبدیل می‌گردد. بدین ترتیب، پیوستگی علی همچون پیوستگی معنایی، اجزای خود را به یکدیگر پیوند می‌دهد و نظامی ایدئولوژیک - رفتاری - مادی به وجود می‌آورد. وقتی افراد و اشیای مادی یا انرژی‌های گوناگون به صورت محمل‌ها و عامل‌های همان نظام معنایی درمی‌آیند، عنصر معنا میان تمام این افراد و محمل‌های مادی رابطهٔ علی ایجاد می‌کند. بیشتر نظام‌های اجتماعی - فرهنگی از نظام‌های علی - معنایی هستند و تقریباً تمامی گروه‌های سازمان‌یافته، همچون گروه‌های مذهبی از نوع نظام‌های اجتماعی علی - معنایی هستند که عموماً محکم‌ترین پیوستگی متقابل میان اجزای آنها وجود دارد.<sup>۱</sup>

۳. سوروکین در نظریهٔ خود و برای توصیف این نظام‌ها، از داده‌های گستردهٔ تاریخی بهره می‌گیرد، ولی آنچه در اینجا از او نقل شد، نظریه‌ای عمدتاً سیستمی است که به ارتباط میان اجزای یک نظام و تأثیر آنها بر یکدیگر می‌پردازد و توضیح می‌دهد این

۱. الکساندر پتریم سوروکین، نظریه‌های جامعه‌شناسی و فلسفه‌های نوین تاریخ، ترجمهٔ اسدالله نوروزی، ص ۲۳۲، ۲۳۳.

امر چگونه به رشد یا افول آن نظام می‌انجامد. اما از آنجا که مهدویت پدیده‌ای تکاملی - تاریخی است، فهم درست آن، به شناخت پیشینه تاریخی و تحولاتی بستگی دارد که پشت‌سر نهاده است. از این‌رو، در این پژوهش می‌کوشیم با تأکید بر روش تاریخی و تحلیل اسناد، به درک روشنی از آنچه رخ داده برسیم و از آن برای فهم آنچه در حال وقوع است، بهره‌جوییم.

به سوروکین انتقاد کرده‌اند که عوامل انسانی را گروهی دست‌بسته می‌داند که در ساختار ابرنظام، صرفاً به عاملان و مجریانی برای تحقق نظام معنایی تبدیل شده‌اند؛<sup>۱</sup> هر چند او به ایجاد ایدئولوژی‌ها (معناها، ارزش‌ها و هنجارها) از سوی انسان‌ها و وسایل انتقالی که به دست انسان‌ها تولید می‌شود، توجه داشته است. به هر حال، این اشکال بر او وارد باشد یا نه، در آنچه قصد طرح آن را داریم با توجه به واقعیت‌هایی که در انقلاب ایران رخ داد و نقش ممتاز رهبری انقلاب در آن، که در امور مربوط به مهدویت نیز نقشی تعیین‌کننده داشته است، مقصود ما از عوامل انسانی، کسانی هستند که پیش از آنکه نقش مجری داشته باشند، به وجود آورنده و تغییردهنده نظام معانی و به وجود آورنده ابزارهای جدیدند. درباره نقش نخبگان، کسانی چون پارتو، موسکا و میلز سخن گفته‌اند. توین بی، درباره پیدایش تمدن‌ها، حضور قشری از نخبگان را ضروری می‌داند و معتقد است: «تمام اعمالی که منجر به سازندگی اجتماعی می‌شود، یا از افراد مبتکر سر می‌زند یا از اقلیت‌های خلاق».<sup>۲</sup> حرکت رو به سرایشی یک تمدن، هنگامی آغاز می‌شود که اقلیت فعال، دیگر قادر به انجام عمل مناسب نباشد؛<sup>۳</sup>

۴. دیگر آنکه نظریه سوروکین، نظریه‌ای صوری است، نه محتوایی؛ یعنی این نظریه،

۱. رابرت ایچ. لاور، دیدگاه‌هایی درباره دگرگونی اجتماعی، ترجمه کاووس سیدامامی، ص ۳۹.

۲. همان، ص ۳۰.

۳. همان، ص ۳۱.

صرفاً قالبی را در اختیار پژوهشگر می‌گذارد و به او در خصوص محتوای موضوع تحقیق، بهره‌ای نمی‌رساند. دیدگاه‌های مطرح در زمینه گزینی که بدان اشاره کردیم، در خصوص منجیگرایی اطلاعاتی به خواننده می‌دهد و برای کسی که می‌خواهد درباره مهدویت بیندیشد، چارچوبی خاص از اندیشه‌ورزی مهیا می‌سازد. مثلاً او را به این سلاح مفهومی و فرضیه‌آسایی مجهز می‌سازد که میان افزایش ستم و بی‌عدالتی و رشد هزاره‌گرایی، ارتباط معناداری وجود دارد. اما نظریه‌سوروکین این عیب را دارد که هیچ محتوای مشخصی در زمینه مهدویت، فراروی ما نمی‌نهد. ایراد فقر محتوا معمولاً بر نظریه‌های صوری وارد است، ولی این ویژگی از منظری دیگر، امتیازی برای این دسته از دیدگاه‌ها شمرده می‌شود؛ زیرا این امکان را برای پژوهشگر فراهم می‌سازد تا محتوا را متناسب با واقعیت‌های موضوع یا مسئله پژوهش برگزیند و در قالبی بریزد که نظریه در اختیارش می‌گذارد. این امر به مزیتی ویژه تبدیل می‌شود؛ زیرا دیدگاه‌های موجود در حوزه علوم انسانی، در بستر فلسفی، تاریخی و اجتماعی مغرب‌زمین شکل گرفته و تکامل یافته و گاه به‌طور کلی با واقعیت‌های تاریخی و اجتماعی جوامع دیگر تضاد دارد و توانمندی‌های لازم را برای توضیح پدیده‌های اجتماعی آن جوامع ندارد. به همین دلیل و تا پیش از تولید نظریه‌های بومی و متناسب با حوزه فرهنگی و تمدنی اسلام، بهره‌گیری از نظریه‌های صوری برای تبیین پدیده‌های اجتماعی جامعه ایران که گاه واجد پیچیدگی‌ها و ویژگی‌های منحصر به فرد فرهنگی است، شیوه‌ای مناسب به نظر می‌رسد و این‌گونه نظریه‌ها، از نظر مورد بحث بر نظریه‌های محتوایی برتری دارند.

۵. نکته پایانی به ماهیت انقلاب اسلامی بازمی‌گردد. انقلاب اسلامی با پیدایش خود، سبب ایجاد تحولات ساختاری و ارزشی گسترده در راستای دینی‌سازی جامعه گردید. این مسئله که در انقلاب ایران در خلق اصل محوری ابرنظام حسی - شهودی نقشی

اساسی ایفا کرده و می‌کند، در واقع از پیامدهای همه انقلاب‌ها، به ویژه انقلاب‌های اجتماعی است. در تعریف‌های انقلاب، معمولاً به این نکته اشاره می‌کنند و در نظریه‌های مطرح‌شده در زمینه انقلاب نیز هر چند به تبیین چرایی وقوع انقلاب توجه دارند، از نتیجه این دسته تبیین‌ها می‌توان به سادگی فهمید که پس از وقوع انقلاب، تغییرات ساختاری و ارزشی گسترده‌ای در جامعه رخ می‌دهد. از نظریه‌های تضادگرا، مثل نظریه ماکس درباره انقلاب، که به تعارض‌های روبنا و زیربنا می‌پردازد و «انقلاب را تغییر در شیوه تولید با تغییرات بعدی در همه عناصر تبعی و پیچیده اجتماعی می‌داند»،<sup>۱</sup> تا نظریه‌های کارکردگرا، مثل نظریه جانسون که «انقلاب را ناشی از به هم خوردن تعادل اجتماعی بر اثر تغییرات ارزشی یا محیطی می‌داند»،<sup>۲</sup> و تا دیگر نظریه‌ها، همگی به نوعی به تغییراتی که با انقلاب رخ می‌دهد، می‌پردازند. برای نمونه، جانسون می‌گوید: «یک مرحله از شکل‌گیری انقلاب، آن است که وقتی تعادل نظام اجتماعی به هم می‌خورد، ایدئولوژی شکل می‌گیرد و ایدئولوژی پیروز، اگر باعث برقراری مجدد هماهنگی در نظام اجتماعی گردد، به یک ساخت ارزشی تبدیل می‌شود».<sup>۳</sup> توضیح بیشتر این سخن و تطبیق آن بر انقلاب اسلامی، در آینده خواهد آمد.

۱. مصطفی ملکوتیان، سیری در نظریه‌های انقلاب، ص ۳۲.

۲. همان، ص ۱۱۹-۱۲۱.

۳. همان، ص ۱۲۱، ۱۲۲.



فصل دوم:

مہدویت در باور شیعی

## ۱. گزیده‌ای از زندگی امام مهدی علیه السلام

«امام مهدی علیه السلام دوازدهمین و آخرین امام شیعیان است. نام او همان نام جدش آخرین پیامبر خدا، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و پدرش یازدهمین امام شیعیان، امام حسن عسکری علیه السلام و مادرش نرجس، از نوادگان شمعون، وصی حضرت عیسی علیه السلام و فرزندزاده امپراتور روم است که پس از مسلمان شدن، همسر امام یازدهم شیعیان می‌شود».<sup>۱</sup>

امام مهدی علیه السلام در سپیده‌دم جمعه، نیمه شعبان سال ۲۵۵ در سامرا، یکی از شهرهای عراق امروز، به دنیا آمد.<sup>۲</sup> در متون دینی آورده‌اند او پس از ولادت مخفیانه و معجزه آسایش، همچون عیسی علیه السلام، پیامبر خدا، زبان به سخن گشود و آیاتی از قرآن خواند<sup>۳</sup> که بیانگر بشارت الهی درباره سرانجام جهان و زندگی مستضعفان است که زمین را به ارث می‌برند.<sup>۴</sup> ولادت او را حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و امامان پیشین شیعه وعده داده و مردم نیز در انتظار او بودند تا ریشه ستم و بی‌عدالتی را برکنند و جامعه آرمانی موعود را بسازد، ولی دستگاه بنی‌عباس از رخداد این حادثه واهمه داشت و اقدامات گسترده‌ای برای جلوگیری از

۱. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۱۷-۴۲۳.

۲. همان، ص ۴۲۴-۴۳۴.

۳. آیات خوانده شده: قصص (۲۸)، ۵، ۶.

۴. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۲۵.

ولادت و پس از تولد، برای از بین بردن او انجام داد. البته همه این اقدامات نافرجام ماند و امام مهدی همچون حضرت موسی علیه السلام پیامبر خدا، مخفیانه و معجزه آسا به دنیا آمد. آخرین امام شیعیان پس از ولادت، برای در امان ماندن از حکومت وقت، زندگی مخفیانه ای داشت و تنها معدودی از یاران خاص امام حسن عسکری علیه السلام و بستگان نزدیکش او را دیدند. او پنج سال در کنار پدر زیست. در هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ که امام یازدهم به شهادت رسید، دوران امامت امام مهدی علیه السلام و هم زمان، دوران غیبت ایشان آغاز گشت.

## ۲. غیبت

در باور شیعیان، امام دوازدهم در آغاز امامت، غایب شده است. آنان غیبت را پوشیده ماندن از دیدگان دیگر انسان‌ها، و نه نبودن و معدوم بودن، معنا می کنند. او در بین مردم زندگی می کند، ولی دیگران او را نمی شناسند.<sup>۱</sup> در منابع شیعی، برای غیبت امام غایب که امری با سابقه فراوان در ادیان الهی است، علت‌هایی بیان شده است.<sup>۲</sup> بر اساس روایات شیعه و رخداد تاریخی، غیبت دو نوع است: یکی کوتاه مدت که با آغاز امامت امام دوازدهم در سال ۲۶۰ آغاز شد و تا سال ۳۲۹ ادامه یافت و به غیبت صغرا معروف است. در این دوره، امام غایب، افرادی را در مقام نایب خود برگزید تا واسطه میان او و مردم باشند. تعداد نایبان در این دوره حدوداً هفتاد ساله، چهار نفر بوده است.

غیبت دوم، طولانی مدت است و با مرگ آخرین نایب امام غایب در سال ۳۲۹ آغاز شد. امام غایب در آخرین نامه اش به سمری، فرجامین نایبش، از مرگ سمری پس از شش روز خبر داد و وی را از انتخاب وصی نهی کرد. بر اساس این نامه که در منابع شیعی آمده است، امام می نویسد: «غیبت تام و کامل آغاز شده است. از این پس ظهوری رخ نخواهد

۱. محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۱۴۵.

۲. محمد مهدی حائری پور و دیگران، نگین آفرینش (پژوهشی در زندگی حضرت ولی عصر)، ص ۷۲-۶۸.

داد، جز با اذن خدای تعالی ذکره... و تحقق این امر پس از طولانی شدن زمان و قساوت قلب‌ها و پر شدن زمین از ستم و جور خواهد بود.<sup>۱</sup>

بدین ترتیب، غیبت تام که به غیبت کبرا معروف است، آغاز شد و نخستین صفحات از تاریخ جدید تشیع ورق خورد.

### ۳. انتظار

با آغاز غیبت کبرا و آگاهی از اینکه این غیبت سرانجامی دارد و روزی به پایان می‌رسد، پرسش‌هایی برخاسته از اندیشه‌های مردمی یا روایات دینی می‌توانست ذهن‌ها را به خود مشغول سازد. این گونه پرسش‌ها، سازنده اندیشه انتظار بود. آن امام غایب چه زمان باز خواهد گشت؟ آیا زمان آن مشخص است؟ آیا غیبت او با نوع رفتار آدم‌ها مرتبط است و آیا ظهور دوباره‌اش به نوع رفتار مسلمانان و دیگران بستگی دارد؟ آیا مسلمانان در برابر او و غیبتی که رخ داده، مسئولیتی دارند یا هرآنچه می‌خواهد روی دهد، صرفاً به خواست و اراده خداوند مربوط می‌شود؟ اساساً ظهور او برای چیست؛ برای مبارزه با ستم و بی‌عدالتی و مستکبران جهانی یا برای برقراری جامعه آرمانی که در آن دین‌داری، عدالت، امنیت، دانش، اقتصاد و... در مطلوب‌ترین شکل به وجود آمده است؟

پرسش‌هایی از این دست و پاسخ‌های دینی به آن، به وجود آورنده اندیشه انتظار بود؛ اندیشه‌ای که از یک سو در خصوص آینده، امیدبخش و از سوی دیگر، معین‌کننده موضع یا رفتار مؤمنان در عصر غیبت در برابر پدیده‌ها و حوادث دینی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بود. در طول تاریخ غیبت، تفسیرهای متفاوت و گاه متضادی از انتظار ارائه شده است؛ تفسیرهایی صرفاً فردی یا کاملاً اجتماعی. از اینکه انتظار تنها آرزویی درونی است، تا طرح آن به عنوان استراتژی‌ای تمام‌عیار برای عصر غیبت. از تفسیرهای سرد و انفعالی تا تفسیرهای

۱. شیخ طوسی، الغیبه، ص ۳۹۵.

گرم و پویا. از تفسیرهایی جبرگرایانه تا تفسیرهایی مبتنی بر اراده آزاد انسانی و نقش آن در به وقوع پیوستن یا نپیوستن ظهور که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، در بیانی، تعدادی از این برداشت‌ها را برمی‌شمارد که به اختصار بدان می‌پردازیم: ۱. نشستن در خانه و مسجد و دعا کردن برای فرج؛ ۲. بی‌توجهی به پیرامون و آنچه در جهان می‌گذرد و عمل کردن به تکالیف شخصی؛ زیرا امور مهم را خود حضرت درست خواهد کرد؛ ۳. وقتی حضرت می‌آید که عالم پر از معصیت و گناه گردد؛ پس نباید جلو آن را گرفت، تا با افزایش گناه، فرج نزدیک شود؛ ۴. باید به گناهان دامن زد و مردم را به گناه دعوت کرد تا دنیا پر از ستم و بی‌عدالتی شود و امام ظهور کند؛ ۵. هر حکومتی در عصر غیبت، باطل و برخلاف اسلام است.<sup>۱</sup>

برداشت دیگر، ضرورت آمادگی نظامی است. این برداشت، متناسب با دوران آغاز ظهور است. بر اساس متون دینی، در این دوره، جنگ‌هایی میان دو جریان حق و باطل در جهان رخ خواهد داد. بنابراین، منتظران ظهور باید خود را برای آن زمان آماده سازند.

برداشت متفاوت دیگر، آن است که منتظر واقعی ظهور، کسی است که در عصر غیبت، تمام تلاش خود را برای تهذیب نفس و رسیدن به ملاقات امام زمان علیه السلام به کار بندد. چنین شخصی لیاقت سربازی آن حضرت را دارد. این برداشت، به انتظار، فردگرایانه می‌نگرد و به دلیل تأکید فراوان بر استاد اخلاقی که مرشد و راهنمای رهروان است، به نوعی شخص‌محور و شبیه دیدگاه‌هایی است که باب و قطب بودن برخی افراد را اشاعه می‌دهند.

گفتنی است دست کم برخی از این برداشت‌ها، امکان جمع با یکدیگر را نیز دارند.

#### ۴. آخرالزمان

اگر زندگی بشر را به سه دوره ابتدایی، میانی و پایانی تقسیم کنیم، آخرین دوره زمانی را

۱. ر.ک: روح‌الله خمینی، صحیفه نوز، ج ۱۹، ص ۱۹۶، ۱۹۷.

آخرالزمان می‌نامند. آخرالزمان، از جمله مفاهیم مطرح در ادیان بزرگ، همچون یهودیت، مسیحیت و اسلام است و با فلسفه تاریخ که در بردارنده دیدگاه‌هایی درباره پایان تاریخ است، پیوندی ناگسستنی دارد.

باور به آخرالزمان و تقویت حس آخرالزمان بودن دوره فعلی در ذهن افراد جامعه یا همه جامعه بشری، سبب ایجاد باور به رخ دادن تحولات گسترده و عمیق در یک دوره به نسبت کوتاه زمانی در سراسر جهان می‌شود. وجود این نوع باور و تقویت آن میان افراد جامعه یا جامعه جهانی، آنها را آماده پذیرش و مشارکت در تغییرات گسترده و پرشتابی می‌سازد که همه جهان را دربر خواهد گرفت.

اما ارتباط آخرالزمان با مباحث مربوط به مهدویت، آن است که بر اساس متون دینی، ظهور و قیام امام قائم علیه السلام در دوران پایانی تاریخ یا همان آخرالزمان رخ می‌دهد و ورق‌های پایانی تاریخ به دست آن حضرت رقم خواهد خورد. در این باره، روایات متعددی در متون دینی آمده است؛ از جمله این سخن پیامبر: «مژده باد شما را به ظهور مهدی که در آخرالزمان، هنگام سختی روزگار و فتنه و اختلاف و عدم امنیت می‌آید و خداوند به وسیله او زمین را پر از قسط و عدل می‌کند»<sup>۱</sup>.

آخرالزمان، به دو دوره با یک نقطه عطف تقسیم می‌شود که نقطه عطف میانی آن، ظهور و قیام امام قائم علیه السلام است، و دوره پیش از آن، دورانی سیاه و تاریک، پر از ستم و بی‌عدالتی و فساد و بی‌دینی است، و دوره پس از آن، دورانی روشن و امیدبخش، همراه با فراوانی نعمت، آسایش و امنیت، افزایش عقل و گسترش دانش و فراگیری عدالت و دین‌داری و خداپرستی است.

در اینجا برخی ویژگی‌های جوامع آخرالزمانی پیش از ظهور را برمی‌شماریم که در متون دینی آمده است و کمابیش با تصویر ذهنی مردم از آخرالزمان تطبیق دارد. توجه به

۱. مجتبی تونه‌ای، فرهنگ الفبایی مهدویت: موعودنامه، ص ۳۵؛ به نقل از: لطف‌الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر،

این ویژگی‌ها از این نظر مهم است که مردم با مشاهده نمونه‌ها و مصداق‌های آن در جامعه، دوره فعلی را همان آخرالزمان معهود می‌پندارند و این پنداشت می‌تواند داوری‌ها و عملکردهایشان را متأثر سازد و باور آنها را به نزدیکی ظهور تقویت کند. در نتیجه، به نمادهای مهدوی در سطح جامعه و افراد یا جریان‌هایی که بر اساس تفسیری از مهدویت برنامه‌ریزی و حرکت می‌کنند، گرایش یابند.

برخی از این ویژگی‌ها را از زبان امام محمد باقر علیه السلام می‌شنویم:

هنگامی که قیام امام زمان علیه السلام رخ می‌دهد، مردان، خود را شبیه زنان می‌گردانند و زنان، خود را شبیه مردان؛ مردها به مردها اکتفا می‌کنند و زن‌ها به زن‌ها. در این دوره، زنان بر مرکب‌ها سوار می‌شوند. شهادت دروغ پذیرفته می‌شود و شهادت انسان‌های عادل رد می‌گردد. مردم، ریخته شدن خون و ارتکاب زنا و خوردن ربا را سبک می‌شمارند...<sup>۱</sup>

یا امام علی علیه السلام می‌فرماید:

... هنگامی است که مردم نماز را بمیرانند و امانت را ضایع سازند و دروغ را حلال شمارند و ربا بخورند و رشوه بگیرند... و صبر و بردباری، ضعف به حساب آید و بستم کردن، مایه مباهات و فخر باشد و حاکمان، فاجران و وزیران، ظالمان باشند... قرآن‌ها زینت و مسجدها زیور و مناره‌ها بلند شوند و اشرار گرامی داشته شوند و صف‌ها پر از دحام و خواسته‌ها و هواها مختلف و پراکنده گردند و پیمان‌ها نقض شوند و... زنان در اثر حرص بر دنیا با شوهرانشان در تجارت مشارکت کنند و صدای فاسقان بر تری یابد و سخنشان شنیده شود...<sup>۲</sup>

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۲.

۲. همان، ص ۱۹۵.



بیشتر آنچه در اینجا آمد، از رخدادهای فرهنگی و اجتماعی آخرالزمان است. در روایات، برخی رخدادهای طبیعی و سیاسی نیز بیان شده است که در شرایط و نشانه‌های ظهور به برخی از آنها اشاره خواهیم کرد.

می‌توان این ویژگی‌ها را از نشانه‌ها یا شرایط ظهور نیز دانست؛ زیرا ویژگی‌های یادشده که اموری سلبی هستند، باید مربوط به پیش از ظهور باشند و نه پس از آن، که جامعه آرمانی مطلوب شکل می‌گیرد. از این نظر می‌توان آنها را از نشانه‌ها یا شرایط ظهور نیز به شمار آورد.

اما نکته پایانی درباره آخرالزمان اینکه، در گذشته این مسئله را امری مربوط به آینده و خارج از اراده انسانی و در ارتباط تام با اراده الهی تصور می‌کردند و امروزه، هرچند این تصور که دوره فعلی، همان آخرالزمان معهود است در بین مردم به گونه‌ای به نسبت پررنگ وجود دارد، ولی این تصور نیز در بین مردم پررنگ است که آخرالزمان، امری خارج از اراده و اختیار انسانی است و از طریق نیرویی ماورایی برای زمین و زمینیان مقدر می‌شود.

## ۵. شرایط و نشانه‌های ظهور

علامت‌ها یا نشانه‌های ظهور، از جمله اموری است که گاه مؤمنان، آن را با علاقه پی می‌گیرند. منظور از نشانه‌ها، مجموعه‌ای از رخدادهای طبیعی یا انسانی است که پیش از ظهور رخ می‌دهد و چون از پیش با عنوان نشانه‌های ظهور معرفی شده است، با مشاهده آنها، تصور نزدیک بودن ظهور در بین مردم تقویت می‌شود.

بحثی که به تازگی در محافل یا نوشته‌های مذهبی مطرح شده و از تحولی در شناخت و برداشت آنان از مسائلی چون ظهور و انتظار حکایت می‌کند و با تحولات مهدویت پس از انقلاب اسلامی همخوانی دارد، مسئله تفکیک میان شرایط و نشانه‌های ظهور است.<sup>۱</sup>

در بیانی کوتاه، شرایط ظهور، علت برای وقوع ظهور است و تا شرایط آن محقق نشود،

۱. سیدمحمد صدر، تاریخ غیبت کبری، ص ۴۰۷-۳۹۵.

معلول آن، یعنی ظهور رخ نخواهد داد، ولی نشانه‌ها، صرفاً نزدیک شدن ظهور را نشان می‌دهند و علت برای وقوع نیستند. نشانه‌ها می‌توانند به تدریج و با فاصله بسیار از زمان ظهور رخ دهند و از بین بروند، ولی تا مجموعه شرایط، که عوامل ایجادکننده هستند، به صورت علت تامه به وجود نیایند، ظهور رخ نخواهد داد.

این تفکیک از این نظر مهم است که معتقدان به آن، شرایط را به دو دسته تقسیم می‌کنند و برخی از آن شرایط را مربوط به خدا و امام غایب می‌دانند که از قدرت ما خارج است و برخی دیگر را مربوط به انسان‌ها می‌پندارند و می‌گویند اگر ما در انتظار ظهوریم و می‌خواهیم این امر رخ دهد، خودمان باید این شرایط را فراهم کنیم. آنان شرایط خدا و امام را از پیش مهیا می‌دانند. بنابراین، اگر مؤمنان انتظار ظهور می‌کشند، خود باید دست‌به‌کار شوند و شرایط دسته دوم را که مهم‌ترین آنها آماده شدن سربازان خاص حضرت و آمادگی عموم مردم برای ظهور است، فراهم سازند. این برداشت با معنای پویا از انتظار همخوانی دارد.

ناگفته نماند که نمی‌توان به آسانی مرز میان نشانه و شرط را از هم جدا ساخت. ممکن است در مواردی نشانه‌ها و شرط‌ها بر هم تطبیق یابند. از این نظر، آنجا که نیازی به تفکیک نیست، به کاربردن تعبیر «ویژگی» به جای «نشانه» یا «شرط» کار را ساده‌تر می‌سازد.

البته نظر دیگری نیز در خصوص نشانه‌ها و شرایط وجود دارد و آن اینکه هرآنچه را نشانه می‌نامیم، در واقع جزئی از شرایط است. با این فرض می‌توان نقش انسان‌ها را در رخداد ظهور پُررنگ‌تر دید.

در عین حال، در روایات که تعبیر علامت یا همان نشانه به کار رفته، آنها را به دو دسته تقسیم کرده است؛<sup>۱</sup> نشانه‌های حتمی و نشانه‌های غیرحتمی. برخی، نشانه‌های حتمی را به شش ماه پایانی منتهی به ظهور مربوط دانسته‌اند. ذکر این نشانه‌ها را می‌توان از خروج

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۴، ۳۰۵.

سفیانی آغاز کرد. قیام او، شش ماه پیش از ظهور آغاز می‌شود و سه ماه پس از ظهور و با قتل او پایان می‌گیرد. سفیانی حرکت خود را از شام آغاز می‌کند. او بر مناطقی چون سوریه، فلسطین و اردن مسلط می‌گردد و از آنجا به سمت عراق حمله‌ور می‌شود. در عراق با سید یمانی مواجه می‌شود؛ آنجا را فتح می‌کند و پس از آن راهی ایران می‌شود. در ایران و در باب اصطخر (حوالی شیراز یا اهواز) با لشکر سید خراسانی که خالی در دست راستش دارد، برخورد می‌کند. فرمانده نظامی سید خراسانی به نام شعیب بن صالح بر سفیانی چیره می‌شود. پس از آن، سفیانی که شکست کامل نمی‌خورد، بخشی از نیروهایش را برای مقابله با امام قائم رهسپار مکه، محل ظهور می‌سازد. آنان سر راه، مدینه را غارت می‌کنند و بسیاری را می‌کشند و سپس رهسپار مکه می‌شوند. در بین راه، صحرای بین مکه و مدینه معجزه آسا می‌شکافد و آن لشکریان را در خود می‌بلعد. سفیانی نیز سه ماه پس از ظهور، به دست یاران مهدی علیه السلام از بین می‌رود.

هم‌زمان با خروج سفیانی، سید یمانی از یمن قیام می‌کند و مردم را به حق فرامی‌خواند. برخی متون دینی، مردم را به پیروی از او دعوت کرده و از مخالفت با او بر حذر داشته‌اند.<sup>۱</sup> یکی دیگر از نشانه‌های حتمی، ندایی آسمانی است که در شب بیست و سوم ماه رمضان از سوی جبرئیل، فرشته مقرب الهی سر داده می‌شود: «صبح نزدیک شد. بدانید حق با مهدی و پیروان اوست». این ندا را همگان و با هر زبانی که با آن سخن می‌گویند، می‌فهمند.<sup>۲</sup> از دیگر نشانه‌های حتمی ظهور، قتل انسانی پاک در کنار خانه خدا، بین رکن و مقام است. او نماینده امام غایب است که پانزده روز پیش از ظهور برای اتمام حجت با مردم مکه از سوی حضرت به آنجا فرستاده می‌شود.<sup>۳</sup>

۱. همان، ص ۲۳۲.

۲. همان، ص ۲۷۴.

۳. همان، ص ۱۵۸، ۳۰۷.

خلاصه آنکه بر اساس برخی روایات، خروج سفیانی، فرورفتن لشکریان او در صحرا، قیام یمانی، قتل نفس زکیه، و ندای آسمانی، از نشانه‌های حتمی ظهور است.<sup>۱</sup>

اما برای نشانه‌های غیرحتمی، موارد بسیاری در متون دینی آورده شده که برخی از آنها کمابیش در بین مردم شایع است و برخی نیز در فضای انقلاب اسلامی و متناسب با ویژگی‌های آن در سطح جامعه مطرح شده است. نمونه‌هایی از نشانه‌ها را در ویژگی‌های آخرالزمان برشمردیم و در اینجا به تعدادی دیگر اشاره می‌کنیم.<sup>۲</sup> ظهور ناامیدی در بین مردم، خشک‌سالی و کم‌بارانی، هرج و مرج و اضطراب میان مردم، ظهور مرگ ناگهانی، جنگ و کشتار، زلزله، ورود رومیان به فلسطین، خروج مغربی و حمله به مصر، کشتار در بصره، خراب شدن پل در بغداد و کشته شدن گروهی بر آن، مرگ عبدالله حاکم مکه که پس از او بر حکومت کسی دیگر اتفاق نمی‌کنند تا ظهور رخ می‌دهد، خارج شدن دانش از کوفه و ورود آن به قم و انتشار آن به سراسر جهان پیش از ظهور، قیام مردی از قم، قیام قومی از مشرق که کشته‌هایشان شهید هستند و باید آنها را کمک کرد؛ زیرا زمینه‌ساز ظهور هستند، قیام سید خراسانی که خالی در دست راست دارد و...، برخی از این نشانه‌هاست.

## ۶. ظهور و انقلاب جهانی

ظهور قائم آل محمد علیه السلام در دهم ماه محرم سالی که تاریخش مشخص نیست، از مکه،

۱. مجتبی ساد، شش ماه پایانی: تقویم حوادث شش ماهه پیش از ظهور، ترجمه محمود مطهری‌نیا، ص ۲۰۰-۲۷۳. بیان تفصیلی تر نشانه‌های حتمی (و غیرحتمی) را در منابع متعددی می‌توان مشاهده کرد. آنچه در اینجا آمد، به نقل از کتاب شش ماه پایانی: تقویم حوادث شش ماهه پیش از ظهور است که نویسنده با توجه به منابع روایی، مسائل بیان شده را بیان کرده است. دیگر آنکه، ترتیب حوادث و فاصله زمانی مطرح شده نیز از همین کتاب است. برخی این ترتیب زمانی را به شکل یادشده درست نمی‌دانند.

۲. نشانه‌های غیرحتمی نیز در منابع متعددی آورده شده است. به جز منابع دست اول و معتبر، می‌توان به منابعی چون: محمدجواد خراسانی، مهدی منتظر؛ مجتبی ساد، شش ماه پایانی؛ علی کورانی، عصر ظهور مراجعه کرد.

مقدس ترین شهر مسلمانان و از کنار خانه خدا آغاز می شود.<sup>۱</sup> ابتدا ۳۱۳ یار خاص امام به او می پیوندند و سپس جمع یارانش به ده هزار نفر می رسد.<sup>۲</sup> در این زمان، حجت بر بندگان تمام شده است و حق طلبان حقانیت امام را شناخته اند.<sup>۳</sup>

بیشتر مردم که از مشکلات جامعه بشری خسته و از انواع راه حل های به کار رفته و وعده های بشری ناامید شده اند و به انتظار منجی جهانی نشسته اند، از امام قائم استقبال می کنند و زمینه گشایش در کار آنان و تشفی قلب مؤمنان فراهم می آید.<sup>۴</sup> در برابر، ستمگران جهانی به مقابله با آن حضرت می آیند و نبرد پایانی تاریخ با ستمگران جهانی آغاز می شود. این نبرد، فرجامین نبرد تاریخ است که پایانش، پیروزی جریان حق و نابودی اهل باطل خواهد بود. با سپری شدن جنگ که مدتش را تا هشت ماه بر شمرده اند،<sup>۵</sup> امام مقرر حکومت خود را عراق و شهر کوفه قرار می دهد و در جهانی عاری از ستمگران، با تربیت انسان های پاک، پایه های جامعه آرمانی اسلامی را در سراسر جهان پی ریزی خواهد کرد.

## ۷. جامعه آرمانی پس از ظهور

وجود باور به جامعه آرمانی و شناخت ویژگی های آن نزد هر ملت، سازنده ساختار ذهنی و ایدئال های آنهاست؛ به طوری که همیشه وضع موجود را با آن ایدئال مقایسه می کنند و توقعات فردی، اجتماعی و سیاسی خود را بر اساس آن سامان می دهند. از این نظر، شناخت ویژگی های جامعه آرمانی مهدوی و به ویژه، آن دسته از ویژگی ها که در نگاه

۱. لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۳، ص ۱۱۵.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۴.

۳. همان، ص ۲۸۱، ۳۰۵، ۳۰۶.

۴. همان، ص ۲۸۹، ۲۹۰.

۵. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۳۲۹.

ایرانیان شناخته شده و عمومیت یافته است، مهم و برای تحلیل رفتار ایرانیان، ضروری به نظر می‌رسد.

برای جامعه آرمانی مهدوی که پس از ظهور شکل می‌گیرد، ویژگی‌های متعددی برشمرده‌اند. برخی را به اختصار بازگو می‌کنیم:

- در این دوره، عقل مردم رشد می‌کند و به درجه بالایی از بلوغ می‌رسد.<sup>۱</sup>
- گستره دانش به شدت افزایش می‌یابد؛ به طوری که تا پیش از ظهور، صرفاً دو بخش از ۲۷ بخش علم در دسترس انسان‌ها قرار گرفته است.<sup>۲</sup>
- زمین، گنج‌های خود را آشکار می‌کند و بذرهای خود را می‌رویاند.<sup>۳</sup>
- آسمان، باران رحمت خود را بر زمین فرو می‌ریزد.<sup>۴</sup>
- وضع معیشتی مردم بهبود می‌یابد و فقر و نداری از بین می‌رود؛ به طوری که کسی، فقیری نمی‌یابد تا زکات مالش را به او بدهد.<sup>۵</sup>
- زمین، عمران و آبادی خود را می‌بیند؛ به طوری که هیچ خرابی در زمین نمی‌ماند، مگر اینکه امام آن را عمران می‌کند.<sup>۶</sup>
- عمرها طولانی می‌شود.<sup>۷</sup>
- امنیت جامعه را فرامی‌گیرد؛ به طوری که زنان شبانه سفر می‌کنند، بی‌آنکه خطری آنان را تهدید کند. حتی گرگ و گوسفند در یک مکان زندگی و کودکان با مار و عقرب بازی می‌کنند.<sup>۸</sup>

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ص ۳۳۶.

۲. لطف‌الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۳، ص ۱۷۱.

۳. همان، ص ۱۳۹.

۴. همان.

۵. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ص ۳۳۷.

۶. لطف‌الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۱۶۸.

۷. همان، ص ۱۴۶.

۸. همان، ص ۱۴۵.

- فضیلت‌های اخلاقی رشد می‌کند و همگان با صفا و صمیمیت در کنار هم زندگی می‌کنند. انسان از جیب دوستش پولی برمی‌دارد؛ در حالی که دوستش او را منع نمی‌کند.<sup>۱</sup>
- هیچ‌کس، دیگری را به بندگی و استعمار نمی‌گیرد.<sup>۲</sup>
- خداپرستی و عبادت خدا به اوج می‌رسد.<sup>۳</sup>
- دین از پیرایه‌ها و تفسیرهای نادرست پاک می‌شود.<sup>۴</sup> گویی امام دینی جدید می‌آورد؛ همان‌گونه که رسول خدا ﷺ آورنده دینی تازه بود.<sup>۵</sup>
- عدالت در همه جا فراگیر می‌شود و به‌سادگی به درون خانه‌ها نفوذ می‌کند.<sup>۶</sup>
- ستم، فساد، رشوه‌گیری، رباخواری، شراب‌نوشی و... از بین می‌رود.<sup>۷</sup>
- ارتباطات انسانی توسعه فزاینده‌ای می‌یابد؛ به‌طوری که فردی که در غرب عالم است، برادرش را در شرق عالم می‌بیند.<sup>۸</sup>

## ۸. ویژگی‌های امام مهدی علیه السلام

شناخت درست امام مهدی علیه السلام که نقش محوری و اساسی در گرایش‌ها و باورهای مهدوی دارد، منوط به شناخت درست مفهوم و ویژگی‌های امامت در نگاه شیعی است. در باور شیعیان، امامت معنایی ژرف‌تر از چیزی دارد که از واژه «امام» یا مترادف فارسی آن، «پیشوا» به ذهن می‌رسد. برداشت سیاسی از امامت یا قایل شدن به مرجعیت

۱. همان، ص ۱۷۴.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۵.

۳. همان، ص ۷۴.

۴. لطف‌الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۲، ص ۴۶.

۵. همان، ج ۳، ص ۱۵۷.

۶. همان، ص ۱۵.

۷. همان، ص ۱۴۵.

۸. همان، ص ۱۷۲.

دینی برای امام، هر چند برداشتی درست است، برای درک تصور شیعیان از امامان خود، ناقص و ناکافی است. امام در نگاه شیعیان، خلیفه، جانشین و حجت خدا بر روی زمین است. این ویژگی، او را به انسانی خاص با توانایی‌های شگفت‌مبدل می‌سازد. باور به وجود این دسته از توانایی‌ها، مشخص‌کننده نوع گرایش‌ها و رفتارهای شیعیان هنگام توجه و برقراری ارتباط معنوی با امامان دوازده‌گانه است. این زمینه در بین شیعیان وجود دارد که این نوع رابطه را در سطحی ضعیف‌تر، با عالمان برجسته دینی که نایب امام غایب نیز شمرده می‌شوند، داشته باشند.

امامت، یکی از مقام‌های آخرین پیامبر خدا، حضرت محمد ﷺ است و پس از ایشان، جانشینان او، یعنی امامان دوازده‌گانه به این مقام رسیدند. امام مهدی ﷺ نیز که یکی از امامان دوازده‌گانه است، مقام امامت را داراست و به همین دلیل، ویژگی‌ها و نقش‌های دیگر امامان را که منبث از مقام امامت است، دارد. افزون بر این، می‌توان برخی ویژگی‌های خاص را برای امام مهدی ﷺ برشمرد که به دلیل شرایط خاص او، به‌نوعی به ایشان اختصاص دارد؛ هر چند برآمده از همان ویژگی‌های عامی است که دیگر امامان نیز در آن شریک هستند.

## الف) ویژگی‌های عام

### ولایت سیاسی

ولایت یا مرجعیت سیاسی، از جمله نخستین ویژگی‌های امام است که دو گروه مسلمانان، یعنی شیعیان و سنی‌ها در اصل وجود آن برای جانشین پیامبر توافق دارند. در باور شیعی، امام معصوم که همچون رسول خدا ﷺ، منصوب از سوی خداست، عهده‌دار مسئولیت‌های سیاسی جامعه پس از پیامبر است و آن را به برخی آیات قرآنی و گفتارهای نبوی و سیره ایشان مستند می‌سازند. این وظیفه بر عهده امام دوازدهم نیز هست و در زمان ظهور، آن را



عملی خواهد ساخت؛ چیزی که دیگر پیشوایان معصوم، یا امکان تحقق آن را اصلاً نیافتند یا کمتر زمینه عملی ساختن آن را پیدا کردند.<sup>۱</sup>

### ولایت دینی

امام پس از رسول خدا ﷺ، از سوی خدا موظف به تأویل و تبیین گفته‌های پیامبر و بیان ناگفته‌هایی است که در عصر نبوی، شرایط ارائه آن وجود نداشت، ولی بر اثر تحولاتی که پس از ایشان در زندگی مردم رخ می‌داد، نیاز دینی زمانه شمرده می‌شد. این وظیفه را امامی بر عهده می‌گیرد که معصوم از گناه و اشتباه و از طرف خدا مجهز به علم الهی است و از این نظر، سخنان او معتبر و قابل اعتماد است. از جمله مهم‌ترین نقش‌هایی که امام غایب پس از ظهور بر عهده خواهد گرفت، زدودن کثرتی‌ها از معارف دینی و پیراستن دین از تفسیرهای نادرست است؛ گویی آن حضرت حامل دینی جدید است.<sup>۲</sup>

### ولایت تکوینی

عمل به دو مسئولیت پیشین، به دلیل غیبت امام در عصر حاضر، عملاً به پس از ظهور واگذار می‌شود و سطح نازلی از این دو را نمایان عام امام در این دوره عملی می‌سازند. درباره مرجعیت یا ولایت سیاسی و دینی نمایان عام امام که به عصر حاضر مربوط می‌شود، در ادامه همین فصل به تفصیل سخن خواهیم گفت، ولی در ولایت تکوینی یا ولایت معنوی که مهم‌ترین ویژگی امام نزد شیعیان است، فرقی میان زمان ظهور و غیبت وجود ندارد. شیعیان در اعمال ولایت، حتی بین امام زنده و امام از دنیا رفته فرقی نمی‌گذارند؛ باینکه در نگاه عالمان شیعی، فرقی‌هایی از این نظر بین امام زنده و امام غیر زنده دیده می‌شود. از این ویژگی با تفصیل

۱. مرتضی مطهری، امامت و رهبری، ص ۲۸؛ همو، ولایه‌ها و ولایت‌ها، ص ۵۲.

۲. مرتضی مطهری، امامت و رهبری، ص ۲۹؛ همو، ولایه‌ها و ولایت‌ها، ص ۴۵.

بیشتری بحث خواهیم کرد؛ زیرا به عصر حاضر مربوط می‌شود و یکی از علت‌های مهم گرایش ایرانیان را به مهدویت، باید در همین ویژگی جست‌وجو کرد.

«نظریه ولایت تکوینی، از یک طرف مربوط است به استعدادهاى نهفته در این موجودی که به نام انسان در زمین پدید آمده است و کمالاتی که این موجود شگفت، بالقوه دارد و قابل به فعلیت رسیدن است و از طرف دیگر، مربوط است به رابطه این موجود با خدا. مقصود از ولایت تکوینی این است که انسان بر اثر پیمودن صراط عبودیت، به مقام قرب الهی نایل می‌گردد و اثر وصول به مقام قرب - البته در مراحل عالی آن - این است که این معنویت انسانی که خود حقیقت و واقعیتی است، در وی متمرکز می‌شود و با داشتن آن معنویت، قافله سالار معنویت، مسلط بر ضمائر و شاهد بر اعمال و حجت زمان می‌شود. زمین هیچ‌گاه از ولی‌ای که حامل چنین معنویتی باشد و به عبارت دیگر، از انسان کامل خالی نیست»<sup>۱</sup>.  
«مجموعه قراین قرآنی و قراین علمی که نزد ما هست، اجمالاً وصول انسان را به مرتبه‌ای که اراده‌اش بر جهان حاکم باشد، ثابت می‌کند»<sup>۲</sup>.

«... پس این آیه شریفه وجعلناهم ائمة یهدون بامرنا»<sup>۳</sup> «آنان را امامانی قرار دادیم که به امر ما هدایت می‌کنند»، به خوبی می‌رساند که هر چه راجع به امر هدایت است، که عبارت از قلوب و اعمال بوده باشد، باطن و حقیقت او در دست امام است و وجه ملکوتی و امری آن، حاضر در مشهد امام بوده، لحظه‌ای از او غایب نخواهد بود»<sup>۴</sup>.

بنابراین، درک و پذیرش مفهوم و کارکردهای ولایت، منوط است به درک و پذیرش ظرفیت و توانایی‌هایی که خدا در وجود انسان نهاده و امدادهای الهی که بر اثر به کارگیری

۱. مرتضی مطهری، ولایها و ولایت‌ها، ص ۶۰.

۲. همان، ص ۶۵.

۳. انبیاء (۲۱)، ۷۳.

۴. سید محمد حسین حسینی طهرانی، امام‌شناسی، ج ۱، ص ۱۳۴. برای اطلاع بیشتر، ر.ک: حسن حسن‌زاده آملی، ولایت تکوینی، قم، قیام، ۱۳۷۱.

آن ظرفیت‌ها به او می‌رسد. امامان، کسانی هستند که این ظرفیت‌های انسانی را در پرتو عنایات الهی، در کامل‌ترین شکل به فعلیت رسانده و به الگوی انسان کامل و خلیفه خدا بر زمین تبدیل شده‌اند. خلیفه و جانشین، واجد توانایی‌های کسی است که خلیفه‌گری او را بر عهده می‌گیرد. بنابراین، امامان، واجد قدرت و توانایی الهی و مجرای بروز صفات الهی در زمین و در بین بندگانش می‌شوند؛ هرچند آنان هرآنچه دارند، از خداست و هر کاری می‌کنند، به اذن الهی و دارای رنگ خدایی و واجد رضایت خداوندی است.

این نوع تحلیل‌ها که تبیین دینی و فلسفی آن از حوصله این نوشتار خارج است، شاید کمتر در بین عموم شیعیان رواج داشته باشد، ولی باور به وجود برخی توانایی‌های خاص نزد پیشوایان معصوم، امری کاملاً پذیرفته‌شده و عمومیت‌یافته میان شیعیان و مبنای ارتباط آنان با امامان است. در اینجا برخی از آنها را برمی‌شماریم. این توانایی‌ها را می‌توان به متون دینی نیز مستند نمود که در اینجا مستندات دینی آن را طرح نمی‌کنیم:

- امام به همه چیز علم دارد و از افراد، روحیات آنها و رفتارهایشان آگاه است.

- امام به دلیل بزرگی و اشراف روحی‌اش، بر آگاهی یافتن از خواسته‌ها و تمناهای قلبی دیگران تواناست و برای انسان‌ها در هر مکان و زمان، امکان برقراری ارتباط قلبی و روحی با او وجود دارد.

- امام افزون بر اینکه به اراده الهی از امور گوناگون آگاه است و سخن‌ها و نجواهای ما را می‌شنود، به اذن خدا می‌تواند در قلب انسان‌ها تصرف کند. از این رو، او که با القابی چون مهدی، هادی، باب‌الله و سبیل‌الله معرفی شده است، توانایی هدایت باطنی و راه‌گشایی معنوی و نشان دادن راه نجات را به مؤمنان دارد و در این مسیر، چونان واسطه‌ای میان خلق و خدا عمل می‌کند و عاملی برای به اجابت رسیدن دعای مؤمنان نزد خداست.

- پرونده اعمال انسان‌ها به طور منظم و پیوسته در اختیار او قرار می‌گیرد. این ویژگی برای کسانی که پیوند عاطفی با امام خود برقرار کرده‌اند، نقش نظارتی ایفا می‌کند. آنان

دوست ندارند با انجام اعمال خلاف شرع، امام را از خود برنجانند و خویشتن را از چتر حمایتی او خارج سازند.

- امام برای شیعیان، سراسر مهر و عطوفت و صداقت است و شیعیان نیز این ویژگی او را سرمایه بزرگی برای خود می‌دانند. از جمله برخورداری‌های مؤمنان از امام غایب، ایجاد ارتباط عمیق قلبی و عاطفی با کسی است که بی هیچ توقع شخصی، یار و غم‌خوار انسان‌ها و با آنها بی‌نهایت مهربان است و قدرت خدادادی شگفت‌انگیزی برای رفع مشکلات دارد. مؤمنان هنگام برقراری ارتباط معنوی، با خاطری آسوده و اطمینان قلبی بالا از لطف و عنایت او، سراغش را می‌گیرند و پس از هر بار برقراری ارتباط، آرامش و معنویتي خاص، وجودشان را تسخیر می‌کند.

- امام افزون بر قدرت تصرف در قلب‌ها، به اذن خدا می‌تواند در طبیعت و اجتماع انسانی تصرف کند. از این رو، شیعیان نیز با شناخت این ویژگی و اینکه او می‌تواند از آن در مسیر گره‌گشایی و حاجت‌روایی بهره‌گیرد، تقاضاهای فردی یا اجتماعی خود را به او عرضه می‌کنند تا واسطه میان آنها و خدا شود و حاجت‌هایشان را برآورده سازد. آنان، عمدتاً نیازها و خواسته‌هایی را که از راه‌های عادی نمی‌توانند به دست آورند یا به دشواری به آن می‌رسند، در پیشگاه خلیفه خدا و واسطه فیض او مطرح می‌سازند و برآورده شدن آنها را از امام می‌خواهند. رفع گرفتاری‌ها، بیماری‌های مزمن و درمان‌ناپذیر، همسریابی و تهیه مسکن، از جمله تقاضاهای فردی شیعیان از امام است. برخی برای بیان اینکه شیعیان باید در پی سطح بالاتری از ارتباط با امام باشند، به این نوع ارتباط‌ها خرده می‌گیرند؛ در حالی که این نوع ارتباط، نتیجه طبیعی باور به ولایت تکوینی امام است و شیوع آن پس از انقلاب اسلامی، با وجود اهتمام ویژه انقلاب به جنبه‌های سیاسی دین، می‌تواند شاهدهی بر این مسئله باشد که در فضای انقلاب اسلامی، توجه به معنویت فردی نیز وجود دارد.

شیعیان افزون بر درخواست‌های فردی، تقاضاهای اجتماعی و سیاسی نیز از امام دارند. این

تقاضاها گاه با توجه به اعتقاد به توانایی‌های ویژه خلیفه خدا بر زمین است؛ یعنی صرف‌نظر از اینکه او زمانی ظهور خواهد کرد و به نابسامانی‌های جامعه پایان خواهد داد، از او برای رفع مشکلات فعلی در عصر غیبت یاری می‌طلبند. گاهی نیز این تقاضاها با توجه به وعده‌های دینی به ظهور امام غایب در آخرالزمان و برطرف شدن مشکلات گوناگون جامعه بشری به دست امام در آن دوران صورت می‌گیرد؛ یعنی با مشاهده این دسته از مشکلات و شیوع مشکلات اجتماعی و غیره، آرزوی ظهور و تشکیل جامعه آرمانی نزد آنان تقویت می‌شود و برای نزدیک شدن ظهور و رفع مشکلات کلان جامعه دعا می‌کنند و اگر برداشتی پویا از انتظار داشته باشند - برداشتی که در فضای انقلاب اسلامی ترویج شده است - توجه به مشکلات موجود در جامعه، آنها را به سمت مواجهه عملی با آن مشکلات نیز متمایل می‌سازد.

- توانایی دیگر امام که شیعیان در ارتباط با او آن را نیز مد نظر قرار می‌دهند، شفاعت خواهی است که خداوند به برخی، از جمله امامان داده است؛ به این معنا که اگر مؤمنان برخی زمینه‌ها را در خود ایجاد کنند، امامان می‌توانند در قیامت، واسطه جلب رحمت خدا و سبب بخشش گناهان یا بهشتی شدن مؤمنان شوند.

### ب) ویژگی خاص

ویژگی‌های خاص در چهارچوب ویژگی‌های عام معنا می‌یابد. هر امامی بسته به شرایط خاصی که در آن قرار می‌گیرد، ممکن است ابعادی از وظایف امامتی او برجستگی بیشتری یابد. درباره امام مهدی علیه السلام و در چهارچوب ویژگی‌های عام ایشان، می‌توان ویژگی خاص منجیگری حضرت را مطرح کرد که خود، جنبه‌های گوناگونی دارد.

### منجیگری

از بارزترین ویژگی‌های امام غایب، منجیگری و نجات‌بخشی اوست. هرچند منجیگری که

نتیجه آن تشکیل جامعه آرمانی اسلامی است، در واقع به معنای تحقق عملی و عینی همان ویژگی‌های عام است، ولی در یک تقسیم‌بندی می‌توان این دو، یعنی ویژگی‌های عام و خاص را جداگانه پی گرفت. این تقسیم‌بندی از این نظر مهم است که ارتباط مردم در عصر غیبت با امام غایب، به یک معنا از سه راه صورت می‌گیرد که برگرفته از دو دسته ویژگی‌های عام و خاص امام است. البته بهره بردن از یکی از سه ویژگی عام امام، یعنی ولایت تکوینی در زمان غیبت، همچون زمان حضور ممکن است. بنابراین، مردم در زمان غیبت نیز برای بهره بردن از این ویژگی امام سراغ او می‌آیند؛ چنان که در این ویژگی، سراغ دیگر معصومان نیز می‌روند. اما ویژگی‌های ولایت دینی و ولایت سیاسی، به زمان ظهور بازمی‌گردد. از این رو، امکان بهره‌برداری از این دو برای مردم در عصر غیبت وجود ندارد. در این دوره، مردم از راه نایبان امام، امکان استفاده از سطح نازلی از این دو را دارند. بنابراین، در دنبال کردن این دو ویژگی در عصر غیبت، باید جهت بحث را به نایبان امام معطوف ساخت.

شیوه دیگر برای ایجاد ارتباط با امام و بهره بردن از ایشان، از راه ویژگی خاص امام غایب، یعنی منجیگری آن حضرت است که تحقق آن، به رخ دادن ظهور مشروط است. اما بسته به تفسیر ما از انتظار در عصر غیبت و جایگاهی که برای خود در دایره انتظار قایل می‌شویم، در این دوره نیز می‌توان با امام ارتباط برقرار کرد. کسی که مشکلات زمانه او را وافی دارد برای تعجیل در ظهور دعا کند یا برای نزدیک شدن ظهور و رفع آن مشکلات، به عملی فردی دست می‌زند یا در کاری جمعی مشارکت می‌ورزد، در واقع از راه ویژگی خاص منجیگری امام با ایشان مرتبط شده است و اقدام او در این راستا ارزیابی می‌شود. این اقدام ممکن است به صورت منفصل از نایبان امام صورت گیرد و ممکن است هماهنگ با آنان رخ دهد که نمونه دومی را در انقلاب اسلامی ایران می‌توان مشاهده کرد.

گفتیم منجیگری جنبه‌های گوناگونی دارد. از جمله آنها، عدالت‌گستری منجی موعود و

مبارزه او با ستم‌ها و فسادهای موجود در سطح جامعه بشری است. این امر از جمله وعده‌های دینی برای پس از ظهور است که به دست امام عصر علیه السلام تحقق می‌یابد. در متون دینی برای جامعه آرمانی پس از ظهور، ویژگی‌های پرشمار دیگری نیز بیان شده است، ولی عدالت‌گستری، شاید مهم‌ترین ویژگی این دوره باشد که در ذهن مردم برجستگی یافته و گویا ظهور صرفاً برای تحقق همین مسئله رخ می‌دهد؛ البته در روایات نیز بر این مسئله تأکید فراوان شده است. مردم، امام غایب را عدالت‌گستر جهان می‌شناسند. با این توضیح و با فرض رشد مهدویت پس از انقلاب اسلامی در ایران، عدالت باید از جمله اموری باشد که توجه مردم را بیش از پیش به خود جلب کرده است و از خواسته‌های مهم مردم از نظام اسلامی و معیاری مردمی برای نقد عملکرد مسئولان سیاسی به شمار می‌آید.

فصل سوم:

تاریخ تحولات مهدویت  
از آغاز تا انقلاب اسلامی



مهدویت، پدیده‌ای تکاملی - تاریخی است که پیشینه آن را تا صدر اسلام و حتی پیش از آن می‌توان پی گرفت. شناخت وضع فعلی پدیده‌های تکاملی - تاریخی، به شناخت تاریخ و سیر تحولات آن بستگی دارد. از این رو، در این بخش از نوشتار، تلاش بر این است تا با برجسته ساختن برخی تحولات در گرایش‌های مرتبط با مهدویت در بین شیعیان، همراه با ایجاد درکی مناسب از مهدویت، که بخشی از رسالت این فصل نیز معرفی آن است، چشم‌اندازی مناسب برای مشاهده روشن‌تر تأثیرهای انقلاب اسلامی بر مهدویت گشود و به مشاهده این تأثیرها نشست.

## ۱. از غیبت تا انتظار

از غیبت تا انتظار، بخشی از مسیری است که مهدویت در حرکت تکاملی - تاریخی خود پشت سر نهاده و زمینه را برای تحولات بعدی در حوزه مهدویت، پس از انقلاب اسلامی فراهم آورده است.

### الف) غیبت

#### پیش از غیبت

مسئله مهدویت، پیش از تولد امام دوازدهم، به دلیل روایاتی که از رسول خدا ﷺ و دیگر

پیشوایان معصوم درباره امام زمان علیه السلام و آخرالزمان نقل شده بود، مسئله‌ای جاافتاده در بین مردم به شمار می‌آمد؛ به طوری که در آن روزگار نیز برخی قیام‌ها و حرکات‌ها با نام امام مهدی صورت می‌گرفت.

حضرت مهدی علیه السلام در مقام امامی که تکامل بخش و عینیت‌دهنده امامت و محقق‌کننده اهداف الهی از ارسال پیامبران و انتصاب امامان است، ویژگی‌های متعددی دارد که شیعیان با توجه به شرایط زمان، ممکن است به برخی از این ویژگی‌ها احساس نیاز بیشتر و به برخی دیگر، احساس نیاز کمتری بنمایند. با این توضیح، به نظر می‌رسد پیش از ولادت امام قائم علیه السلام، آن بخش از ویژگی‌های امام که به قیام، مبارزه با ستم و بی‌عدالتی و تشکیل جامعه آرمانی مربوط می‌شده، در مقایسه با ویژگی‌های دیگر، همچون ویژگی‌های معنوی، علمی و سرپرستی دینی مردم، در ذهن شیعیان برجستگی بیشتری داشته است؛ زیرا تا پیش از عصر غیبت، یکی از امامان در بین مردم حاضر بود و نیازهای علمی و معنوی آنان را برآورده می‌ساخت. بنابراین، به این دسته از ویژگی‌های امام احساس نیاز نمی‌شد، ولی به دلیل در اقلیت بودن شیعه و ستم حاکمان بر آنان، بیشتر توجهات به ابعاد قیامی، عدالت‌گستری و تأسیس جامعه آرمانی معطوف می‌گشت. قیام مدعیان مهدویت پیش از تولد امام قائم علیه السلام، شاهدی بر این سخن است.

مردم در آغاز غیبت که دیگر امام معصوم در بینشان حاضر نبود، طبعاً حضرت را با همه ویژگی‌هایش می‌خواستند و به تمامی جنبه‌های معنوی، علمی، رهبری، قیامی و... ایشان احساس نیاز می‌کردند.

به نظر می‌رسد این دسته از نیازها به دو دسته تقسیم می‌شد: نخست نیازهایی که از زمان امام چهارم به این سو از طرف پیشوایان معصوم تأمین می‌گردید؛ مثل نیازهای علمی و معنوی و سرپرستی دینی مردم که پس از غیبت با گسترش تدریجی نیابت عام، عالمان دینی - هرچند با توانی نازل‌تر- آن را بر عهده گرفتند. به این بحث در نیابت عام فقیهان به طور

مستقل خواهیم پرداخت. اما دسته دیگر، عمدتاً از ویژگی های خاص امام دوازدهم و از مسائل مرتبط با مهدویت به شمار می آید و از جمله مهم ترین آنها، اصل مسئله غیبت بود که در آغاز، به طور ویژه ذهن همگان را به خود مشغول ساخته بود و اینک به آن می پردازیم.

### غیبت و حیرت

در اینجا دو مدعا را در کنار هم بررسی می کنیم. نخست اینکه در این دوره، پدیده غالب، غیبت است و دوم اینکه ویژگی این دوره، سرگردانی و تلاش برای بازخوانی وضع جدید می باشد. به نظر طبیعی می رسد که در آغاز غیبت، این پدیده جدید و مسائلی چون حیات امام، طول عمر ایشان و... مهم ترین دغدغه ذهنی شیعیان را تشکیل دهد. از جمله شواهد این سخن، کتاب هایی است که در آغاز غیبت از سوی عالمان بزرگ شیعی نگاشته شده است. در اینجا به برخی از آنها اشاره می کنیم.

کلینی (م. ۳۲۸ یا ۳۲۹ق) بخشی از باب الحجّة از کتاب اصول کافی را به امام مهدی علیه السلام اختصاص داده است. بیشتر روایات این بخش، درباره غیبت است، نه مباحثی چون انتظار، نشانه های ظهور و... نعمانی (م. ۳۸۰ق) بزرگ ترین باب از کتاب الغیبه را به بحث از غیبت اختصاص داده است. شیخ صدوق (م. ۳۸۱ق) نیز در کتاب کمال الدین و تمام النعمه، بیشتر مباحث خود را به غیبت در بین پیامبران، روایات معصومان درباره غیبت، علت غیبت، معمرین و... اختصاص داده و تنها در صفحاتی اندک از کتاب، به مباحثی چون ثواب انتظار و نشانه های ظهور پرداخته است. شیخ مفید (۳۲۶-۴۱۳ق) نیز در الفصول العشرة فی الغیبه به شبهه هایی درباره امام غایب و غیبت او پاسخ می دهد. کتاب المقنع از سید مرتضی (۳۵۵-۴۳۶ق) نیز مجموعه ای از پرسش و پاسخ ها درباره غیبت است و به همین ترتیب، بیشتر مطالب کتاب الغیبه شیخ طوسی (۳۸۵-۴۶۰ق) درباره غیبت و در رد گروه های منحرف مهدوی است و تنها در صفحات محدودی از کتاب به مسئله ظهور توجه شده است.

فراوانی این دسته از کتاب‌ها در آغاز غیبت و توجه محافل علمی شیعه به این مسئله، از گرایش‌های موجود در بین شیعیان در این دوره خبر می‌دهد. عالمان دینی غیر از آنکه مهم‌ترین گروه مرجع و جهت‌دهنده گرایش‌های مردم بودند، دست کم بخشی از کتاب‌های خود را برای رفع نیازهای جامعه می‌نوشتند. شیخ صدوق در مقدمه کتاب کمال الدین تمام النعمه، انگیزه خود را از نگارش کتاب این گونه بیان می‌کند: «وقتی به نیشابور باز گشتم، مشاهده کردم بیشتر شیعیانی که به من مراجعه دارند، غیبت، آنان را به حیرت انداخته است و درباره حضرت قائم علیه السلام دچار شبهه گشته‌اند، تا اینکه یکی از عالمان که خود دچار شبهه بود، نزد من آمد. وقتی پاسخ شبهه‌اش را دادم و آرام گرفت، از من خواست کتابی در این باب بنویسم».<sup>۱</sup>

توضیحات ذیل به تبیین ویژگی حیرت‌آفرینی این دوران کمک می‌کند.

شیعیان که به حضور امام معصوم در بین خود عادت کرده بودند، با آغاز غیبت، وضعیتی دشوار یافتند. در آغاز غیبت صفراء، تنها راه ارتباطی شیعه با امام غایب، سازمان وکالت بود؛ ولی بیشتر شیعیان که نقش مستقیمی در سازمان وکالت نداشتند، از غیبت امام در شگفتی بودند و دیدگاه‌های گوناگونی درباره جانشین امام دوازدهم بیان می‌کردند.<sup>۲</sup> نعمانی، تردید میان امامیه را این گونه بیان می‌کند:

بیشتر امامیه درباره جانشین امام حسن عسکری علیه السلام می‌پرسند: او کجاست؟ چگونه این اتفاق می‌خواهد رخ دهد؟ او چه مدت غایب خواهد بود؟ غیبت او در حالی که اکنون ۷۳ ساله است، چقدر طولانی‌تر خواهد شد؟ بعضی از آنها معتقد بودند او از دنیا رفته است. عده‌ای دیگر ولادت یا حتی وجود او را منکر می‌شدند و معتقدان به وی را به تمسخر می‌گرفتند.

۱. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۲، ۳.

۲. جاسم حسین، تاریخ سیاسی امام دوازدهم علیه السلام، ترجمه سید محمد تقی آیت‌اللهی، ص ۱۴۷.

بعضی فقط پذیرش طولانی بودن مدت غیبت را مشکل می‌دانستند؛ زیرا برای ایشان قابل تصور نبود خداوند بتواند عمر ولی خود را طولانی بسازد.<sup>۱</sup> اخباری چند در مورد بیست سال پس از آغاز غیبت کبرا وجود دارد که نشان می‌دهد حیرت و ناامیدی، ویژگی مهم جمع‌های امامیه بوده است. افزون بر آن، حملات شدیدی از سوی عالمان دیگر فرقه‌های اسلامی به غیبت امام صورت می‌گرفت که حیرت را در میان امامیه می‌افزود تا آنکه بسیاری از آنان عقاید خود را ترک گفتند.<sup>۲</sup>

در زمان غیبت امام زمان علیه السلام، زمینه بهره‌برداری بیشتری برای برخی گروه‌های شیعی غیر دوازده‌امامی نیز فراهم شد؛ زیرا آنها پیش از تولد حضرت، به غایب بودن امام مورد ادعای خود باور داشتند، ولی پیش از غیبت امام زمان علیه السلام، از آنجا که دیگر امامان شیعه عملاً در میان مردم حاضر بودند، فضای فعالیت برای آنها تنگ می‌شد. این در حالی است که وقتی امام دوازدهم علیه السلام غایب شد، شرایط برای آنها مهیاتر گردید و در آن وضعیت دشوار، شیعیان دوازده‌امامی را که در حال تطبیق خود با شرایط جدید بودند، از طعن و کنایه‌های خود بی‌نصیب نمی‌گذاشتند و همین، کار را بر آنان مشکل‌تر می‌ساخت.

افزون بر آن، «فشارهای سیاسی و سرکوب‌های بی‌رحمانه‌ای که بنی‌عباس دربارهٔ دوستان اهل بیت روا می‌داشتند یا برخی اختلاف‌های نظری در بین عالمان شیعی در آغاز غیبت، همچون اختلاف در اعتبار یا عدم اعتبار عقل در شریعت و...»<sup>۳</sup> بر حیرت‌زایی و شدت یافتن دشواری‌های ورود به عصر غیبت می‌افزود.

---

۱. همان، ص ۲۲۲.

۲. همان، ص ۲۲۳.

۳. حسین مدرس طباطبایی، مکتب در فرایند تکامل، ترجمه هاشم ایزدپناه، ص ۳، ۴.

### حیرت‌زدایی و بازخوانی وضع جدید

راویان و عالمان دینی برای مواجهه با شرایط پیش آمده و با هدف حیرت‌زدایی، به بازخوانی وضع جدید روی آوردند. از مهم‌ترین اقدامات عالمان دینی، تعریف وضعیت جدید بر اساس روایاتی بود که از امامان پیشین به دستشان رسیده بود. این تعریف جدید که منشأی روایی داشت، می‌توانست با سرعت و شدت تأثیرگذاری بالا، از پذیرش مردمی در بین شیعیان برخوردار شود و در کاهش سردرگمی و عبور از مرحله گذار آغاز غیبت مؤثر افتد.

در روایات متعددی، به وقوع دو غیبت پیش از قیام حضرت قائم علیه السلام اشاره شده بود که یکی کوتاه و دیگری طولانی خواهد بود. شاید نعمانی، نخستین عالمی باشد که این تفسیر خاص را از احادیث موجود ارائه کرده است. وی در این باره نه حدیث نقل می‌کند. این مبنای بنیاد بیشتر شرح‌هایی شد که فقهای امامیه از زمان صدوق در *کمال‌الدین و تمام النعمه*، تا مجلسی (م. ۱۱۱۱ق) در *بحار الانوار* داشته‌اند.<sup>۱</sup>

عالمان دینی، پاسخ‌گویی به پرسش‌های شیعیان و البته عالمان برخی فرقه‌های اسلامی که هجمه‌های زبانی و قلمی خود را بر ضد شیعیان دوازده‌امامی افزایش داده بودند، در سرلوحه کارهای خود قرار دادند و در این مسیر، ابتدا از روایت و بعدها در کنار آن، از استدلال‌های عقلی بهره گرفتند. بسیاری از عالمان آن زمان کتابی درباره مهدویت و به‌ویژه مبحث غیبت نگاشته‌اند.

گذر زمان و اقدامات عالمان دینی و همین‌طور فضای به‌نسبت مساعدی که در آغاز غیبت کبرا در سایه حکومت آل بویه برای شیعیان فراهم شد، زمینه را برای بازتعریف وضعیت جدید و تعیین راهبرد شیعه در عصر غیبت فراهم آورد.

آرام آرام التهاب‌های آغاز عصر غیبت فروکش کرد و عالمان دینی نیز کمتر به نگارش کتاب‌هایی مستقل در باب مهدویت رو آوردند؛ چه رسد به مسئله غیبت که زمانی در اوج

۱. جاسم حسین، تاریخ سیاسی امام دوازدهم علیه السلام، ترجمه سید محمدتقی آیت‌اللهی، ص ۲۱۸، ۲۱۹.

توجهات قرار داشت. مجموعه دستاوردهای علمی شیعه درباره مهدویت، در قالب بحث‌های کلامی و تاریخی گردآوری شد و در کنار دیگر مباحث کلامی و تاریخی جای گرفت. از این پس و در سده‌های میانی، همان مباحث کلامی با شدت کمتر در کنار مباحث مرتبط با آخرالزمان مطرح می‌شد. آخرالزمان، از جمله اموری است که به دلیل توجه به فرجام‌شناسی انسان و جهان، برای همگان و در همه دوران‌ها جذابیت دارد. از این رو، با فرض خارج شدن غیبت از کانون توجهات، زوایای گوناگون آخرالزمان می‌تواند علاقه مردم را به سوی خود زنده نگه دارد. در سده‌های میانی، شاهد به‌نگارش درآمدن کتاب‌هایی مستقل درباره مسائل مربوط به آخرالزمان هستیم؛ مسئله‌ای که از سده‌های نخستین تاکنون ادامه داشته است. این فرض را می‌توان با بررسی کتاب‌هایی که در خصوص آخرالزمان به‌نگارش درآمده، پی گرفت.<sup>۱</sup>

آخرالزمان، از جمله ابعاد مهدویت است که در فضای انقلاب اسلامی توجهات بیشتری را به سوی خود معطوف ساخته است. این مسئله را می‌توان ناشی از برخی تحلیل‌ها از زمینه‌ساز دانستن انقلاب اسلامی برای ظهور، برخی اتفاقات نظامی و سیاسی منطقه در چند سال اخیر و تحلیل‌های آخرالزمانی از آن و شایع شدن نقل قول‌هایی از برخی بزرگان دینی درباره نزدیکی ظهور و... دانست. تفصیل این سخن در فصل چهارم خواهد آمد.

## ب) انتظار

طرح مسئله غیبت، کاری تدافعی برای دفاع از باورهای شیعی و تثبیت آن است. خارج شدن غیبت از کانون توجهات، در واقع به معنای گذار از مرحله‌ای حساس و فراهم شدن زمینه برای ورود به مراحل جدید و ایجابی مهدویت، چون انتظار، آخرالزمان، جامعه

---

۱. ر.ک: اسماعیل شفیعی سروستانی، «آخرالزمان‌شناسی در آثار اسلامی»، در: اسماعیل شفیعی سروستانی و دیگران، پیشگویی‌ها و آخرالزمان، ص ۱۶۹-۱۹۰.

آرمانی و... است. از این نظر، به لحاظ تاریخی می‌توان مهدویت را پدیده‌ای تکاملی دانست که در گذر زمان، مرحله به مرحله پیش می‌رود و احتمالاً انقلاب اسلامی را نیز می‌توان مقطعی جدید در تکامل تاریخی این پدیده برشمرد.

به هر تقدیر، پس از تبیین و پذیرش عمومی غیبت، مجال بازتری برای پرداختن به دیگر جنبه‌های مهدویت، از جمله انتظار فراهم شد. به انتظار از دو منظر می‌توان توجه کرد: از منظر کتاب‌های تاریخی به نگارش درآمده و از منظر گرایش‌های مردمی. توجه به این دو نگاه، از این نظر است که تولید فرهنگ مهدوی و ترویج آن، از سوی عالمان دینی صورت می‌گرفت و نگاه‌های عالمان دینی را می‌توان با بررسی کتاب‌هایشان به دست آورد. از سویی، نگاه‌های عالمان دینی که تنها گروه مرجع در مسائل دینی برای مردم بوده‌اند، به آنان انتقال می‌یافت و گرایش‌های مردمی را می‌ساخت.

این دو، یعنی آنچه در کتاب‌ها آمده و آنچه مردم بدان گرایش دارند، ممکن است بر هم انطباق یابند و اولی چون شاهی بر دومی پنداشته شود. در عین حال، این انطباق همیشه رخ نخواهد داد و لزوماً هر آنچه را عالمان دینی معتقدند یا ترویج می‌کنند، نمی‌توان در بین مردم مشاهده کرد.

### انتظار فعال و منفعل

به نظر می‌رسد در تدوین کتاب‌هایی که از آغاز غیبت به نگارش درآمده، گرایش به دو نوع انتظار فعال و منفعل وجود داشته است. برای نمونه، از مقایسه دو کتاب *الغیبه نعمانی* و *کمال الدین شیخ صدوق*، به دست می‌آید که هر چند هر دو بانی را به انتظار اختصاص داده‌اند، ولی برخلاف شیخ صدوق که بیشتر مطالبش تداعی گر انتظار فعال است،<sup>۱</sup> نوشته‌های نعمانی به انتظار منفعل می‌انجامد. نعمانی در عنوان طولانی این بخش از کتاب

۱. شیخ صدوق، *کمال الدین و تمام النعمه*، ص ۶۴۴-۶۴۸.



خود، واژه‌های صبر و خودداری را در کنار واژه انتظار می‌آورد که این امر، از گرایش به نوعی انتظار منفعل حکایت دارد. همین استنباط را به راحتی می‌توان با مراجعه به محتوای این باب و توضیحات نویسنده در پایان این بخش از کتاب به دست آورد.<sup>۱</sup> فهم نگاه نعمانی از انتظار، با توجه به شرایط عصر او قابل درک است. در عین حال برداشت او را از انتظار، حتی هنگام برپایی دولت شیعی صفوی، در *بحار الانوار* علامه مجلسی نیز می‌توان مشاهده کرد. مجلسی در باب مربوط به انتظار و ذیل حدیث ۴۹ و برای توضیح آن، پاورقی نعمانی را بر کتاب خود، که برداشتی انفعالی از انتظار است، بدون هیچ نقدی می‌آورد.<sup>۲</sup>

برداشت‌های سرد یا منفعلانه که پس از انقلاب اسلامی برداشتی نادرست به شمار آمد، ریشه‌ای تاریخی در بین مردم دارد؛ زیرا وجود شناختی پویا و فعال از انتظار، می‌تواند منشأ تحولات دینی، اجتماعی، سیاسی و نظامی گردد، ولی در عمل، این گونه تحولات را به طور گسترده مشاهده نمی‌کنیم. بنابراین، می‌توان حدس زد که مردم، یا شناختی اندک از انتظار یا برداشتی منفعلانه از آن داشته‌اند. در عین حال، برداشت پویا و فعال نیز ریشه‌ای تاریخی دارد و حتی پیش از ولادت امام زمان علیه السلام، منشأ تحولات نظامی - سیاسی شده است.

اگر بخواهیم گرایش‌های ایرانیان را در این زمینه دنبال کنیم، دست کم می‌توان چند سبک از انتظار فعال را تا به امروز و پس از انقلاب اسلامی ردیابی کرد.

### انتظار نمادین

گزارش‌هایی تاریخی از برخی شهرهای ایران وجود دارد که از انجام برخی رفتارهای نمادین برای نشان دادن علاقه و تمایل مردم به وقوع زودهنگام ظهور حکایت می‌کند.

۱. محمدبن ابراهیم نعمانی، *الفیه*، ص ۱۹۴-۲۰۱.

۲. محمدباقر مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۵۲، ص ۱۳۹، ۱۴۰.

هرچند ممکن است قصد آنها، انجام رفتاری نمادین نبوده، بلکه در تصورشان این نوع اعمال، نهایت کاری است که می‌توانستند برای ظهور انجام دهند، این رفتارها، بیشتر شکلی نمادین به خود گرفته است.

«انتظار مورد نظر به صورت رسمی خاص در شیعه در آمده و بسیاری برای آنکه آمادگی خود را نشان دهند، می‌کوشیدند به نوعی عمل کنند تا این آمادگی به اثبات برسد»<sup>۱</sup> برای نمونه، در مورد شهر کاشان نقل است که در قرن پنجم، جمعی از علویان هر روز صبحگاهان در انتظار ظهور قائم علیه السلام بودند. آنان بر اسب سوار می‌شدند، سلاح برمی‌گرفتند و از روستاهای خود برای استقبال از امام خارج می‌شدند، ولی وقتی از آمدن حضرت ناامید می‌شدند، به خانه بازمی‌گشتند.<sup>۲</sup>

شاردن نیز که در زمان شاه سلیمان صفوی و در اواخر قرن یازدهم در اصفهان بوده است، می‌نویسد: «... سپس به اصطبل‌های شاهی می‌رسیم که آنها را اصطبل‌های صاحب‌الزمان می‌گویند. شاه این اسب‌ها را به امام زمان بخشیده است. در این طویله، همیشه دو اسب زین‌کرده با افسار حاضر است تا امام هنگام ظهور، سوار آن شود».<sup>۳</sup>

امروزه نمونه‌هایی از این گونه اعمال نمادین در قالب‌های دیگر قابل مشاهده است و شکل عمومی‌تر آن را در مراسم جشن‌های نیمه شعبان می‌توان پی‌گرفت.

همان‌گونه که با دقت در این نمادها به دست می‌آید، در تفسیر انتظار، نوعی انقلابی‌گری و توجه به عمل نظامی وجود دارد. اسب و اسلحه، ابزارهای جنگی است و انتخاب آنها، از توجه به قیام‌هایی حکایت دارد که در آخرالزمان و هنگام ظهور رخ می‌دهد. بنابراین، تصور آنان از انتظار، تصویری نظامی است و گویا مهم‌ترین حلقه گم‌شده

۱. رسول جعفریان، تاریخ تشیع در ایران، ج ۲، ص ۶۹۴.

۲. همان، ص ۶۹۵؛ به نقل از: معجم البلدان، ج ۴، ص ۲۹۶، ۲۹۷.

۳. همان، ص ۶۹۷؛ به نقل از: سفرنامه شاردن، ص ۷۷، ۷۸.

و مانع موجود برای رخ دادن ظهور، نبود نیروی نظامی است؛ تصویری که در اوایل انقلاب اسلامی و در بحث صدور انقلاب، توجه برخی را به خود جلب ساخته بود.

### انتظار نظامی

در کنار انتظار نمادین که رنگ و بویی نظامی داشت، می‌توان به برخی از قیام‌های شیعی اشاره کرد که متأثر از مهدویت بوده و با امید به نزدیکی ظهور و زمینه‌سازی برای ظهور رخ داده است. در قرن هشتم و نهم هجری، شاهد تعدادی از این حرکت‌ها در ایران هستیم. برای نمونه، می‌توان به سریداران (۷۳۶-۷۸۸ق) اشاره کرد که شیخ خلیفه، از اهالی مازندران آغازگر آن بود. او به پیروی از امامان معصوم، مبارزه با فاسقان و فاجران را تبلیغ می‌کرد و مردم را به ظهور امام مهدی عج و برکندن ستم بشارت می‌داد.<sup>۱</sup> پس از به دار آویختن خلیفه، شیخ حسن جوری از مریدان او، راهش را ادامه داد. شیخ حسن بر جهان‌بینی مهدوی و مبارزه با ستم در همه جوانب و گسترش عدالت تأکید داشت. هر کس مرید او می‌شد، نامش را می‌نوشت و می‌گفت: «حالا وقت اختفاست و می‌فرمود که آلات حرب مرتب داشته، موقوف اشارت باشند».<sup>۲</sup>

به همین ترتیب، می‌توان مرعشیان (۷۶۰-۷۹۵ق) را در مازندران به رهبری سیدقوام‌الدین نام برد. او متأثر از شیخ خلیفه و شیخ حسن جوری، از رهبران سریداران بود.<sup>۳</sup> همین‌طور، مشعشعیان (۸۴۰-۹۱۴ق) که بنیان‌گذار آن، سیدمحمدبن فلاح، خود را نایب امام زمان عج می‌دانست و به جنگ‌های فراوانی دست زد.<sup>۴</sup>

دکتر شریعتی در سخنرانی خود با عنوان «انتظار مذهب اعتراض» می‌گوید: «در همین روستاهای ما، تا چندی پیش روحانیون و امام جماعت‌هایی بودند که جوان‌ها را هر هفته به

۱. علی‌امین‌زاده، جنبش‌های شیعی در تاریخ ایران با نگاهی ویژه به سریداران، ص ۹۵.

۲. همان، ص ۱۰۱، ۱۰۲.

۳. همان، ص ۲۱۲.

۴. همان، ص ۲۶۲، ۲۶۹.

تیراندازی می‌بردند و اسب‌سواری یاد می‌دادند و شمشیر بسته و مسلح در نماز جمعه شرکت می‌کردند.<sup>۱</sup>

نمونه‌هایی از این نوع برداشت از انتظار را که پیشینه‌ای تاریخی دارد، امروزه نیز می‌توان دید. گهگاه در گوشه و کنار کشور، گروه‌هایی یافت می‌شوند که با همین هدف، به آموزش و یادگیری ورزش‌های رزمی یا فنون نظامی می‌پردازند. نمونه آن، گروهی به نام «رزم‌انتظاران» است که حدود دو سال پیش آنها را در جمکران مشاهده کردم. گروهی جوان رزمی کار بودند با علایق مذهبی و مهدوی که برنامه‌های ورزشی خود را با مراسم مذهبی و مرتبط با مهدویت همراه می‌ساختند. رهبری این گروه از جوانان را که از استان تهران به زیارت مسجد جمکران آمده بودند، پیرمردی با محاسن سفید بر عهده داشت.

### انتظار سیاسی و انقلاب اسلامی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، متناسب با شرایط جدید، مفهومی نو از انتظار بیان گردید که در آن بر اجرای همه دستورات و امور دینی تا حد ممکن تأکید می‌شد. فرقی نمی‌کند این امور فردی باشد یا اجتماعی، قضایی باشد یا سیاسی؛ زیرا قرار گرفتن در عصر غیبت، در عمل به وظیفه تأثیری ندارد. مهم آن است که مسئله، دینی باشد؛ در این صورت، تا آنجا که ممکن است باید اجرایی شود. تنها آنچه را ما نمی‌توانیم انجام دهیم، به عصر ظهور وامی‌گذاریم تا به دست با کفایت امام زمان علیه السلام پدیدار شود. ما نمی‌توانیم همه جهان را مسلمان کنیم و همه دین را در بین آنان به طور کامل عینیت بخشیم، ولی قادریم از کشور خود آغاز کنیم و در مرحله بعد، جهان اسلام را پوشش دهیم و به همین ترتیب به مقداری که برایمان ممکن است پیش برویم.

این دیدگاه که امام خمینی علیه السلام آن را مطرح کرد، در جوهره خود، نگاهی حکومتی،

۱. علی شریعتی، مجموعه آثار، حسین علیه السلام وارث آدم، ج ۱۹، ص ۲۹۷.

بلکه تمدنی و جهانی به مسئله انتظار دارد، ولی ربط آن با انتظار در این است که اولاً این دیدگاه، ردی است بر برخی نگاه‌ها به انتظار که در عصر غیبت باید به دینِ خداقلی که همان دین فردی است، بسنده کرد و عملی کردن کامل دین را باید به عصر ظهور وا گذاشت. ثانیاً بر اساس این نگاه، عملی کردن هرچه بیشتر دین در همه جنبه‌های آن، در واقع چیزی جز زمینه‌سازی برای ظهور نیست. این کار، زمینه رشد سربازانی را فراهم می‌آورد که امام و دین خدا را می‌شناسند و حاضرند برای تحقق دین خدا در رکاب امام زمان علیه السلام تلاش و جان‌فشانی کنند؛ در غیر این صورت و اگر قرار باشد اثری از دین در بین مردم و در زندگی آنان نباشد و در نتیجه، در سطح جامعه، ارزش‌ها، باورها و هنجارهای غیر یا ضد دینی رواج یابد، در این شرایط، چگونه امکان رشد گروهی زبده در بین مردم جهان برای مهدی‌یآوری فراهم می‌آید. اساساً آیا خداوند، دین را برای معطل ماندن و صرفاً برای دوران پایانی حیات بشر و آخرالزمان فرستاده است یا دین برای همه دوره‌هاست و تنها در آخرالزمان، شاهد کامل‌ترین شکل آن و تشکیل جامعه آرمانی اسلامی خواهیم بود؟

این دیدگاه را که نتیجه آن، تأسیس تمدن جدید اسلامی و عرضه جهانی آن با هدف زمینه‌سازی برای ظهور و تشکیل تمدن جهانی اسلام در پایان تاریخ است، به روشنی در گفتار و سیره امام خمینی علیه السلام، آنجا که به تشکیل حکومت دینی در عصر غیبت و ترویج اندیشه صدور انقلاب می‌پردازد، می‌توان مشاهده کرد.

ایشان در یکی از سخنرانی‌های خود در چهارده فروردین ۱۳۶۷ و به مناسبت نیمه شعبان، همراه با نادرست برشمردن برخی معانی از انتظار می‌فرماید: «ما اگر دستمان می‌رسید، باید برویم تمام ظلم و جورها را از عالم برداریم. تکلیف شرعی ماست؛ منتها ما نمی‌توانیم. ... حضرت، عالم را پر می‌کند از عدالت، نه [اینکه] شما دست بردارید از این تکلیفتان، نه اینکه شما دیگر تکلیف ندارید...»<sup>۱</sup>

۱. روح‌الله خمینی، صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۹۷.

«حالا البته این پر کردن دنیا را از عدالت، این را ما نمی توانیم بکنیم. اگر می توانستیم، می کردیم؛ اما چون نمی توانیم، ... ایشان باید بیایند...، اما ما باید فراهم کنیم کار را. فراهم کردن اسباب، این است که کار را نزدیک بکنیم، کار را همچو بکنیم که مهیا بشود عالم برای آمدن حضرت ... سلام الله علیه... شاید الان هم بسیاری باور بکنند که نه، حکومت نباید باشد و زمان حضرت صاحب باید بیاید حکومت...»<sup>۱</sup>

«ان شاء الله اسلام را آن طور که هست در این مملکت پیاده کنیم و مسلمین جهان نیز اسلام را در ممالک خودشان پیاده کنند... و زور و ظلم و جور از دنیا برطرف بشود و مقدمه باشد برای ظهور ولی عصر - ارواحنا له الفداء...»<sup>۲</sup>

«ما [ملت های مسلمان] با خواست خدا، دست تجاوز و ستم همه ستمگران را در کشورهای اسلامی می شکنیم و با صدور انقلابمان که در حقیقت، صدور انقلاب راستین و بیان احکام محمدی ﷺ است، به سیطره و سلطه و ظلم جهان خواران خاتمه می دهیم و به یاری خدا، راه را برای ظهور منجی مصلح کل و امامت مطلق حق، امام زمان - ارواحنا فداء - هموار می کنیم.»<sup>۳</sup>

در این عبارات و عباراتی مشابه که در آن به مسئله حکومت در عصر غیبت می پردازند، نگاه امام خمینی ﷺ به انتظار و ربطی که میان انتظار و تشکیل حکومت در عصر غیبت برقرار می سازند، روشن است؛ یعنی تشکیل حکومت اسلامی و اجرایی کردن دین در حد امکان، جزئی از وظایف منتظران به شمار می آید. این معنا، فاصله بسیاری با معانی انفعالی و حتی دیگر معانی فعال از انتظار دارد.

نگاه فعال به انتظار که وجه شاخص آن را امام خمینی ﷺ مطرح ساخت، در بیشتر

۱. همان، ص ۱۹۸، ۱۹۹.

۲. همان، ج ۱۵، ص ۱۷۰ (۱۳۶۰/۷/۷).

۳. همان، ج ۲۰، ص ۱۳۲. (۱۳۶۶/۵/۶).

کتاب‌ها و نوشته‌هایی که پس از انقلاب یا شاید پیش از انقلاب و در فضای انقلاب به‌نگارش درآمده، مشاهده می‌شود. برای نمونه، می‌توان کتاب‌های ذیل را برشمرد که یا در بین آثار مهدوی، مهم است یا از سوی شخصیت‌هایی بانفوذ نگاشته شده است:

کتاب *منتخب‌الاثر*، منبعی روایی درباره مهدویت است که پیش از انقلاب اسلامی، به‌وسیله یکی از مراجع تقلید فعلی که در امور مربوط به انقلاب اسلامی نیز مشارکت داشته، به‌نگارش درآمده است. اگر به بحث انتظار از این کتاب بنگریم، تفاوتی آشکار در دغدغه‌ها و نوع نگاه نویسنده در مقایسه با دغدغه‌های نعمانی، نویسنده کتاب *الغیبه* که پیش‌تر معرفی شد و در آغاز غیبت به‌نگارش درآمده، مشاهده می‌کنیم. نویسنده *منتخب‌الاثر*، از ۲۷ حدیثی که در فصل انتظار آورده، تنها یک روایت را از کتاب نعمانی نقل کرده و مجموعه آنچه بیان می‌کند، به انتظار فعال نزدیک است. او در پایان فصل، توضیحاتی را نیز در رد برداشت‌های منفعلانه از انتظار و تبیین و تأیید انتظار فعال می‌آورد.<sup>۱</sup>

شهید مرتضی مطهری که از مهم‌ترین و بانفوذترین شخصیت‌های فکری انقلاب اسلامی به‌شمار می‌آید، در کتاب *قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ*، با عنایت به مباحث مارکسیستی که در آن زمان مطرح بوده، به مسئله انتظار می‌پردازد و آن را به دو دسته انتظار ویرانگر و انتظار سازنده تقسیم می‌کند.<sup>۲</sup>

آیت‌الله لطف‌الله صافی گلپایگانی که از پراثرترین شخصیت‌های ایرانی در زمینه کتاب‌های مهدوی است<sup>۳</sup>، پیش از انقلاب، کتابی به نام *انتظار، عامل مقاومت نگاشته* است. عنوان کتاب به‌روشنی رویکرد فعال به انتظار را نشان می‌دهد و کتاب نیز بر

۱. لطف‌الله صافی گلپایگانی، *منتخب‌الاثر*، ج ۳، ص ۲۰۱-۲۲۷.

۲. مرتضی مطهری، *قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ*، به ضمیمه شهید، ص ۱۵.

۳. از جمله آثار مهدوی ایشان عبارت‌اند از: *منتخب‌الاثرفی الامام‌الثانی عشر، اصالت مهدویت، باورداشت مهدویت، امامت و مهدویت، گفتن‌ان مهدویت و...*

اساس همین نگاه تدوین شده است.<sup>۱</sup> این رویکرد با دوران مبارزه در زمان رژیم سابق همخوانی دارد.

در همین باره می توان به انتظار، مذهب اعتراض از دکتر علی شریعتی اشاره کرد. او که در بین دانشگاهیان نفوذ بالایی داشت، در این سخنرانی که شکل مکتوب آن، در مجموعه آثار نویسنده آمده است، انتظار را به دو نوع مثبت و منفی تقسیم و انتظار مثبت را چون سلاحی برای مبارزه معرفی می کند.<sup>۲</sup>

خورشید مغرب، کتاب دیگری است اثر یکی دیگر از نویسندگان معاصر.<sup>۳</sup> نویسنده کتاب، فصل دوازدهم را «غیبت مقاومت و نه غیبت تسلیم» نامیده و در فصل سیزدهم که به «انتظار» پرداخته است، انتظار فعال و ویژگی های آن را بیان می کند.

کتاب انتظار، بدر انقلاب، از جمله کتاب هایی است که پس از انقلاب از سوی یکی از شخصیت های مطرح در انجمن حججیه نگاشته شده است. این انجمن، پیش از انقلاب رویکردی منفعلانه به انتظار داشت و پس از انقلاب نیز پس از دوره ای سکوت، کوشید مراحل از همراهی با آرمان های انقلاب را از خود نشان دهد. این را از اعتراض های انقلابی ها به آنان و پاسخ های انجمن می توان فهمید. با این توصیف، توجه به این نکته، مهم است که در کتاب یادشده، نویسنده می کوشد روح انتظار منفعل را در عصر غیبت، در قالب ادبیات انقلابی و در چهارچوب انتظار فعال تبیین کند. با وجود ادبیات حماسی و انقلابی، نویسنده، انتظار را آماده شدن برای ورود به میدان عمل در هنگام ظهور می داند و نه پیش از آن، که دوران صبر و سکوت است. تغییر ادبیات، نشان از تحول به وجود آمدن در نوع نگاه به انتظار و چیره شدن نگاه فعال به آن است که بزرگ ترین گروه فعال در عرصه

۱. لطف الله صافی گلپایگانی، انتظار عامل مقاومت، قم، انتشارات حضرت معصومه، ۱۳۷۵.

۲. علی شریعتی، مجموعه آثار، حسین و ارث آدم، ج ۱۹، ص ۲۵۵-۳۰۴.

۳. محمدرضا حکیمی، خورشید مغرب، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳.



مهدویت پیش از انقلاب، وقتی بنای خود را بر همراهی با انقلاب می‌گذارد، می‌کوشد انتظار را با ادبیاتی انقلابی و سازگار با انتظار فعال ارائه دهد. در این کتاب پس از بحث تفصیلی از انتظار، چکیده آن را این گونه می‌آورد:

انتظار، رزمی تدافعی، نیرویی فرسایشی و پیکاری پارتیزانی است که به‌عنوان مقدمه جنگ بزرگ تا قیام قائم تداوم یابد. رزم آوران این نبرد طولانی، منتظران حقیقی هستند که پیوسته بیدار و هوشیار در درون کمینگاه صبر، پشت سنگر تقیه و زیر پوشش کتمان و سکوت به پیکار مقدس خود ادامه می‌دهند، بدون حتی یک روز وقفه؛ چراکه شاید همان روز، روز ظهور باشد.<sup>۱</sup>

در زمینه انتظار، کتاب‌ها و مقاله‌های متعددی پس از انقلاب نشر یافته است. در سال‌های اخیر که کتاب‌های بازاری رواج بیشتری یافته، نمونه‌های فراوانی از این دست کتاب‌ها را که با مخاطب عام تناسب دارد، در بخش کتاب‌های مذهبی کتاب‌فروشی‌ها و کتابخانه‌ها می‌توان مشاهده کرد. این دسته از کتاب‌ها، هرچند به لحاظ علمی از درجه پایین‌تری برخوردارند، در راه ترویج این اندیشه در بین عموم مردم، نقش مؤثری دارند.

## ۲. از مرجعیت تقلید تا ولایت فقیه (رشد تدریجی نیابت عام)<sup>۲</sup>

پیش‌ازاین گفتیم که در آغاز غیبت، به دلیل حاضر نبودن امام، مردم به همه ویژگی‌های امام غایب و همه نقش‌هایی که امام می‌توانست بر عهده گیرد، علاقه نشان می‌دادند؛ چه

۱. حسین تاجری، *انتظار، بدر انقلاب*، ص ۱۲۴.

۲. با پرداختن به این مباحث که از بخشی از روش تحقیق در این نوشتار متأثر است، همراه با آشنایی با این دسته از مباحث مرتبط با مهدویت، زمینه‌سازی برای درک بهتر از برخی فرضیات نیز فراهم خواهد آمد؛ فرضیاتی چون تأثیر انقلاب بر تحول در مفهوم نایب امام در عصر غیبت (مرجعیت - ولایت فقیه) و گرایش مردم به آن و تجربه جدید و همه‌جانبه از ولایت‌پذیری و توسعه اختیارات نایب امام و غصبی یا مشروع دانستن حکومت در عصر غیبت.

نقش‌هایی که دیگر امامان در زمان حضورشان عهده‌دار بوده‌اند، همچون نقش سرپرستی علمی و دینی، و چه نقش‌هایی که به نسبت اختصاصی امام زمان علیه السلام به شمار می‌آید، همچون مبارزه با ستم و بی‌عدالتی و قیام. اینک به توضیح این نکته می‌پردازیم که پس از غیبت، مردم نقش‌های نوع نخست را در نایبان عام امام جست‌وجو کردند و این امر سبب رشد تدریجی نیابت عام و ایجاد سازمان مرجعیت گردید. این سازمان، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به ولایت فقیه تحول یافت؛ هرچند پس از انقلاب، مرجعیت سنتی نیز به حیات خود ادامه داد.

### نیابت علمی

در زمان حضور امامان معصوم، مردم معارف دینی خود را مستقیماً یا به واسطه شاگردان، از امام معصوم دریافت می‌کردند. در عصر غیبت صغرا نیز به واسطه نایبان خاص، این امر تا حدی ممکن بود، ولی با مرگ سمری، چهارمین نایب خاص امام زمان علیه السلام این امکان از میان رفت. نه دیگر خود امام در میان مردم بود و نه شاگردی یا نایبی داشت که حلقه ارتباط مردم با او باشند. در این صورت، شیعیان چه باید می‌کردند؟ در این بین، راویان و محدثان به اعتبار پیشینه عملکرد خود، در پاسخ‌گویی به مراجعات علمی مردم در عصر معصومان، که به توصیه و تأیید ایشان صورت می‌گرفت، عهده‌دار پاسخ‌گویی به نیازهای علمی شیعیان شدند. در عین حال، روایتی منقول از حضرت حجت علیه السلام، آشکارا وظیفه عالمان دینی را در عصر غیبت روشن می‌ساخت. این روایت را سفیر دوم بیان کرده بود؛ یعنی پیش از آنکه سفیر چهارم بر اساس توقیعی که از امام نقل کرده، پایان نیابت خاص را برای همیشه اعلان کند، چراغ راه در پیش رو، روشن شده بود. روایت یادشده، بابتی جدید از نیابت را بر عالمان گشود.

حضرت حجت علیه السلام به شیعیان امر می‌کند در رخدادها و حوادث پیش آمده، به راویان

احادیث مراجعه کنند و آنها را حجت امام بر خود بدانند: «اما در حوادث پیش آمده، به راویان احادیث ما مراجعه کنید. آنان حجت من بر شما و من حجت خدا بر آنها هستم»<sup>۱</sup> یعنی سخن آنها، حجت، دلیل و برهان من بر شماست و در واقع سخن آنها، سخن من است. سخنان را همچون سخن من بدانید و آن را بپذیرید. بر اساس این دستورالعمل، راویان در جایگاه امام قرار می‌گیرند و امتثال اوامر آنها لازم می‌شود، که همان معنای نیابت است. البته این نیابت، نیابت خاص نیست که حضرت مستقیماً کسی را واسطه خود با مردم معرفی کند، بلکه گروهی خاص را که دارای ویژگی‌های مشخصی هستند (و در این روایت و برخی روایات دیگر به آن اشاره شده) معرفی می‌کند. این ویژگی‌ها در هر کس یافت شود، نایب امام خواهد بود و به همین دلیل، او را نایب عام می‌نامند. محقق کرکی (م. ۹۴۰ق) در تعریف نایب عام می‌نویسد: «مراد از حاکم، امام معصوم یا نایب خاص او و در زمان غیبت، نایب عام امام می‌باشد و نایب عام کسی است که جامع تمامی شرایط فتوا و حکم باشد. او را نایب عام می‌نامند؛ زیرا بر یک وجه کلی و با توجه به سخن معصومان علیهم‌السلام که "بنگرید به فردی از خودتان که حدیث ما را نقل کند و... " منصوب شده است»<sup>۲</sup>.

به هر تقدیر، عالمان دینی که در حدود دو قرن و نیم حضور امام معصوم، نیازهای علمی خود را به وسیله معصومان تأمین می‌کردند، با آغاز غیبت برای گردآوری و دسته‌بندی مجموعه روایاتی که از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یا پیشوایان معصوم در اختیارشان بود، تلاش فراوانی کردند تا از این راه بتوانند وظیفه نیابت عام خود و سرپرستی شیعیان را که در روایات از آنها با تعبیر ایتام آل محمد علیهم‌السلام نام برده شده بود و سرپرستی شان ثوابی بس والا داشت، به انجام رسانند.

در همین دوران، کتاب‌هایی نگاشته شد که اینک نیز از معتبرترین کتاب‌های روایی و

۱. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۸۴.

۲. محقق کرکی، جامع المقاصد، ج ۱۱، ص ۲۶۶؛ به نقل از: محمدعلی قاسمی و همکاران، فقیهان امامی و عرصه‌های ولایت فقیه، ج ۱، ص ۴۹.

فقهی شیعه شمرده می‌شود و از مهم‌ترین منابعی است که عالمان شیعی در عصر حاضر از آنها بهره می‌گیرند و این از غنای علمی شیعه در آن دوران و به‌تکامل رسیدن وظیفه نیابت علمی عالمان دینی در آن عصر خیر می‌دهد. رسیدن به این مرحله از تکامل، به‌لحاظ تاریخی می‌تواند زمینه‌ساز ورود به دیگر مراحل نیابت عام باشد.

در این میان، با توجه به اعتبار عالمان نزد مردم و احساس نیاز مردم به پناهگاهی در عصر غیبت که بتواند دست کم بخشی از خلأ ناشی از نبود امام معصوم را جبران کند، می‌توان حدس زد که مردم نیز مرجعیت علمی و نیابت عام این عالمان را پذیرفته بودند و از این راه می‌توانستند تجربه ولایت‌پذیری‌شان را در حوزه مسائل علمی که در عصر حضور امامان معصوم وجود داشت، استمرار بخشند.

«از ربع آخر قرن چهارم، امامیه سخنان فقها را همچون بیانات خود امام دوازدهم می‌پذیرفتند، ولی حوزه مسئولیت آنان را به‌اندازه وظیفه حضرتش نمی‌دانستند. به عبارت دیگر، فقها به‌عنوان سخن‌گویان دیدگاه‌های امام در خصوص آیین و قوانین اسلامی تلقی می‌شدند، ولی مسئولیت مقام امامت را نداشتند»<sup>۱</sup>.

### نیابت مالی

در بررسی روند توسعه نیابت عام فقها، می‌توان به نیابت مالی اشاره کرد. هرچند این نوع نیابت به‌لحاظ تاریخی بلافاصله در استمرار نیابت علمی قرار نمی‌گیرد، یکی از مراحل تکاملی نیابت عام شمرده می‌شود.

برای روشن کردن مقصود، نیابت مالی را در خصوص خمس بررسی می‌کنیم. خمس، نوعی مالیات بر سود است که پرداخت آن بر عموم مکلفان با شرایطی خاص واجب می‌شود. نیمی از خمس، سهم امام است که در اختیار ایشان قرار می‌گیرد و نیمی دیگر

۱. جاسم حسین، تاریخ سیاسی امام دوازدهم (علیه السلام)، ترجمه سید محمد تقی آیت‌اللهی، ص ۲۲۷.

سهم سادات است. هنگامی که سازمان و کالت به وجود آمد، از جمله وظایف آن، گردآوری خمس و رساندن آن به امام معصوم بود. این روند تا عصر غیبت صغرا ادامه یافت، ولی «شواهدی وجود دارد که چون آخرین توقیع امام دوازدهم، خاتمه ارتباط مستقیم را با مرگ سفیر چهارم اعلام داشت، و کلا فعالیت‌های زیرزمینی خود را متوقف کردند و به‌ویژه از جمع‌آوری خمس امتناع ورزیدند»<sup>۱</sup>.

و کلا، خمس را از راه نایبان خاص به امام غایب می‌رساندند، ولی وقتی حضرت قطع ارتباط خود را با نایبان خاص اعلام داشت، هر چند درباره تکلیف خمس نفیاً یا اثباتاً چیزی نگفت، به دلیل اینکه سهم امام باید در اختیار شخص حضرت قرار می‌گرفت و او اینک حاضر نبود و امکان پرداخت به ایشان نیز فراهم نبود، استنباط عمومی، توقف دریافت آن بود و محدثان باینکه عهده‌دار نیابت علمی شدند، جرئت دریافت خمس را نداشتند و نیابت مالی را جزء شئون خود نمی‌پنداشتند؛ به‌ویژه که شاید تصور نمی‌شد دوران غیبت، طولانی شود. از این‌رو، برخی علما بر این نظر بودند که باید خمس را تا هنگام قیام و رساندن آن به دست حضرت نگهداری کرد.<sup>۲</sup>

این دیدگاه درباره زکات که نوعی دیگر از مالیات اسلامی است، اصلاً وجود نداشت. شیخ مفید (۳۳۳-۴۱۳ق) از علمای آغاز غیبت کبرا که از دریافت سهم امام پرهیز می‌کرد، بر وجوب پرداخت زکات به فقیه فتوا می‌داد.<sup>۳</sup> همین‌طور دیگر فقیهان برجسته آن زمان، همچون ابوصلاح حلبی<sup>۴</sup> (۳۷۴-۴۴۷ق)، شیخ طوسی<sup>۵</sup> (۳۸۵-۴۶۰ق) و دیگران...، فتوای

۱. همان.

۲. همان، ص ۲۲۸.

۳. شیخ مفید، المقننه، ص ۲۵۲؛ به نقل از: محمدعلی قاسمی و همکاران، فقیهان امامی و عرصه‌های ولایت فقیه، ج ۱، ص ۱۱۵.

۴. ابوصلاح حلبی، الکافی فی الفقه، تحقیق رضا استادی، ص ۱۷۲؛ به نقل از: محمدعلی قاسمی و همکاران، فقیهان امامی و عرصه‌های ولایت فقیه، ص ۱۱۶، ۱۴۵، ۱۵۲.

۵. شیخ طوسی، النهایه فی مجرد الفقه و الفتوی، ص ۱۹۲؛ به نقل از: محمدعلی قاسمی و همکاران، فقیهان امامی و عرصه‌های ولایت فقیه، ص ۱۴۵.

مشابه‌ای همچون وجوب یا استحباب پرداخت زکات به فقیهان دارند، ولی بیشتر معمول فقها تا پیش از قرن هفتم، درباره سهم امام، فتوایی مشابه با فتوایشان در زکات نداشتند. دلیل این مسئله نیز به نظر روشن می‌رسد؛ زیرا سهم امام، سهم امام است و هیچ کس، حتی نایب ایشان حق دریافت آن را ندارد.

البته این فکر ثابت نماند. ابوصلاح حلبی شاید نخستین کسی باشد که به صورت مطلق، وجوب تحویل خمس را به فقیه امین مطرح می‌سازد؛<sup>۱</sup> منتها به صورت مطلق می‌گوید خمس را باید به فقیه امین تحویل داد و به نیمی از آن، که سهم امام است، تصریح ندارد. شاید در فضای علمی آن زمان، هنگامی که کسی می‌گفت خمس را باید به فقیه امین داد، از سخن او فقط سهم سادات استنباط می‌شده است، نه مجموع سهم سادات و سهم امام. پس از او، قاضی ابن‌براج (م. ۴۸۱ق) از تحویل سهم امام به فقیه سخن می‌راند، ولی مقصود او، تحویل آن به فقیه، به عنوان فردی امین است و نه انسانی فقیه، تا هنگام ظهور، یا خود و یا با سپردن به دیگران، آن را به امام معصوم برساند.<sup>۲</sup>

این نظر می‌تواند زمینه‌ساز توجه به نقش نایبان امام در عصر غیبت درباره اموال حضرت باشد.

با طولانی شدن غیبت، مؤمنان در خصوص خمس‌هایی که نزدشان جمع شده بود، احساس سردرگمی می‌کردند و دوست داشتند به گونه‌ای خود را از قید این اموال امانتی رها سازند. از سویی، عالمان دینی در خصوص تعطیل ماندن احکام دین در عصر غیبت نگران بودند. آنان با این استدلال که احکام دینی برای عمل نکردن و ترک گفتن نیامده است، مسئولیت پذیرش سهم امام را پذیرفتند. آنان که نیابت علمی حضرت را بر عهده داشتند،

۱. ابوصلاح حلبی، *الکافی فی الفقه*، ص ۱۷۲؛ به نقل از: محمدعلی قاسمی و همکاران، *فقیهان امامی و عرصه‌های ولایت فقیه*، ص ۱۱۶، ۱۴۵، ۱۵۲.

۲. قاضی ابن‌براج، *المهدب*، ج ۱، ص ۱۸۰؛ به نقل از: محمدعلی قاسمی و همکاران، *فقیهان امامی و عرصه‌های ولایت فقیه*، ص ۱۵۲.

بیشترین آگاهی و شناخت را از امام و جایگاه‌هایی که حضرت ممکن بود اموال در اختیار خود را در آنها مصرف کند، داشتند. از این رو، به دریافت سهم امام رو آوردند؛ چیزی که مردم نیز برای رهایی از سردرگمی به تحقق آن گرایش داشتند. بنابراین، شاهد مرحله دیگری از توسعه نیابت عام فقیهان، چه در نگاه نایبان عام و چه در نگاه شیعیان هستیم.

«اجماع در مورد [دریافت نکردن] خمس تا قرن هفتم ادامه داشت، ولی چون غیبت امام دوازدهم طولانی شد، شیعیان مؤمن در خصوص سهم امام که گذشتگان به آنان سپرده بودند، نمی‌دانستند چه کنند؛ به‌ویژه محقق حلی می‌خواست این مسئله را حل کند. وی شروع به دریافت سهم امام کرد و آن را در فعالیت‌های مذهبی در جهت اهداف تشیع مصرف نمود.<sup>۱</sup> این اقدام که فقهای بعدی آن را ادامه دادند، فاصله‌ای با حوزه اختیارات فقهای پیشین را نشان می‌دهد.»<sup>۲</sup>

### نیابت سیاسی

شیعیان که در زمان رحلت رسول خدا ﷺ در اقلیت بودند، در حیات دینی سیاسی خود، تحت فشارهای متفاوت و گسترده‌ای قرار گرفتند. از این رو، از جمله اموری که از سوی امامان معصوم برای صیانت از شیعه رواج یافت، مسئله تقیه بود و این، از وضع بغرنجی حکایت می‌کند که شیعیان با آن دست‌به‌گریبان بوده‌اند.

با وجود فاصله‌ای که شیعه از عمل سیاسی گرفت، به لحاظ نظری، معصومان در آنچه با یاران خود و به‌ویژه با یاران خاص خود در میان می‌گذاشتند، چهارچوب‌ها و قواعد مربوط به نظام سیاسی اسلام را بیان می‌کردند و در دوره‌ای که عالمان دینی به گردآوری و تدوین

---

۱. فتوای محقق حلی در کتاب *المعتبر* و کتاب *شرایع الاسلام*، دریافت آن از سوی فقیه و صرف آن در سهم سادات است. عبارت دکتر جاسم حسین، چیزی دیگر را تداعی می‌کند که دست کم با آنچه در دو کتاب یادشده از محقق حلی آمده، همخوانی ندارد.

۲. جاسم حسین، *تاریخ سیاسی امام دوازدهم*، ترجمه سید محمدتقی آیت‌اللهی، ص ۲۲۸.

روایات روی آوردند، به‌طور طبیعی روایاتی که مستقیم یا غیرمستقیم با مسائل سیاسی اسلام مرتبط می‌شد، در کتاب‌های روایی و فقهی دسته‌بندی شد. افزون بر آن، تغییر منزلت عالمان دینی در این دوره، از راویان که اقتضای عصر ظهور و آغاز عصر غیبت بود، به مجتهدان که اقتضای عصر غیبت و مسائل مستحدثه این دوره بود، سبب پویایی فقه و رشد مرجعیت و توجه به مسائل سیاسی دین گردید؛ چنان‌که با تشکیل دولت‌های شیعی در قرن‌های چهار تا شش هجری، برخی مشکلات برطرف شد و برای شیعه، فضای مناسب‌تری در خصوص فعالیت‌های سیاسی، چه به‌لحاظ نظری و چه عملی فراهم آمد.

«در قرن چهارم، تشیع گسترش یافت و یکی از علل عمده آن، تشکیل دولت‌های شیعی بود. در مصر فاطمیان، در سوریه حمدانیان، در یمن زیدی‌ها و در عراق و ایران آل بویه حکومت کردند و قرمطیان نیز بر برخی مناطق دست یافتند».<sup>۱</sup>

در این میان، دولت آل بویه که بر بخش‌هایی از عراق و ایران حکومت می‌کرد، بیشترین نقش را در ترویج شیعه، زفق تقیه و رسمی شدن شیعه داشت. آل بویه با علما رابطه خوبی داشت و نمادهای شیعی را ترویج کرد.<sup>۲</sup>

این عوامل، زمینه را برای تحول در مفهوم نیابت عام و طرح نیابت سیاسی فراهم ساخت. بر اساس توقیع حضرت به سفیر دوم، «علمای امامیه، زعامت جامعه امامیه را در حل و فصل امور مذهبی بر عهده گرفتند؛ هرچند این زعامت دینی، هرگز آنها را در مقام حاملان خلافت امام معصوم نمی‌نهاد. اما پس از گذار فقه امامیه از مکتب اهل حدیث به مکتب متکلمان و تأسیس سازمان اجتهاد در فقه، باعث ایجاد این گرایش در فقها شد که به تبیین نحوه مشارکت امامیه در امور عامه و توضیح چگونگی عملکرد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی امامیه پردازند».<sup>۳</sup>

۱. علینقی ذبیح‌زاده، مرجعیت و سیاست در عصر غیبت، ج ۱، ص ۱۲۹.

۲. روح‌الله حسینیان، تاریخ سیاسی تشیع تا تشکیل حوزه علمیه قم (مقدمه‌ای بر انقلاب اسلامی)، ص ۱۲۱-۱۳۳.

۳. محمد کریمی زنجانی اصل، امامیه و سیاست در نخستین سده‌های غیبت، ص ۹۹، ۱۰۰.



در توقیع حضرت، دو واژه اساسی وجود دارد؛ راویان و حوادث واقعه. بر اثر تغییرات و اقتضانات جدید، راویان به مجتهدان تحول و به بیانی تکامل یافت و حوادث واقعه که برداشت اولیه از آن، پاسخ‌گویی به پرسش‌های دینی بود، از همان آغاز، ظرفیت تفسیری سترگ‌تر را داشت؛ زیرا منظور از حوادث، رخدادها و اتفاق‌های خارجی است. در این صورت، همراه با اینکه برای مواجهه با این رخدادها باید دانست چه باید کرد، باید در برابر آن کاری انجام داد و این کار، اگر حالت جمعی و سازمان‌یافته به خود بگیرد، بیشتر در قالب حکومت معنا می‌یابد. در این صورت، مراجعه به راویان یا مجتهدان در حوادث واقعه، معنا و مفهومی سیاسی دارد که نتیجه آن، توسعه نیابت سیاسی است.

این استنباط از مفهوم «حجت» را که در روایت یادشده آمده، از برخی متون دینی دیگر نیز می‌توان برداشت کرد. مرحوم محدث نوری در *تجیم الثاقب* می‌نویسد: «لقب آن جناب، حجت‌الله است، به معنای غلبه یا سلطنت خدای بر خلایق؛ چه این هر دو به واسطه آن حضرت به ظهور خواهد رسید و نقش خاتم آن جناب، «انا حجت‌الله» است و به روایتی «انا حجت‌الله و خالصته» و به همین مهر حکومت روی زمین کند»<sup>۱</sup>.

پیشینه توجه به نیابت سیاسی را در غیبت صغرا و در آثار کلینی نیز می‌توان پی گرفت. او کتاب کافی را در شهر بغداد نگاشت که زیر نفوذ عباسیان ضد شیعه قرار داشت. با وجود این، بخشی از کتاب را به اوصاف والیان الهی و طاغوتی اختصاص داد. این کار زمانی صورت گرفت که جهان اسلام، شاهد شورش‌هایی برضد عباسیان از سوی کسانی چون قرامطه بود.<sup>۲</sup>

پس از کلینی، در آثار دیگر محدثان و فقیهان، شاهد طرح مباحث حکومتی در ابواب

---

۱. حسین طبرسی نوری، *تجیم الثاقب*، ج ۲، ص ۵۱.

۲. علینقی ذبیح‌زاده، *مرجعیت و سیاست در عصر غیبت*، ج ۱، ص ۹۸.

گوناگون کتاب‌های روایی و فقهی هستیم. با مراجعه به این آثار،<sup>۱</sup> می‌توان حدس زد که هر قدر به سده‌های اخیر نزدیک می‌شویم، اولاً مباحث بیشتری از مباحث حکومتی مورد توجه قرار گرفته است و ثانیاً مجموعه بیشتری از وظایف را که در آغاز به امام نسبت می‌دادند، به نایب امام، یعنی فقیهان جامع‌الشرایط نسبت داده‌اند. برای مثال، حجم مباحث حکومتی که شیخ طوسی (۳۸۵-۴۶۰ق) در *النهاية في مجرد الفقه والفتوى* یا در *المبسوط في الفقه الاماميه* مطرح می‌کند، کمتر از آن چیزی است که محقق کرکی (۸۶۸-۹۴۰ق) در *جامع المقاصد*، یا صاحب *جواهر* (م. ۱۲۶۶ق) در *جواهر الکلام* آورده است و سرانجام همه اینها، کمتر از آن چیزی است که امام خمینی (۱۲۸۰-۱۳۶۸) درباره حوزه اختیارات ولی فقیه مطرح می‌سازد.

«علما و فقهای شیعه به مرور زمان، این حقوق ویژه [اجرای حدود، امامت نماز جمعه، گردآوری وجوه شرعی و صدور حکم جهاد] را به خود اختصاص دادند؛ جریان‌هایی که قرن‌ها ادامه یافته است. کلینی در زمان آل بویه، شیعیان را ترغیب می‌کرد تا هنگام بروز اختلاف، از قضاوت حاکم غیردینی تبعیت نکنند. شیخ مفید حق اعمال و اجرای حدود قرآنی را حق مسلم علما فرض می‌کرد یا شیخ طوسی...»<sup>۲</sup>

البته در این دیدگاه‌ها و تحولات آن، افت‌وخیزهایی دیده می‌شود. مثلاً شیخ مفید در قرن چهارم، مسئله برپایی نمازهای فطر و قربان را به وسیله فقیهان مطرح می‌کند و آن را تفویض شده از طرف معصومان می‌داند،<sup>۳</sup> ولی ممکن است در قرن‌های بعد این نظر را نپذیرفته باشند.

۱. برای دریافت مجموعه نظراتی که فقها در خصوص مسائل حکومتی و نیابت سیاسی بیان داشته‌اند و مشاهده تحولات تدریجی آن در قرون گذشته تا قرن سیزده هجری، کتاب *گران‌سنگ فقیهان امامی و عرصه‌های ولایت فقیه* اثر محمدعلی قاسمی و همکاران پیشنهاد می‌شود.

۲. هاینس هالم، *تشیع*، ترجمه محمدتقی اکبری، ص ۱۱۳.

۳. شیخ مفید، *المقنعه*، ص ۸۱۱ به نقل از: محمدعلی قاسمی و همکاران، *فقیهان امامی و عرصه‌های ولایت فقیه*، ج ۱، ص ۱۰۰.

این مسئله، گاه در مبانی استنباط فقهی و اصولی عالمان ریشه دارد و زمانی در واقعیت‌های سیاسی - اجتماعی دوره‌هایی که عالمان دینی آن را تجربه می‌کرده‌اند. نمی‌توان تأثیر رخداد‌های سیاسی و اقتضائات زمانه را در برجسته شدن یا کم‌رنگ شدن برخی مسائل فقهی انکار کرد. از این رو و در این بحث، نباید از توجه به دوره‌های تاریخی که حاکمان فشار کمتری بر شیعیان آوردند یا به همکاری با عالمان شیعی تمایل یافتند یا نقشی که برخی عالمان در حکومت‌ها داشتند، غافل شد.

از دوره‌های مهم برای شیعیان، حکومت آل بویه است. در این دوره، شاهد رشد علمی و نظام‌یافتگی منابع روایی و فقهی شیعه هستیم و البته برخی عالمان، سطحی از مشارکت در عمل سیاسی نیز داشتند. پس از آن، دوره مغول‌ها با اهمیت است. مغولان، حاکمانی غیرمسلمان بودند و از این نظر در خصوص شیعیان حساسیت منفی نداشتند. جدا از آنکه چهار نفر از پادشاهان مغول مسلمان شدند و در این میان، سلطان محمود سنی، گرایش شیعی داشت و سلطان محمد خدابنده شیعه شد و برخی نمادهای شیعی را رواج داد. در عصر او، تعداد زیادی از مردم شیعه شدند. در این دوره، کسانی همچون خواجه نصیرالدین طوسی و علامه حلی به دربار راه یافتند.<sup>۱</sup> نقش علامه حلی که با مسائل حکومتی بی‌ارتباط نبود، در برخی تحولات بعدی در خصوص اجتهاد فقیهان، انکارناشدنی است. او با طرح مباحثی چون امکان راهیابی خطا در فهم مجتهد و شرط زنده بودن مجتهد، زمینه‌ساز تأسیس فقهی پویا و ورود مجتهدان به عرصه سیاست شد. مبنای نظری آنچه را امروز در ایران می‌گذرد (ایفای نقش سیاسی مجتهدان)، علامه حلی فراهم ساخت.<sup>۲</sup>

روی کار آمدن صفویه (۹۷۰-۱۱۴۸ق) در ایران و رسمی ساختن مذهب تشیع و دعوت از عالمان شیعی برای مهاجرت به ایران و فعالیت‌های علمی - سیاسی آنان، سبب رشد فقه

---

۱. روح الله حسینیان، تاریخ سیاسی تشیع تا تشکیل حوزه علمیه قم (مقدمه‌ای بر انقلاب اسلامی)، ص ۱۴۹-۱۵۱.

۲. هانس هالم، تشیع، ص ۱۳۰-۱۳۵.

سیاسی در ایران گردید؛ زیرا فقه و اجتهاد می‌تواند اولی‌ترین نیازهای حکومت دینی را برطرف سازد، نه عرفان، تفسیر، کلام و امثال آن. فقه با هنجارها و قواعد زندگی مردمان سروکار دارد و حکومت نیز به این دسته از امور نیازمند است. البته نه فقه، همه دین است و نه همه نیازهای دینی حکومت، نیازهای فقهی است؛ ولی فقه، تأمین‌کننده قوانین لازم برای اداره زندگی و حکومت‌داری است.

«در آن زمان، صوفی‌گری در ایران رواج داشت، اما دانش شیعی و اسلام فقهاتی که از عراق به ایران آمد، چندان با تصوف میانه‌ای نداشت و باعث شد تصوف بازاری، به‌مرور نفوذ خود را از دست بدهد. لیکن برخی از آموزه‌های عارفانه آن، که با روایات اهل بیت هماهنگ بود، توانست در میان عالمان نسل میانی صفوی جای خود را باز کند. نتیجه آن شد که عالمانی عارف مسلک به وجود آیند که به اندیشه‌های اشراقی عشق می‌ورزیدند و در عین حال، در امر شریعت سخت‌گیر بودند و احیاناً خود منصب شیخ‌الاسلامی داشتند»<sup>۱</sup>.

«فقیهان، زبان فارسی را که در انحصار صوفیان و مکاتب عرفانی بود، تسخیر کردند و با نوشتن فقه به زبان فارسی، تفسیر شریعت‌مدارانه‌ای از تشیع را الگویی جاافتاده دین‌داری اجتماعی نمودند. فارسی‌نویسی فقیهان، باعث همه‌فهم شدن فقه گردید. از سویی، مجادلات فقهی مطرح‌شده بر سر وجوب اقامه نماز جمعه و جواز یا عدم جواز بقای بر تقلید میت، از جمله بحث‌هایی به شمار می‌رود که آثار سیاسی و اجتماعی آن تا به امروز برجای مانده است. در دوران صفویه، مفهوم تازه‌ای از مجتهد، زاده شد. مجتهد، متولی اخلاق و هنجارهای اجتماعی گردید و مشروع‌ترین مقام را برای تدبیر شئون دنیوی و اخروی یافت. برخی شاهان صفوی، تاج خود را از فقیه دوران و مجتهد اعلم عصر دریافت می‌کردند»<sup>۲</sup>.

۱. رسول جعفریان، صفویه از ظهور تا زوال، ص ۲۴۳-۲۴۴.

۲. ابی‌مصعب رولاجوردی، «نقد و بررسی کتاب *converting persia*»، ماهنامه اسلام در نگاه غرب، زمستان ۱۳۸۴،

ش ۱، ص ۲۹-۳۳.

در این دوران، نایبان عام امام که پیش‌تر در محافل علمی خود به تحقیق و تدریس و در بین مردم به تبلیغ و ترویج دین می‌پرداختند، موقعیت سیاسی و افری یافتند و مباحث فقهی نیز در مواجهه با مسائل اجتماعی و سیاسی، طراوت تازه‌ای یافت و فقه سیاسی عمیق‌تر و گسترده‌تر از پیش مطرح شد. در این زمینه، آثار محقق کرکی قابل تأمل است؛ چنان‌که فقیهان فراوانی پس از کرکی متأثر از او بودند.<sup>۱</sup>

مسئله مهمی که در کلام و فقه امامی ریشه داشت و در این دوران، امکان ظهور سیاسی و اجتماعی یافت، مسئله نیابت عام فقیهان در عصر غیبت است. هرچند مفهوم آن و تعبیرهای مشابه آن از همان آغاز غیبت کبرا مطرح بود، تعبیر نیابت عام را نخستین بار شهید اول و سپس محقق کرکی در دوره صفوی به کار بردند. از این تعبیر بیش از همه، صاحب‌جوهر استفاده کرده است.<sup>۲</sup> در عصر صفوی، علما با همین عنوان از سوی پادشاهان مورد خطاب قرار می‌گرفتند. مثلاً شاه طهماسب در فرمانی به کارگزاران خود مبنی بر اطاعت از محقق کرکی و پذیرش عزل و نصب‌های محقق، در ابتدای فرمان، او را نایب‌الامام علیه السلام می‌نامد و در ادامه می‌آورد: «مقرر فرمودیم که سادات عظام و اکابر و اشراف فخام و امرا و وزرا و سایر ارکان دولت عالی صفات، مؤمی الیه [محقق کرکی] مقتدا و پیشوای خود دانسته، در جمیع امور اطاعت و انقیاد به تقدیم رسانده، آنچه امر نماید، مأمور و آنچه نهی نماید، منهی بوده...»<sup>۳</sup>

شاه طهماسب حتی به محقق می‌گفت: «تو به حاکمیت سزاوارتری؛ چون نایب ولی عصر علیه السلام هستی و من از عمال تو هستم و دستوره‌های تو را به اجرا درمی‌آورم...»<sup>۴</sup>

۱. حسین مدرس طباطبایی، زمین در فقه اسلامی، ج ۲، ص ۷۲.

۲. محمدعلی قاسمی و همکاران، فقیهان امامی و عرصه‌های ولایت فقیه، ج ۱، ص ۱۹.

۳. علینقی ذبیح‌زاده، مرجعیت و سیاست در عصر غیبت، ج ۲، ص ۶۹.

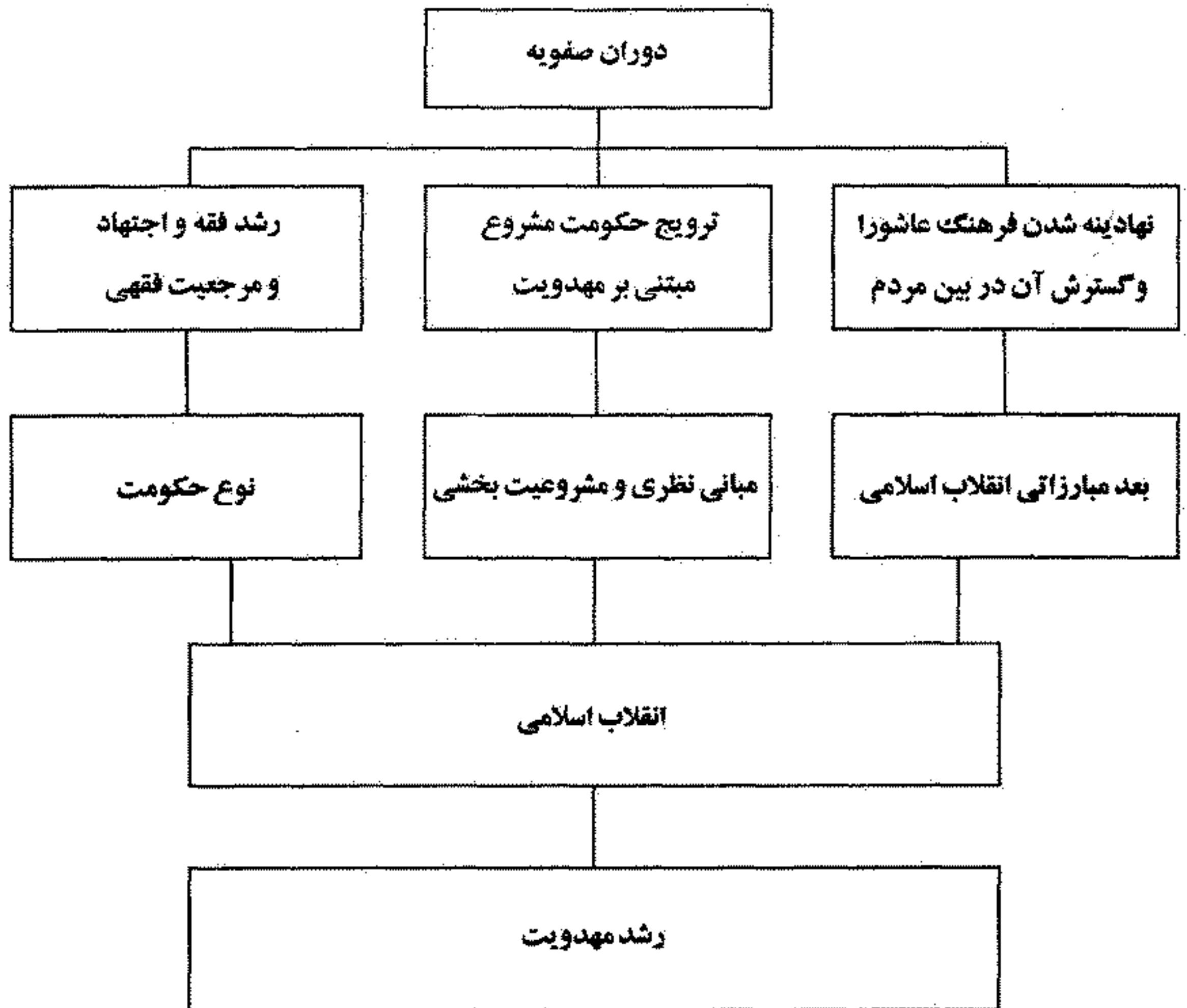
۴. همان، ص ۶۵.

عملیاتی شدن ایده نیابت و طرح آن در عرصه سیاست، با توجه به پیوندی که عالمان با مردم و حکومت داشتند، به گسترش و مردمی شدن بیشتر آن می‌انجامید و فقیهان نیز تجربه دیگری از کار سیاسی را پشت سر می‌گذاشتند. افزون بر آن، رشد فقه و اجتهاد، نگارش فارسی رساله‌های عملیه، گسترش اجتماعی مرجعیت دینی و نهادینه شدن آن، آن هم در چهارچوب فقه و اجتهاد و نه کلام یا حدیث یا دانشی دیگر، می‌تواند زمینه‌ساز تحولات بعدی در ایران شمرده شود. برخی، نقش این تحولات را در ارزیابی ریشه‌های انقلاب دینی ایران مهم می‌دانند.

اگر بخواهیم ربط میان صفویه، انقلاب اسلامی و مهدویت را پی گیریم، احتمالاً می‌توان گفت در پی رسمیت یافتن تشیع در ایران، از یک سو شاهد رشد مرجعیت فقهی، ترویج حکومت مبتنی بر مهدویت و مشروعیت‌یابی حکومت از طریق نایبان عام امام که در کلام و فقه شیعی ریشه داشت، و از سوی دیگر، شاهد رشد توجه به عاشورا و مراسم عزاداری در ایران و نهادینه شدن رسمی آن هستیم.<sup>۱</sup>

می‌توان در حد فرضیه‌ای قابل بررسی گفت که مجموع عوامل یادشده، بر اساس نمودار ذیل برخی زمینه‌ها را برای پیروزی انقلاب اسلامی فراهم ساخت و پس از پیروزی نیز در تعیین نوع حکومت نقش داشت. انقلاب اسلامی نیز همراه با دریافت مشروعیت خود از مهدویت، پس از پیروزی سبب گسترش مهدویت در ایران شد؛ چیزی که این نوشتار به بررسی آن خواهد پرداخت. گسترش مهدویت بر اثر انقلاب اسلامی، خود می‌تواند بستر ساز تحولاتی جدید در آینده ایران و حتی فراتر از آن شود.

۱. «البته دسته‌های عزاداری در شکل جدید، به سال ۳۵۲ هجری قمری و در زمان قدرت آل بویه در عراق به وجود آمد و این مراسم در برخی مناطق ایران نیز از سوی شیعه و اهل سنت انجام می‌گرفت» (رسول جعفریان، تاریخ تشیع در ایران، ج ۱، ص ۳۱۶-۳۱۸) و در همه دوران‌ها، کم یا زیاد شاهد مراسم عزاداری هستیم (اصغر فروغی ابری، ایرانیان و عزاداری عاشورا، فصل ۲ و ۴).



به هر تقدیر، توسعه نیابت به نیابت سیاسی و گسترش نیابت سیاسی، چه به لحاظ افزایش حوزه اختیارات و تعمیق مباحث در بین فقیهان، و چه به لحاظ گرایش‌ها و تلقی‌های مردمی از آن، جریان امامت و مهدویت را در ایران وارد مراحل جدیدتری ساخت. در مراحل بعدی و «با ورود استعمار به ایران و مبارزه علما با آن، نقش سیاسی نایبان امام غایب علیه السلام برجسته‌تر گردید. در بعد نظامی، فتوای جهاد در عراق و ایران و در بعد فرهنگی - سیاسی، جریان تحریم توتون و تنباکو، نمونه‌های بارزی از آن است»<sup>۱</sup>. نکته قابل توجه در نامهٔ ینک

۱. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، دایرة المعارف فقه مقارن، ص ۱۲۹-۱۳۲.

سطر و نیمی میرزای شیرازی آن است که استعمال توتون و تنباکو را در حکم محاربه با امام زمان علیه السلام می‌داند: «بسم الله الرحمن الرحيم. اليوم استعمال تنباکو و توتون به ای نحو کان، در حکم محاربه با امام زمان است عجل الله فرجه».<sup>۱</sup>

میرزای شیرازی با این کار، باور مهدوی مردم را برمی‌انگیزاند و صرفاً خواستار رفتاری فقهی نیست. شورآفرینی مردمی و تأثیر فوری این دست‌نوشته، حتی در حرم‌سرای ناصرالدین‌شاه نیز مشهور است.

پس از آن، برجسته‌ترین نمونه قابل بررسی، مشروطیت است. در این دوره، عالمان دینی و مراجع تقلید وقت، با نگاه یا نگاه‌های خاصی که به حکومت در عصر غیبت داشتند، وارد میدان شدند و افقی جدیدتر فراروی حکومت دینی گشودند. آنان در نقش نمایان‌عام امام غایب علیه السلام، به فعالیت‌های جدیدی دست زدند و وارد میدان مبارزه با حکومت‌های نامشروع و غیردینی عصر غیبت شدند. این مبارزه در انقلاب اسلامی، عمیق و گسترده‌گی بیشتری یافت؛ به گونه‌ای که امام خمینی علیه السلام همراه با مبارزه ریشه‌ای با اساس حکومت طاغوت، تأسیس حکومت دینی متناسب با شرایط عصر غیبت و در چهارچوب امامت و نیابت‌عام از امام غایب علیه السلام را مطرح کرد. در شرایط جدید، ولایت فقیه که شکل تکامل یافته‌تری از نیابت‌عام در مقایسه با مرجعیت تقلید بود، زمینه مطرح شدن یافت. این بحث را پس از نیابت معنوی پی خواهیم گرفت.

### نیابت معنوی

«نیابت معنوی»، تعبیری تسامحی است؛ زیرا در نیابت، نوعی تفویض و عهده‌داری مسئولیت شخصی دیگر مطرح است، ولی در اینجا، ایفای نقش هدایت معنوی مورد نظر است که با نوع عملکرد امام تشابه دارد.

۱. ناظم‌الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، ص ۱۹.



شیعیان، نیازهای معنوی خود را از راه ارتباط با خدا تأمین می‌کنند. این ارتباط، گاه مستقیم صورت می‌گیرد و زمانی به واسطه کسانی انجام می‌شود که هم در درگاه الهی مقرب‌اند و هم برای واسطه بودن، مأذون از سوی خدا شمرده می‌شوند. اینان پیامبر و امامان هستند.

امام معصوم، در زمینه اخلاق و رفتار دینی، کامل‌ترین الگوی عملی است. او نه تنها الگو و اسوه حسنه است، بلکه در مقام انسان کامل خلیفه الله، پل ارتباطی میان بندگان و خداست. امام معصوم با اذن الهی می‌تواند در قیامت بندگان را شفاعت کند و در دنیا نیز بر اساس ولایت تکوینی که خدا به او می‌دهد، دعا و خواستش بر سرنوشت مادی و معنوی انسان‌ها قدرت تأثیرگذاری دارد.

رشد نیابت عام فقیهان در عصر غیبت، تا نیابت در مسائل سیاسی که امری دنیوی است، پیش رفت، ولی این به معنای بی‌توجهی به امور معنوی نبود. در طول تاریخ، عالمان دینی پیش از آنکه بُعد علمی و فقهی‌شان ملاک ارزیابی بوده باشد، با توجه به میزان وجهه اخلاقی و معنوی‌شان ارزش‌گذاری می‌شدند و چنان‌که گذشت، در عصر صفوی نیز که برخی عالمان، مناصب شیخ‌الاسلامی را به دست آوردند و وارد عرصه سیاست شدند، عارف‌مسلکانی بودند که کار فقهی و سیاسی نیز می‌کردند. معنویت، از جمله ویژگی‌هایی است که به لحاظ فقهی در نایب امام لحاظ شده است. در رساله‌های عملیه آمده که مرجع تقلید باید عادل باشد و در برخی رساله‌ها بر حریم نبودن به دنیا نیز تأکید شده است. در تصور شیعیان نیز نایب امام، حتماً باید مراتب بالایی از اخلاق اسلامی و کمالات معنوی را داشته باشد؛ و گرنه، چنین شخصی صلاحیت لازم را برای نیابت از امام معصومی که در اوج پاکی و بزرگی معنوی است، نخواهد داشت. در نظر مردم، نایب عام امام، باید عارف مسلک و دارای ارتباط معنوی بسیار قوی با خدا و امام غایب باشد که خلیفه خدا بر زمین است. نقش و بزرگی‌های معنوی مراجع تقلید در گرایش مردم به آنان، قابل

چشم‌پوشی نیست. این مطلب را در تحلیل گرایش‌های مردم به ایشان به‌راحتی می‌توان دنبال کرد.

در عصر غیبت، مردم که از وجود ظاهری امام به‌عنوان انسان کامل و خلیفه خدا محروم‌اند، تمایل دارند شاهد سطح هرچند نازلی از ولایت تکوینی نزد نایبان عام امام و عالمان برجسته دینی باشند. آنان بخشی از انتظارات معنوی خود را از امام معصوم، از طریق عالمان وارسته که مراجع تقلید در رأس آنان قرار دارند، برآورده می‌سازند. برخی روابط مردمی با مرحوم آیت‌الله بهجت یا آیت‌الله خامنه‌ای از این نوع است. نمونه برجسته آن را با روشنی بیشتر، در نوع رابطه مردم با امام خمینی علیه السلام می‌توان پی گرفت. گویی مردم با امام غایب خود مواجه می‌شدند. این ویژگی بارز امام خمینی علیه السلام که در مقایسه با دیگر مراجع، بی‌نظیر به نظر می‌رسید، سبب افزایش معنویت‌گرایی در جامعه ایران شد.

### ولایت فقیه

در نیابت سیاسی گفتیم که متن روایت منقول از امام زمان علیه السلام، زمینه برداشت سیاسی از خود را از همان ابتدا به همراه داشت و شرایط تاریخی نیز بستر طرح نیابت سیاسی را فراهم ساخت. این امور، شرایط را برای طرح ولایت فقیه از سوی امام خمینی علیه السلام آماده ساخت و ایشان نیز با توجه به توضیحات ذیل، به نهادینه ساختن آن پرداخت.

امام خمینی علیه السلام، مبارزه با اصل رژیم شاهنشاهی را آغاز کرد و گفت شاه باید برود. ایشان، شاه را ریشه فسادها و مشکلات معرفی کرد و اندیشه برپایی حکومت اسلامی را در عصر غیبت مطرح و آن را به خواسته مردم مبدل ساخت. در این وضعیت، باید الگو و شیوه‌ای را که قرار است پس از رفتن شاه، کشور بر اساس آن اداره شود، معرفی کند.

امام خمینی علیه السلام در مسیر ترویج ولایت فقیه، نخست نظر خود را درباره حکومت در عصر

غیبت و شرایط و اختیارات حاکم اسلامی (ولایت فقیه) با شاگردانش و در خلال درس خارج مطرح ساخت و سپس خود و شاگردانش بر گسترش عمومی آن همت گماردند. او در خصوص اختیارات ولایت فقیه، با تفکیک قایل شدن میان مقامات معنوی و ولایت تکوینی معصومان از یک سو و مقامات و اختیارات دنیوی و حکومتی آنان از سوی دیگر، اختیارات حکومتی ایشان را برای فقیه جامع الشرایط نیز قایل شد و در واقع، به گسترش حوزه اختیارات مرجع تقلید پرداخت و نیابت سیاسی را پیش از پیش توسعه داد و آن را در قالب ولی فقیه مطرح ساخت.

در کتاب *شئون و اختیارات ولی فقیه* که ترجمه مبحث ولایت فقیه از کتاب *البیع* ایشان است، می خوانیم:

نکته مهم در این بحث این است که در تمام مسائل مربوط به حکومت، همه آنچه از اختیارات و وظایف پیامبر و امامان پس از او - که درود خداوند بر همگی آنان باد - محسوب می شود، در مورد فقهای عادل نیز معتبر است. البته لازمه این امر این نیست که رتبه معنوی آنان، هم پایه رتبه پیامبران و امامان تلقی شود؛ زیرا چنان فضایل معنوی، خاص آن بزرگواران است و هیچ کس در مقامات و فضایل با آنان هم رتبه نیست. ... بنابر آنچه گفتیم، کلیه امور مربوط به حکومت و سیاست که برای پیامبر و ائمه مقرر شده، در مورد فقیه عادل نیز مقرر است...<sup>۱</sup>

ولایت فقیه که شکل تکامل یافته تر مرجعیت تقلید بود، در قانون اساسی پس از انقلاب به صراحت مطرح شد. بی تردید قانون اساسی، از مهم ترین وسایل برای انتقال نظام معنایی به جامعه و اجتماعی ساختن نسل های بعدی بر اساس آن است. در اصل پنجم قانون اساسی آمده است: «در زمان غیبت حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه - در جمهوری اسلامی

۱. روح الله خمینی، *شئون و اختیارات ولی فقیه* (ترجمه مبحث ولایت فقیه از کتاب *البیع*)، ص ۳۳-۳۵.

ایران، ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و باتقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که طبق اصل یک صد و هفتم عهده دار آن می گردد.<sup>۱</sup>

در اصول ۱۰۷ تا ۱۱۲ قانون اساسی نیز به نحوه انتخاب، عزل و حوزه اختیارات ولی فقیه پرداخته شده است. حوزه اختیارات ولی فقیه، آن گونه که امام خمینی علیه السلام مطرح کرد و در قانون اساسی آمده، در مقایسه با مرجعیت، دایره گسترده تری دارد و به روشنی نقش سیاسی برجسته تری را برای نایب عام امام قایل می شود.

ولایت فقیه پس از انقلاب و پیش از تصویب قانونی نیز به دلیل حضور عملی امام خمینی علیه السلام در صحنه و در مقام مرجع تقلیدی که انقلاب را رهبری کرد و به دلیل شخصیت کاریزمایی او، معیار عمل قرار گرفته بود، ولی پس از طرح آن در قانون اساسی و رأی بالای ملت به آن و اداره کشور بر اساس آن، آرام آرام مسیر تثبیت را پشت سر گذاشت؛ به ویژه که پس از انقلاب، مرجعیت تقلید و ولایت فقیه در سطح جامعه ایران، در شخص واحدی تبلور یافت و اختیارات مرجع تقلید، بخشی از اختیارات ولی فقیه دانسته شد. این امر، زمینه رشد هرچه بیشتر مفهوم جدید از نیابت عام امام غایب علیه السلام را فراهم ساخت. در این روند، سال ۱۳۶۸ که با ارتحال بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران هم زمان است، از دو نظر اهمیت فراوانی دارد:

نخست اینکه تا پیش از سال ۱۳۶۸ و در زمان حیات امام خمینی علیه السلام، مردم تجربه جدیدی از ولایت پذیری را که شرط ظهور و لازمه جامعه پس از ظهور است، پشت سر می گذاشتند؛ تجربه ای که جهان تشیع، نه در زمان دیگر مراجع تقلید و نه حتی در زمان حکومت امام علی علیه السلام، در این سطح با آن مواجه نشده بود؛ زیرا اولاً این دوره، ولایت پذیری، از دوره ولایت پذیری زمان امام علی علیه السلام و حکومت ایشان طولانی تر شده بود و ثانیاً بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، با اینکه مقامات معنوی امام معصوم را نداشت و

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل پنجم.

خود نیز مدعی چنین چیزی نشد، که آن را انکار نیز می کرد، شعاع دایره ولایت و اختیاراتش، به اندازه شعاع دایره ولایت تشریحی و اختیارات امام معصوم بود. با این وصف، مردم ولایت او را حتی بیشتر از مردم زمان امام علی علیه السلام پذیرفتند و در چهارچوب خواسته های مشروع او حرکت کردند. این تجربه جدید و موفق شیعیان، از حدی از آمادگی برای استقبال از امام غایبی حکایت دارد که بر اساس باور شیعیان، از جمله شرایط ظهورش، آمادگی آنان و دیگر مردم برای پذیرش ولایت آن امام غایب علیه السلام است.

اما یکی از پرسش های اساسی در حوزه مهدویت پژوهی و بررسی تاریخی نیابت عام، پس از خرداد ۱۳۶۸ و زمان ارتحال امام خمینی علیه السلام، این بود که: آیا مردم به این دلیل که امام خمینی علیه السلام را دوست داشتند و با او انقلاب کرده بودند، ولایتش را نیز پذیرفته بودند و در نتیجه، پس از ارتحال او پرونده ولایت و ولایت پذیری درهم می پیچد و تجربه جدید از ولایت پذیری که توصیفش گذشت، منقطع می شود؛ یا چون او را نایب امام غایب علیه السلام می دانستند، ولایت او را نیز پذیرفته بودند و او را مصداقی از نایب عام امام تلقی می کردند و بنابراین، پس از او، چنین رفتاری را با جانشین او نیز خواهند داشت و این تجربه استمرار خواهد یافت؟ به بیان دیگر، آیا ولایت فقیه نزد شیعیان، به یک قاعده تبدیل شده بود یا صرفاً باید آن را پدیده ای تک مصداقی در گرایش های شیعی برشمرد؟

اتفاقی که با انتخاب جانشین امام خمینی علیه السلام افتاد، قابل توجه است. در زمان رحلت امام خمینی علیه السلام، هیچ کس محبوبیت و جایگاه ممتاز ایشان را نداشت و همین امر سبب می شد طرف داران امام و انقلاب، از وضع جدید ناخرسند باشند، ولی نکته قابل دقت در این میان آن بود که آیت الله خامنه ای پس از انتخاب شدن به رهبری، آرام آرام شخصیت کاریزمایی خود را از مقام ولایت فقیه به دست آورد و این اتفاق، برعکس آن چیزی بود که برای امام خمینی علیه السلام رخ داده بود. شخصیت کاریزمایی امام خمینی علیه السلام، به ولایت فقیه مقبولیت عام بخشید، ولی در زمان حیات او، ولایت فقیه به آن میزان از پذیرش و مقبولیت رسیده بود

که سبب شود مقام ولایت فقیه، به شخصی که واجد آن می‌شود، محبوبیت و اقتدار تفویض کند و این امر در تحلیل مسائل مربوط به آخرالزمان، معنایی خاص می‌یابد. در واقع پذیرش عمومی ولایت که مقدمه‌ای برای پذیرش ولایت امام غایب علیه السلام است، در بین شیعیان، در حال وقوع و نهادینه شدن است و بر اساس تحلیل ارائه شده، نگرانی دوستداران امام و انقلاب از فقدان شخصیتی که پس از امام خمینی علیه السلام همچون او، از محبوبیت و اقتدار بالایی برخوردار باشد، نه تنها ضعف در مسیر تکاملی انقلاب اسلامی و مهدویت نبود، بلکه خود گامی به جلو در حوادث آخرالزمانی برای نهادینه شدن ولایت‌پذیری و زمینه‌سازی بیشتر انقلاب اسلامی برای ظهور به شمار می‌آید.<sup>۱</sup>

این اتفاق در حوزه جامعه‌شناسی نیز می‌تواند فضای جدیدی برای فهم دقیق‌تر اقتدار کاریزماتیک ماکس وبر یا اصلاح آن بگشاید. بر اساس سخن وبر، اقتدار کاریزماتیک، با شخصیت استثنایی واجد آن، ارتباط و هم‌بستگی تامی دارد؛ به طوری که با مرگ آن شخصیت، آن اقتدار نیز از میان می‌رود و به جانشین منتقل نمی‌شود. در نتیجه، آن حکومت با بحران مشروعیت مواجه می‌گردد. بر همین اساس، برخی تحلیل‌گران خارجی، سقوط حکومت دینی و شکست انقلاب اسلامی را پس از ارتحال امام خمینی علیه السلام انتظار می‌کشیدند، ولی برخلاف این انتظار و سخنان ماکس وبر، در نمونه شیعی اقتدار کاریزماتیک که در چهارچوب نیابت عام و امامت به وجود می‌آید، همراه با برخورداری از ویژگی‌های محبوبیت، اقتدار و عقلانیت، شاهد نوعی ثبات و انتقال آن به جانشین بعدی هستیم. این نوع مقام کاریزمایی شیعی، نتیجه جایگاه و سمت الهی نیابت است که به افرادی که در آن جایگاه قرار می‌گیرند، داده می‌شود. البته هر قدر این افراد شرایط لازم را برای آن سمت بیشتر دارا باشند، ویژگی کاریزماتیکشان نیز بیشتر خواهد بود.

۱. اصل این نظر از آقای دکتر محمدجواد همایون، از پژوهشگران عرصه مهدویت است که در اینجا بیان تفصیلی‌تر آن آورده شد.

دوم اینکه، از جهتی دیگر، اهمیت سال ۱۳۶۸ در این بود که در پی پیروزی انقلاب اسلامی و با جمع شدن ولایت فقیه و مرجعیت تقلید در شخص امام خمینی علیه السلام، ولایت فقیه تقریباً جای گزین مرجعیت تقلید شده بود، ولی در پی ارتحال ایشان، با وجود برخی عالمان برجسته در قم، همچون آیت الله العظمی گلپایگانی و آیت الله العظمی اراکی، استمرار این امر ممکن نبود. از این رو، بین مرجعیت و ولایت فقیه تفکیک صورت گرفت. این امر سبب تقویت دوباره مرجعیت در کنار ولایت فقیه گردید. پس از فوت آیت الله اراکی، امکان بازگشت به روند پیشین وجود داشت، ولی این امر با عدم پذیرش اولیه مرجعیت شیعیان ایرانی از سوی مقام معظم رهبری اتفاق نیفتاد و زمینه برای تثبیت مرجعیت برخی عالمان دینی در حوزه قم که در مقایسه با کسانی چون آیت الله گلپایگانی و آیت الله اراکی، جوان به شمار می آمدند، فراهم آمد. پس از چند سال و تثبیت مرجعیت برخی عالمان شیعی مستقر در حوزه علمیه قم، به تدریج گروهی از شیعیان ایرانی که گمان کرده بودند چون رهبری انقلاب عدم رضایت خود را از مرجع شدن اعلام کرده اند، دیگر از نظر شرعی امکان انتخاب آیت الله خامنه ای به عنوان مرجع تقلید برایشان وجود ندارد، به ایشان رجوع کردند یا افرادی که به تازگی به سن تکلیف شرعی می رسیدند، این انتخاب را نیز فراروی خود می دیدند. گذر زمان سبب شد همراه با مطرح و تثبیت شدن مرجعیت گروهی از عالمان حوزوی، در کنار آن، شئون مرجعیت تقلید برای ولی فقیه نیز دوباره و همچون زمان حیات امام خمینی علیه السلام مطرح شود و این دو سازمان در کنار هم به حیات خود ادامه دهند. انحصار نیابت عام در ولایت فقیه یا ادامه حیات این دو در کنار هم، هر کدام کارکردهای متفاوتی دارد که پرداختن به آن مجال دیگری می طلبد.

در پایان، توجه به این نکته، سودمند است که اگر تا پیش از انقلاب اسلامی، دست کم این نگاه غالب بود که در عصر غیبت، تشکیل حکومت دینی امری بعید یا محال است و نیابت عام از امام غایب علیه السلام فقط در چهارچوب مرجعیت تقلید معنادار بود، انقلاب

اسلامی، چهارچوب جدیدی از نیابت را که معنای نیابت را بیشتر از مدل قبلی خود داراست، عرضه کرد و مورد پذیرش شیعیان قرار گرفت. نگاه جدید، جایگاه ویژه خود را در سطح جامعه و حوزه‌های علمیه و حتی در نگاه مراجع تقلید پیدا کرده و امروزه این نگاه جدید، در سطح مراجع تقلید که تغییرات را با معیارهای فقهی و اصولی، قبول یا رد می‌کنند نیز به وجود آمده است. در دوره حاضر، نسلی از مراجع تقلید شکل گرفته‌اند که ولایت فقیه و حکومت دینی را پذیرفته‌اند و از آن دفاع می‌کنند.

پذیرش ولایت فقیه در سطح مراجع تقلید، پس از حمله آمریکا به عراق روند رو به رشدی یافته است. توضیح آنکه دو حوزه علمیه مهم شیعه، یکی در ایران و دیگری در عراق قرار دارد. حوزه ایران به دلیل قرار داشتن در کانون انقلاب اسلامی، تغییرات به وجود آمده در نیابت عام را خیلی زود درک و هضم کرد، ولی حوزه علمیه نجف که قدمت بیشتری از حوزه علمیه قم در ایران داشت و از این نظر دارای اعتباری خاص شمرده می‌شد، به دلیل فشارهای شدید حکومت صدام که حتی بقای خود را در معرض خطر می‌دید، مصداق بارزی از یک حوزه تحت فشار از سوی حکومت‌های غاصب در عصر غیبت بود و به لحاظ شرایط زمانی، در دوران پیش از انقلاب اسلامی ایران به سر می‌برد؛ هرچند برخی شخصیت‌های مهم آن ایرانی بودند و این دو حوزه، علقه‌های وثیقی به هم داشتند و در واقع بزرگان حوزه قم، شاگردان حوزه نجف بودند. اما بر اثر انقلاب اسلامی، این شاگردان از اساتید خود تا حدی جدا شدند و راهی دیگر برگزیدند و با وجود رشد تدریجی ولایت فقیه در حوزه قم، حوزه نجف از این مسیر جدید فاصله داشت. حوزه نجف گاه دستاویزی می‌شد برای مخالفان ولایت فقیه تا از راه علم کردن عالمان حوزه نجف، مخالفت خود را با ولایت فقیه مطرح سازند. اما پس از حمله آمریکا به عراق و سقوط صدام و به وجود آمدن برخی آزادی‌ها برای حوزه نجف و ازسویی، تسلط استعمارگران و کافران بر عراق و ایجاد ناامنی‌ها و ترورها، حوزه نجف با اتخاذ رویکردی جدید به مقابله



سیاسی و... با حوادث عراق پرداخت. آیت‌الله سیدعلی سیستانی، از برجسته‌ترین شخصیت‌های نجف و دیگران به عرصه سیاست وارد شدند و در واقع، در مسیری گام نهادند که امام خمینی ره در آن گام نهاده بود و این به معنای نزدیک شدن حوزه نجف به حوزه قم و همچنین نزدیک شدن مرجعیت تقلید نجف به ولایت فقیه است. آیت‌الله سیستانی با برخی اظهارنظرها درباره ولایت فقیه و عملکردهای خود، به تقویت ولایت فقیه در ایران و عراق کمک کرده است.

### نتیجه

در مجموع می‌توان گفت مجموعه تحولات پیش گفته، چه در توسعه تدریجی نیابت‌های علمی، مالی و سیاسی و چه در عمق یافتن آنچه پیش‌تر با عنوان نیابت معنوی مطرح ساختیم، همگی زمینه را برای طرح ولایت فقیه که در مقایسه با سازمان مرجعیت، نزدیکی بیشتری با امامت دارد، فراهم ساخت. در ولایت فقیه، به دلیل انتقال میزان بیشتری از اختیارات امام به ولی فقیه، «نیابت» از امام، عینیت بیشتری می‌یابد و در واقع امامت و مهدویت در جامعه و در بین مردم، ظهور و بروز بیشتری پیدا می‌کند و زمینه برای عملیاتی شدن بیشتر دین در سطح جامعه، که از مهم‌ترین فواید امامت برای امت است، از راه نیابت امام بیشتر فراهم می‌شود.

اگر مهدویت را پدیده‌ای تکاملی-تاریخی بدانیم و از موضعی جامعه‌شناختی به تحول مرجعیت به ولایت فقیه بنگریم، آن را می‌توان حلقه‌ای از حلقه‌های تکاملی مهدویت برشمرد؛ به این معنا که با طرح ولایت فقیه پس از انقلاب اسلامی و تشکیل حکومت دینی مبتنی بر آن، شیعیان تجربه بزرگی از ولایت‌مداری را پشت‌سر می‌گذارند که شرط ظهور و لازمه جامعه پس از ظهور است و از آغاز غیبت تاکنون، تجربه‌ای به این گستردگی از ولایت‌پذیری نداشته‌اند و مسلمانان و دیگر مردم جهان که در نظام باورهای اسلامی، روزی

شاهد ظهور خواهند بود و سرانجام ولایت امام معصوم را خواهند پذیرفت، شاهد الگویی از حکومت ولایی امام خواهند بود و بستر آشنایی آنها با نظام دینی - سیاسی جدید، مبتنی بر مهدویت فراهم می‌آید. تجربه شیعی ولایت‌مداری و عرضه جهانی آن برای غیرشیعیان، در نظام باورهای شیعی گامی به سمت ظهور و بنابراین، حلقه‌ای از حلقه‌های تکاملی آن شمرده می‌شود.

### ۳. از حکومت غیردینی تا حکومت دینی

مسئله مشروعیت یا عدم مشروعیت دینی حکومت‌ها، از دو منظر متفاوت قابل بررسی است که نتایج متفاوتی نیز در پی دارد: یکی از منظر اندیشه شیعی و آنچه در فقه و کلام می‌آید و دیگری، از منظر تاریخی و تحولات سیاسی-اجتماعی که بخشی از تجربه‌های شیعی را درباره حکومت تشکیل می‌دهد.

از منظر نخست، اساساً جز خدا یا مآذون ازسوی او، هیچ کس حق فرمان دادن به دیگری را ندارد و کسی نیز حق فرمان‌پذیری از فردی دیگر را نخواهد داشت، جز اینکه آن فرد، مآذون ازسوی خدا باشد. این اصل در همه جا، از جمله در فرمان‌ها و امر و نهی‌های حکومتی جاری است.

حکومت که اساساً حق خداست، عملاً در اختیار پیامبر و سپس امامان معصوم یا منصوبان ایشان قرار می‌گیرد؛ چنان که یکی از ویژگی‌های مهم جامعه آرمانی شیعه، حکومت صالحان به رهبری امام دوازدهم است که مآذون ازسوی خداست.

عالمان پس از عصر غیبت، بخشی از مباحث نظری خود را درباره حکومت، به نحوه مشارکت و همکاری با حکومت‌های غاصب معطوف ساختند و بخشی دیگر را به حکومت مشروع دینی با محوریت امام معصوم علیه السلام یا نایب او اختصاص دادند. با اینکه حجم دسته دوم از مسائل، بیشتر از دسته نخست است، عموم نگاه‌ها در طرح این مباحث، به جامعه موعود و

زمان ظهور بود تا کاربرد آنها در عصر غیبت. نمونه مباحثی که جزء دین بود و عالمان شیعی در کتاب‌ها و محافل علمی خود به آنها می‌پرداختند، ولی عملی شدن آن را به پس از ظهور و امی گذاشتند، عبارت است از مسائلی چون: قضاوت، اجرای حدود، برقراری نماز جمعه، بر عهده گرفتن امور بی‌سرپرست مانده‌ای که شارع به ترک آن رضایت ندارد، امر به معروف و نهی از منکر که به برخورد جرحی و فیزیکی می‌انجامد، جهاد، گرفتن خراج و...

بیشتر مباحث کاربردی برای آنان، همان شیوه برخورد با حکومت‌های غاصب بود که بخش کوچکی از فقه سیاسی را تشکیل می‌داد.

اما از منظر تاریخی و تجربه‌های شیعی، آنچه در عمل رخ داد، صرفاً در عصر نبوی و دوره کوتاهی از زندگی امام نخست شیعیان، علی علیه السلام بود که حکومت مشروع دینی تشکیل شد. در حافظه تاریخی شیعه، تقریباً همه دولت‌های به وجود آمده، غاصبان یکی از شئون امامت، یعنی حکومت تلقی می‌شوند. شیعیان عملاً تجربه مثبتی از حکومت‌ها ندارند. آنان ریشه تاریخی این جریان را در صدر اسلام و در سقیفه می‌بینند. از نگاه شیعه، تصمیم‌سازی بر سر جانشینی پیامبر، برخلاف نص صریح ایشان اتفاق افتاد که علی علیه السلام را جانشین خود معرفی کرده بود.<sup>۱</sup> از همین نظر، حکومت‌های به وجود آمده را که با بنی‌امیه، بنی‌عباس و... استمرار یافت، غصبی و غیردینی می‌دانند.

با این مقدمه، مبحث «از حکومت غیردینی تا حکومت دینی» را در دو محور پی می‌گیریم. ابتدا به توضیح چرایی بعید شمردن یا حرام دانستن تشکیل حکومت دینی در عصر غیبت، و سپس به تحولاتی می‌پردازیم که در این زمینه بر اثر انقلاب اسلامی به وقوع پیوست.

---

۱. هر چند ادعای اصلی شیعه در مسئله جانشینی پیامبر، بعد تاریخی یا سیاسی آن نیست، بلکه مدعای عمده آنان بر سر جانشینی علمی و معنوی امامان است که در اینجا مد نظر نیست.

### الف) بعید یا حرام دانستن تشکیل حکومت دینی در عصر غیبت

با استمرار روند یادشده، حتی زمینه شکل‌گیری این تصور وجود داشت که امکان تشکیل حکومت مشروع تا پیش از ظهور قائم آل محمد علیه السلام و تشکیل حکومت جهانی مهدوی، امری بعید و تحقق‌ناشدنی تلقی شود، بلکه تلاش در عصر غیبت برای تشکیل حکومت، کاری نامشروع به شمار آید. عواملی چند می‌توانست این دسته‌گرایش‌ها را تقویت کند که به آنها اشاره می‌کنیم:

۱. در زمان پیشوایان معصوم، جز در چند سال حکومت امام علی علیه السلام، حکومت مشروع دینی تشکیل نشد. هنگامی که در عصر حضور آن بزرگواران امکان تشکیل حکومت مشروع وجود ندارد، چگونه ممکن است در عصر غیبت این امر محقق شود؟

۲. برخی از امامان شیعه، نه تنها حکومت دینی تشکیل ندادند، بلکه گاه با انجام مقدمات آن، چون اقدامات نظامی که گهگاه شکل می‌گرفت نیز مخالفت می‌کردند و به دلایلی چون نداشتن یاران ثابت‌قدم و دارای ایمان قوی، با آن جریان‌ها و اقداماتشان همراهی و همگامی نکردند. حتی امام علی علیه السلام که پیشینه فراوان نظامی - سیاسی داشت و بعدها نیز به حکومت رسید، حاضر به اقدام نظامی نبود. نقل است که او پس از یک سخنرانی و درحالی که با یارانش از کنار آغلی با حدود سی گوسفند می‌گذشت، به آنها فرمود: «به خدا سوگند! اگر به تعداد این گوسفندان مردانی صادق و مخلص به خدا و رسولش داشتم، این حاکمان را از ملکشان به زیر می‌کشیدم».<sup>۱</sup>

یا از امام محمد باقر علیه السلام نقل است که چون زیدبن علی که به اقدام نظامی دست زد، برای بیعت نزد آن حضرت آمد، امام به او فرمود: «مثل کسی از اهل بیت پیامبر که پیش از قیام مهدی علیه السلام قیام کند، مثل جوجه‌ای است که پیش از بال‌درآوردن، از لانه‌اش به

۱. محمدبن یعقوب کلینی، اصول الکافی، ج ۸، ص ۳۳.

پرواز درمی آید و چون به هوا می رود، بر زمین می افتد و کودکان او را برمی گیرند و وسیله بازی اش می سازند.<sup>۱</sup>

هر چند می توان گفت این تشبیه، بر مخالفت با قیام های زود هنگام دلالت می کند و نه هر قیامی، چنان که در برخی روایات از پیدایش برخی قیام ها، همچون قیام سید یمانی پیش از ظهور حکایت دارد و حتی مؤمنان را به همکاری با یمانی دعوت کرده و از مخالفت با او که به حق می خواند، بر حذر داشته است،<sup>۲</sup> ولی وجود ایده یاد شده در بین شیعیان، در گذر زمان می توانست آن را به ایده ای همیشگی مبدل سازد؛ به طوری که اقدام به تشکیل حکومت دینی را در عصر غیبت، امری غیردینی یا دست کم تشکیل آن را امری بعید و ناممکن تصور کنند و در نتیجه، به وجود حکومت های غصبی در عصر غیبت رضایت دهند و وجود آن را از ویژگی های این دوره پندارند.

«وجود برخی روایات که در آنها با توجه به شرایط زمانه، به اجتناب از عمل نظامی و همراهی نکردن با گروه های نظامی توجه گردیده بود، یا برخی روایات که ممکن است از سوی حاکمان وقت برای خاموش کردن شعله هایی که علیه شان برافروخته گشته بود، جعل شده باشد، سبب سکوت عالمان بزرگ شیعه در عصرهای مختلف و موجب تردید در این امر و شک در وظیفه گردید.»<sup>۳</sup>

توجه به نکات پیش گفته، می تواند ریشه تفسیر منفعلانه از انتظار را نیز از زیر خاک ابهام بیرون آورد.

۱. در آغاز غیبت، نایبان خاص امام، کار خود را مخفیانه انجام می دادند. آنان شیعیان را به آرامش و مشارکت نکردن در قیام هایی که از سوی برخی فرقه ها صورت می گرفت،

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۶۳.

۲. همان، ج ۵۲، ص ۲۳۲.

۳. مصطفی خمینی، ثلاث رسائل، ولایة الفقیه، ص ۶۳.

فرامی خواندند. پس از ایشان، راویان نیز عصر غیبت را دوران صبر، امتحان و انتظار تعبیر کردند. این راهبرد نیز اگر چونان خط‌مشی کلی و ثابت برای همهٔ زمان‌ها به شمار آید، می‌تواند به ایجاد باورهایی چون حرمت دخالت شیعه در عمل سیاسی و حرمت تلاش برای رهایی از حکومت‌های ستمگر و ضد دینی، در هر شرایط و در هر زمانی بینجامد.

۲. در ادامهٔ عصر غیبت، عالمان شیعی عموماً از حکومت‌ها و عمل مستقیم سیاسی فاصله داشتند و این امر در نهایت، به تقویت و تثبیت نگرش‌های پیشین کمک می‌کرد. در این میان، برخی عالمان در حکومت مشارکت کردند. آنها در تغییر این نگرش و تحولات بعدی مؤثر بودند، ولی همین دسته از عالمان نیز حکومت‌هایی را که در آن مشارکت داشتند، غصبی و نامشروع می‌دانستند. سید مرتضی (۳۵۵-۴۳۶ق) و محقق کرکی از این نمونه‌اند. محقق کرکی از عالمان عصر صفویه که از سوی شاه طهماسب، با عنوان نایب امام غایب علیه السلام خوانده شده بود و دست او را در امور ממکنکی باز گذاشته «و همگان را موظف به پذیرش اوامر و نواهی او کرده بود و او نیز هر کس را می‌خواست، می‌توانست مستقیماً عزل یا نصب کند»<sup>۱</sup> و محقق نیز با استفاده از فضای به‌وجود آمده، به اصلاحات دینی فراوانی پرداخت، ولی باین همه، حکومت صفویه را مشروع نمی‌دانست؛ باینکه طرح این نظر از سوی او می‌توانست برایش گران تمام شود.

هنگامی که مخالفان کرکی به او خرده می‌گرفتند که از سلطان هدیه می‌گیرد، هیچ‌گاه در صدد اثبات مشروعیت دولت صفوی بر نیامد، بلکه نظر خود را مبنی بر اصل جواز دریافت هدایا از سلطان، مطرح می‌ساخت و حتی برای اثبات جواز دریافت هدیه از سلطان، صفویان را با معاویه مقایسه می‌کرد.<sup>۲</sup>

۱. علی‌نقی ذبیح‌زاده، مرجعیت و سیاست در عصر غیبت، ج ۲، ص ۶۹.

۲. سیدرشید صمیمی، تأثیرات نظری عصر غیبت بر اندیشهٔ سیاسی شیعه، ص ۶۸.

این دسته عوامل می‌توانست در ایجاد گرایش‌های پیش‌گفته مؤثر افتند. گرایش به اینکه حکومت‌های موجود، غصبی و غیرشرعی است و امکان تغییر این وضعیت در عصر غیبت تقریباً وجود ندارد، بلکه اقدام در این دوره برای تشکیل حکومت، خلاف شرع است و باید با کناره‌گیری از جامعه، در انتظار ظهور و حکومت جهانی قائم آل محمد علیهم‌السلام در آخرالزمان ماند.

### ب) انقلاب اسلامی و حکومت دینی در عصر غیبت

تا پیش از انقلاب اسلامی، اگر نگوییم حرام دانستن اقدام به قیام و تلاش برای تشکیل حکومت دینی در عصر غیبت، دست‌کم بعید دانستن آن و موکول نمودنش به زمان ظهور، نظری مقبول در بین شیعیان بود. انقلاب اسلامی سبب تحول در این اندیشه شد و فضایی جدید فراروی شیعیان و غیر آنان گشود. در بررسی این تحول، ابتدا به جریانی می‌پردازیم که پیش از انقلاب و بر اساس باورهای مهدوی خود مخالف حرکت انقلابی بود و سپس به شیوه‌ای خواهیم پرداخت که امام خمینی علیه‌السلام از طریق آن به دگرگونی در این نظر در سطح جامعه شیعی ایران و بلکه فراتر از آن موفق گردید.

### انجمن حجتیه، حکومت دینی و انحلال پس از انقلاب

نگاه غالب به حکومت را در عصر غیبت، در پیش و عملکرد انجمن حجتیه می‌توان پی گرفت. از این نظر، بررسی تقابل میان انجمن حجتیه و انقلابیان و نتیجه این تقابل، در درک تحولاتی که بر اثر انقلاب اسلامی روی داد، کارگشا خواهد بود.

انجمن حجتیه مبتنی بر باورهای مهدوی، در زمانی به وجود آمد که چند سالی پس از آن، حرکت انقلابی امام خمینی علیه‌السلام برای مبارزه با رژیم نامشروع شاهی شکل یافت. این رژیم، چه در نظر امام خمینی علیه‌السلام و چه در نظر انجمنی‌ها، نامشروع و غصبی به شمار

می آمد، ولی هر کدام شیوه متفاوتی از تقابل یا تعامل را در مواجهه با آن حکومت نامشروع عصر غیبتی برگزیدند و توضیح آن خواهد آمد که چگونه پس از انقلاب اسلامی و بر اثر تحول نگرش به حکومت در عصر غیبت، امکان ادامه حیات برای انجمن حجّیه وجود نداشت و این انجمن رسماً تعطیلی خود را اعلام کرد.

انجمن خیریه حجّیه مهدویه، به وسیله شیخ محمود ذاکرزاده تولایی، معروف به شیخ محمود حلبی، به سال ۱۳۳۲ و با هدف مبارزه با بهائیت تأسیس شد.<sup>۱</sup> این انجمن تحت تأثیر مؤسس خود، آقای حلبی قرار داشت. از این رو، به نقل دیدگاه او درباره حکومت دینی می پردازیم:

عادل گاهی اشتباه می کند. خون مردم، مال مردم، عرض مردم، ناموس مردم را به کسی که خطا می کند نمی توان سپرد. ... باید به کسی سپرد که گناه نکند؛ به کسی که خطا نکند و اشتباه نکند و خلاصه به کسی که معصوم باشد. ... آن حاکم اسلامی، آن حاکم الهی که معصوم از هر خطا و اشتباه است و معصوم از هر گناه است، حضرت بقیه الله الاعظم، ولی الله الاعظم، امام زمان - ارواحنا لتراب مقدمه الفداء - ... آقا! شما اول ... یک پیشوا و یک رهبر معصوم پیدا کنید، رهبری که بتواند اداره اجتماع کند، روی نقطه عصمت، نه عدالت؛ عدالت کافی نیست. ... الان هم می گویی حکومت اسلامی خوب است! شما آن مصداق معصوم از خطا را نشان بدهید.<sup>۲</sup>

انجمن که تنها به کار فرهنگی در عصر غیبت باور داشت، در خصوص دخالت اعضا در

۱. آنچه در این نوشتار درباره انجمن حجّیه می آید، برگرفته از منبع ذیل است. به دلیل برخی اظهارنظرهای بعدی نویسنده، تلاش بر آن است تا صرفاً از مستندات کتاب و نه تحلیل ها و داوری های نویسنده برای بیان مقصود خود استفاده کنیم: ع. باغی [عمادالدین باقی]، حزب قاعدین زمان (موسوم به انجمن حجّیه)، بی جا، نشر دانش اسلامی، ۱۳۶۲.

۲. ع. باغی، حزب قاعدین زمان (موسوم به انجمن حجّیه)، ص ۱۱۷، ۱۱۸.



امور سیاسی و همراهی با جریان انقلاب اسلامی حساس بود و جلو این کار را می‌گرفت. یکی از اعضای پرسابقه و جداشده انجمن می‌گوید: «از برادران و خواهران انجمن نوشته می‌گرفتند که در امور سیاسی دخالت نکنند. انجمن شدیداً از درگیر شدن با مسائل سیاسی اجتناب می‌کرد».<sup>۱</sup> قضاوت آقای حلبی و انجمن این بود که انقلاب به ثمر نمی‌نشیند.<sup>۲</sup> آنها همراه با تمسخر حرکت انقلابی، با تمسک به روایتی که هر قیامی پیش از قیام امام زمان علیه السلام به شکست می‌انجامد، می‌گفتند: «این انقلاب به شکست می‌انجامد».<sup>۳</sup>

در اینجا می‌توان به چهارصد هزار رأیی اشاره کرد که پس از انقلاب اسلامی و در دور دوم انتخابات ریاست جمهوری، به نام امام زمان علیه السلام به صندوق‌ها ریخته شد.<sup>۴</sup> در صورت اثبات انتساب این آرا به اعضای انجمن که در آن شرایط بسیار محتمل به نظر می‌آید، میزان نفوذ اجتماعی و نوع نگاهشان به حکومتی معلوم می‌شود که امام زمان علیه السلام مستقیماً و بی‌واسطه در رأس آن قرار نداشته باشد. آنان تنها امام زمان علیه السلام را واجد شرایط حکومت کردن می‌دانستند؛ چیزی که تنها پس از ظهور رخ خواهد داد، نه در عصر غیبت. انجمن که به اصل تقیه معتقد بود، گاه در فعالیت‌های خود از ساواک اجازه می‌گرفت<sup>۵</sup> و در مبارزه برضد بهائیت، با بهائینی که در فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی وارد و با حکومت همراه شده بودند، کاری نداشت.<sup>۶</sup> شاید به همین دلیل بود که نظام شاهی این نوع تفکر مذهبی را می‌پسندید و چه بسا به تقویت آن در برابر مبارزان انقلابی نیز می‌پرداخت.

با پیروزی انقلاب اسلامی، آنان چند ماهی را در تحیر به سر بردند. آرام آرام در خصوص

۱. همان، ص ۱۷۳.

۲. همان، ۵۹.

۳. همان، ص ۶۱.

۴. همان، ص ۶۳.

۵. همان، ص ۴۷.

۶. همان.

بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران تأییدهایی را ابراز داشتند و در مناسبت‌هایی نظیر انتخابات، پیروزی رزمندگان در جنگ تحمیلی و...، در حمایت از امام و انقلاب اطلاعیه‌هایی صادر کردند.<sup>۱</sup>

اما به هر حال، انقلابیان در خصوص اندیشه‌ها و رفتار آنها مشکوک بودند و به مخالفت و موضع‌گیری برضد این گروه پرداختند. انجمنی‌ها که به حکومت دینی در عصر غیبت باور نداشتند، در عین حال پس از انقلاب، به دلیل تشکیلاتی بودن و پیشینه کار فرهنگی و اطلاعاتی در مقابله با بهائیت، توانسته بودند در نهادها و مراکز انقلابی و وزارت‌خانه‌ای چون آموزش و پرورش نفوذ کنند. یکی از اعضای سابق انجمن می‌گوید: «انجمن برای اجرای طرز تلقی خود از اسلام، پس از انقلاب در ارگان‌های انقلابی مثل جهاد، سپاه و... نفوذ کرد<sup>۲</sup> و به دلیل سابقه کار فرهنگی، پس از پاک‌سازی آموزش و پرورش، در این وزارت‌خانه زمینه نفوذ مناسبی پیدا کرد. محمدعلی رجایی، رئیس جمهور شهید انقلاب، در دوران مسئولیتش در آموزش و پرورش، در مقابل آنان موضع‌گیری کرد.<sup>۳</sup> این نوع موضع‌گیری منحصر به رجایی نبود و در خطبه‌های نماز جمعه، مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها تکرار می‌شد.

در واقع، برتری نگاه جدید به حکومت و مهدویت در حال روی دادن بود و در فضای انقلابی حاکم بر کشور، دیگر تاب تحمل دیدگاه منفعل در خصوص عصر غیبت وجود نداشت. انجمنی‌ها نیز باینکه اهل صبر و تقیه و حتی کارهای سازمانی و اطلاعاتی بودند، فضای جدید به حدی بر آنان فشار آورد که آن را تحمل ناپذیر یافتند و در پی یکی از سخنرانی‌های امام خمینی (ره) که در آن، بی‌آنکه نامی از انجمن آورد، به نقد دیدگاه آنان

۱. همان، ص ۶۳.

۲. همان، ص ۸۷.

۳. همان، ص ۸۸.

پرداخت، به تعطیلی فعالیت‌های خود تصمیم گرفتند و حلیمی، رئیس انجمن، در اطلاعیه‌ای در مرداد ۱۳۶۲، تعطیلی آن را اعلام کرد.

### امام خمینی علیه السلام و عمومی ساختن ایده حکومت دینی

بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران در روند تثبیت و عمومیت‌بخشی به امکان و بلکه لزوم حکومت دینی در عصر غیبت، از شیوه‌های گوناگونی بهره گرفت که در اینجا به آنها می‌پردازیم.

### ارائه دیدگاه جدید در میان حوزویان و نقد دیدگاه پیشین

امام خمینی علیه السلام، چه در جلسات و سخنرانی‌هایی که با عالمان حوزوی داشت و چه در خلال درس خارج خود، که امروزه بخش ولایت فقیه آن به فارسی نیز ترجمه شده است، اندیشه حکومت دینی در عصر غیبت و لزوم توجه به آن را مطرح و تبیین می‌کرد. برای مثال، ایشان در زمان تبعید در نجف و در یک مجموعه سخنرانی در سال ۱۳۴۸، به موضوع حکومت دینی در عصر غیبت و ولایت فقیه پرداختند؛ چیزی که امروزه تحت عنوان ولایت فقیه (حکومت دینی) چاپ شده است. در این کتاب، به اموری چون دلایل لزوم تشکیل حکومت، شیوه حکومت اسلامی، ولایت فقیه و برنامه مبارزه پرداخته شده است. در بخشی از این کتاب درباره لزوم حکومت در عصر غیبت آمده است:

بدیهی است ضرورت اجرای احکام که تشکیل حکومت رسول اکرم صلی الله علیه و آله را لازم آورده، منحصر و محدود به زمان آن حضرت نیست و پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز ادامه دارد... از غیبت صغرا تاکنون که بیش از هزار سال می‌گذرد و ممکن است صد هزار سال دیگر بگذرد و مصلحت اقتضا نکند که حضرت تشریف بیاورد، در طول این مدت مدید، احکام اسلام باید زمین

بماند و اجرا نشود؟... آیا خدا اجرای احکامش را محدود کرد به دوپست سال و پس از غیبت صغراء، اسلام همه چیزش را رها کرده است؟ اعتقاد به چنین مطالبی یا اظهار آنها، بدتر از اعتقاد و اظهار منسوخ شدن اسلام است. هیچ کس نمی تواند بگوید دیگر لازم نیست از حدود و ثغور و تمامیت ارضی وطن اسلامی دفاع کنیم یا امروز مالیات و جزیه و خراج و خمس و زکات نباید گرفته شود... هر که اظهار کند که تشکیل حکومت اسلامی ضرورت ندارد، منکر ضرورت اجرای احکام اسلام شده و جامعیت احکام و جاودانگی دین مبین اسلام را انکار کرده است.<sup>۱</sup>

### تبلیغ و ترویج این ایده در بین عموم مردم

امام خمینی علیه السلام که متوجه ستم های حکومت و عملکرد ضد دینی آن بود، با باور به اینکه اگر ایده جدیدش در بین مردم بیان شود، از آن استقبال خواهد شد، به ترویج عمومی آن پرداخت و شاگردان و دوستانش را در این مسیر راهنمایی کرد:

ما موظفیم برای تشکیل حکومت اسلامی جدیت کنیم. اولین فعالیت ما را در این راه، تبلیغات تشکیل می دهد. بایستی از راه تبلیغات پیش بیاییم. در همه عالم و همیشه همین طور بوده است. چند نفر با هم می نشستند، فکر می کردند، تصمیمی می گرفتند و به دنبال آن تبلیغات می کردند. کم کم بر نفرات همفکر اضافه می شد [و] سرانجام به صورت نیرویی در یک حکومت بزرگ نفوذ کرده، یا با آن جنگیده، آن را ساقط می کردند. محمدعلی میرزا [محمدعلیشاه] را از بین می بردند و حکومت مشروطه تشکیل می دادند. همیشه از اول، قشون و قدرتی در کار نبوده است و فقط از راه تبلیغات پیش

۱. روح الله خمینی، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، ص ۱۸-۲۰.

می‌رفته‌اند. قلدری‌ها و زورگویی‌ها را محکوم می‌کردند. ملت را آگاه می‌ساختند و به مردم می‌فهماندند که این قلدری‌ها غلط است. کم‌کم دامنه تبلیغات توسعه می‌یافت و همه گروه‌های جامعه را فرامی‌گرفت؛ مردم بیدار و فعال می‌شدند و به نتیجه می‌رسیدند...<sup>۱</sup>

این شیوه در عمل نیز اجرا شد و آرام‌آرام به درون جامعه نفوذ کرد؛ به طوری که میشل فوکو هنگامی که از مشاهدات خود پیش از انقلاب سخن می‌گوید، به این نکته اشاره می‌کند: «شما چه می‌خواهید؟» با این سؤال بر سر زبان بود که در روزهای پس از تظاهرات، در تهران و قم چرخیدم. ... از پنج مخاطب من، چهار نفر جواب می‌دادند: «حکومت اسلامی».<sup>۲</sup>

### بهره‌گیری از آموزه‌های عاشورایی

امام خمینی علیه السلام و به پیروی از ایشان، بقیه انقلابیان طرف‌دار امام، از عاشورا استفاده‌های بسیاری بردند؛ چه به لحاظ پیام‌ها و محتوای عاشورا و چه به لحاظ نقش رسانه‌ای آن، که از خلال برنامه‌ها و مراسم عزاداری در سرتاسر کشور چونان رسانه‌ای ملی عمل می‌کرد؛ رسانه‌ای که در انحصار روحانیان یا طرف‌داران آنان بود. بیان تأثیر پیام عاشورا در انقلاب اسلامی، مجال دیگری می‌طلبد، ولی برای نمونه، می‌توان به حرکت امام خمینی علیه السلام در قالب امر به معروف و نهی از منکر اشاره کرد که امام حسین علیه السلام نیز هدف خود را همین اعلام نمود؛ یا طرح مسئله در خطر بودن اسلام و اینکه علمای اسلام به داد اسلام برسید،<sup>۳</sup> تداعی‌گر سخن امام حسین علیه السلام است که در صورت بیعت و مدارا با یزید، دیگر چیزی از اسلام باقی

۱. همان، ص ۱۱۵.

۲. میشل فوکو، ایرانی‌ها چه رؤیایی در سر دارند، ترجمه حسین معصومی همدانی، ص ۳۶.

۳. روح‌الله خمینی، صحیفه نور، ج ۱، ص ۱۰۵.

نمی‌ماند؛ یا مخالفت امام خمینی علیه السلام با کاپیتولاسیون که متأثر از شعار هیئات منّا الذلّة امام حسین علیه السلام بود و....

از نظر بهره‌گیری از نقش رسانه‌ای عاشورا در انقلاب اسلامی نیز می‌توان به دو ماه محرم و صفر اشاره داشت که زمان برگزاری مراسم عزاداری، روضه‌خوانی و تبلیغ دینی در سراسر کشور، اعم از روستا و شهر است. در این فاصله زمانی، روحانیان طرفدار امام خمینی علیه السلام با مسافرت به سراسر کشور و حضور در جمع نیروهای مذهبی، پیام انقلاب و امام را به عموم مردم می‌رساندند و این غیر از آن برنامه‌ها و مراسم عاشورایی به شدت تأثیرگذار در روند مبارزات است که در سال آخر رژیم گذشته برپا شد و کاروان انقلاب اسلامی را با شتاب هرچه تمام‌تر در جاده پیروزی به حرکت درآورد.

اما ارتباط بهره‌برداری از عاشورا و تغییر نگاه به حکومت را در پیام‌های مردمی شده عاشورا باید جست‌وجو کرد؛ با این توضیح که حرکت امام حسین علیه السلام، در تضاد با پذیرش حکومت‌های نامشروع و ضد دینی است. آن حضرت قیام کرد؛ چون حکومت ضد دینی یزید را نمی‌پذیرفت و زیر بار آن نمی‌رفت. ملتی که با فعال شدن این بخش از فرهنگ خود وارد میدان مبارزه می‌شود، در راهی گام نهاده که همان نپذیرفتن حکومت نامشروع موجود و طبیعتاً پذیرش حکومت دینی جانشین آن خواهد بود؛ هرچند این حکومت در عصر غیبت باشد.

مدعای خود را به بیانی دیگر نیز می‌توان ملموس ساخت. ملتی که اجزا و عناصر فرهنگ عاشورایی، قرن‌هاست در آن راه یافته است - فرهنگی که از جمله اساسی‌ترین عناصر آن، که برای عموم مردم جذابیت دارد، همان زیر بار زور نرفتن و حکومت ستمگر و ضد دینی را نپذیرفتن است - ملتی این چنین، اگر قرن‌ها حکومت‌های ستمگر و ضد دینی را تحمل کرده باشد، در واقع قرن‌هاست دچار تعارض درونی است. در این میان، کاری که امام خمینی علیه السلام به آن پرداخت، ایجاد تعادل میان این ارزش‌ها و نظام سیاسی است که باید با آن

هماهنگ باشد. این تعادل که قرن‌ها خبری از آن نبود، در وجدان جمعی مردم احساس نیاز به آن وجود داشت. از این نظر، پس از انقلاب اسلامی، باید گرایش به پذیرش حکومت جدید در بین مردم سریع به وجود آمده باشد و به نظر می‌رسد این اتفاق با انقلاب خمینی<sup>ع</sup> رخ داده است.

### تشکیل عملی حکومت دینی

از جمله مهم‌ترین اقدامات که در تغییر گرایش عمومی و حتی موضع عالمان دینی به حکومت در عصر غیبت می‌تواند مؤثر افتد، تشکیل عملی حکومت دینی است. این امر از چند نظر اهمیت دارد:

۱. کسانی که تشکیل حکومت دینی را در عصر غیبت محال یا بعید می‌دانند، با مشاهده عملی آن، تغییر موضع می‌دهند و آن را امری شدنی می‌یابند.
۲. محبوبیت بسیار بالا و شخصیت کاریزمایی امام خمینی<sup>ع</sup>، به تنهایی می‌توانست در نقش عاملی مستقل در این زمینه عمل کند. هنگامی که چنین شخصیتی از لزوم مبارزه با حکومت طاغوت و ضرورت تشکیل حکومت دینی در عصر غیبت سخن می‌گفت، زمینه پذیرش آن را در بین مردم فراهم می‌ساخت.
۳. نسلی از شیعه که به پیروی از مرجع تقلید خود در به وجود آوردن انقلاب نقش ایفا کرده است، نتیجه کارهای انقلابی و سال‌ها تحمل انواع سختی‌ها و شکنجه‌هایش را که همان حکومت دینی است، نه تنها می‌پذیرد، بلکه به آن عشق می‌ورزد.
۴. نسل یا نسل‌های بعدی که تجربه آنان از حکومت، محدود به حکومت دینی است و جامعه‌پذیری سیاسی آنان در این ساختار حکومتی شکل گرفته است، در خصوص پذیرش وضعی که برای آنان جدید نیست و طبیعی جلوه می‌کند، آمادگی بیشتری دارند.

فصل چہارم:

اقلاب اسلامی و مہدویت



## مهدویت در دوران مبارزه

### ۱. مبنای مشروعیت حرکت انقلابی

در جریان انقلاب اسلامی، مردم برای نخستین بار و به طور گسترده، در حادثه پانزده خرداد ۱۳۴۲ به میدان آمدند؛ آنها برای دفاع از مرجع تقلیدی که از سوی رژیم دستگیر شده و به زندان افتاده بود، به خیابان‌ها ریختند. مردم ورامین، کفن‌پوشان آمدند؛ یعنی حتی حاضرند در دفاع از آیت‌الله‌العظمی خمینی جانشان را هم فدا کنند و همین کار را نیز کردند. این وضعیت در قم و تهران نیز وجود داشت و از آن حادثه، کشته‌ها و زخمی‌های بسیاری برجای ماند. این تصمیم و حرکت مردمی، نتیجه احساسی زودگذر نبود که نشانی از پشیمانی از آن را بتوان یافت؛ زیرا بعدها به سراسر کشور سرایت کرد و مردم همچنان حاضر بودند در مسیری که برگزیدند، بارها، انواع سختی‌ها، زندان‌ها و شکنجه‌ها را تحمل و در این راه، هزاران کشته و زخمی تقدیم کنند. آنان کشته‌های خود را شهید می‌دانستند و تلاش‌هایشان را اعمالی مقبول در نزد خداوند تلقی می‌کردند.

این نوع تلقی، لازمه حرکتی انقلابی - دینی است که اگر به وجود نیاید، هیچ کار انقلابی که رنگ دینی داشته باشد، شکل نمی‌گیرد. چگونه این تصور و باور در بین مردم انقلابی قطعیت یافت و بر اساس آن حاضر به انقلابی‌گری شدند؟ پاسخ به این پرسش را

می‌توان در روشنائی نخستین جرعه‌های حرکت انقلابی مردم یافت. در سال ۱۳۴۲، چرا مردم به پا خاستند و حتی حاضر شدند جان‌فشانی کنند؟ پاسخ کاملاً روشن است؛ برای دفاع از «مرجع تقلید».

مرجع تقلید کیست که برای دفاع و حمایت از او حتی می‌توان سینه‌چاکان به استقبال گلوله‌ها رفت؟ او نایب عام امام غایب علیه السلام و جانشین امام، در زمان غیبت است. مسئله روشن به نظر می‌آید. در دفاع از مرجع تقلید اگر خونی ریخته شود، در واقع به پای درخت امامت و مهدویت رفته است. به همین دلیل است که این خون نه تنها هدر نیست، بلکه مقدس است و صاحبش را دارای مقامی بس والا می‌سازد که شهادتش می‌نامند.

البته شهید و شهادت، از جمله مفاهیمی است که پیوندی وثیق و ناگسستی با عاشورا دارد و مردم بیش از هر چیز از طریق عاشورا با مفهوم شهادت آشنا شده‌اند. اما این نکته نیز مهم است که بدانیم چه هنگام، مبارزه کردن و به میدان آمدن، مورد رضای خداست و چه زمانی یک کشته، شهید شمرده می‌شود. نایب امام غایب و مرجع تقلید آن قدر مهم است که اگر در راه دفاع از او یا به فرمان او مبارزه کنیم، مأجور باشیم و اگر در راه او کشته شویم، شهید به شمار آییم. این مبنای قیام مردمی پانزده خرداد بود.

همین استدلال در فهم چرایی استمرار مبارزات نیز جاری است. مبارزات به رهبری و دستور نایب امام زمان علیه السلام صورت می‌گرفت. نایب امام زمان علیه السلام یا همان مرجع تقلید اگر چیزی می‌گوید، حجت امام بر شیعیان است و باید اوامرش را اطاعت و او را که جای امام زمان علیه السلام نشسته است؛ یاری کرد. این از شعارهای انقلابیان است که: «مرجع ما سکوت را شکسته، به جای صاحب‌الزمان نشسته. نوگل بو تراب، نموده انقلاب».<sup>۱</sup>

بنابراین، مبنای مشروعیت حرکت انقلابی مردم مسلمان ایران را باید در بخش توضیح داده‌شده از نظام معنایی مهدوی آنان که در عصر غیبت در قالب مرجعیت تقلید

۱. محمدحسین پناهی، جامعه‌شناسی شعارهای انقلاب اسلامی، ص ۱۵۷.

امتداد یافته بود، پی گرفت. امام خمینی علیه السلام نیز همراه با اینکه دارای منزلت اجتماعی مرجع تقلیدی شجاع و بااخلاص بود، در تبیین حرکت انقلابی خود، به مهدویت و ولایت فقیه که برگرفته از آن است، تمسک کرد و به کمک یارانش، آن را در سطح جامعه رواج داد. این امر در تقویت برداشت عمومی مردم از دینی و مشروع بودن حرکت انقلابی یاری رساند و سبب شد مردم مسلمان، با استقبال از خطرهای کار انقلابی گری، در این مسیر گام نهند.

## ۲. نخبگان انقلابی و مهدویت

یکی از بسترهای مناسب برای بررسی نقش مهدویت در انقلاب، ردیابی استفاده‌های نخبگان انقلابی و به تعبیر سوروکین، عناصر انسانی از مهدویت در راستای اقدامات انقلابی است. پی گرفتن تأثیر مهدویت بر عملکرد و نوع نگاه انقلابیان، کاری مستقل می‌طلبد، ولی در این مختصر، به استفاده‌های مستقیم آنان از مهدویت اشاره خواهیم کرد.

### امام خمینی علیه السلام

امام خمینی علیه السلام که برجسته‌ترین شخصیت انقلاب و بنیان‌گذار آن است، در مسیر مبارزات، مهم‌ترین و اساسی‌ترین نقش را برای نظام معنایی مهدوی قابل شد و از آن بهره برد. او بحث لزوم مبارزه با طاغوت و تشکیل حکومت دینی را در عصر غیبت بر اساس تفسیری جدید از انتظار و عمل سیاسی شیعه در دوران غیبت امام زمان علیه السلام مطرح کرد. بهره‌گیری مهم‌تر امام خمینی علیه السلام از مهدویت، طرح‌ریزی شالوده‌نظام سیاسی جدید بر اساس نظریه ولایت فقیه است که همان نیابت عام از امام غایب علیه السلام به شمار می‌آید. اگر این سخن را با تلاش‌هایی که از سوی امام خمینی علیه السلام و شاگردان و طرف‌دارانش برای ترویج این اندیشه در سطح جامعه صورت دادند، پیوند زنیم، بحث را کامل کرده‌ایم؛ چنان‌که در پایان فصل پیش، در این باره سخن رفت و نیازی به تکرار آن نیست.

نکته مهم دیگر، بحثی است که در دوره نخست بعد از انقلاب، تحت عنوان «امام خمینی و تداعی گری امام غایب (عج)» به آن می‌پردازیم. بر اساس تحلیلی که در این بخش از نوشتار خواهد آمد، انقلاب اسلامی را می‌توان نوعی جنبش هزاره‌ای دانست که رهبری آن را امام خمینی (عج) بر عهده داشت. در این صورت، فضای مفهومی جدیدی برای تحلیل انقلاب اسلامی گشوده می‌شود و تفسیری خاص و مهدوی از امام خمینی (عج) به عنوان نمونه کوچک شده‌ای از منجی بزرگ در ناخودآگاه ذهن ایرانیان ترسیم می‌گردد که توجیه گر چرایی استقبال مردم ایران از عمل انقلابی به رهبری امام خمینی (عج) خواهد بود. با این تحلیل، نمی‌توان نقش مهدویت را در پیروزی انقلاب اسلامی ناچیز انگاشت.

### شیخ احمد کافی

مرحوم شیخ احمد کافی، از خطیبان و واعظان مشهور پیش از انقلاب است که چندبار به دلیل مشارکت در فعالیت‌های انقلابی به زندان رفت یا تبعید شد. او پس از ترور منصور، به جرم همکاری با گروه بخارایی، شش ماه به زندان افتاد. در واقعه پانزده خرداد نیز دستگیر و زندانی شد. باری دیگر با عنوان کمک به خانواده‌های چریکان و خراب کاران، سه ماه به زندان افتاد و پس از آن یک سال در ایلام تبعید بود. او در سخنرانی‌های خود، از امام خمینی (عج) سخن می‌گفت و از مرجعیت او دفاع می‌کرد و بر اساس مدارک ساواک، در علنی کردن مبارزات نقش داشت. سرانجام آنکه در جریان مبارزات و در سال ۱۳۵۷، وقتی امام خمینی (عج) برگزاری جشن در نیمه شعبان را ممنوع ساخت، او که مؤسس مهدیه تهران بود، قصد تعطیلی مراسم جشن‌های مهدیه را داشت که ساواک او را تهدید کرد یا جشن را برگزار یا تهران را به قصد مشهد ترک کند. کافی، گزینه دوم را برگزید. او در شانزده شعبان و در نزدیکی مشهد، در تصادفی مشکوک کشته شد. مراسم تشییع جنازه‌اش به تظاهرات برضد حکومت تبدیل گردید و بر اثر درگیری نیروهای رژیم با مردم، تعدادی

کشته و زخمی شدند.<sup>۱</sup> ذکر این توضیحات برای روشن شدن ویژگی انقلابی گری مرحوم کافی به نظر لازم می‌رسید.

کافی، از جمله خطیبان مشهور پیش از انقلاب بود که نفوذ بالایی در بین عموم مردم داشت. او ویژگی‌های یک خطیب مذهبی توانا را در حد بالایی دارا بود و صدایی دل‌نشین و رسا، تسلطی بالا در مدیحه‌سرایی و روضه‌خوانی‌های پرسوز داشت و البته دارای روحیه شوخ‌طبعی بود. او که سخنرانی‌هایش داستان‌محور بود، با توجه به سطح سواد مردم پیش از انقلاب، تعداد اندک دانشجوی و افراد با تحصیلات دانشگاهی در سطح جامعه، از نفوذ بالایی در بین عموم مردم برخوردار بود. مرحوم کافی به شهرهای گوناگون سفر می‌کرد و نوار سخنرانی‌ها و مراسم دعا‌هایش در سراسر کشور توزیع می‌شد.

اگر به فهرست نمایه موضوعات تهیه‌شده از نود نوار برجایمانده از ایشان که در نرم‌افزار رشاد گردآوری شده است مراجعه کنیم، نمایه‌ای که بیشترین تکرار را دارد، امام زمان علیه السلام است.

مرحوم کافی در سال ۱۳۴۸ مهدیه تهران را تأسیس کرد و در طول مسافرت‌هایش به شهرهای گوناگون، بنای تأسیس ۷۲ مهدیه را پی‌ریزی کرد. با توجه به اهتمام جدی او به طرح مفاهیم و مباحث مرتبط با امام زمان علیه السلام در سخنرانی‌ها و دعا‌های ندبه‌ای که در سراسر کشور برپا می‌کرد، و همین‌طور تأسیس مهدیه‌های متعدد در سراسر کشور و توزیع گسترده نوار سخنرانی و دعا‌های او که هر کدام از این موارد، نوعی وسیله برای انتقال نظام معنایی مهدوی به جامعه است و با توجه به نفوذ اجتماعی بالای او در جامعه، که در جامعه پذیر ساختن بیشتر مردم در خصوص مهدویت مؤثر خواهد بود، نمی‌توان از نقش مرحوم کافی در ترویج نظام فرهنگی مهدوی در سطح جامعه انقلابی غفلت کرد؛ اما درباره این پرسش که «فعالیت‌های مهدوی او چه نقشی در روند انقلاب

۱. ر.ک: نرم‌افزار رشاد، دفتر تحقیقاتی یاسین، بخش زندگی‌نامه.

اسلامی داشته است؟» نمی‌توان پاسخ دقیقی داد. در یک داوری کلی می‌توان فعالیت‌های مرحوم کافی را در تقویت نظام معنایی مهدوی و چهارچوب کلی‌تر آن، یعنی نظام مذهبی جامعه که موتور محرکه انقلاب به شمار می‌آمد، واجد تأثیر ارزیابی کرد. افزون بر این، با مراجعه به متن سخنرانی‌ها و اشعار مهدوی که از سوی ایشان ارائه می‌گشت، تلاش در جهت القای موارد ذیل را می‌توان پی گرفت: احساس نیاز به ظهور، شوق به رخ دادن ظهور، جهانی بودن حرکت امام، نقش نجات‌بخشی او برای محرومان و مستضعفان و... با مراجعه دوباره به شعارهای مهدوی انقلاب، شاهد برخی مشابهت‌ها با این امور هستیم.

#### دکتر علی شریعتی

دکتر شریعتی، از شخصیت‌های انقلابی و از جمله سخنرانان مطرح حسینیه ارشاد بود؛ حسینیه‌ای که محلی برای روشن‌فکران مذهبی شمرده می‌شد. شریعتی در یکی از سخنرانی‌های خود که شکل مکتوب آن با عنوان *انتظار مذهب اعتراض به شصت صفحه* می‌رسد، در مقدمه‌ای طولانی و با تأکید بر اینکه نگاه او به موضوع انتظار، اجتماعی است، انتظار را به دو نوع مثبت و منفی تقسیم و انتظار مثبت را همچون سلاحی برای مبارزه معرفی می‌کند.

این سخنرانی و چه شکل مکتوب آن، از جمله آثار معمولی دکتر شریعتی است و نمی‌توان برای یک سخنرانی معمولی، نقشی خاص در روند انقلاب اسلامی قایل شد؛ به‌ویژه اگر آن را در کنار صدها فعالیت انقلابی آن زمان ارزیابی کنیم.

#### آیت‌الله مرتضی مطهری

آیت‌الله مطهری، از شاگردان امام خمینی رحمته‌الله است که در هدایت فکری و رهبری تشویش‌ناکی

نخبگان انقلابی در پیش از انقلاب، نقشی برجسته داشت. او در زمینه مهدویت، کتابی با عنوان *قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ*، به ضمیمه شهید، شامل ۱۳۴ صفحه و حاوی دو بخش، دارد که تنها بخش نخست آن درباره مهدویت است و ۶۴ صفحه از کتاب را دربر می‌گیرد. آن گونه که نویسنده در مقدمه می‌آورد، این کتاب در اصل، مقاله‌ای در یک نشریه دینی بوده که بعدها با اضافاتی، به ترتیب فعلی درآمده است. ایشان می‌گویند حدود سه سال است درسی را به این مبحث فلسفی و اجتماعی اختصاص داده‌ام. مطهری، ثمره کار در این زمینه را علمی و آن مباحثی برمی‌شمارد که با عنوان *جامعه و تاریخ* به چاپ رسیده است.<sup>۱</sup> بنابراین، این کار را باید در راستای دغدغه‌های علمی ایشان ارزیابی کرد و نمی‌توان برای یک مقاله که بعدها تا حدی گسترش هم یافته است، نقش خاصی در روند انقلاب بزرگ قایل شد.

### آیت‌الله سید محمود طالقانی

ایشان نیز از دیگر نیروهای انقلابی است که در زمینه مهدویت، اثری از او با عنوان *مهدویت و آینده بشر* چاپ شده است.<sup>۲</sup> این کتاب ۱۱۲ صفحه‌ای، شامل دو مقاله و دو سخنرانی ایشان است. یکی از دو مقاله را در سال‌های ۱۳۳۷ و ۱۳۳۸ در یکی از نشریات و دیگری را نویسنده، خود در سال ۱۳۳۹ به چاپ رسانده است. دو سخنرانی نیز، یکی در سال ۱۳۴۳ در زندان قصر و در جمع زندانیان و بعدی در سال ۱۳۵۸ و پس از پیروزی انقلاب، برای برنامه‌ای تلویزیونی تهیه شده، ولی در رادیو پخش گردیده است. در مجموع، این نوشته‌ها و گفته‌ها به اموری چون انتظار ظهور دولت حق و عدل، حکومت، حکومت واحد جهانی اسلام، عدالت و نشانه‌های ظهور پرداخته است که این

۱. مرتضی مطهری، *قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ*، ص ۲.

۲. سید محمود طالقانی، *مهدویت و آینده بشر*، بی‌جا، قلم، ۱۳۶۰.

امور با فضای انقلابی تناسب دارد، ولی نمی‌توان نقش ویژه‌ای در روند انقلاب اسلامی برای آن قابل شد.

نتیجه: این بحث که نخبگان انقلابی به چه میزان از باورهای مهدوی خود متأثر بوده‌اند و این باور به چه میزان توانسته رفتارهای انقلابی آنان را شکل دهد، بخشی همچنان دست‌نخورده باقی می‌ماند، ولی از این نظر که آنان، مستقیماً سراغ این باور آمده باشند و از آن در راستای عمل انقلابی بهره برده باشند، نمی‌توان ادعای زیادی داشت؛ جز آنکه گاه در مناسبت‌هایی مثل نیمه شعبان، به برجسته‌سازی عناصری از مهدویت که با فضای انقلابی، سازگاری داشته، پرداخته‌اند یا متناسب با فضای مبارزه، تفسیری جدید از مهدویت و به‌ویژه از مفهوم انتظار ارائه داده‌اند؛ چیزی که پس از انقلاب تکمیل شد و شکل پیچیده‌تر و منسجم‌تری یافت. البته همان‌گونه که بدان پرداختیم، استفاده امام خمینی علیه السلام از این باور، مهم و تأثیرگذار بوده است.

### ۳. مهدویت در شعارهای انقلابیان

شعارهای انقلاب که از جمله مهم‌ترین وسایل انتقال برای پیام‌های آن است، اموری متفاوت را بیان می‌کند. شعارها نشان می‌دهند انقلابیان به چه چیزهایی معترض‌اند، چه خواسته‌ها و اهدافی دارند، رهبرشان کیست، از چه شیوه‌هایی برای مبارزه بهره می‌برند، در چه مقطعی از مبارزه قرار دارند، ایدئولوژی انقلاب چیست، چه نوع تفکری پشتوانه حرکت انقلابی مبارزان است و بسیار چیزهای دیگر. بنابراین، برای بررسی انقلاب، بررسی شعارهای آن، اطلاعات مهمی در اختیار ما خواهد گذاشت.

ما در اینجا بسته به نیازمان، در پی شناخت بخشی از اندیشه دینی هستیم که در پس ذهن انقلابیان وجود داشته و در مواردی خود را در شعارهای مردم انقلابی آشکار ساخته است. به‌راستی مهدویت چه جایگاهی در شعارهای انقلابیان داشته است؟



با بررسی مجموعه شعارهایی که در انقلاب اسلامی مطرح شد،<sup>۱</sup> به دو دسته شعار مرتبط با مهدویت برمی‌خوریم: یکی شعارهایی که در آنها مفاهیم و آموزه‌های مهدوی آمده است. مثلاً آنجا که به مستضعفان جهان و حکومت جهانی توجه شده است، شعارهای ذیل از این دسته‌اند:

- حکومت جهانی ایجاد باید گردد، دست ابرقدرت‌ها کوتاه باید گردد.<sup>۲</sup>

- حکومت متقین، نجات مستضعفین.<sup>۳</sup>

- جمهوری اسلامی در خاورمیانه ایجاد باید گردد.<sup>۴</sup>

دسته دوم، شعارهایی است که در آن صراحتاً نام امام زمان علیه السلام آمده است. در اینجا به بررسی اجمالی این دسته از شعارها می‌پردازیم. تعداد شعارهای یافت‌شده از این دسته، بیش از بیست مورد است که حدود یک‌درصد شعارهای مطرح در انقلاب را دربر می‌گیرد. در این شعارها، تعدادی، بیانگر شکوه‌ها و گلایه‌های مردم از برخی مشکلات و اوضاع نابسامان جامعه است. مشکلات مطرح‌شده در شعارها، رنگ دینی دارند و می‌توان گفت از ناامنی‌های موجود در خصوص دین و دین‌داران گلایه دارند، نه از اموری چون مشکلات اقتصادی. برای نمونه به این شعارها توجه کنید:

- گل‌های ما پرپر شده، مهدی جان! خون به دل رهبر شده، مهدی جان!<sup>۵</sup>

- مهدی بیا شاه مسلمان شده، قبر امام هشتم، گلوله‌باران شده.<sup>۶</sup>

---

۱. آنچه در این بخش از نوشتار بدان استناد می‌کنیم، بر اساس ۲۱۳۵ شعار مطرح در قاصده زمائی دی ۱۳۵۶ تا مهر ۱۳۶۰ است که در منبع ذیل گردآوری شده است: محمدحسین پناهی، جامعه‌شناسی شعارهای انقلاب اسلامی، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۳.

۲. محمدحسین پناهی، جامعه‌شناسی شعارهای انقلاب اسلامی، ص ۱۱۵.

۳. همان.

۴. همان، ص ۱۱۲.

۵. همان، ص ۱۵۰.

۶. همان، ص ۱۶۷.

- ای امام زمان! شاه مسلمان شده، گنبد شاهِ رضا، تیرباران شده.<sup>۱</sup>
- یا حجت‌الله! دل ما کباب است، وضع زمانه در انقلاب است.<sup>۲</sup>
- در تعداد بیشتری از شعارها، به ویژگی فریادرسی امام غایب علیه السلام توجه شده است. در این شعارها، برای رفع مشکلات موجود، از امام کمک می‌طلبند. در برخی از آنها، شکوه‌هایی نیز بیان شده و در برخی صرفاً طلب یاری و فریادرسی صورت گرفته است:
- مهدی بیا ایران فلسطین شده، دل‌های شیعه بین چگونه خونین شده.<sup>۳</sup>
- مهدی امام زمان! برس به فریاد ما، که شاه آدم‌کشان، کشته جوانان ما.<sup>۴</sup>
- آقا امام زمان! برس به فریاد ما، این شاه جلاد، کشته جوانان ما.<sup>۵</sup>
- رفت به راه خدا حجت‌الاسلام ما، حضرت صاحب زمان برس به فریاد ما.<sup>۶</sup>
- ای امام زمان! رحمی به ما کن، ما را از دست این جلاد رها کن.<sup>۷</sup>
- یا ثارالله! یا صاحب الزمان! برس به فریاد شیعیان.<sup>۸</sup>
- شعارهایی که در آن به شکوه و فریادرسی توجه شده، بیشترین حجم شعارهای مهدوی انقلاب را دربر می‌گیرد. این امر همراه با اینکه با شرایط بحرانی دوره انقلابی‌گری تناسب دارد، بیانگر نوع شناخت مردم از امام زمان علیه السلام و فعال شدن این شناخت در عرصه انقلاب است.

۱. همان، ص ۸۸

۲. همان، ص ۷۷

۳. همان، ص ۱۶۷

۴. همان، ص ۱۶۷

۵. همان، ص ۱۷۷

۶. همان، ص ۱۲۹

۷. همان، ص ۸۸

۸. همان، ص ۱۷۶

۸. همان، ص ۱۷۶

در این میان، برخی شعارهای دیگر نیز هست که پیام‌های متنوعی دارد. مثلاً ابراز تنفر از سلطنت پهلوی به عنوان مظهر ستم و حکومت طاغوتی که امام زمان علیه السلام هنگام ظهور با این گونه نظام‌ها مبارزه خواهد کرد:

۱. یا حجت‌بن‌الحسن عسکری، مرگ بر این سلطنت پهلوی!

یا شعار ذیل که در آن، بر استمرار حرکت انقلابی و آمادگی برای جان‌فشانی در راه اسلام تأکید می‌شود، این سخن را با امام زمان علیه السلام در میان می‌گذارند. در این شعار، به نیابت امام خمینی از امام غایب علیه السلام نیز به نوعی توجه شده است. آنان در ادامه شعار، بر نایب امام زمان علیه السلام که حلقه ارتباطی میان امام و مردم است، درود می‌فرستند:

- ای مهدی فاطمه! نهضت ادامه دارد، برای حفظ اسلام جان ارزشی ندارد. می‌دهیم این

پیام، بر خمینی سلام. بقیة الله بقیة الله!

یا در شعاری دیگر، به حرکت انقلابی امام خمینی علیه السلام و اینکه او را جانشین امام زمان علیه السلام

می‌دانند، تأکید دارند:

- مرجع ما سکوت را شکسته، به جای صاحب‌الزمان نشسته؛ نوگل بو تراب، نموده انقلاب.

نتیجه: با نگاهی کلی به مجموع شعارهای انقلاب، می‌توان حدس قوی زد که روح کلی حاکم بر آنها، اسلام و آموزه‌های آن است. در این میان، بیش از هر چیز عناصری از فرهنگ عاشورا دیده می‌شود. از این رو، شاهد کتاب‌ها و مقاله‌های متعددی در راستای تبیین نقش عاشورا در انقلاب اسلامی، یا پس از آن و در زمان جنگ تحمیلی هستیم. این حجم از مطالب را درباره مهدویت یا آموزه‌های دیگری از دین مشاهده نمی‌کنیم.

۱. همان، ص ۱۷۷.

۲. همان، ص ۹۱.

۳. همان، ص ۱۵۷.

به نظر می‌رسد ضمن اذعان به اینکه ایده مهدویت در انقلاب اسلامی وجود داشته، انقلاب بیش از هر چیز از فرهنگ عاشورایی در مبارزات بهره گرفته است. پیش از این گفتیم که تنها در حدود یک درصد از شعارهای انقلاب، به صراحت نامی از امام زمان علیه السلام به کار برده شده؛ هر چند می‌توان شعارهایی را نیز که دارای مضمون مهدوی است، بدان افزود، ولی در ارزیابی انقلابی شیعی که مهدویت از ارکان باورهای آن است، این میزان، کم به نظر می‌آید.

#### ۴. جشن‌های نیمه شعبان

نیمه شعبان سال ۲۶۰ هجری قمری، روز ولادت امام زمان علیه السلام است. شیعیان همه‌ساله ولادت امام غایب علیه السلام خود را به امید روزی که ظاهر خواهد شد و جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد، جشن می‌گیرند.

اما در نیمه شعبان سال ۱۳۹۸ هجری قمری، اوضاع جامعه شیعه کاملاً متفاوت بود. این تاریخ، هم‌زمان است با تیر ۱۳۵۷، زمانی که مبارزات مردم انقلابی و شیعه ایران به مراحل اوج خود نزدیک می‌شد. اقدامات انقلابیان برضد رژیم از دی ۱۳۵۶ از سر گرفته شد و همچنان روبه افزایش بود و رژیم نیز که موقعیت خود را در خطر می‌دید، برای دفاع از خود، به مقابله با مردم، از راه کشتار، زندان و شکنجه آنان رو آورده بود. دوران مبارزه و شور و کشتار و خون، با نیمه شعبان که همه‌ساله مردم در آن جشن می‌گرفتند، هم‌زمان می‌گشت. رژیم برای خواباندن شور انقلابی و مهار توفانی که به سمت تاج و تخت در حال پیشروی بود، خواست از جشن‌ها و شادی‌های مردمی نیمه شعبان بهره‌برداری کند و با ترویج آن، آبی بر حرارت و گرمای مبارزات بریزد.

امام خمینی علیه السلام که در نجف تبعید بود و مبارزات مردمی را از دور هدایت می‌کرد، با پیامی، جلو این گونه استفاده رژیم را سد کرد:

کراراً از ایران نظر این جانب را درباره مراسم که به عنوان جشن‌های سوم و

پانزدهم شعبان برپا شده، خواسته‌اند. مع الأسف، رژیم منحط برای مسلمین ایران عیدی نگذاشته است. دست شاه تا مرقق به خون ملت ایران فرورفته و در حال حاضر، ملت عزیز در عزای عزیزان خود نشسته. چگونه ممکن است کسی نظر دهد که جشن بگیرند و شادمانی کنند...؟! ملت ایران بداند که دست پلید دولت در فعالیت است که مسیر نهضت اصیل و شکل گرفته و عمومی مردم ایران را تغییر دهد و یکی از شاهکارها، همین دامن زدن به لزوم جشن است که در پرتو آن، خون پاک ملت اسلامی را لوٹ کنند و نهضت اسلامی را به سستی بکشند. ... اکنون لازم است در این اعیادی که در سلطنت این دودمان ستمگر برای ملت ما عزا شده است، بدون هیچ گونه تشریفات که نشانگر عید و شادمانی باشد، در تمام ایران، در مراکز عمومی مثل مساجد بزرگ، اجتماعات عظیم به پا کنند و گویندگان شجاع محترم، مصائب وارده بر ملت را به گوش شنوندگان برسانند ... و در ادامه نهضت که موافق رضای خداوند تعالی و ولی عصر است، کوشش کنند.<sup>۱</sup>

پیام امام خمینی علیه السلام که با حمایت‌های عالمان دینی در قم و تهران همراه شد، افزون بر آنکه جلو سوءاستفاده رژیم را گرفت، اثر دیگری نیز داشت. مردمی که هر سال در نیمه شعبان جشن برپا می کردند، امسال از انجام این کار پرهیز خواهند کرد. مصیبت‌هایی که رژیم بر سر مملکت امام زمان علیه السلام و مردم مسلمان آورده است، به حدی است که دیگر نمی توان در مملکت امام زمان علیه السلام برای ولادت آن حضرت جشن گرفت. نایب امام زمان علیه السلام در پیام خود، اعلام و ابراز تأسف می کند که: «مع الأسف، رژیم منحط برای مسلمین ایران عیدی نگذاشته است. دست شاه تا مرقق به خون ملت ایران فرورفته است».<sup>۲</sup>

۱. گروه تحقیق انتشارات سروش، تقویم تاریخ انقلاب اسلامی ایران، ص ۱۰۳.

۲. همان.

این تصور بر شور انقلابی می‌افزاید و سبب می‌شود مردم «در ادامه نهضت که موافق رضای خداوند تعالی و ولی عصر است، کوشش»<sup>۱</sup> بیشتری داشته باشند. بنابراین، می‌توان گفت جشن‌های آخرین نیمه شعبان در رژیم گذشته، در توفنده‌تر ساختن موج انقلاب مؤثر افتاد. برای نمونه، به یاد آورید داستان شیخ‌احمد کافی را که حاضر نشد در آن نیمه شعبان جشن برگزار کند و مهدیه تهران را به قصد مشهد ترک کرد. او در راه کشته شد و تشییع جنازه او در مشهد، به تظاهرات برضد رژیم تبدیل گردید و ناتمام ماند. جنازه او را به تهران منتقل کردند و دوباره به مشهد بردند و در خواجه‌ربیع به خاک سپردند. مراسم ختم او در شهرهای متعددی از جمله تهران برگزار شد و برخی از آنها به تظاهرات برضد رژیم انجامید.<sup>۲</sup>

### ۵. نتیجه

مجموعه آنچه در این بخش آمد، همه کاری نیست که در بررسی نقش مهدویت در دوران مبارزه می‌توان انجام داد. در اینجا به برخی نقش‌های پنهان، ولی تأثیرگذار مهدویت بر انقلاب پرداخته نشد. مثلاً سهمی که مهدویت در ایجاد روحیه مبارزه با ستم و تقویت روحیه عدالت‌خواهی و معنویت‌خواهی مردم انقلابی و ... داشته، بررسی نشده است. این امور، خود، کاری مستقل می‌طلبند که از حوصله این نوشتار خارج است.

در حد بررسی صورت گرفته، به جز نقش برجسته و غیر قابل چشم‌پوشی که مهدویت در مشروعیت‌بخشی به حرکت انقلابی ایفا کرد و تغییر نگرشی که امام خمینی علیه السلام با استفاده از آموزه مهدویت درباره حکومت طاغوت در عصر غیبت و لزوم تشکیل حکومت دینی و

۱. همان.

۲. نرم‌افزار رشاد، بخش زندگی‌نامه.

طرح مسئله ولایت فقیه به عنوان نیابت عام از امام غایب علیه السلام به وجود آورد، نمی توان با توجه به این میزان تحقیق صورت گرفته، نقش برجسته دیگری را برای مهدویت در دوران مبارزات مربوط به انقلاب اسلامی قایل شد؛ جز آنکه بخواهیم نگاه جدی تر و جدیدتری داشته باشیم به نقش منجیگرایانه امام خمینی علیه السلام و آنچه تحت عنوان تحلیل هزاره‌ای از انقلاب اسلامی به آن اشاره شد که در این صورت، نقش مهدویت را در پیروزی انقلاب اسلامی بسیار برجسته تر باید دید.

در اینجا سخنی را که در فصل پیش گفتیم، تکرار می کنیم. در پی رسمیت یافتن شیعه در ایران، دو اتفاق مهم دینی روی داد. نخست اینکه عاشورا، نهادینه شد و ژرفای بیشتری یافت و دوم اینکه نیابت سیاسی از امام غایب علیه السلام، از راه ایفای نقش فقها در ساختار حکومتی عصر صفوی گسترش بیشتری یافت. این دو، تأثیر خود را در انقلاب اسلامی برجای گذاشت. با این تفصیل که اولی، یعنی فرهنگ عاشورا در سطح عموم مردم وارد شده بود. از این رو، تظاهرات آن را در عموم مردم انقلابی می توان با روشنی بیشتری مشاهده کرد، ولی دومی که بیشتر در سطح نخبگان دینی مطرح بود، در جریان انقلاب اسلامی در همین سطح، بیشتر خود را نشان داد؛ البته یک ایده و نظام اندیشه‌ای، همیشه در سطح نخبگان باقی نمی ماند و اگر زمینه‌های اجتماعی آن فراهم شود، عمومیت می یابد. این مسئله به ویژه در بخش‌های قابل فهم تر، ملموس تر و کاربردی تر آن سریع تر رخ می دهد و راحت تر قابل مشاهده است. به نظر می رسد در فضای انقلاب دینی ایران، مهدویت بیشتر به سطح عموم مردم وارد شده است. در جمله پایانی می توان به این نکته مهم توجه داد که اگر صفویه به رشد فرهنگ عاشورا کمک کرد و این فرهنگ در ایجاد تحولی شگرف چون انقلاب اسلامی مؤثر افتاد، انقلاب اسلامی نیز می تواند با عمومی کردن و تعمیق گرایش به مهدویت، زمینه ساز تحولات بعدی شود.

## مهدویت پس از انقلاب

### دوره اول انقلاب (۱۳۵۷-۱۳۷۴)

در این بخش، به وضعیت مهدویت‌گرایی پس از انقلاب به‌عنوان یک نظام اجتماعی - فرهنگی می‌پردازیم و سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی را تا حدود سال ۱۳۷۴ بررسی می‌کنیم. انتخاب این سال، به دلیل فرار گرفتن آن در نقطه عطف تحولات مهدوی است که به آن خواهیم پرداخت. در این فاصله زمانی و در اثر انقلاب اسلامی، شاهد برخی تحولات و پدیده‌های اجتماعی هستیم که یا مستقیماً با مهدویت مرتبط بوده‌اند یا غیرمستقیم امکان تأثیرگذاری بر آن را داشته‌اند.

اما پیش از پرداختن به آنها، یادآوری نکته‌ای در آغاز سخن لازم به نظر می‌آید و آن اینکه در این بررسی، از دو شیوه می‌توانستیم بهره بگیریم. نخست اینکه بر اساس نظریه سوروکین درباره رشد نظام‌های اجتماعی - فرهنگی، بررسی‌های خود را در هریک از سه جزء نظام معانی، وسایل انتقال و عوامل انسانی به‌طور جداگانه انجام دهیم. دوم اینکه این موارد را از هم تفکیک نکنیم و اسناد مرتبط را بر اساس سیر تاریخی و مسیر طبیعی که رشد مهدویت در ایران داشته است، به‌طور هم‌زمان در هر سه بخش پی‌گیریم و در پایان، یافته‌های خود را بر اساس اجزایی که سوروکین برای نظام‌های اجتماعی - فرهنگی تشخیص داده است و آنها را در رشد نظام مؤثر می‌داند، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری کنیم. به نظر، راه دوم برای درک واقعیت‌های خارجی مناسب‌تر است که لزوماً در چهارچوب‌های منطقی که ما انسان‌ها برای تنظیم فهم خود از آنها سامان می‌دهیم، نمی‌گنجند.

توضیح آنکه، واقعیت‌های اجتماعی با منطق واقعی و خارجی خود پیش می‌روند، ولی نظریه‌پردازی‌های انسانی، از آنجا که برای فهم منطقی حوادث بیرونی تنظیم می‌شوند، حتی اگر درست هم باشند، لزوماً از همه جهات با واقعیت خارجی سازگار نمی‌گردند. برای



مثال، اجزای واقعیت بیرونی، از نظر زمانی، دچار به هم ریختگی یا هم‌زمانی به فعلیت رسیدن است، ولی در نظریه منطقی و قابل فهم، سیر حرکتی هر جزء از هم تفکیک می‌شود. توجه به این نکته و بهره‌گیری از راه دوم در موضوع این پژوهش که ماهیت تاریخی دارد و پدیده‌ها در سیر زمان در حال وقوع است، معنادارتر می‌نماید. اگر حوادث را بر اساس سیر تحولات آن در گذر انقلاب اسلامی دنبال کنیم، درک بهتری از آن خواهیم یافت. در این تحقیق، معیار برای چینش حوادث، توجه به سیر تاریخی آن است و برای گزینش حوادث و اسناد، توجه به سه جزء نظام‌های اجتماعی - فرهنگی سوروکین است. البته در دوره دوم انقلاب، امکان جمع میان این دو بیشتر فراهم بود. به همین دلیل، تلاش شده، سه جزء یادشده مستقلاً آورده شود تا خواننده احساس دور شدن از چهارچوب نظری نداشته باشد. ضمن اینکه برخی آموز به وقوع پیوسته در سال‌های نخست پس از پیروزی انقلاب اسلامی، عمدتاً به رشد کلیت نظام اجتماعی - فرهنگی مهدوی کمک کرده، نه آنکه منحصرأ به رشد یکی از سه جزء این نظام انجامیده باشد.

### ۱. تحولات انقلاب و مهدویت

وقوع هر انقلاب، تغییرات گسترده و عمیقی در سطح جامعه‌ای که در آن رخ داده و حتی در خارج از آن، به وجود می‌آورد؛ به‌ویژه اگر انقلاب افزون بر سیاسی بودن، اجتماعی نیز باشد و در لایه‌های اجتماع نیز وارد شده باشد. واژه انقلاب، به معنای دگرگونی و تحول یافتن است. در تعریف‌هایی که برای انقلاب ارائه می‌شود نیز این معنا لحاظ می‌گردد. انقلاب، «حرکتی مردمی در جهت تغییر سریع و بنیانی ارزش‌ها و باورهای مسلط، نهادهای سیاسی، ساختارهای اجتماعی، رهبری، روش‌ها و فعالیت‌های حکومتی یک جامعه است که توأم با خشونت باشد»<sup>۱</sup>.

۱. منوچهر محمدی، انقلاب اسلامی، زمینه‌ها و پیامدها، ص ۲۵.

انقلاب اسلامی ایران نیز از این قاعده خارج نیست، بلکه جزء انقلاب‌های بزرگ دنیا شمرده می‌شود؛ زیرا سبب تحولات گسترده و عمیقی در جامعه ایران و حتی منطقه و جهان شد؛ نمونه اتفاقی که پس از انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه افتاد و سبب ایجاد قطب‌بندی جدید در سطح اروپا و سپس تحولات بعدی در اروپا و جهان و نیز زمینه‌ساز ایجاد تمدن غربی گردید. انقلاب اسلامی ایران نیز با احیای معنویت‌خواهی و گسترش دین سیاسی در سطح منطقه و جهان، در حال ایجاد قطب‌بندی جدیدی است. برخی همچون دکتر کچویان، دکتر مددیپور، دکتر شفیعی سروسستانی و دیگران، انقلاب اسلامی را مقدمه‌ای برای تشکیل تمدن جدید اسلامی ارزیابی می‌کنند. این نظریات در چهارچوب کلی نظریه سوروکین قابل درک است که توضیح آن در چهارچوب نظری گذشت. بخشی از تأثیرهای خارجی انقلاب اسلامی را در بحث صدور انقلاب پی خواهیم گرفت، اما در اینجا می‌خواهیم به کلیت دگرگونی‌ها و تحولاتی بپردازیم که انقلاب اسلامی در داخل کشور به وجود آورد و از این راه بستر رشد مهدویت را در کشور فراهم ساخت.

### تحولات ساختاری و مهدویت

مهم‌ترین تحول ساختاری در هر انقلاب، تغییر نوع حکومت و نظام سیاسی است. در ایران نیز در پی سقوط رژیم شاهنشاهی، نوع خاصی از حکومت اسلامی به وجود آمد که بر ولایت‌فقیه مبتنی است. حکومت جدید، اولاً حکومتی دینی و اسلامی است و ثانیاً نایب‌العام امام زمان علیه السلام در رأس آن قرار می‌گیرد و همراه با تدبیر و مدیریت کلان کشور، مشروعیت‌بخش نظام و عملکرد مسئولان نظام است. این نوع حکومت، مبنای قانون اساسی جدید قرار گرفت. در فصل نخست قانون اساسی که به اصول کلی حاکم بر دیگر اصول اختصاص یافته، به ماهیت دینی حکومت تصریح شده است. در این فصل و در اصل چهارم آن آمده است: «کلیه قوانین مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی،

سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.<sup>۱</sup>

در این اصل، به کلیت دینی بودن حکومت توجه شده و در اصل بعد، به حاکم بودن نایب امام غایب علیه السلام در زمان غیبت پرداخته شده است: «در زمان غیبت حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه - در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت، بر عهده فقیه عادل و باتقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که طبق اصل یکصد و هفتم عهده دار آن می گردد».<sup>۲</sup>

این دو اصل و اصل‌های مشابه که ماهیت حکومت را مشخص می‌سازد، به دلیل اینکه با ارزش‌های انقلابیان و انگیزه‌های آنان همخوانی داشت، پس از پیروزی، به اهداف آنان تبدیل شد و تلاش انقلابیان و مردم برای عملی ساختن این اهداف آغاز گشت. از دیگر سو، امام خمینی علیه السلام که نقش ویژه‌ای در پیروزی انقلاب و رهبری نظام اسلامی پس از انقلاب داشت، خود مروج حکومت دینی و ولایت فقیه بود و سبب اجرایی شدن اصول یادشده و تثبیت آنها در سطح جامعه گردید.

از سوی دیگر، مجلس شورای اسلامی که قوانین مصوب آن، با اشراف و تأیید شورای نگهبان اعتبار می‌یافت، شکل گرفت. در عرصه قضا، قوانین، مطابق آنچه در فقه شیعه آمده بود، اصلاح شد. نظام بانکی کشور به قانون بانکداری بدون ربا تغییر کرد. دانشگاه‌ها تعطیل شد و انقلاب فرهنگی برای اصلاح وضع دانشگاه‌ها و اسلامی شدن آنها به راه افتاد. رسانه‌ها، اعم از مکتوب و نامکتوب که دارای رویکردی غیردینی و غیراخلاقی بودند، تغییر یافتند. مراکزی چون قمارخانه‌ها، مشروب‌فروشی‌ها، کاباره‌ها، فاحشه‌خانه‌ها و... که با

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۴.

۲. همان.

اخلاقیات دینی سازگار نبودند، تعطیل شدند. مراکز و نهادهای انقلابی همچون جهاد سازندگی، بسیج مستضعفان و... که با اهداف اسلامی - انقلابی سازگار بودند، به وجود آمدند. مسئولان جدید و پابیند به ارزش‌های اسلامی و انقلابی جای‌گزین مسئولان و طرف‌داران رژیم سابق شدند و...

بر اساس نظریهٔ سوروکین، این تحولات ساختاری را می‌توان در راستای شکل‌گیری اصل‌های محوری ابرنظام حسی - شهودی جدید ارزیابی کرد؛ اصل‌های محوری که عبارت‌اند از: توجه هم‌زمان به نیازهای مادی و معنوی جامعه در همهٔ عرصه‌ها بر اساس آموزه‌های اسلامی و محور شدن اسلام سیاسی مبتنی بر نیابت عام و تزریق آن به همهٔ نظام‌های اجتماعی - فرهنگی. این تحولات در بیانی جزئی‌تر، سبب ایجاد نظام معنایی نو و ابزارهای جدید برای انتقال معانی دینی به سطح جامعه گردید. در نتیجه، امکان رشد دین، از جمله مهدویت به عنوان بخشی از دین، بیش از پیش فراهم شد.

غیر از آن، بخشی از تحولات ساختاری که به آن اشاره کردیم، نقش مستقیم‌تری در رشد مهدویت داشته است. این بخش همان تحول نوع حکومت سلطنتی موروثی به حکومت دینی مبتنی بر ولایت فقیه است. ولایت فقیه به دلیل ابتدای بر مهدویت، به ترویج نظام معنایی مهدوی کمک کرد؛ چه در سطح نخبگان که بحث‌های نظری آن را پی گرفتند و به ریشه‌های مهدوی آن پرداختند و این مباحث را با نقض و ابرام همراه ساختند و در نهایت، به تعمیق این نظام معنایی، روشن شدن بیشتر ابعاد آن و سرانجام به ترویج آن کمک کردند، و چه در سطح عموم مردم که در اثر مواجههٔ عملی آنان با حکومت نایب امام زمان علیه السلام و مرجع تقلیدی که در رأس حکومت قرار گرفت و گرایش‌ها و انتظارات مردم را به سمت امام زمان علیه السلام و جامعهٔ آرمانی که ایشان پس از تشکیل حکومت جهانی خواهد ساخت، کشاند و مردم را در مسیر اجتماعی شدن هرچه بیشتر در این زمینه قرار داد.

یکی از دلایل روحیه انتقادی مردم ایران به حکومت، از همین نکته می‌تواند سرمنشأ گرفته باشد که سطح توقعات مردم ایران به وسیله حکومت دینی مبتنی بر نیابت عام فقیهان و وعده‌هایی که حکومت درباره اجرای دین و عملی ساختن عدالت و مبارزه با ستم و بی‌عدالتی به مردم داده است، افزایش یافته و همواره با مقایسه وضع فعلی با وعده‌های پیشین و جامعه آرمانی اسلامی، به وضع موجود معترض‌اند. یکی از کارکردهای این نوع موعودگرایی و باور به جامعه آرمانی مهدوی آن است که مردم در صورت اعتراض جدی به حکومت دینی، به سمت حکومتی غیردینی نمی‌روند، بلکه به دنبال تفسیری دیگر از مهدویت و الگویی جای‌گزین و جدید از حکومت دینی برای نزدیک شدن به جامعه آرمانی و مطلوب خود می‌گردند.

#### تحولات ارزشی و مهدویت

تغییرات ساختاری یادشده، هرچند عمدتاً از سوی نظام تازه تأسیس صورت می‌گرفت، ولی انقلاب ایران که حتی به روستاها نیز رسیده بود، از حمایت عمومی مردم برخوردار بود و مردم با اقدامات نظام اسلامی و تغییرات در حال وقوع به وسیله آن، موافق بودند و از آن حمایت می‌کردند. این امر به تثبیت تحولات و تبدیل شدن آنها به ساختار جدید و مقبول جامعه کمک می‌کرد و در چهارچوب ساختار جدید به وجود آمده که بر دین بنیان یافته مبتنی بود، دین پیش‌ازپیش در جامعه مطرح و به ارزشی غالب در بین مردم و مسئولان تبدیل می‌گشت؛ به گونه‌ای که هر کس سخن یا خواهش‌های داشت، حتی اگر پایبندی بالایی به دین هم نداشت، آن را با ادبیات دینی بیان می‌کرد. البته در انقلاب ایران، پیش‌ازآنکه تحول ارزشی در بین مردم نتیجه تحول ساختاری باشد، تحول ساختاری معلول تحولات و برانگیختگی‌های ارزشی در بین مردم است و تغییرات ارزشی را باید در مرحله نخست توجه قرار داد.

ایرانیان، پیشینه‌ای بس طولانی در مسلمانی و پایبندی به ارزش‌های دینی دارند، ولی به دلیل اینکه حکومت‌ها در گذشته، غیردینی و ازسویی، «عمده‌ترین منشأ تولید فرهنگ و ارزش‌های جامعه بوده‌اند»،<sup>۱</sup> سبب می‌شد ارزش‌های دینی بیشتر در سطح فردی باقی بمانند و بروز جمعی و اجتماعی کمتری یابند؛ اما با اوج گرفتن مبارزات مردمی در سال‌های ۱۳۵۶-۱۳۵۷ و با توجه به اینکه مبارزات با اهداف و انگیزه‌های دینی و به رهبری مرجع تقلید صورت می‌گرفت، مردم دچار برانگیختگی دینی شدند و سبب طرح اجتماعی ارزش‌های دینی خفته در نهان مردم گردید. نمونه این تحولات ارزشی، بسیار فراوان‌اند؛ افزایش انسجام اجتماعی و روحیه ایشار و ازخودگذشتگی در جریان مبارزات در همین دسته جا می‌گیرد. نمونه آن، در جریان اعتصاب کارکنان شرکت نفت قابل ره‌گیری است که حکومت نیز در فصل سرما برای شکستن اعتصاب از توزیع نفت جلوگیری می‌کرد. در این موقعیت دشوار، مردم با ایشار و ازخودگذشتگی که از جمله ارزش‌های دینی است، به خانواده‌هایی که در سرما از کمبود نفت رنج می‌بردند، کمک و انسجام اجتماعی و روحیه انقلابی را تقویت می‌کردند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، روند رو به رشد معنویت‌خواهی و غلبه ارزش‌های دینی در سطح جامعه همچنان ادامه یافت.

انسجام قوی اجتماعی، زمینه تحولات سریع و کم‌هزینه را در جامعه فراهم می‌ساخت. دکتر رفیع‌پور همراه با برشمردن عواملی چند که سبب ایجاد انسجام بسیار قوی در بین مردم پس از انقلاب اسلامی شد، می‌نویسد:

مردم در این زمان در کنار انسجام بسیار قوی، آماده هرگونه فداکاری برای یکدیگر و برای اصلاح جامعه نیز بودند. ... انگیزه‌های مردم برای انقلاب، ... اهداف و ارزش‌های آنها را شکل می‌داد که به تدریج در خواسته‌های آنها و

۱. فرامرز رفیع‌پور، آناتومی جامعه، ص ۳۰۰.

رهبران‌شان ظاهر و نهایتاً در قانون اساسی منعکس شد. بدین ترتیب، در واقع یک نظام ارزشی جدید پایه‌ریزی می‌گردید که عناصر مهم آن، از بین رفتن بی‌عدالتی و نابرابری، استبداد، وابستگی به غرب و تمایل بیشتر به مذهب و ایشار و انسجام بود. در مقابل این نظام ارزشی، نظام ارزشی شاهانه یا فتودالی... وجود داشت. ... دو نظام ارزشی فوق در جریان بعد از انقلاب به مقابله با یکدیگر پرداختند. ... مهم‌ترین ابزار انقلابیون تشکیل شده بود از: ۱. رادیو و تلویزیون؛ ۲. سازمان‌های دولتی؛ ۳. مذهب؛ ۴. روش‌های سنتی و مذهبی تأثیرگذار؛ ۵. جایگاه عظیم مردمی. گرچه... ابزارهای ۱ و ۲ بیشتر در همان مسیر قبلی حرکت می‌کردند، ... اما نفوذ سه عامل دیگر که دست به دست هم داده و یک نیروی عظیم هنجاری به وجود آورده بودند، به قدری زیاد بود که انقلابیون به بسیاری از اهداف ارزشی خود دست یافتند؛ زیرا از اینجا به بعد ارزش‌ها به هنجار تبدیل (یعنی فراگیر یا همه‌گیر) شده بودند. لذا طولی نکشید که این تغییر ارزش‌ها، در بیشتر زمینه‌ها به چشم می‌خورد و از اینجا به بعد مردم در روش، همچون گذشته برای نمایش ارزش‌ها با یکدیگر یک مسابقه را آغاز کردند؛ منتها این بار در جهت ارزش‌های یک نظام ارزشی جدید و انقلابی.<sup>۱</sup>

نمونه‌های تغییرات ارزشی که بر اثر انقلاب اسلامی به وجود آمد، بسیار فراوان است. در منبع پیشین، برخی از این موارد بر شمرده شده است.<sup>۲</sup> نمونه‌های گویاتر و عمیق‌تر آن در کلام انقلابیان و همین‌طور در برخی سخنان امام خمینی علیه السلام آمده است که ذکر آن موارد به درازا می‌انجامد.

۱. فرامرز رفیع‌پور، توسعه و تضاد: کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران، ص ۱۲۷-۱۲۹.

۲. همان، ص ۱۲۹، ۱۳۰.

در این میان، از نقش دو عامل مهم در گسترش ارزش‌های دینی و معنویت‌گرایی در سطح جامعه نمی‌توان غفلت کرد: یکی شخصیت بسیار معنوی و بسیار بانفوذ امام خمینی علیه السلام است و دیگری، نقشی که جنگ تحمیلی در حفظ و احیا و تثبیت ارزش‌های دینی و معنویت‌گرایی در جامعه داشته است. دومی و حتی اولی را با مرور خاطرات رزمندگان، نامه‌ها، وصیت‌نامه‌های شهیدان و... می‌توان دریافت.<sup>۱</sup>

این تحول ارزشی که در چهارچوب حکومت دینی در حال وقوع بود، در سطح جامعه، بستر عامی برای توجه به جنبه‌های گوناگون دین و ارزش‌های آن فراهم ساخت؛ به ویژه جنبه‌هایی از دین که با حکومت دینی ارتباط مستقیم‌تری داشت و تا پیش از تشکیل حکومت دینی، درباره آن غفلت صورت می‌گرفت. مهدویت، از جمله این جنبه‌هاست که زمینه برای رشد بیشتر آن پس از انقلاب اسلامی فراهم شد و در ادامه به تفصیل، به این سخن خواهیم پرداخت.

## ۲. امام خمینی علیه السلام و تداعی‌گری امام غایب علیه السلام

در فصل پیش و در نیابت معنوی، به این نکته اشاره کردیم که ظهور شخصیت آیت‌الله‌العظمی خمینی در عرصه دینی - سیاسی جامعه ایران، زنده‌کننده یاد امام غایب علیه السلام و تداعی‌گر حضور ایشان در بین مردم بود و در واقع به احیای باورهای مهدوی مردم انجامید. این امر، شواهد و پیامدهایی دارد که در اینجا با ذکر دو مقدمه، بیان تفصیلی‌تر آن را می‌آوریم:

۱. از جمله باورهای دینی عمومیت یافته در بین مردم ایران، باور به امامت است. بیشتر ایرانیان، شیعه هستند و وجه تمایز شیعیان از دیگر مسلمانان، باور آنان به امامت است. مردم

۱. کتاب ذیل، منبع مناسبی برای آشنایی با میزان غلبه ارزش‌های دینی در جبهه‌هاست. این ارزش‌ها به دلیل ارتباط نزدیک مردم با رزمندگان و جبهه‌ها به آنان نیز منتقل می‌شد. محمدرضا سنگری و مهدی عبداللهی، عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس، سه جلد، مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولایت فقیه در سپاه، قم، ۱۳۸۰.



ایران علاقه و گرایش شدیدی به امام معصوم دارند. برای این سخن، شواهد بسیاری می‌توان برشمرد. موارد ذیل در این دسته از شواهد قرار می‌گیرد: هزینه‌های مادی و معنوی بسیار فراوانی که ایرانیان، سالیانه برای انجام مناسک مربوط به امامت می‌پردازند، وجود تعداد بسیار زیاد حسینیه‌ها، تکیه‌ها، مهدیه‌ها، فاطمیه‌ها و...، مراسم تعزیه‌خوانی و مهم‌تر از آن، مراسم عزاداری که در تعداد فراوانی از روزهای سال برگزار می‌شود. در مراسم عزاداری، کوچک و بزرگ و زن و مرد شرکت می‌کنند و با شنیدن داستان مصیبت‌ها یا حکایت‌هایی که بیانگر ویژگی‌های والای اخلاقی امامان یا خاندان آنهاست، به سادگی به گریه می‌افتند؛ گویی این حادثه هم‌اینک و برای نزدیک‌ترین بستگانشان در حال وقوع است؛ مسئله‌ای که شاید نمونه‌ای از آن را با ویژگی‌هایی که دارد، در هیچ‌یک از جوامع انسانی نتوان یافت. این امر، شاهد بزرگی بر علاقه بسیار ایرانیان به امامان معصوم است. از دیگر شواهد، زیارت سالیانه چند میلیون نفر از مرقد امام هشتم در مشهد، سفر به عراق برای زیارت مرقد امامان شیعه در آنجا با وجود ناامنی و خطرات جانی که زائران را تهدید می‌کند، زیارت امامزادگان و احترام فراوان به آنان در سراسر کشور، احترام به سادات که از فرزندان امامان شمرده می‌شوند، نقش انکارناشدنی سید بودن امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای در پذیرش مردمی آنان و به همین ترتیب، منزلت بالاتری که مراجع تقلید در صورت سید بودن می‌یابند، شکل‌گیری نظام رهبری دینی شیعیان بر اساس مرجعیت تقلید که در امامت ریشه دارد و... است. این موارد، از جمله شواهد دال بر گرایش قوی به امامان معصوم در بین ایرانیان است.

۲. از میان دوازده امام شیعه و بلکه از میان چهارده معصوم نزد شیعیان، تنها دوازدهمین امام زنده است. او زنده است تا نقش مهم و حیاتی منجیگری را ایفا کند، ولی فعلاً از دیده‌ها نهان است و صرفاً چون خورشید پشت ابر امکان برقراری ارتباط و بهره‌گیری از او وجود دارد و تا ظهور نکند، امکان دیدار و استفاده تام از ویژگی‌هایش وجود نخواهد

داشت. در عصر غیبت، مردم علاقه‌مند به امام که در عصر حضور امامان نزیسته‌اند، آرزوی مواجه شدن با امام غایب، زنده و منجی خود را دارند. محقق نشدن این آرزو و محروم ماندن از این امر شگرف، قرن‌هاست شیعه را در حالتی از ولع و نیز سرگردانی برای استقبال و پذیرش امام غایب خود قرار داده است. وجود همین زمینه اجتماعی در جامعه شیعی است که سبب می‌شود افرادی که مدعی‌اند همان امام زمان موعودند، رو به فزونی نهند.

اما پرسش در اینجا آن است که: آیا جامعه شیعی این آرزوی تاریخی خود را به هیچ‌روی و به هیچ‌اندازه در عصر غیبت نمی‌تواند عملی سازد؟ در پاسخ باید گفت درست است که بنابر باورهای شیعی، تحقق کامل آن فقط در عصر ظهور رخ می‌دهد، ولی به لحاظ اجتماعی، این آرزو و خواست عمومی، نیرویی خفته و واقعی است که جامعه شیعی را در هر زمانی می‌تواند آستان تحولات سازد.

از دیگر سو، اگر امکان تحقق کامل و همه‌جانبه آرزوها و خواسته‌های یک ملت وجود نداشته باشد، به معنای ترک کامل و همه‌جانبه آن از سوی آن ملت نیست. هر ملتی اگر شرایط تحقق درجاتی از خواسته‌های خود را نیز مهیا بیند، احتمالاً از آن استقبال و برای دستیابی به آن تلاش می‌کند.

از این رو، هرگاه در جامعه شیعی ایران، این احساس عمومی به وجود آید که می‌توانند سطح هر چند نازلی از آن خواست شیعی، یعنی مواجهه با امام غایب علیه السلام را تجربه کنند، آن خواست که به شکل نیرویی خفته، قرن‌هاست در وجودشان نهان و راکد مانده است، بیدار و فعال می‌شود و سبب توجه بیشتر به امام زمان علیه السلام و جامعه‌پذیری بیشتر مهدویت می‌گردد. مدعای ما در اینجا آن است که این اتفاق، بر اساس استدلال یادشده و با توجه به قراین آتی، در اثر ظهور شخصیتی چون امام خمینی علیه السلام در ایران رخ داده و ترویج نظام معنایی مهدوی و افزایش گرایش‌های مهدوی و کمک به ایجاد وسایل انتقال این نوع معانی را در سطح جامعه ایران در پی داشته است.

البته یادآوری این نکته لازم است که مقصود از طرح این مسئله آن نیست که همه ذهنیت مردم درباره امام خمینی علیه السلام بر اساس این استدلال توضیح داده می شود. مردم تصورات دیگری نیز از او داشته و دارند که ای بسا پررنگ تر و زلال تر از آن چیزی است که در اینجا مطرح می کنیم. مقصود ما، صرفاً بیان احتمالی است که در این پژوهش قابل استفاده است.

### شواهد

۱. پایه گذار انقلاب اسلامی، مرجع تقلید بود و مرجع تقلید، نایب امام غایب علیه السلام است. به همین دلیل، در مواجهه با او، از جمله اموری که ممکن است ذهن ها را به خود مشغول سازد، همین مسئله نیابت و قرابتی است که او با امام غایب علیه السلام دارد.
۲. امام غایب علیه السلام در بالاترین درجه، ویژگی هایی همچون آگاهی از دین، عمل به واجبات و مستحبات دینی، ترک کارهای حرام و مکروه، تقوا و اخلاص، شجاعت، تدبیر و... را داراست. مردم سطح نازلی از این ویژگی ها را در پایه گذار انقلاب اسلامی نیز مشاهده می کردند.
۳. پایه گذار انقلاب اسلامی، به اقدامی دست زد که امام مهدی علیه السلام هنگام ظهور همان کار را می کند. امام خمینی علیه السلام بر ضد طاغوت قیام کرد؛ کاری که امام مهدی علیه السلام هنگام ظهور، آن را در مقیاس جهانی اش انجام خواهد داد.
۴. پایه گذار انقلاب اسلامی، در قیام خود اهدافی را دنبال می کرد که جزء اهداف امام زمان علیه السلام به شمار می آید. او در مبارزه خود، می خواست جلو حرکت های ضد دینی شاه و ستم و فسادهای دربار را بگیرد و دین را در جامعه احیا کند.
۵. انقلاب اسلامی، دستاوردهایی داشت که با دستاوردهای قیام جهانی امام مهدی علیه السلام همخوانی دارد؛ مثلاً تشکیل حکومت اسلامی، گسترش دین و معنویت و...

۶. عشق وافر مردم به رهبری انقلاب اسلامی و فرمان برداری بالا از ایشان، رابطه مردم و رهبر را به رابطه مرید و مراد مبدل ساخته بود. نمونه‌های این عشق و فرمان‌بری فراوان است. شعار «روح منی خمینی، بت شکنی خمینی» یا شعار «از تو به یک اشاره، از ما به سر دویدن» یا «خدایا!... از عمر ما بکاه و بر عمر او بیفزا» نشانه‌هایی کوچک بر واقعیت یاد شده است؛ واقعیتی که هیچ شخص آشنا با شرایط ایران، آن را انکار نمی‌کند.

شخصیت کاریزمایی ایشان، مثال زدنی و غیر قابل قیاس با نوع مشابه آن در برخی شخصیت‌های سیاسی و حتی مذهبی است؛ زیرا این ویژگی در ساختار و فضای شیعی آفریده شده است. فضای شیعی در حال و هوای امامت و عشق به اهل بیت پیامبر شکل می‌گیرد. این نوع از عشق و علاقه، صرفاً در شرایطی خاص می‌تواند درباره غیر امامان معصوم به وجود آید که در خصوص شخصیت ویژه امام خمینی علیه السلام، نایب امام غایب علیه السلام و جانشین او در عصر غیبت، که به اقدامی امام گونه دست زد، به وجود آمد.

۷. بر اثر وجود همین عشق و علاقه و مشاهده عملکرد امام گونه از آیت‌الله العظمی خمینی و بروز رفتار منجیگرایانه از ایشان بود که او را «امام» نامیدند.

- مرجع ما سکوت را شکسته، به جای صاحب الزمان نشسته.<sup>۱</sup>

- خمینی امام است، کار شاه تمام است. خمینی امام است، رهبر قیام است. الله اکبر الله اکبر.<sup>۲</sup>

آنها کار شاه را که جشن‌های ۲۵۰۰ ساله می‌گرفت و خود را نماینده دودمان شاهنشاهی می‌دانست و مردم، او را مظهر ستم و بی‌عدالتی می‌دانستند، تمام شده می‌دانند و خمینی را امام و مظهر امامت می‌شناسند که سرانجام کارش پیروزی است. امام غایب علیه السلام نیز هنگام ظهور، بر همه طاغوتیان و سردمداران ستم و بی‌عدالتی عالم چیره خواهد شد.

به راستی در طول تاریخ شیعه، این نام گذاری و «امام» نامیدن برای چند نفر رخ داده

۱. محمد حسین پناهی، جامعه‌شناسی شعارهای انقلاب اسلامی، ص ۱۵۷.

۲. همان، ص ۱۲۹.

است؟ جامعه شیعی ایران که درباره امامان خود حساسیت ویژه دارند و مقامی بس والا برای آنان قایل اند و هیچ کس را با آنان مقایسه نمی کنند و در رتبه ایشان قرار نمی دهند، چرا به راحتی امام نامیدن خمینی را پذیرفتند و با طیب خاطر و علاقه وافر، تعبیر «امام خمینی» را به کار بردند؟ یک تفسیر از این اتفاق می تواند توضیحات پیشین باشد که آنان در نایب امام زمان علیه السلام، رفتاری امام گونه دیدند و از این رو به «امام» نامیدن «خمینی» تن دادند. برخی پس از ارتحال امام خمینی علیه السلام و انتخاب آیت الله خامنه ای به رهبری، تعبیر امام را برای ایشان نیز به کار بردند، ولی این تعبیر، در بین علاقه مندان به انقلاب و مقام معظم رهبری، با وجود جایگاه والایی که برای ایشان قایل اند، جا نیفتاد. دلیل این امر نقش ممتاز و منحصر به فرد امام خمینی علیه السلام در قیام برضد طاغوت و تأسیس حکومت دینی و... است. این امور، اعمالی امام گونه اند که تنها امام خمینی علیه السلام به آن اقدام کرده بود.

«بدون قدم گذاشتن بر پیچ و خم شناخت امام، یعنی تشیع، بیهوده خواهد بود که بخواهیم به دنبال رمز انقلاب ایران باشیم».<sup>۱</sup> «اهمیت [امام] خمینی این بود که فراتر رفتن را امکان پذیر ساخت؛ عملی که او را سزاوار نام امام کرد. امام کسی است که چیزها را از نظم خود خارج می سازد. امام، یعنی همین امکان. به همین دلیل بود که خمینی توانست نقشی ایفا کند که خواست خود او بود و عنوان امام را به خود اختصاص داد. حتی آنها که این لقب را از فکر روحانیون می پندارند، باید به یاد داشته باشند که فکر این، جز در شرایط خاصی، در این سطح مطرح نمی شود».<sup>۲</sup> «سوسه اینکه این رویداد [انقلاب اسلامی] همان رویداد آخر [الزمان] است، از طرفی به این می مائست که خمینی، همان امام زمان علیه السلام است. اینجا است آن کلیدهایی که امکان گشودن رمز این انقلاب را فراهم می سازند. شعار عمومی [خدایا! خدایا! تا انقلاب مهدی، خمینی را نگهدار] با دو نشانه. شفافیت در اینکه این انقلاب، آن رویداد اصلی و آخری

۱. لیلی عشقی، زمانی غیر زمان ها: امام، شیعه و ایران، ترجمه احمد نقیب زاده، ص ۲۷.

۲. همان، ص ۳۳.

نیست، به معنای تفکیک این از آن است، اما آرزوی ابدی ساختن رویداد و اینکه این رویداد تا ظهور [امام] مهدی [عج] ادامه یابد، به معنای جوش دادن این به آن است.<sup>۱</sup>

امام خمینی علیه السلام، به نوعی تداعی گر امام غایب علیه السلام بود. اگر او می رفت، در حالی که آن امام غایب علیه السلام حاضر نگشته بود، دوباره به وضع نخست، بازمی گشتند. شاید به همین دلیل این شعار عمومی را سر می دادند که: «خدایا! خدایا! تا انقلاب مهدی، خمینی را نگهدار، از عمر ما بکاه و بر عمر او بیفز!».

۸. وجه تشابه دیگری که می تواند تداعی گر حضور امام غایب علیه السلام و بیدارگر احساس جمعی نیاز به امام باشد، جریان تبعید امام خمینی علیه السلام به خارج از کشور است. این تبعید، شبیه به غیبت امام غایب علیه السلام است. امام خمینی علیه السلام پس از دوره ای دوری و غیبت نزد مردم حضور یافت. زمانی که تقویم انقلاب، اوج مبارزات مردمی را نشان می دهد، امام خمینی علیه السلام در تبعید یا در پاریس بود. شور و صف ناشدنی مردم برای بازگشت امام خمینی علیه السلام به وطن، شکفت انگیز است؛ به ویژه در روزهای نزدیک به دوازده بهمن که سرانجام به اتمام دوری و غیبت او انجامید و مردم حضور امام خمینی علیه السلام را در بین خود به چشم دیدند. برخی شعارهای مردم در این فاصله زمانی، در بردارنده واژگانی است که برای امام مهدی علیه السلام نیز به کار می رود:

- خمینی! خمینی! ایران در «انتظار» توست.<sup>۲</sup>

- اگر «آقا» فردا نیاد، مسلسل ها در می یاد، الله الله نصر من الله.<sup>۳</sup>

- اگر «آقا» فردا نیاد، مسلسل ها بیرون می یاد، تارنجک ها از قم می یاد.<sup>۴</sup>

واژه «انتظار»، از واژه های جاافتاده و معروف در خصوص مهدویت است و «آقا»،

۱. همان، ص ۷۹.

۲. محمد حسین پناهی، جامعه شناسی شعارهای انقلاب اسلامی، ص ۱۱۸.

۳. همان، ص ۸۳.

۴. همان.

از جمله واژه‌هایی است که برای امام زمان علیه السلام نیز به کار می‌رود. مثلاً این شعر مربوط به سال‌های نخست انقلاب و جنگ تحمیلی که:

...هی نگید شهیدامون زیاد شده، آن قدر شهید می‌دیم تا «آقامون مهدی بیاد».

یا اصطلاح «آقا امام زمان علیه السلام» از این دسته کاربردهاست.

۹. نکته پایانی اینکه امام خمینی علیه السلام نیروهای معنوی و عشق و علاقه مردمی را که به سویش می‌آمد، به سوی خدای تبارک و تعالی، امامان معصوم و امام زمان علیه السلام گسیل می‌داشت و به جای خود محوری، خدا محوری را ترویج می‌کرد و بستر توجه به امامت و امام زمان علیه السلام را در جامعه فراهم تر می‌ساخت. دلیل این مسئله، برخی سخنان امام خمینی علیه السلام است که مردم در صدق گفتار او تردیدی نداشتند و در قدرت جهت‌دهی سخنان او به ذهنیت و رفتار مردم، تردیدی وجود ندارد: «این من نبودم که به واسطه من پیروزی را به دست آوردید. خدای تبارک و تعالی در سایه امام زمان علیه السلام ما را پیروز کرد...»<sup>۱</sup>. «... لکن این من نبودم که این غلبه را نصیب شما کرد. این خدای تبارک و تعالی بود... یک کشور سی و چند میلیونی، با اختلاف گروه‌ها، با اختلاف آمال و آرزوها، با اختلاف فهم و شعور، آنها همه مجتمع شدند و همه با هم، دست به دست هم دادند و یک مطلب را خواستند. این نیست الا اینکه دست غیبی در کار است؛ خدای تبارک و تعالی به وسیله امام زمان...»<sup>۲</sup>.

امام خمینی علیه السلام در جریان نوزده بهمن ۱۳۵۷، که همافران نیروی هوایی به دیدارش رفتند و شعار «ما همه سرباز تویم خمینی، گوش به فرمان تویم خمینی» سردادند این گونه سخن را آغاز کرد: «درود بر شما سربازان امام عصر، ... از امروز در خدمت امام عصر علیه السلام و در خدمت قرآن هستید...»<sup>۳</sup>.

۱. روح‌الله خمینی، صحیفه نور، ج ۵، ص ۲۰۵.

۲. همان، ج ۶، ص ۳۸.

۳. مسعود پورسیدآقایی، «انفجار نور، زمینه‌ساز ظهور»، فصلنامه انتظار موعود، زمستان ۱۳۸۳، ش ۱۴، ص ۱۳.

این ویژگی، در همهٔ مروّجان مهدویت وجود ندارد. برخی حتی ادعا می‌کنند همان امام زمان موعود یا دست‌کم از نزدیکان و مرتبطان با اویند، باینکه این افراد هیچ‌گاه محبوبیت و پذیرش مردمی امام خمینی (ع) را نیز نداشته‌اند. وجود فراوان این دسته از افراد و به وجود آمدن فرقه‌ها و گروه‌های مختلفی که مُهر انحرافی خورده‌اند، از جمله دلایل وجود همان نیروی خفته و میل شدید مردمی برای مواجهه و بهره‌گیری از امام غایب (ع) است که ستون استدلال مطرح در این بخش از سخن است. مردم برای تحقق این میل درونی، حتی ممکن است سراغ مدعیان دروغین نیز بروند؛ چه رسد به کسانی که به‌واقع پیرو امام غایب‌اند و رفتار و گفتارشان تداعی‌گر آن حضرت است. رفتار و گفتار این‌گونه افراد، میل و عطش به امام زمان (ع) را می‌افزاید و به رشد سه جزء نظام اجتماعی-فرهنگی مهدوی می‌انجامد.

در مجموع شواهد پیش‌گفته، بر اساس استدلال یادشده، در تقویت گرایش‌های مردمی به امامت و امام زمان (ع) و به‌طور کلی در تقویت نظام معنایی مهدوی در جامعه نقش دارد و افزون بر آن، زمینهٔ ایجاد وسایل انتقال این نظام معنایی را فراهم می‌سازد و بر عوامل انسانی معتقد به آن می‌افزاید. این مسئله، غیر از نقش امام خمینی (ع) در گسترش دین و معنویت در ایران و در سطح جهان است - که بر مهدویت‌گرایی نیز مؤثر می‌افتاد - یا آنجا که مستقیماً مهدویت را ترویج کرده است.

چنان‌که پیش‌تر نیز گذشت، استدلال یادشده در این بخش را می‌توان در مسیر تحلیل چرایی وقوع انقلاب اسلامی بر اساس دیدگاه‌های هزاره‌گرایی و منجیگرایی سامان داد و به فهمی جدید از انقلاب اسلامی رسید.



### ۳. انقلاب اسلامی و زمینه‌سازی برای ظهور

پس از انقلاب اسلامی، از جمله شیوه‌های طرح و تقویت نظام مهدوی، ایجاد پیوند میان انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، با انقلاب جهانی امام مهدی علیه السلام است که بر اساس باورهای شیعی، زمان آن مشخص نیست و در آخرالزمان رخ خواهد داد؛ بدین صورت که انقلاب اسلامی، زمینه‌ساز انقلاب جهانی امام قائم علیه السلام است. این نوع نگاه از ابتدای انقلاب اسلامی وجود داشته است، ولی امروزه بیش از گذشته به آن توجه می‌شود. تعبیری که به کار رفته یا می‌رود، تا حدی متنوع است، ولی در مجموع، انقلاب اسلامی را مقدمه‌ای برای به وقوع پیوستن ظهور موعود معرفی می‌کند.

شاید مهم‌ترین بخش از نظام معنایی دینی (و مهدوی) که در انقلاب اسلامی مطرح شد، لزوم تشکیل حکومت دینی، چهارچوب‌های آن و ولایت فقیه است. این بخش از نظام معنایی که در همان آغاز انقلاب، وسایل انتقال خود را از راه‌هایی چون رفراندوم جمهوری اسلامی و غیره تولید کرد، به دلیل نقش محوری، بالندگی و اهمیتی که در نظام معنایی داشت، دیگر اجزا را نیز بر محور خود سامان داد و معناهای مورد نیاز را آفرید.

طرح مسئله زمینه‌سازی انقلاب اسلامی برای ظهور، در چهارچوب حکومت دینی مبتنی بر ولایت فقیه و نیابت عام از امام غایب علیه السلام که پس از انقلاب به وجود آمد، قابل درک است. حکومتی که اصالت و مشروعیت خود را از مهدویت و امام غایب علیه السلام می‌گیرد و به نوعی طفیلی آن حکومت است و شکل آرمانی خود را باید در افق مهدویت و جامعه موعود آخرالزمانی ببیند، ناگزیر باید به آن متعهد باشد و برای تحقق آن جامعه آرمانی بکوشد.

تلاش برای تبدیل انقلاب اسلامی و مبتنی بر مهدویت ایران، به حکومت زمینه‌ساز ظهور، در همین راستا قابل ارزیابی است. حرکت به سمت زمینه‌ساز ساختن انقلاب اسلامی، نیازمند برنامه‌ریزی و جهت‌دهی به سیاست‌ها و اولویت‌های کلان نظام به این سمت است و

سیاست صدور انقلاب در همین راستا فهمیده می‌شود؛ البته زمینه‌ساز دانستن انقلاب اسلامی برای ظهور را باید مقوله‌ای جدا از زمینه‌ساز ساختن در نظر گرفت. زمینه‌ساز دانستن، تفسیری مهدوی از انقلاب اسلامی و صرفاً نوعی استنباط و تحلیل از وقایع در حال وقوع است، بی‌آنکه نیازمند جهت‌دهی به راهبردها و برنامه‌ریزی‌های کلان نظام باشد. این دومی نیز با توجه به ماهیت مهدوی انقلاب اسلامی قابل درک است. انقلابی که در چهارچوب مهدویت رخ می‌دهد، نباید دورکننده ظهور باشد که در این صورت، در تضاد با دیگر مفاهیم مهدوی قرار می‌گیرد. این حکومت باید نزدیک‌کننده و زمینه‌ساز ظهور باشد تا از این راه با دیگر باورها و رسالت‌های منتظران عصر غیبت انسجام یابد؛ زیرا از این طریق، مشروعیت دینی و فلسفه وجودی خود را نیز تقویت می‌کند.

این سخن لزوماً به معنای تلاش ذهنی انقلابیان برای ایجاد چنین نظام معنایی نیست، بلکه در منظومه فکری موجود، اگر این بخش خاص وجود نداشته باشد، نوعی خلأ احساس می‌شود و خواه ناخواه این خلأها پر خواهد شد. این در صورتی است که این منظومه، از قبل و مثلاً پیش از انقلاب اسلامی در نظر خالق یا خالقان آن کامل نگشته باشد که در این صورت، پس از طرح خارجی بخش‌های مهم منظومه و ایجاد ابزارهای انتقال و تثبیت آن در بین مردم، به‌طور طبیعی زمینه طرح مابقی نیز فراهم می‌شود.

در اینجا برخی سخنان بانفوذترین شخصیت انقلاب، یعنی امام خمینی علیه السلام را شاهد می‌آوریم؛ زیرا سخنان او به ترویج این ایده در سطح جامعه می‌انجامید. این ایده، بیشتر در قالب آرزویی برای زمینه‌ساز شدن انقلاب اسلامی برای ظهور یا در شکل زمینه‌ساز دانستن انقلاب برای ظهور بیان شده است:

«امیدواریم که این انقلاب، یک انقلاب جهانی بشود و مقدمه برای ظهور حضرت

بقیة الله - ارواحنا له الفداء - باشد»<sup>۱</sup>.

۱. روح‌الله خمینی، صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۸۸ (۱/۱/۱۳۶۰).

«امید است که این انقلاب، جرقه و بارقه‌ای الهی باشد که انفجاری عظیم در توده‌های زیر ستم ایجاد نماید و به طلوع فجر انقلاب مبارک حضرت بقیةالله - ارواحنا لمقدمه الفداء - منتهی شود»<sup>۱</sup>.

«با اتکال به خداوند و وحدت کلمه پیش بروید و من امیدوارم که ما به مطلوب حقیقی برسیم و متصل بشود این نهضت به نهضت بزرگ اسلامی و آن نهضت ولی عصر - سلام الله علیه - هست»<sup>۲</sup>.

«اسلام را ان شاءالله پیاده کنیم و همه ما در زیر سایه اسلام و پرچم توحید، باهم ان شاءالله زندگی کنیم تا ظهور ولی عصر سلام الله علیه»<sup>۳</sup>.

«ان شاءالله اسلام را آن طور که هست در این مملکت پیاده کنیم و مسلمین جهان نیز اسلام را در ممالک خودشان پیاده کنند... و زور و ظلم و جور از دنیا برطرف بشود و مقدمه باشد برای ظهور ولی عصر - ارواحنا له الفداء»<sup>۴</sup>.

«مستولان باید بدانند که انقلاب مردم ایران، نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچم‌داری حضرت حجت - ارواحنا فداء - است که خداوند ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد... باید دولت جمهوری اسلامی، تمامی سعی و توان خود را در اداره هر چه بهتر مردم بنماید، ولی این بدان معنا نیست که آنها را از هدف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است، منصرف کند»<sup>۵</sup>.

در بخش پایانی پیام امام خمینی علیه السلام به مناسبت گشایش دور دوم مجلس شورای اسلامی آمده است: «خداوند، همه ما را از این قیدهای شیطانی رها فرماید تا بتوانیم این امانت الهی

۱. همان، ج ۱۵، ص ۷۵ (۱۰/۵/۱۳۶۰).

۲. همان، ج ۱۲، ص ۱۷۵ (۲۰/۳/۱۳۵۹).

۳. همان، ج ۱۵، ص ۲۳۹ (۱۰/۹/۱۳۶۰).

۴. همان، ص ۱۷۰ (۷/۷/۱۳۶۰).

۵. همان، ج ۲۱، ص ۱۰۸ (۲/۱/۱۳۶۸).

به هر تقدیر، این دعای جدید و آن دعای پیشین، هر دو گویای این است که آن خواسته امام خمینی علیه السلام، مبنی بر اتصال یافتن انقلاب اسلامی به انقلاب جهانی امام مهدی علیه السلام، به یک دعا و شاید به خواستی عمومی مبدل گشته بود.

#### ۴. انقلاب اسلامی و سیاست صدور انقلاب

سیاست راهبردی صدور انقلاب که در آغاز انقلاب مطرح شد، ضمن اینکه خود متأثر از مهدویت بود، به رشد آن نیز کمک کرد.

سیاست صدور انقلاب، مبانی و اجزایی دارد. از جمله مبانی آن را می‌توان جهان‌شمولی اسلام و مهدویت برشمرد. اسلام، دینی جهان‌شمول و برای همه افراد بشر است، ولی فراگیر شدن آن در سراسر جهان و در بین همه انسان‌ها و عمل به آن در شکل مطلوب و ایدئال آن، پس از ظهور امام مهدی علیه السلام و تشکیل جامعه آرمانی به وقوع خواهد پیوست، اما پیش از آن وظیفه مسلمانان است که در حد مقدور، اسلام را گسترش دهند و زمینه ظهور و تشکیل حکومت جهانی اسلام را فراهم سازند. بر اساس چنین باوری، امام خمینی علیه السلام به مسئله صدور انقلاب اهتمام داشت و آن را از مسئولان نظام می‌طلبید.

این سیاست در مرحله عملیاتی شدن، اجزا و بندهایی دارد که آنها نیز برگرفته از آموزه‌های دینی و مهدوی است. موارد ذیل را می‌توان از اجزای این سیاست راهبردی برشمرد: توجه به اتحاد و هم‌گرایی در جهان اسلام، گسترش و تعمیق اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله در سراسر جهان، حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش، نجات محرومان و مستضعفان جهان، مبارزه با استکبار جهانی و... که اینها همه، در راستای حرکت به سمت حکومت جهانی اسلام قرار می‌گیرد؛ حکومتی که سرانجام به دست امام زمان علیه السلام تشکیل خواهد شد و ما در حد توان در حال زمینه‌سازی برای آن هستیم.

مطالب پیش‌گفته و استناد آن به مهدویت را در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

می‌توان مشاهده کرد. در مقدمه قانون اساسی، همراه با استناد به آیاتی از قرآن کریم که در مباحث مهدوی بدان‌ها استناد می‌شود، به برخی راهبردهای نظام اسلامی تصریح شده است: ... قانون اساسی، با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود، زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند؛ به‌ویژه در گسترش روابط بین‌المللی با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند. این هده امتکم امه واحده وانا ربکم فأعبدون و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم، در تمامی جهان قوام یابد...<sup>۱</sup>

همچنین در اصل ۱۵۴ که از جمله اصول مربوط به سیاست خارجی است، آمده است:

جمهوری اسلامی ایران، سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین، در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند.<sup>۲</sup>

«در مجلس خبرگان، این اصل از معدود اصل‌هایی بود که نمایندگان بر آن اتفاق نظر داشتند. نایب‌رئیس مجلس خبرگان در این باره اظهار داشت: این اجماع نشانه این است که انقلاب ما... انقلابی جهانی است».<sup>۳</sup>

صدور انقلاب، از مباحث جدی مطرح‌شده در سطح جامعه پس از پیروزی انقلاب است. «در نخستین روزهای حکومت جدید، فکر صدور انقلاب در ذهن مردم، زنده بوده

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مقدمه.

۲. همان، اصل ۱۵۴.

۳. فرهنگ رجایی، «ایدئولوژی و جهان‌بینی ایرانی، صدور فرهنگی انقلاب»، در: جان ال اسپوزیتو، مجموعه مقالات انقلاب ایران و بازتاب‌های جهانی آن، ترجمه محسن شانه‌چی، ص ۸۲.

است. این موضوع در سرمقاله‌های روزنامه‌های تهران و مهم‌تر از آن، در خطبه‌های نماز جمعه، پراهمیت‌ترین تریبون عمومی که پس از انقلاب نهادینه شد، مطرح گردید.<sup>۱</sup>

«البته در این باره، دیدگاه‌های متفاوتی مطرح بود. برخی مثل ملی‌گراها با آن مخالفت می‌کردند و برخی در حال و فضای انقلابی آغاز پیروزی، به صدور انقلاب از طریق اقدامات نظامی و اطلاعاتی و... باور داشتند.»<sup>۲</sup>

امام خمینی علیه السلام همراه با حمایت از این سیاست، در این باره دیدگاه خاص خود را مطرح ساخت که بر جهان‌شمولی اسلام و نظام معنایی مهدوی مبتنی بود. او به اتحاد جهان اسلام و نجات محرومان جهان و مبارزه با استکبار اهتمام داشت؛ در عین حال صدور انقلاب را کاری فرهنگی می‌دانست: «ما... با صدور انقلابمان که در حقیقت صدور انقلاب راستین و بیان احکام محمدی صلی الله علیه و آله است، به سیطره و سلطه و ظلم جهان‌خواران خاتمه می‌دهیم و به یاری خدا راه را برای ظهور منجی مصلح کل و امامت مطلق حق، امام زمان - ارواحنا فداه - هموار می‌کنیم.»<sup>۳</sup>

«هر دو ابرقدرت کمر به نابودی ملل مستضعف بسته‌اند و ما باید از مستضعفان جهان پشتیبانی کنیم. ما باید در صدور انقلابمان به جهان کوشش کنیم و تفکر اینکه ما انقلابمان را صادر نمی‌کنیم، کنار بگذاریم؛ زیرا اسلام بین کشورهای مسلمان فرقی قابل نمی‌باشد و پشتیبان تمام مستضعفان جهان است. از طرفی دیگر، تمام قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها کمر به نابودی ما بسته‌اند و اگر ما در محیطی در بسته بمانیم، قطعاً با شکست مواجه خواهیم شد... آگاه باشید که جهان امروز، دنیای مستضعفین است و دیر یا زود پیروزی از آنان است و آنان وارثین زمین و حکومت کنندگان خدایند...»<sup>۴</sup>

۱. همان، ص ۸۵

۲. علی فلاح‌نژاد، سیاست صدور انقلاب، ص ۴۷ - ۵۰.

۳. روح‌الله خمینی، صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۳۲ (۱۳۶۶/۵/۶).

۴. همان، ج ۱۲، ص ۱۹ (۱۳۵۹/۱/۱).

سیاست صدور انقلاب که خود متأثر از مهدویت است، از جمله سیاست‌های اولویت‌دار نظام اسلامی و وزارت خارجه آن، به‌ویژه در سال‌های نخست انقلاب بود. اثرگذاری این سیاست را بر مهدویت، از دو منظر پی می‌گیریم: نخست، نقش زمینه‌ای آن برای رشد مهدویت، و دوم، نقش مستقیم آن، که چون عاملی مستقل در رشد مهدویت اثر گذاشته است.

### نقش زمینه‌ای در رشد مهدویت

سیاست راهبردی صدور انقلاب، اقتضا می‌کرد اقداماتی برای ایجاد اتحاد میان مسلمانان و مذاهب گوناگون اسلامی و محرومان جهان صورت گیرد. ایران برای تحقق این سیاست، به کارهای متنوعی چون تعیین هفته وحدت، اعلام روز جهانی قدس، حمایت از فلسطین سنی و سازمان آزادی‌بخش فلسطین و... دست زد. بزرگ‌ترین مانع برای تحقق این سیاست، شیعی بودن ایران و سنی بودن بیشتر جهان اسلام بود. انقلابیان شیعی ایران، در عین تعصب بالایی که به مذهب خود داشتند، اقداماتی را برای اتحاد هرچه بیشتر جهان اسلام انجام دادند. مثلاً تلاش کردند توجه جهان اسلام را از اختلاف‌های مذهبی به سمت دشمن مشترک و استکبار جهانی تغییر دهند. از دیگر سو در سطح جهان اسلام، تقریب بین مذاهب و در سطح داخلی، جلوگیری از انجام کارهایی که سبب ایجاد تنش و اختلاف میان شیعه و سنی می‌شد را در سرلوحه کارهای خود قرار دادند. اساسی‌ترین اختلاف شیعه و سنی، در مسئله خلافت و جانشینی رسول خدا ﷺ است. در این راستا، انجام برخی جشن‌ها که شیعیان در مناسبت‌های خاص برگزار می‌کردند و سبب رنجش اهل سنت می‌شد، برای حفظ وحدت ممنوع شد. در مواردی، حتی با برخی از روحانیان که با نگارش کتاب یا سخنرانی، باعث ایجاد حساسیت و تنش‌های مذهبی می‌شدند، از سوی نظام اسلامی، برخورد قضایی صورت گرفت و... .

این سیاست وحدت‌گرایانه که از سوی بیشتر طرف‌داران انقلاب پذیرفته شده بود، سبب

شد طرح مباحث اختلاف‌برانگیزی که در تاریخ دو مذهب شیعه و سنی ریشه داشت، تا حد زیادی مسکوت گذاشته شود یا دست کم به صورت علنی مطرح نشود. این امر، اعتراض‌هایی را نیز از سوی برخی عالمان بزرگ دینی در پی داشت، ولی نظام اسلامی همراه با تأکید بر حفظ هویت شیعی جامعه ایرانی و دفاع از باورهای خود، همچنان همین سیاست را پی گرفته است. نام‌گذاری سال ۱۳۸۶ به سال «اتحاد ملی و انسجام اسلامی» از سوی مقام معظم رهبری، در همین راستا قابل ارزیابی است.

اعمال این سیاست، سبب شد فعالان در عرصه امور مذهبی که از دوستان انقلاب اسلامی نیز هستند، فعالیت‌های مذهبی خود را به سمت بخش‌های دیگری از مذهب سوق دهند. مثلاً به شیوه حکومت‌داری امام علی علیه السلام که از مسائل اختلافی نبود و با شرایط پس از انقلاب و دوران برپایی حکومت دینی تناسب داشت، توجه کردند. یکی از این امور مذهبی که در خود، توان لازم را برای جلب توجه این گروه از فعالان مذهبی داشت، مهدویت بود. اگر خلافت و جانشینی رسول خدا صلی الله علیه و آله که فعلاً کمتر قابلیت طرح دارد، ریشه درخت امامت است، مهدویت، رأس و میوه این درخت شمرده می‌شود. بنابراین، هر دو از یک سنخ‌اند و تمایل به طرح مباحثی مشابه با آن مباحثی که پرداختن بدان محذوراتی دارد، طبیعی به نظر می‌آید. افزون بر آن، مهدویت با اینکه جزء مباحث مربوط به امامت است، از امور اختلافی میان شیعه و سنی نیست و حتی اهل سنت، اصل آن را همچون شیعیان پذیرفته‌اند. قیام‌هایی که بر اساس باور به مهدویت در بین اهل سنت صورت گرفته است، اگر بیشتر از قیام‌های شیعی مبتنی بر مهدویت نباشد، کمتر از آن نیست.

خلاصه آنکه، انقلابیان مسلمان بر اثر باورهای مهدوی و قرآنی خود مبنی بر مبارزه با استکبار، لزوم تلاش برای تشکیل امت واحد اسلامی و حکومت جهانی اسلام، تمسک به حبل‌الله و پرهیز از تفرقه و... بر مباحث اختلافی خود با اهل سنت سرپوش گذاشتند. این امر که نتیجه باورهای مهدوی آنان نیز بود، زمینه را برای طرح مباحث مهدوی در سطح جامعه



فراهم کرد، ولی آنچه از مهدویت در جامعه پس از انقلاب مطرح شد، لزوماً موارد پیش گفته که در نقش زمینه برای طرح مباحث مهدوی عمل کرد، نبود و فضای جدیدتری نیز برای مباحث مهدوی گشوده شد که در ادامه نوشتار به این دست مباحث خواهیم پرداخت.

#### نقش مستقیم در رشد مهدویت

به این دلیل که بخشی از تأثیر مستقیم صدور انقلاب بر رشد مهدویت در سال‌های اخیر ظاهر شده است، آن را در بخش مربوط به دوره دوم انقلاب پی خواهیم گرفت. در اینجا فقط به نکته ذیل اشاره می‌کنیم.

چنان که گذشت، اصل سیاست صدور انقلاب، از برخی آموزه‌های نظام معنایی مهدوی، همچون باور به جهانی بودن اسلام، باور به قطعی بودن تشکیل حکومت جهانی اسلام در آخرالزمان، لزوم مبارزه با ستم و بی‌عدالتی، نجات یافتن محرومان و مستضعفان، وارث زمین شدن مستضعفان و حاکم گشتن آنان و... متأثر است. لازمه عملی ساختن این سیاست، ترویج این دسته از آموزه‌های مهدوی است و چون در آغاز انقلاب اهتمام ویژه‌ای به این سیاست وجود داشت، زمینه ترویج آن دسته از آموزه‌های مهدوی فراهم شده بود.

#### ۵. سکوت موقت

با پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل حکومت دینی مبتنی بر ولایت نایب عام امام مهدی علیه السلام و برتری ارزش‌های دینی در سطح اجتماع و... زمینه برای رشد نظام مهدوی متناسب با اصل مرکزی ابرنظام حسی - شهودی جدید که همانا اسلام سیاسی و توجه هم‌زمان به نیازهای مادی و معنوی انسان بود، در جامعه فراهم آمد. اما در همان سال‌های نخست انقلاب، مانعی نسبتاً بزرگ راه رشد مهدویت را سد کرد. آن مانع، انجمن حجیه

بود. این انجمن با اینکه در پرونده خود، پیشینه سی سال فعالیت در عرصه مهدویت را همراه داشت، ولی تفکر اعضای آن درباره حکومت در عصر غیبت و در مرتبه بعد، برداشت آنان از انتظار، با فضای عمومی جامعه پس از انقلاب و ایده‌های انقلابیان درباره نظام معنایی جدید در تضاد بود. به همین دلیل، مخالفت‌های جدی با آن صورت گرفت و سبب تعطیلی انجمن شد. این نکته را پیش از این و با تفصیل بیشتر بیان کردیم. در اینجا می‌افزاییم که مطرود شدن انجمن در سطح جامعه، پس از یک دوره قدرت مانور بالا و تا حدی یکه‌تازی در عرصه مهدویت، سبب سکوت در این عرصه و جلوگیری از رشد نظام مهدوی در جامعه اسلامی گردید.

توضیح اینکه انجمن حجتیه، گروهی فعال با تشکیلات قوی و طرف‌داران زیاد در سراسر کشور بود. گروهی با این ویژگی‌ها را نمی‌توان به سادگی نادیده گرفت؛ به ویژه اگر در بین انقلابیان، این گروه به مخالفت با اساس حکومت دینی در عصر غیبت شهرت یافته باشد و از سویی، پیشینه کار تشکیلاتی و نیروهای فرهنگی آموزش دیده در اختیار داشته باشد و بخواهد به عنوان بخشی از نیروهای مذهبی جامعه در نهادهای انقلابی نفوذ کند. گروهی با این ویژگی‌ها، به شدت می‌تواند حساسیت نیروهای انقلابی را برانگیزاند و انقلابیان را برضد خود بشورانند. حال هر قدر قدرت این گروه بیشتر، دیدگاه‌های آنان راجع به حکومت دینی منفی‌تر، نفوذ آنان در نهادهای انقلابی بیشتر، مدت زمان حضور فعال آنان در سطح جامعه انقلابی و نهادها و مراکز حکومتی طولانی‌تر و مخالفت‌های انقلابیان با آنان گسترده‌تر باشد، میزان تنفر از آنان و طرد اجتماعی شان فزون‌تر می‌شود. همه این عوامل در سطح جامعه و در مسیر تخریب انجمن، فعال بود و انجمن حجتیه را در سطح فرقه‌ای انحرافی و منفور تنزل داد.

در فصل پیش درباره دیدگاه منفی آنان راجع به حکومت دینی در عصر غیبت و در عین حال، نفوذ آنان در نهادهای انقلابی توضیحاتی گذشت و در آنجا بیان شد که به دلیل

نپذیرفتن حکومت دینی از سوی انجمن، بسیاری از شخصیت‌های انقلابی برضد آن موضع گرفتند و اگر انجمن قدرت و نفوذ بالایی نداشت، این همه موضع‌گیری معقول جلوه نمی‌نمود. غیر از امام خمینی علیه السلام، انقلابیان بسیاری برضد انجمن حجتیه موضع‌گیری کردند. آقایان هاشمی رفسنجانی، واعظ طبسی، هاشمی‌نژاد، جنتی، خوئینی‌ها، رجایی، باهنر، بهشتی، خزرعلی و مدنی از این دسته هستند و همین‌طور جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در آستانه موضع‌گیری رسمی قرار گرفت. این طیف گسترده از مخالفت‌ها و بهره‌گیری از تریبون‌های گوناگون برای موضع‌گیری برضد آنان، سبب مذموم و مطرود شدن انجمن در سطح رسانه‌ها و ذهنیت مردم طرف‌دار انقلاب گردید. افزون بر این، زمان اعلام تعطیلی انجمن، یعنی مرداد ۱۳۶۲، چهار سال و نیم پس از پیروزی انقلاب است و این مقدار، زمانی کافی برای استمرار مخالفت‌ها با انجمن و در نتیجه، جافتادن و ریشه‌گرفتن منفور شدن انجمن و تبدیل آنان به فرقه‌ای انحرافی است.

اما مسئله، به مهر انحرافی خوردن انجمن و منفور شدن آن پایان‌پذیرفت. ویژگی انجمن حجتیه، پرداختن اعضای آن به مباحث مهدوی بود. با تبدیل شدن انجمن به فرقه‌ای انحرافی، هر کس می‌خواست درباره مهدویت سخنی بگوید یا مطلبی بنویسد، ممکن بود یکی از اعضای انجمن را تداعی کند و ای بسا بسان عضوی از آن فرقه انحرافی، با او برخورد شود و حتی در مظان اتهام مخالفت با امام خمینی علیه السلام و ولایت فقیه قرار گیرد؛ زیرا انجمنی‌ها ولایت فقیه را قبول نداشتند و امام خمینی علیه السلام نیز با افکار انجمنی‌ها ابراز مخالفت کرده بود.

این امر چنان در جامعه جافتاد که حتی امروزه نیز انجمن حجتیه‌ای بودن، برچسبی سیاسی و دینی شمرده می‌شود و برای کسی که می‌خواهد در حوزه مهدویت فعالیت کند، گاه لازم است خود را از این برچسب مبرا نشان دهد. به اظهار نظر یکی از برنامه‌سازان صداوسیما که در حوزه مهدویت برنامه می‌سازد، توجه کنید. روزنامه جام‌جم به نقل از او و

در آستانه نیمه شعبان سال ۱۴۲۸ (۱۳۸۶ خورشیدی) می‌نویسد: یکی از مشکلات فرهنگی در مسیر برنامه‌سازی در خصوص مهدویت آن است «که علاقه‌مندان هم فکر کنند فقط افراد و گروه‌های خاصی، نظیر انجمن حجّیه باید این مسائل را دنبال کنند».<sup>۱</sup>

این امر، یعنی مضموم شدن انجمن، سبب شد تا پس از تعطیلی آن، جامعه اسلامی، دوره‌ای از سکوت را در خصوص مهدویت بپذیرد و با وجود فراهم بودن زمینه برای رشد آن، در پی وقوع انقلاب اسلامی، مهدویت نتواند رشد طبیعی داشته باشد.

به هر تقدیر، انقلاب برای رشد نظام مهدوی متناسب با فضای جدید، یکی از وسایل قدیمی انتقال نظام معنایی مهدوی را که با منظومه معنایی در حال رشد سازگاری نداشت و برای آن، اثر کارکردی داشت، حذف کرد و برای رسیدن به این هدف، سکوتی را که هزینه اقدام اصلاحی‌اش بود، پذیرا شد.

این سکوت در عرصه مهدویت، از جهتی دیگر نیز طبیعی به نظر می‌آید؛ زیرا انجمن حجّیه طی سی سال فعالیت خود توانسته بود نیروهای علاقه‌مند به مهدویت را جذب خود سازد؛ به ویژه نیروهایی که می‌توانستند در این عرصه، نقش رهبری و هدایتگری بر عهده گیرند. با تعطیلی و مضموم شدن انجمن، جذب نیروهای جدید یا متقاعد ساختن نیروهای قدیم و عضو انجمن، برای فعالیت تازه در این زمینه، کاری زمان‌بر بود.

اما این زمان بیش از دوازده سال به درازا نکشید و نخستین مؤسسه مرتبط با مهدویت در سال ۱۳۷۴ شکل گرفت. به این سخن در «دوره دوم انقلاب» باز خواهیم گشت.

هرچند به نظر می‌رسد فاصله دوازده سال برای احیای دوباره و ارائه تفسیری جدید از یک اندیشه و نظام معنایی که مروجان آن در سطح سیاسی و اجتماعی جامعه مطرود گشته‌اند، فاصله‌ای اندک است، ولی وقوع این رخداد از وجود زمینه مناسب در جامعه برای رشد آن اندیشه حکایت دارد و تجربه سال‌های بعد نشان داد جامعه، اندک‌اندک میان

۱. محمدرضا اسلام‌لو، روزنامه جام جم، ۱۳۸۶/۶/۱۶، ش ۲۰۸۴، ص ۳.

نوعی اندیشه مهدوی که آن را از آن خود می‌دانست و اندیشه‌ورزان پیشین در این زمینه که آنها را از خود نمی‌دانست، تفکیک قابل شد و زمینه احیای دوباره نظام مهدوی را با قرائتی متناسب با نظام مذهبی و مهدوی به تازگی به وجود آمده، به وسیله شخصیت‌های جدید فراهم ساخت.

### ۶. انقلاب اسلامی و رشد مسجد جمکران

مسجد جمکران، مهم‌ترین و بزرگ‌ترین مرکز مهدوی کشور و از مهم‌ترین وسایل انتقال مهدویت به سطح عموم مردم شمرده می‌شود که پس از انقلاب رشد یافته است. از این رو، با تفصیل بیشتری از آن سخن می‌گوییم.

#### الف) معرفی مسجد جمکران

مسجد جمکران بنا بر نقل تاریخی موجود، به دستور امام زمان علیه السلام ساخته شده است. تفصیل این داستان در برخی کتاب‌ها آمده است که در اینجا به خلاصه آن بسنده می‌کنیم.

بنا بر نقل محدث توری در کتاب *نجم الثاقب*، گروهی از طرف امام زمان علیه السلام شب هنگام، حسن بن مثله جمکرانی را نزد امام فرامی‌خوانند. او در مکان فعلی مسجد جمکران با امام زمان علیه السلام دیدار می‌کند و حضرت از او می‌خواهد به حسن بن مسلم پیغام دهد. در زمین مسجد که چند سالی است در آن کشاورزی می‌کند، دیگر بار به این کار دست نزنند و منافعی که در این چند سال به دست آورده است، برای ساخت مسجد هزینه کند. «به حسن بن مسلم بگو: اینجا زمین شریفی است و حق تعالی این زمین را از میان دیگر زمین‌ها برگزیده است و بدان شرافت داده است. اما تو آن را به زمین خود ملحق ساختی». امام به حسن بن مثله می‌فرماید: «به مردم بگو به این مکان رغبت کنند و آن را عزیز بدانند و در آن دو رکعت نماز تحیت مسجد و دو رکعت نماز امام زمان علیه السلام به جا آورند. هر کس

این دو رکعت را بخواند، گویا در خانه خدا نماز خوانده است». حضرت شیوه به جا آوردن نمازها را بیان و سفارش می کند گوسفند خاصی را در همان مکان قربانی کنند و گوشتش را به مریضان دهند. با خوردن آن گوشت، خداوند آنان را شفا خواهد داد. امام با زنجیرها و میخ‌هایی، محدوده مسجد را مشخص می سازد. بعدها که مسجد را با چوب پوشاندند، یکی از صالحان میخ‌ها و زنجیرها را در خانه خود نگه می داشت و هرگاه کسی بیمار می گشت، با آنها شفا می یافت تا اینکه پس از مرگ او، آن میخ‌ها و زنجیرها را در صندوقچه مخصوصش نیافتند.<sup>۱</sup> پس از آن، مسجد جمکران، به مأوایی برای علاقه‌مندان به امام مهدی علیه السلام تبدیل شد و امروزه رغبت مردم به این مکان افزایش یافته است. دستور ساخت مسجد بنا بر تحلیلی که در کتاب *آئینه اسرار آمده*، در شب هفده رمضان سال ۲۹۳ یا ۳۷۳<sup>۲</sup> هجری قمری صادر شده است.<sup>۳</sup>

### ب) افزایش زائران مسجد جمکران

مسجد جمکران با اینکه از مسجدهای بسیار قدیمی ایران است، تا عصر حاضر، مسجدی بی رونق، با نماز گزاران و زائران اندک در کنار روستایی در حاشیه شهر قم بوده است؛ به طوری که نقل خاصی در خصوص مراجعات گسترده مردمی به آن در گذشته وجود ندارد و دست کم در زمان ما، عکس‌هایی که از حدود ده - بیست سال پیش از انقلاب اسلامی وجود دارد،<sup>۴</sup> نشان‌دهنده مسجدی است قدیمی و کوچک با یک بادگیر که در مناطق کویری ایران برای خنک کردن اماکن مسکونی، در بالای بنا احداث می شده و آب‌انباری در کنار آن، که

۱. حسین بن محمد نوری، *نجم الثاقب*، ص ۲۹۴-۲۹۷.

۲. علت تردید در بیان سال وقوع، وجود دو نقل متفاوت از سال رخداد آن است؛ هر چند روز و ماه هر دو نقل، همان هفده رمضان می باشد.

۳. حسین کریمی قمی، *آئینه اسرار*، ص ۲۹، ۳۰.

۴. پایگاه اطلاع‌رسانی مسجد مقدس جمکران، <http://www.Jamkaran.info>.

معمولاً با آب باران پر می‌شده و برای شرب یا شست‌وشو از آن استفاده می‌کرده‌اند. کوچکی مسجد و نوع ساده معماری آن، از جمعیت اندک مراجعان به آن و میزان اهمیتی که برای آن قایل بوده‌اند، حکایت دارد. مراکز مهم مذهبی ایران، از قدیم به مرکز ثقل جمعیتی تبدیل می‌شده و وسعت و بنایی بسیار بزرگ‌تر از آن چیزی می‌یافته که در عکس قدیمی مسجد جمکران وجود دارد و افزون بر آن، به یکی از گنجینه‌های غنی از معماری اسلامی تبدیل می‌شده است. این سه ویژگی در شکل قدیمی مسجد جمکران وجود ندارد؛ در حالی که هر سه ویژگی را در حرم حضرت معصومه علیها السلام که با پیشینه‌ای تقریباً به اندازه مسجد جمکران، در چند کیلومتری آن قرار گرفته است، می‌توان مشاهده کرد.

مسجد جمکران با این ویژگی، پس از انقلاب اسلامی به لحاظ فیزیکی توسعه بسیاری داشته، تعداد نمازگزاران و زائران آن رو به افزایش گذاشته و در سال‌های اخیر شتابی فراوان یافته است. درباره تعداد زائران مسجد، آمارهای غیررسمی تا پانزده میلیون زائر سالیانه را نیز گزارش می‌کنند. هر چند آمار دقیقی در این زمینه وجود ندارد، کثرت زائران به حدی است که کسی حجم فراوان و رو به رشد آن را انکار نمی‌کند. این روند از جامعه‌پذیری بیشتر مهدویت در سطح جامعه ایران و رشد عوامل انسانی معتقد به آن حکایت دارد. نظام معنایی که از ذهن مروّجان آن عبور کند و به جزئی از ارزش‌ها، باورها و هنجارهای مردم تبدیل شود، شرایط بقا و بالندگی خود را فراهم ساخته است. باینکه باور به مهدویت پیش از این انقلاب نیز وجود داشته، تبدیل این باور به رفتار در قالب زیارت مسجد جمکران، پس از انقلاب اسلامی صورت گرفته است.

### ج) تبیین افزایش زائران جمکران

مسجد جمکران با پیشینه‌ای حدود هزار سال، مدت‌ها دچار رکود بود، ولی درست پس از انقلاب اسلامی، زائران مسجد به صورت دفعی افزایش یافت. این امر، اتفاق معناداری است

که احتمال نسبت دادن این افزایش رفتار دینی را به انقلاب اسلامی بسیار محتمل می‌سازد. این نسبت دادن به دو صورت ممکن است. نخست اینکه انقلاب اسلامی در افزایش گرایش‌های دینی و مهدوی اثر گذاشته باشد و این امر سبب افزایش توجه به مسجد جمکران، توسعه آن و افزایش زائران شده باشد. دوم آنکه بر اثر انقلاب اسلامی، مسجد جمکران به عنوان نمادی از مهدویت گسترش یافته باشد و این نمادسازی و ترویج آن، سبب افزایش زائران و در نتیجه، انتقال هرچه بیشتر نظام معنایی مهدوی به مردم و رشد عوامل انسانی باورمند به این نظام معنایی شده باشد. در اولی، توسعه مسجد جمکران، معلول رشد نظام دینی و مهدوی بر اثر انقلاب اسلامی است، ولی در دومی باینکه توسعه مسجد جمکران معلول فضای به وجود آمده در انقلاب اسلامی است، در نقش علت و عامل مستقل نیز برای ترویج نظام مهدوی عمل می‌کند.

در تبیین صورت نخست می‌توان به برخی تحولات اشاره کرد که بر اثر انقلاب اسلامی روی داد و تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم در رشد مهدویت و گرایش‌های مهدوی گذاشت و در صفحات پیشین بیان آن گذشت. تحولات یادشده که تکرار دوباره آنها سبب طولانی شدن کلام است، به علاوه برخی تحولات دیگر، همچون افزایش حس آخرالزمان‌انگاری دوره فعلی که در آینده از آن بحث خواهیم کرد، توانسته‌اند و می‌توانند در افزایش توجه به مسجد جمکران، توسعه آن و رشد زائران مسجد اثرگذار باشند؛ زیرا رشد نظام معنایی مهدوی، گرایش و علاقه مردم را به هر آنچه ارتباط یا نسبتی با باورها و علایق مهدوی‌شان دارد، افزایش می‌دهد و مسجد جمکران، از جمله مکان‌های منسوب به امام مهدی علیه السلام است؛ چنان‌که بر اساس تحقیق صورت گرفته درباره جمکران، ۷۱ درصد از زائران، انگیزه خود را از حضور در مسجد، اعتقاد قلبی و عشق به ولی عصر علیه السلام ذکر کرده‌اند.<sup>۱</sup>

۱. فلوریا خرازی، پیدایش و گسترش جمکران (بخشی در جغرافیای جهان‌بینی)، دانشگاه شهید بهشتی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا، ۱۳۷۴، ص ۹۳.



اینک صورت دوم، یعنی توسعه جمکران را به عنوان نماد و وسیله انتقالی که به انتقال نظام معنایی می انجامد، با تفصیل بیشتری بیان می کنیم.

«فضای مسجد جمکران، تا سال ۱۳۵۳ بسیار کوچک بوده و از پنجاه متر مربع تجاوز نمی کرد و با محدوده اطراف مسجد، احتمالاً به پانصد متر مربع می رسیده است. پس از انقلاب اسلامی، مسجد روند رو به رشدی را طی کرد. ابتدا به ده هزار و سپس به بیست و پنج هزار متر مربع رسید».<sup>۱</sup> روند توسعه مسجد پس از انقلاب ادامه داشت «تا اینکه در سال ۱۳۸۴، طرح جامع مسجد پس از بررسی در شورای عالی شهرسازی و معماری استان قم و کشور، به تصویب نهایی رسید و مبنای ساخت و سازها قرار گرفت. مساحت اولیه برای اجرای نهایی پروژه ۲۵۰ هکتار و مساحت زمین اصلی مسجد مقدس در رینگ اول، نزدیک به ۵۸۰ هزار متر مربع و برآورد هزینه برای اجرای فاز اول طرح، نزدیک به ۹۸۰ میلیارد ریال می باشد».<sup>۲</sup> در اجرای این طرح، افزون بر کمک های مردمی، کمک ها و حمایت های دولت جمهوری اسلامی ایران نقش بسزایی دارد.

افزون بر توسعه فیزیکی مسجد، به عوامل زمینه ای دیگری که زمینه توجه بیشتر مردم را به مسجد جمکران فراهم ساخت، می توان اشاره داشت. این عوامل که در سال های اخیر بیشتر شده، عبارت اند از:

۱. توسعه راه ها و افزایش اتوبان ها، به ویژه در نقاط مرکزی کشور که مسجد جمکران در آن بخش قرار دارد؛ همچون اتوبان تهران - قم یا اتوبان قم - کاشان و ...
۲. افزایش وسایط نقلیه عمومی و شخصی در سطح کشور. امروزه بسیاری از اقشار طبقه متوسط جامعه ایران صاحب خودرو شخصی هستند. اگر در یکی از شب های چهارشنبه یا جمعه از خیابان های اطراف مسجد جمکران گذر کنید، گویا به

۱. همان، ص ۷۴، ۷۵.

۲. پایگاه اطلاع رسانی مسجد مقدس جمکران، طرح جامع، ۱۳۸۶.

نمایشگاه بزرگی از خودروهای دو شرکت بزرگ خودروسازی دولتی ایران وارد شده‌اید.

۳. قرار گرفتن مسجد جمکران در مرکز ثقل مواصلاتی کشور، به طوری که برای رفتن به نوزده استان کشور، لازم است از قم، استانی که مسجد جمکران در آن قرار گرفته است، عبور کنید. این ویژگی در شهر زیارتی مشهد به دلیل قرار گرفتن آن در گوشه کشور، در نقش عاملی منفی عمل می‌کند.

۴. قرار گرفتن جمکران در مرز ثقل جمعیتی کشور. برای مثال، بر اساس آمار سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۶۵، که جزء سال‌های نخست پس از پیروزی انقلاب اسلامی به شمار می‌آید و روند رو به رشد زائران تازه آغاز گشته بود، جمعیت استان‌های نزدیک به مسجد جمکران، یعنی تهران (۸۷۱۹۴۸۰ نفر)، مرکزی (۱۰۹۲۲۱۴ نفر)، اصفهان (۳۳۱۷۰۸۱ نفر)، همدان (۱۵۳۳۸۸۵ نفر) و سمنان (۴۱۸۱۵۲ نفر)<sup>۱</sup>، بیش از سی درصد از کل جمعیت کشور را دربر می‌گیرد. عزیمت از این استان‌ها با خودرو به مقصد جمکران، حدود پنج ساعت یا کمتر طول می‌کشد.<sup>۲</sup>

این دسته عوامل، عمدتاً غیراجتماعی‌اند. تبیین‌های اجتماعی ذیل هر کدام می‌تواند سهمی در فهم مسئله داشته باشد.

توسعه جمکران و نمادسازی برای امام زمان علیه السلام

این تبیین از چند جزء تشکیل شده است:

۱. مردم ایران علاقه و محبت فراوانی به رسول خدا صلی الله علیه و آله و پیشوایان معصوم و حضرت زهرا علیها السلام دارند. برخی از قراین آن را پیش‌ازاین بیان کردیم. نمونه آن، وضعیت

۱. مرکز آمار ایران، سالنامه آماری سال ۱۳۶۵، ص ۶۰.

۲. در دهه شصت، استان‌های قم و قزوین جزء استان تهران بودند.

اجتماعی سادات در جامعه ایران است که از تکریم اجتماعی به نسبت ویژه‌ای برخوردارند. حتی آن دسته از ساداتی که برخلاف سیره اجدادشان عمل می‌کنند نیز محروم از تکریم نیستند. ازدواج با سادات امتیاز به شمار می‌آید، مقامات مذهبی و سیاسی در صورت سید بودن اعتبار بیشتری می‌یابند و....

۲. مردم ایران، بخشی از علائق خود را از راه ساخت اماکن منتسب به معصومان یا نوادگان آنان و زیارت آن اماکن نشان می‌دهند. پیدایش تعداد فراوانی از زیارتگاه‌های مربوط به امامزادگان و بقای طولانی مدت و استقبال از آنها، شاهدی بر این سخن است. در این میان، وجود زیارتگاه‌هایی مخصوص خود معصومان، از جایگاهی ویژه برخوردار است.

براساس یک بررسی در شهر مشهد و در سال ۱۳۷۳، زیارتگاه برای ۹۸ درصد مردم، حاوی تصویر خوب یا بسیار خوب بوده است<sup>۱</sup> و بر اساس پژوهشی دیگر که نوع رفتار مردم را در این زمینه و در سطح کشور نشان می‌دهد، تنها ۶/۴ درصد از مردم ایران اصلاً به زیارت اماکن مذهبی نمی‌روند و ۲۲/۶ درصد خیلی کم به زیارت می‌روند، ولی ۴۶/۶ درصد گاهی و ۲۳/۴ درصد زیاد به زیارت می‌روند. این آمار با توجه به مشکلات مربوط به مسافرت و هزینه‌های زیارت [در یکی دو دهه پیش] قابل توجه است.<sup>۲</sup>

۳. از میان چهارده معصومی که مورد احترام شدید مردم ایران هستند، تنها مرقد یکی از آنان، یعنی امام هشتم شیعیان، امام رضا (ع) در ایران است و دسترسی به اماکن منسوب به دیگر معصومان برای شیعیان ایرانی دشوار یا ناممکن است. مرقد رسول خدا (ص) و چهار تن از امامان معصوم و همین‌طور مدفن دختر پیامبر که مکان دقیق آن مخفی مانده است، در کشور عربستان و زیر سلطه وهابیت است. وهابی‌ها در ضدیت با شیعیان معروف‌اند و گنبد و بارگاه چهار امام مدفون در شهر مدینه را تخریب کرده‌اند و در

۱. منوچهر محسنی، بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در تهران، ص ۶۳۵.

۲. دبیرخانه فرهنگ عمومی کشور، بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در ایران، ص ۳۸۶.

ایام حج نیز سخت‌گیری‌های بسیاری درباره شیعیان روا می‌دارند و اجازه انجام آزاد مناسک دینی مرتبط با معصومان را به آنها نمی‌دهند. این وضعیت، چون بغضی گلوی شیعه را می‌فشرد. وضعیتی مشابه نیز در عراق وجود دارد. مرقد شش تن از امامان شیعه در عراق است. باینکه پس از اشغال عراق از سوی آمریکا و متحدانش و سقوط صدام، امکان سفر به عراق فراهم شده، در این سفرها شیعیان ایران با خطرات جانی فراوانی مواجه‌اند. باوجوداین، شیعیان ایران از سفر به عراق برای زیارت اماکن مقدس سر باز نمی‌زنند و این از عشق خاص ایرانیان به معصومان حکایت دارد.

امکان سفر به اماکن مقدس موجود در عراق به تازگی فراهم شده است و در سال‌های نخست انقلاب که در دوره نخست انقلاب قرار می‌گیرد و اکنون مد نظر است، این امکان فراهم نبود. در آن هنگام و در کوران جنگ ایران و عراق، صدام، رئیس‌جمهور وقت عراق که جنگ را بر ضد ایران به راه انداخت و از منفورترین افراد نزد ایرانیان به شمار می‌آمد، مانع اصلی بر سر راه زیارت اماکن مقدس در عراق بود و باعث می‌شد داغ دوری از این اماکن مقدس، در سینه‌ها تازه بماند و رسیدن به کربلا - محل شهادت و دفن امام حسین علیه السلام و یاران او - جزء آرزوها و شعارهای رزمندگان و مردم ایران باشد.

۴. توجه به مقدمات پیشین، یعنی علاقه فراوان مردم ایران به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و خاندان پاک ایشان و نوع خاص ابراز علاقه و ارتباط با آنان، یعنی ساخت زیارتگاه و ممنوعیت یا محدودیت موجود بر سر راه شیعیان ایران برای دستیابی به این خواست که تقریباً درباره تمامی معصومان وجود دارد، زمینه را برای احیای مسجد جمکران که مکانی منسوب به امام زمان علیه السلام است، به ویژه پس از انقلاب شیعی مردم ایران، فراهم ساخت و به فرض اینکه مردم نیز در پی خواستی عمومی، توسعه مسجد جمکران را مد نظر قرار نداده باشند، با آغاز این روند، به طور شگفت‌انگیزی از آن استقبال کردند.

۵. با توسعه مسجد جمکران، این مکان، امکان این را یافت تا به نمادی برای امام زمان علیه السلام تبدیل شود و علاقه‌مندان به اهل بیت و آموزه‌های مهدوی را به سوی خود جذب کند.

۶. گیرتز در نوشتار دین به عنوان یک نظام فرهنگی، نماد را عبارت می‌داند از «هر موضوع، عمل، پدیده یا کیفیت رابطه و پیوندی که به عنوان وسیله و ابزاری برای اظهار یک برداشت، نقش ایفا می‌کند. ... نمادها، بیانی عینی و منظم از عقاید و باورها... و به عبارتی روشن‌تر، تجسم عینی ایده‌ها، داوری‌ها و آرزوها یا عقاید هستند».<sup>۱</sup> در تعریفی دیگر، «نماد، شیئی کمابیش عینی است که جای‌گزین چیزی دیگر شده و بدین علت بر معنایی دلالت دارد. نماد، نمایش یا تجلی‌ای هم هست که اندیشه و تصور یا حالتی را به حکم تشابه یا هرگونه نسبت و رابطه‌ای... تذکار می‌دهد».<sup>۲</sup>

بر اساس این تعریف‌ها و برخی تعریف‌های دیگر از نماد و با برخی حذف و اضافات، می‌توان جمکران را نمادی از امام زمان علیه السلام در ایران دانست. جمکران به دلیل انتساب دستور ساخت آن به امام زمان علیه السلام، پس از توسعه و برآثر تبلیغ چهره‌به‌چهره آن در سال‌های نخست و تبلیغ رسانه‌ای آن در سال‌های اخیر، یادآور و تداعی‌کننده امام زمان علیه السلام بوده، به مکانی برای تجمع علاقه‌مندان به ایشان و آموزه‌های مهدوی تبدیل شده است. امروزه این نماد مهدوی، به یکی از مهم‌ترین ابزارها برای انتقال، احیا و تثبیت نظام معنایی مهدوی در جامعه ایران تبدیل شده است.

۷. از جمله کارکردهای مهم این پدیده آن است که به دلیل ملموس و مادی بودن مسجد، امکان تبلیغ تصویری و تلویزیونی آن و در نتیجه، ترویج امام زمان علیه السلام و نظام معنایی مهدوی بیشتر فراهم شد و تلویزیون، در عمومی و رسانه‌ای ساختن آن نقش

۱. محمدعزیز بختیاری و فاضل حسامی، درآمدی بر نظریه‌های اجتماعی دین، ص ۲۲۱.

۲. رنه لافورگ، «نماد پردازش»، رنه آلدی، مجموعه مقالات: اسطوره و رمز، ترجمه جلال ستاری، ص ۱۳.

برجسته‌ای داشت. از سوی دیگر، امور ملموس و محسوس، به‌ویژه وقتی به‌صورت نماد درآیند که در خود نوعی سادگی و ابهام را همراه دارند، برای همگان قابل درک و بهره‌برداری می‌شوند. مسجد جمکران برای عارفی چون آیت‌الله بهجت و فقیهی چون آیت‌الله مکارم شیرازی و سیاستمداری چون هاشمی رفسنجانی و فلان کشاورز روستایی اهل اصفهان یا فلان کارمند تهرانی یا آن دانشجویی که با کاروان دانشجویی از کرمان یا کرج رهسپار جمکران می‌شود و... قابل استفاده است. هر کس به میزان و نوع شناخت خود می‌تواند با امام زمان علیه السلام ارتباط برقرار سازد.

از دیگر سو، فضای مسجد جمکران، بستر مناسبی برای انجام مناسک فردی یا اجتماعی مرتبط با مهدویت است. این امر به حفظ، تعمیق و گسترش این نظام معنایی می‌انجامد. گیرتر می‌گوید: «مناسک، مکانیزم ایجادکننده ایمان است و یقین مذهبی در جریان مناسک ایجاد می‌شود»<sup>۱</sup> یا دیویس می‌گوید: «مناسک مذهبی، کارکرد نگه‌داشت باورها را انجام می‌دهد».<sup>۲</sup>

این کارکردها را در مسجد جمکران و در خصوص آموزه‌های مهدوی می‌توان پی گرفت. بر اساس تبیین بیان‌شده، جمکران به رشد نظام مهدوی کمک می‌کند.

#### مشکلات جامعه و نیاز به فریادرس

از دیگر تبیین‌هایی که برای توضیح چرایی افزایش زائران مسجد و در مجموع، افزایش رشد مهدویت‌گرایی می‌توان بدان توجه کرد، تبیین مبتنی بر ویژگی فریادرسی امام زمان علیه السلام است. بر این اساس، هرگاه جامعه دینی معتقد به موعود، در مشکلات و سختی‌ها و به‌ویژه مشکلات اقتصادی قرار گیرد و راهی برای حل مشکل از راه‌های عادی نیابد،

۱. ملکم همیلتون، جامعه‌شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی، ص ۲۷۸.

۲. همان، ص ۲۰۴.

گرایش‌های موعود‌گرایانه آنان و احساس نیاز ایشان به موعود آخرالزمان افزایش می‌یابد و بنابراین، باید شاهد گسترش و تعمیق این نوع علاقه‌ها و افزایش نمادهای مرتبط با آن و گروه‌های فعال در این زمینه باشیم.

بر اساس این نگاه و تطبیق آن بر مسائل ایران می‌توان گفت در زمان جنگ تحمیلی، با وجود مشکلات و دشواری‌های فراوان، به دلیل آنکه فضای جبهه‌ها سرشار از ارزش‌هایی چون ایثار و شهادت بود و مشارکت عمومی مردم در آن گسترده و انسجام اجتماعی قوی بود و مسئولان نظام نیز عملاً به نظام ارزشی موجود پایبندی بالایی داشتند، به همین دلیل، مشکلات موجود کمتر به چشم می‌آمد و تحمل آن سخت نمی‌نمود. سوروکین در بررسی‌هایی که درباره اغتشاشات اروپا انجام داده است، می‌نویسد: «اگر چهارچوبه روابط و ارزش‌ها در یک جامعه مفروض از هم گسیخته نباشد، علی‌رغم وجود شرایط سخت زندگی، هیچ اغتشاشی در شرف وقوع نخواهد بود. اعضای چنین جامعه‌ای ممکن است از قحطی در معرض مرگ باشند، اما دست به اغتشاش نزنند».<sup>۱</sup> این سخن سوروکین اگرچه در مقام تبیین اغتشاشات (اروپا) بیان شده است، به نظر می‌رسد در سطح نازل‌تر از اغتشاش نیز پاسخ‌گو باشد.

اما پس از جنگ تا حدی شرایط تغییر کرد. با پایان جنگ و آغاز دوران بازسازی و جدایی نسبی مردم از ارزش‌های دینی و چیره شدن ارزش‌های مادی و افزایش تورم اقتصادی حاصل از بازسازی و تحمیل فشارهای تورمی بر طبقه پایین و ازسویی، تبلیغ گسترده ارزش‌های مادی و افزایش سطح انتظار مردم و همچنین به وجود آمدن فاصله نسبی میان مردم و مسئولان و شیوه‌های زندگی آنان، سبب شد مشکلات در جامعه بیشتر ملموس شود و احساس وجود مشکلات و کمبودهای فراوان رشد نماید. این در حالی است که کمیت طبقه متوسط جامعه نیز رو به افزایش بوده است.

۱. مصطفی ملکوتیان، سیری در نظریه‌های انقلاب، ص ۶۰.

این عوامل اگر با ناامیدی از بهبود اوضاع از راه‌های معمولی همراه شود، می‌تواند سبب افزایش احساس نیاز به منجی موعود در بین مردم، به‌ویژه طبقه پایین جامعه گردد و از این رو، تمایل آنان به مراجعه به مکانی چون جمکران که به مسجد صاحب‌الزمان معروف است، افزایش می‌یابد.

برخی ادله پیشین، همچون تحول ساختاری و ارزشی به‌وجود آمده در اثر انقلاب اسلامی نیز که نتیجه آن، افزایش شناخت و علائق مردم به امام زمان علیه السلام است، اگرچه خود می‌تواند دلیلی مستقل برای تبیین چرایی افزایش زائران باشد، در این استدلال نیز می‌تواند نقش تقویت‌کننده احساس نیاز به منجی را در اثر مشکلات بازی کند؛ یعنی از یک سو شناخت موعود و منجی افزایش یافته است و از سوی دیگر، مشکلات بیشتر شده است. این دو در کنار هم سبب افزایش گرایش به منجی می‌شود و به افزایش زائران مسجد جمکران می‌انجامد.

این استدلال در جای خود قابل اعتناست، ولی نکته‌ای که درباره جمکران قابل چشم‌پوشی نیست آن است که، اگر در یکی از شب‌های چهارشنبه یا جمعه به جمکران بروید، در آنجا با تعداد بسیار فراوانی از خودروهای شخصی مواجه خواهید شد که عموماً در اختیار طبقه متوسط جامعه ایرانی است. مثلاً همین نوع خودروها که قیمتی حدود پنج تا پانزده میلیون دارند، حتی حدود ساعت سه نیمه‌شب نیمه شعبان ۱۴۲۸ (۱۳۸۶) در ترافیکی بسیار سنگین و با حرکتی لاک‌پشتی و در نمای قطاری چندین کیلومتری در حال نزدیک شدن به مسجد جمکران بودند. این امر استدلال پیشین را که استقبال از مهدویت یا جمکران، نتیجه مشکلات اقتصادی جامعه است، تضعیف می‌کند. جز آنکه بخواهیم احساس وجود فقر را که ناشی از افزایش سطح انتظارات است، دلیلی بر مراجعه طبقه متوسط ایرانی به مسجد جمکران بدانیم؛ طبقه‌ای که در سال‌های سازندگی به این سو و رو به افزایش بوده است.



البته دو شاهد دیگر می‌توان ارائه داد، مبنی بر اینکه علت مراجعه، مشکلات اقتصادی یا احساس وجود این نوع مشکلات نیست: نخست آنکه بر اساس تحقیق پیشین دربارهٔ مسجد جمکران که البته مربوط به سال ۱۳۷۴ است، فقط ۳۳ درصد از زائران برای توسل به امام زمان علیه السلام و رفع گرفتاری و حاجت شخصی به مسجد آمده‌اند. این در حالی است که ۷۱ درصد، انگیزهٔ حضور خود را اعتقاد قلبی و عشق به ولی عصر علیه السلام دانسته‌اند.<sup>۱</sup> آمار اخیر (۷۱ درصد) می‌تواند تقویت‌کنندهٔ آن تبیینی باشد که می‌گویید بر اثر انقلاب اسلامی، زمینه‌های شناختی و گرایشی مردم به امام زمان علیه السلام افزایش یافته و به همین دلیل، آمار زائران مسجد نیز رو به فزونی رفته است.

دوم آنکه در شعارهای انقلابیان باینکه بر طلب فریادری تأکید شده بود و در حدود نیمی از شعارهای انقلاب که در آن مستقیماً نام امام زمان علیه السلام آمده بود، از وضع موجود گلایه و بر ویژگی فریادری امام زمان علیه السلام تأکید شده بود،<sup>۲</sup> ولی حتی در یک شعار نیز آن را در کنار مشکلات اقتصادی مطرح نکرده بودند، بلکه فریادری را برای ایجاد امنیت برای دین و دین‌داری می‌خواستند.

بنابراین، ویژگی فریادری خواهی مردم را که در هنگامهٔ انقلاب نیز در دایرهٔ گرایش‌های مهدوی مردم به شکل برجسته‌ای وجود داشته است، نمی‌توان به‌سادگی به نیازهای اقتصادی آنان تقلیل داد.

اگر بخواهیم همچنان بر طلب فریادری از سوی مردم تأکید کنیم، شاید بتوان برای احساس وجود بی‌عدالتی و ستم، نقش برجسته‌ای در طلب منجی فریادری قایل شد؛ یعنی طلب منجی لزوماً برای اموری چون فقر و نداری نیست، بلکه برای وجود احساس بی‌عدالتی و ستم و تبعیض در سطح جامعهٔ ایرانی یا در سطح جامعهٔ جهانی است. از زمان

۱. فلوریا خرازی، پیدایش و گسترش جمکران (بعثی در جغرافیای جهان‌بینی)، ص ۹۳.

۲. به بخش مربوط به مهدویت در شعارهای انقلابیان در همین نوشتار مراجعه کنید.

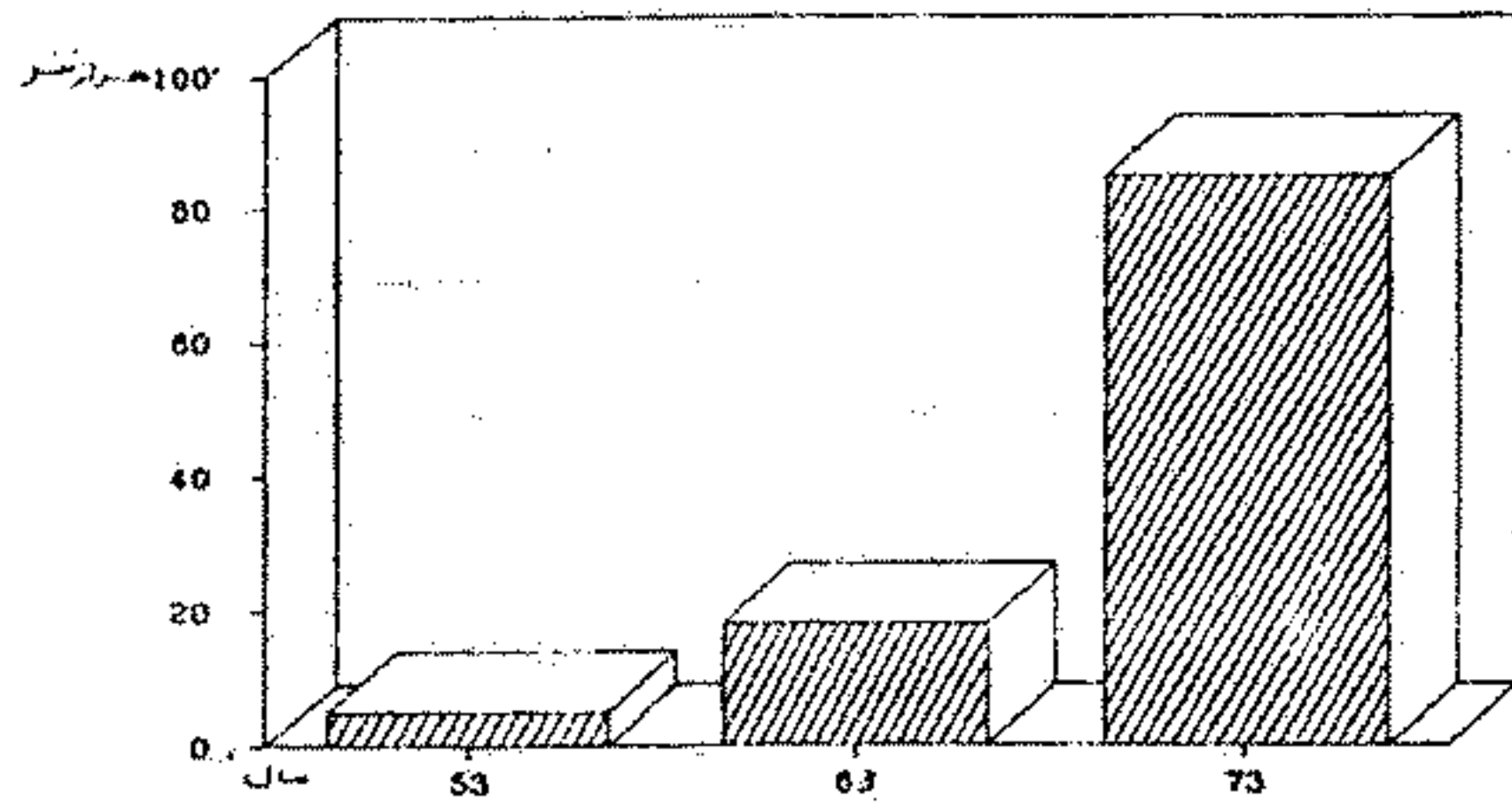
حاضر، شاهدهی بر این سخن می‌آوریم. در نهمین انتخابات ریاست جمهوری در ایران، کسی توانست اکثریت آرا را به خود اختصاص دهد که شعارهای عدالت‌خواهانه سر داد و در انتخابات، گرایش‌های مهدوی‌اش را آشکار ساخت، تاجایی که مخالفانش از راه همین گرایش‌ها قصد تخریب او را داشتند. چه‌بسا بتوان بخشی از پیروزی دکتر محمود احمدی‌نژاد را در انتخابات سال ۱۳۸۴، به گرایش‌های مهدوی مردم نسبت داد که از راه شعارهای احمدی‌نژاد فعال شد و در شکل آرای او تجسم یافت.

#### رشد جمکران، مردم و دولت اسلامی

درباره مسجد جمکران به عنوان برجسته‌ترین نماد امام زمان علیه السلام در ایران و مهم‌ترین وسیله برای انتقال و تثبیت نظام مهدوی، نکته‌ای حایز اهمیت است. جمکران در زمانی روند رو به رشد خود را آغاز کرد که نوعی سکوت در محافل مذهبی رسمی و حکومتی بر مهدویت سایه افکنده بود؛ یعنی در دهه شصت که با طرد اجتماعی و سیاسی انجمن حجیه مصادف گشت و سبب گردید در این دوران، تبلیغ مستقیم، برجسته و سازمان‌دهی شده‌ای از سوی دولت اسلامی یا مراکز رسمی تبلیغ دینی درباره مهدویت صورت نگیرد. در عین حال، تعداد زائران مسجد در دهه شصت در حال افزایش بود. در این باره می‌توان به گفته‌های شاهدان عینی تمسک جست و چنان که در برخی منابع آمده است، پیش از انقلاب تنها برخی خواص با مسجد آشنا بودند و به آنجا می‌رفتند.<sup>۱</sup> اما بعد از انقلاب، این روند رو به افزایش گذاشت. نمودار آتی، آماری از سوی بخش فرهنگی مسجد جمکران است که روند رو به رشد تعداد زائران مراجعه‌کننده به مسجد را در یک شب، در سال‌های ۱۳۵۳، ۱۳۶۳ و ۱۳۷۳ نشان می‌دهد.<sup>۲</sup>

۱. فلوری خرازی، پیدایش و گسترش جمکران (بخشی در جغرافیای جهان‌بینی)، ص ۸۱

۲. همان، ص ۸۳



آمار زائران مسجد جمکران

این آمار، نشان‌دهنده رشد زائران در سال‌هایی است که سایه سکوت موسوم همچنان مهدویت رسمی و علمی را در خمودی و تاریکی نگه داشته بود. البته این روند رو به رشد پس از شکست سکوت نیز می‌بایست استمرار می‌یافت که همین‌گونه نیز شد. بر اساس همین آمار، تعداد زائران مسجد در شب نیمه شعبان سال ۱۳۷۳، به حدود یک صد هزار نفر رسیده است.<sup>۱</sup> مقایسه این تعداد با آمارهای چندمیلیونی که در سال‌های اخیر، رسانه‌ها از تعداد زائران مسجد جمکران در شب نیمه شعبان نقل می‌کنند، به روشنی نشان‌دهنده روند رو به رشد بسیار بالایی است که تا زمان فعلی همچنان ادامه یافته است.

توجه به این نکته نیز مهم است که بر اساس تحقیق صورت گرفته در سال ۱۳۷۳-۱۳۷۴، نقش دوستان و آشنایان در آشنایی با مسجد ۵۵ درصد و نقش صداوسیما و دیگر رسانه‌های گروهی که تقریباً همه دولتی بوده‌اند، فقط سه درصد است و البته نقش کاروان‌های دانش‌آموزی و دانشجویی نیز که عمدتاً به مراکز دولتی منتسب‌اند، اندک نیست.<sup>۲</sup>

از سویی، ۵۳ درصد به صورت شخصی یا همراه با خانواده به مسجد آمده‌اند. ۳۴ درصد

۱. همان، ص ۸۲

۲. همان، ص ۹۹.

به وسیله کاروان‌های مذهبی و تنها سیزده درصد مراجعات از طریق کاروان‌های دانش‌آموزی و دانشجویی بوده است.<sup>۱</sup> این آمارها، مؤید همان سخن پیشین است که روند رو به رشد زائران، پدیده‌ای مردمی و عمدتاً خارج از حوزه فعالیت‌های مستقیم سازمان‌های دولتی بوده است. بنابراین، تبلیغات چشمگیر صداوسیما در سال‌های اخیر، نه جریان‌ساز، بلکه نوعی همراهی با موج ایجادشده و البته جهت‌دهنده آن بوده است.

در پاسخ به چرایی این اتفاق، دو فرض را مطرح می‌سازیم: نخست آنکه با توجه به فضای دینی به وجود آمده در جامعه و ازسویی، سکوت نسبی مراجع رسمی درباره مهدویت به دلیل ترس از متهم شدن به انجمن حجّیه‌ای بودن، مردم و هیئت‌ها و گروه‌های مذهبی در این زمینه احساس خلأ کرده‌اند و خود مستقیماً دست به کار شده و این عرصه را پوشش داده‌اند.

دوم آنکه اگر نگوئیم مردم در این زمینه احساس خلأ کرده‌اند، می‌توان این احتمال را مطرح ساخت که انجمن حجّیه نزد مردم، گروهی مبهم، ناشناخته و خارج از دایره توجهات آنها قرار داشت؛ به این معنا که ترس از متهم شدن به انجمن حجّیه در بین مردم وجود نداشت و مردم این اتهام را متوجه خود نمی‌دیدند. انجمنی به شمار آمدن، برجستگی بود که عمدتاً مسئولان و افراد شاخص سیاسی، مذهبی و فرهنگی، خود را در معرض آن می‌دیدند. بنابراین، مردم با خیالی آسوده می‌توانستند گرایش‌ها و علاقه‌های خود را عملی سازند؛ به ویژه که در پیشینه انجمن حجّیه، پیوندی میان انجمن و مسجد جمکران مطرح نبوده است.

توضیح آنکه بر اساس نظریه عمل بخردانه فیش باین و آیزن، «هر رفتار، تابعی از قصد و نیت است و قصد و نیت، تابعی از گرایش‌ها و هنجارهای ذهنی است. بنابراین، برای انجام یک رفتار باید به آن گرایش وجود داشته باشد و به وجود آمدن گرایش به یک چیز، بستگی دارد به ارزیابی شخص از فوایدی که سابقاً از آن چیز، عایدش شده است یا

فوایدی که انتظار دارد در آینده نصیبش گردد. در عین حال، ارزیابی فایده یا انتظار فایده ممکن است او را مستعد تصمیم‌گیری و عمل سازد، اما آن رفتار از او سر نزنند؛ زیرا غیر از گرایش‌های فردی، عامل دیگری به نام هنجارهای ذهنی نیز بر قطعی شدن تصمیم و پندایش یک رفتار، نقشی تعیین‌کننده دارد. هنجار ذهنی، معین‌کننده نفوذ و فشار اجتماعی است که بر شخص برای انجام یک رفتار وارد می‌شود. هنجارهای ذهنی، خود به دو دسته تقسیم می‌شود: یکی انتظارات دیگران مهم (یعنی دیگرانی که در نظر آن شخص، مهم هستند و انتظار خاصی از آن فرد در خصوص آن رفتار دارند) و دیگری، انگیزه پیروی از آنان (یعنی از نگاه او، نظر دیگران مهم درباره آن رفتار به چه میزان اهمیت دارد).<sup>۱</sup>

در بحث ما، شخصیت‌های انقلابی، مذهبی و... هرچند به طرح موضوع مهدویت گرایش داشته‌اند، دیگران مهم در قالب موضع‌گیری‌های مطبوعاتی یا موضع‌گیری‌های شخصیت‌های سیاسی وجود داشته و به نظر می‌رسد شخصیت‌های سیاسی، انقلابی و مذهبی به موضع‌گیری‌های مطبوعات بر ضد خود اهمیت می‌داده‌اند. این دیگران مهم توانسته‌اند بر گرایش‌ها و رفتارهای مهدوی آنان اثر بگذارند و مانع از طرح مهدویت از سوی آنان شوند، ولی درباره عموم مردم، دیگران مهمی وجود نداشته‌اند تا بخواهند مانعی برای بروز رفتارهای مهدوی و حضورشان در جمع‌کران ایجاد کنند.

آمار ۳۴ درصدی آمدوشد کاروان‌های مذهبی و ۵۳ درصدی حضور شخصی و خانوادگی مردم، می‌تواند مؤیدی برای این دو فرضیه باشد. ۸۷ درصد مراجعات، خارج از چهارچوب‌های منتسب به دولت صورت گرفته است. امروزه که برچسب انجمنی بودن تضعیف شده و مهدویت در جامعه رشد بیشتری یافته است، حضور کاروان‌های دانشجویی و دانش‌آموزی که مستقیم یا غیرمستقیم به دولت و شخصیت‌های سیاسی مرتبط‌اند، در جمع‌کران مشهود و چشمگیر است.

۱. فرامرز رفیع‌پور، سنجش گرایش روستاییان به جهاد سازندگی، ص ۹-۱۱.

### دوره دوم انقلاب (۱۳۷۴-۱۳۸۶)

منظور از این دوره، از سال ۱۳۷۴ تا سال ۱۳۸۶<sup>۱</sup> است. انتخاب سال ۱۳۷۴ به عنوان نقطه عطف و آغازی برای دوره دوم فعالیت‌های مهدوی پس از انقلاب، به دلیل تأسیس نخستین مرکز سازمان‌یافته مهدوی پس از انقلاب در این سال و گسترده شدن کارهای پژوهشی و رسانه‌ای در حدود این سال است؛ و گر نه این تقسیم‌بندی، به معنای تفکیک کامل این دو دوره از یکدیگر نیست. از این رو، برخی پدیده‌ها که متعلق به دوره نخست دانسته شد، در دوره دوم نیز قابل مشاهده است؛ چنان که گسترش فیزیکی و رشد زائران مسجد جمکران در دوره نخست آغاز شد، ولی در دوره دوم نیز همچنان ادامه یافت، بلکه تحولات آن در سال‌های اخیر بیشتر نگاه‌ها را به خود جلب کرده است.

#### ۱. شکست سکوت

در بخش پیشین، به سکوتی پرداختیم که بر عرصه مهدویت سایه افکند. در آنجا گفتیم در اثر مذموم و منفور شدن انجمن حجتیه در سال‌های نخست انقلاب، پرداختن به مهدویت، افراد را با برخی اتهام‌ها مواجه و به انجمن حجتیه‌ای بودن متسبب می‌ساخت. این برجسب، سبب برخی فشارها یا محرومیت‌های اجتماعی - سیاسی می‌شد. به همین دلیل، بسیاری ترجیح می‌دادند اگر بخواهند به مباحث دینی هم پردازند، اموری غیر از مهدویت را به قلم یا به زبان آورند. یکی از فعالان در عرصه مهدویت، از قول یکی از مبلغان مشهور دینی به نگارنده می‌گفت: در آن زمان، من جرئت نداشتم سخنرانی‌هایم را با دعای اللهم کن لولیک... که دعا برای سلامت امام زمان علیه السلام است، آغاز کنم؛ زیرا به انجمنی بودن متهم می‌شدم.

سکوت نسبی حاکم بر جامعه استمرار یافت، ولی این سکوت بیش از دوازده سال طول

۱. انتخاب سال ۱۳۸۶، نه به عنوان سال پایان این دوره، که به دلیل پایان زمان تحقیق در این سال است. از این رو، استمرار این دوره را می‌توان به انتظار نشست و تحولات آن را پی گرفت.

نکشید. پس از تعطیلی انجمن حجتیه که یک گروه سازمان یافته مهدوی بود، نخستین گروه متشکل که با انقلاب اسلامی نیز همراه بود، با هدف پرداختن به مسائل مربوط به مهدویت و با نام «مؤسسه فرهنگی موعود»، در سال ۱۳۷۴ به وجود آمد. این مؤسسه در سال ۱۳۷۵، نخستین نشریه مهدوی را با نام موعود و به صورت دو ماهنامه منتشر کرد. پیش از آن و در آغاز انقلاب، صرفاً نشریه‌ای داخلی با نام انتظار در انجمن حجتیه چاپ می‌شد و دیگر هیچ. اما این اتفاق جدید به سادگی رخ نداد. مؤسسه فرهنگی موعود، باید فشار زیادی را متحمل می‌شد تا بتواند به دیگران ثابت کند که از جنس انجمن نیست و اعضایش انجمنی نیستند و می‌خواهند طرحی نو و دینی در اندازند و الگویی تازه و انقلابی ارائه کنند. آقای ابراهیم شفیعی سروستانی، یکی از اعضای مؤسس در مؤسسه یاد شده می‌گوید: «در زمان تأسیس، کار خیلی سخت بود. انجمنی‌ها فکر می‌کردند ما نیروهای اطلاعاتی هستیم و کارمان، فعالیت برضد آنان است و نیروهای اطلاعاتی هم فکر می‌کردند ما انجمنی هستیم و در پوششی جدید، قصد فعالیت دوباره داریم. در آن زمان کار مشکل بود. برای دریافت یک مقاله یا انجام یک مصاحبه، سراغ خیلی‌ها که دارای سابقه پژوهش درباره مهدویت بودند، می‌رفتیم، ولی به دلیل ترس از متهم گشتن به انجمنی بودن، از قبول درخواست ما ابا داشتند.

البته فروکش کردن این التهاب، نیازمند گذر زمان و کسب اعتماد مؤمنان و نیروهای انقلابی از سوی مروجان جدید مهدویت بود که آرام آرام به وقوع پیوست و سبب شد روند تدریجی اهتمام به مباحث مهدوی و ترویج آن آغاز شود.<sup>۱</sup>

---

۱. پیش از شکل‌گیری مؤسسه موعود و در سال ۱۳۶۹، ترجمه کتاب عصر ظهور اثر آقای علی کورانی از سوی سازمان تبلیغات اسلامی چاپ و به بازار کتاب ایران وارد شد. این کتاب که بعدها چندین بار تجدید چاپ گردید، نقش بسزایی در توجه جامعه ایران به مهدویت و ایجاد پیوند میان انقلاب اسلامی و مهدویت داشت. با وجود این، دلیل انتخاب سال ۱۳۷۴ به عنوان نقطه عطف تحولات مهدوی آن بود که در این سال، مؤسسه موعود، گروهی سازمان یافته و با اهداف مشخص مهدوی شکل گرفت و از این نظر، امکان مقایسه آن با انجمن حجتیه به عنوان گروه سازمان یافته مهدوی تعطیل شده، وجود داشت.

## ۲. رشد وسایل انتقال نظام مهدوی

بر اساس نظریه سوروکین، بخشی از رشد یک نظام اجتماعی - فرهنگی، به رشد وسایل انتقال آن نظام برمی گردد. یک نظام معنایی در نخستین مرحله در ذهن بانیان آن موجود است و برای تبدیل شدن به یک نظام اجتماعی و پذیرش اجتماعی آن، باید وسایل مناسب برای انتقال این معانی به جامعه، به اندازه کافی به وجود آید. به وجود آمدن این ابزارهای انتقال معنا، به رشد کمی و همین طور رشد کیفی آن کمک می کند. مثلاً ایجاد نشریه‌ای تخصصی درباره آن نظام معنایی، همراه با اینکه عده‌ای را پیوسته با معنای مطروح در این نظام درگیر می سازد، به رشد کیفی آن نظام معنایی، خلق اجزای بیشتر، انسجام اجزا و غیره کمک می کند. این امر در خصوص مهدویت و در دوره دوم انقلاب، شکل محسوسی به خود گرفت. اینک به معرفی وسایل انتقال نظام مهدوی می پردازیم.

مراکز و رسانه‌های مهدوی یا غیرمهدوی، ولی فعال در این زمینه که پس از انقلاب و به ویژه در دوره دوم به وجود آمدند، بسیارند. امروزه مراکز فراوانی به این امر اهتمام نشان می دهند. غیر از هیئت‌ها، دسته‌ها و مهدیه‌هایی که در شهرهای گوناگون و با عناوین مهدوی به وجود آمده‌اند و فعالیت‌های دینی و مهدوی در طول سال یا در برخی ایام یا مناسبت‌ها همچون نیمه شعبان دارند، برخی مراکز نیز هستند که فعالیت‌هایشان استمرار، گستردگی و سازمان‌دهی بیشتری دارد. در اینجا به برخی از این مراکز و همین طور برخی رسانه‌های فعال در زمینه مهدویت اشاره می کنیم.

### مراکز مهدوی در قم

پس از مؤسسه فرهنگی موعود، مراکز و مؤسسات مهدوی، یکی پس از دیگری در تهران، قم و دیگر شهرستان‌ها به وجود آمد و در کنار مؤسسه موعود - که فعالیت‌هایش را ادامه و گسترش می داد - فعالیت‌های پژوهشی و تبلیغی خود را آغاز کردند. مراکز واقع در قم، به دلیل



نقش تقریباً منحصر به فرد حوزه قم در ترویج آموزه‌های دینی، اهمیت ویژه‌ای دارند. در اینجا به توصیف مختصر یکی از این مراکز می‌پردازیم و از برخی دیگر فقط نام می‌بریم.

در سال ۱۳۷۹، از سوی حجت‌الاسلام والمسلمین قرائتی که یکی از روحانیان متعهد به انقلاب اسلامی و فعال در امور مذهبی است و پس از انقلاب، برای احیای بخش‌های مغفول مانده دین تلاش‌های به نسبت گسترده‌ای صورت داده است، تأسیس بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام به مقام معظم رهبری پیشنهاد شد. در پی موافقت ایشان و تأسیس آن در تهران، در سال ۱۳۸۰ به منظور تربیت نیروی مورد نیاز خود و دیگران، «مرکز تخصصی امامت و مهدویت» در قم و زیر نظر حوزه علمیه تأسیس گردید. این مرکز در سال ۱۳۸۶ در نه استان کشور شعبه دارد و بر اساس آنچه در بورسور آن آمده است، در سه محور آموزشی، پژوهشی و تبلیغی فعالیت می‌کند. این مرکز که در سطح ۳ حوزه علمیه (کارشناسی ارشد) طلبه می‌پذیرد و تاکنون ۱۲۰ نفر دانش‌آموخته داشته است، دوره‌های کوتاه مدت آموزشی در سراسر کشور و در مراکز گوناگون حوزوی، دانشگاهی، نظامی و... برگزار می‌کند. همچنین، آموزش‌های مکاتبه‌ای و مجازی ارائه می‌دهد و تاکنون چهل هزار نفر از طریق مجازی آموزش دیده‌اند. این مرکز در بُعد تبلیغی، کارشناسان و مبلغان خود را به مراکز گوناگون می‌فرستد و با همکاری برخی نهادها و مجموعه‌های دانشجویی، در ایجاد «کانون مهدویت» در سطح دانشگاه‌های کشور مشارکت داشته است.

آقای نصوری، معاون تبلیغ و ارتباطات مرکز می‌گوید: «تعداد یکهزار و هشتصد تن از معلمان و مربیان آموزش و پرورش از استان‌های گیلان، فارس، آذربایجان شرقی و سمنان در دوره تخصصی مهدویت شرکت کرده‌اند». مرکز تخصصی امامت و مهدویت، دو نشریه، یکی تخصصی و با نام *انتظار* و دیگری در سطح عموم و با نام *امان* دارد. تولید نرم‌افزارهای مهدوی و نیز ایجاد سیزده پایگاه اینترنتی و... از دیگر فعالیت‌های تبلیغی این مرکز به شمار می‌آید. این مرکز در عرصه پژوهش نیز فعالیت‌های متنوعی دارد.

این نوع فعالیت‌ها را با اندکی تفاوت در دیگر مراکز مهدوی موجود در قم می‌توان مشاهده کرد. مراکزی چون مؤسسه آینده روشن، مسجد جمکران، پژوهشکده انتظار نور و ...

مراکز مهدوی مستقر در قم، به وسیله حوزه علمی و طلاب و روحانیان اداره می‌شود و این، یعنی ورود مهم‌ترین مرکز تبلیغ دینی در عرصه مهدویت؛ مرکزی که صرف تأیید یا رد آن در خصوص فعالیت در این عرصه، نقش تعیین‌کننده‌ای در ترویج یا عدم ترویج مهدویت خواهد داشت؛ چه رسد به مشارکت در این امر و تغذیه فکری و علمی علاقه‌مندان به این گونه مباحث که در حال انجام است.

#### صداوسیما

به نظر می‌رسد سازمان صداوسیما، اولاً آرشیوی از عموم برنامه‌های پخش خود که به صورت موضوعی تدوین شده باشد، در اختیار ندارد و ثانیاً امکان دسترسی به آنچه هم وجود دارد، بسیار دشوار است. در عین حال، اقدامات صداوسیما را از چند نظر می‌توان پی گرفت:

نخست اینکه برنامه‌های مناسبی صداوسیما، بخش مهمی از برنامه‌های آن را تشکیل می‌دهد. از این رو، صداوسیما از همان آغاز انقلاب در نیمه شعبان، که از گذشته، جزء مهم‌ترین مناسبت‌های مذهبی و مردمی بوده، برنامه‌هایی داشته است؛ البته دست کم در سال‌های اخیر، به دلیل نبود سیاست‌ها و اولویت‌های مشخص در زمینه مهدویت، عموماً با پخش برخی برنامه‌های زنده، به جای معرفی امام زمان عجل الله تعالی فرجه به مخاطبان، خوانندگان، بازیگران یا ورزشکاران را در مقام الگوی مرجع به مخاطبان عرضه می‌کند؛ البته بخشی از برنامه‌ها نیز شامل ارتباط مستقیم با مسجد جمکران، پیام مجری، کلیپ‌ها و... با مضامین مهدوی است.

دوم اینکه صداوسیما به اذعان بسیاری، در مقایسه با دیگر مراکز مهم تبلیغی، با تأخیر به موضوع مهدویت پرداخته است. پیش از این و درباره جمکران گفتیم که بر اساس پژوهشی که در سال ۱۳۷۳-۱۳۷۴ صورت گرفته، تنها سه درصد از زائران مسجد جمکران از طریق صداوسیما و دیگر وسایل ارتباط جمعی با جمکران آشنا شده‌اند،<sup>۱</sup> ولی صداوسیما به تدریج حضور خود را در این عرصه پررنگ‌تر ساخت.

از حدود سال‌های ۱۳۷۳-۱۳۷۴، برنامه‌ای با عنوان «انتظار سبز» از صدای جمهوری اسلامی ایران پخش شد. در حوزه سیما، نخستین و مهم‌ترین برنامه اختصاصی مهدوی که در سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۸۱ ساخته شد، برنامه «به سوی ظهور» است که در سال‌های بعد، تا سری چهارم آن نیز ادامه یافت. همچنین در سال‌های اخیر، برنامه‌هایی مانند پایان دوران، چهل وادی تماشا، سریال پرده عشق و مشق انتظار، مجموعه عطر عاشقی، مجموعه ترکیبی موعود، سپهری دیگر، صبح امید، برنامه‌های پرسش و پاسخ، میزگرد و مجموعه‌های چند قسمتی در زمینه مهدویت ساخته و پخش شده است.<sup>۲</sup> برنامه‌های مهدوی صداوسیما به این تعداد برنامه محدود نمی‌شود. برنامه‌های متعدد دیگری از طریق شبکه‌های متعدد رادیویی و تلویزیونی، سراسری یا استانی در ایام گوناگون سال به صورت تولیدی یا زنده روی آنتن می‌رود و این غیر از دعای ندبه است که همه هفته، صبح‌های جمعه پخش می‌شود و دعای عهد که هر روز صبح از یکی- دو شبکه تلویزیونی قابل مشاهده است.

سوم اینکه بخش فراوانی از اقدامات صداوسیما، برنامه‌هایی است با زمان‌های کوتاه که به طور مستمر در برخی ایام هفته پخش می‌شود یا موارد متعددی که مهدویت به عنوان موضوعی فرعی در کنار موضوع اصلی برخی برنامه‌ها مطرح می‌گردد. کلیپ‌ها، سرودها، قطعه‌های مداحی، پیام‌های مجری، دعاها یا آغاز یا پایان برنامه‌ها و... از این دست هستند.

---

۱. فلوریا خرازی، پیدایش و گسترش جمکران (بخشی در جغرافیای جهان‌بینی)، ص ۹۸.

۲. نغمه خلیل بیگی، «مهدویت در صداوسیما»، ماهنامه موعود، مهر ۱۳۸۶، ش ۸۰، ص ۵۷.

چهارم اینکه می‌توان مدعی شد صداوسیما در سال‌های اخیر در موضوع امامت، به مهدویت و به امام زمان علیه السلام بیش از دیگر موضوعات و دیگر امامان توجه کرده است. به‌جز عاشورا و امام حسین علیه السلام که مناسبت‌های مربوط به ایشان، با توجه به طولانی بودن سه دوره زمانی آن، یعنی ده روز نخست ماه محرم، بیست روز باقی‌مانده از آن و سی روز ماه صفر، حجم فراوانی از برنامه‌های مذهبی را به خود اختصاص می‌دهد، مهدویت، بیشترین حجم از برنامه‌ها را به خود اختصاص داده است. ویژگی برنامه‌های مهدوی صداوسیما در مقایسه با برنامه‌هایی که برای دیگر معصومان پخش می‌شود، استمرار این نوع برنامه‌ها در طول سال است.

برای توضیح بیشتر، توجه به این نکته جالب است که مثلاً در روایات شیعی، هر کدام از روزهای هفته به یک یا چند نفر از معصومان انتساب دارد، ولی صداوسیما تنها روز جمعه را که به امام زمان علیه السلام منتسب است، ترویج می‌کند و به این مناسبت، هر جمعه موضوع مهدویت را مطرح می‌سازد. مردم ایران با وجود علاقه فراوانی که به امام علی علیه السلام دارند، هیچ‌گاه شاهد این حجم از برنامه‌ها درباره آن حضرت نیستند؛ چنان‌که بسیاری نمی‌دانند یکشنبه، روز زیارتی امام علی علیه السلام و منتسب به ایشان است. میزان توجه صداوسیما به امام رضا علیه السلام نیز در همین مقوله می‌گنجد. با وجود اینکه مرقد آن حضرت در ایران است و مردم ایران نیز علاقه خاصی به ایشان دارند، تقریباً همه برنامه‌های صداوسیما درباره ایشان، به روز ولادت و شهادت آن حضرت و چند مناسبت دیگر محدود شده است.

نکته قابل تأمل در اینجا، این است که هر چند صداوسیما در زمینه مهدویت برنامه‌های خود را گسترش داده است، بسیاری اوقات به دلیل کم‌کاری در این زمینه مورد انتقاد قرار می‌گیرد. با توجه به دو نظرسنجی اینترنتی که در خصوص برنامه‌های مهدوی، یکی در سایت موعود و دیگری در سایت به‌سوی ظهور متعلق به سازمان صداوسیما صورت گرفته، بیشتر نظرهای اعلامی، حاکی از ضعیف دانستن اقدامات صداوسیما در این باره است. مثلاً

در سایت به سوی ظهور در دی ۱۳۸۶، نتایج ذیل آمده است. بر اساس این نظرسنجی، حدود ۵۵ درصد جایگاه مهدویت را در صداوسیما ضعیف یا بسیار ضعیف و تنها در حدود ۲۸ درصد آن را عالی و خوب ارزیابی کرده‌اند.

این وجه انتقادی را در برخی مقالات و اظهارنظرهای افراد مرتبط با مهدویت نیز می‌توان دید. این امر را می‌توان نشانه‌ای بر رشد توقعات، در اثر رشد مهدویت‌گرایی در جامعه ارزیابی کرد که با وجود افزون شدن برنامه‌های صداوسیما، نگاه انتقادی به این دو رسانه وجود دارد. البته بخش مهمی از انتقادهای، به کیفیت برنامه‌ها صورت می‌گیرد.

جایگاه مهدویت در برنامه‌های صدا و سیما	
عالی	۱۶.۸۵٪ (۳۳۲)
خوب	۹.۸۰٪ (۱۹۳)
متوسط	۱۸.۶۳٪ (۳۶۷)
ضعیف	۲۵.۱۳٪ (۴۹۵)
بسیار ضعیف	۲۹.۵۹٪ (۵۸۳)
جمع آراء: ۱۹۷۰	

نظرسنجی اینترنتی درباره جایگاه مهدویت در برنامه‌های صداوسیما - پایگاه اینترنتی به سوی ظهور، متعلق به سازمان صدا و سیما

پنجم اینکه برنامه‌های مهدوی صداوسیما، بیشتر احساسی، عاطفی و ادبی است. برای مثال، مباحث احساسی و عاطفی با ۵۶ درصد، بیشترین حجم آیت‌های برنامه «به سوی ظهور» را که در حدود ۱۵۰ قسمت تهیه شده و از برنامه‌های اختصاصی و تا حدی تخصصی مربوط

به موضوع مهدویت است، تشکیل می‌دهد.<sup>۱</sup> به‌طور طبیعی این میزان، در دیگر برنامه‌ها که غیر تخصصی است، به مراتب بیشتر خواهد بود. همین امر، عامل برخی انتقادات به صداوسیما شده است. در این باره، چند نکته اهمیت دارد: یکی آنکه کارکرد تفریحی و سرگرمی رادیو و تلویزیون در ایران نیز همچون بسیاری از کشورها، از مهم‌ترین کارکردهای این دو رسانه به شمار می‌آید و کارکردهایی چون آگاهی‌بخشی و اطلاع‌رسانی، در رتبه‌های پایین‌تر قرار دارد. بنابراین، اگر رادیو و تلویزیونی که دارای این ویژگی است، بخواهد به مهدویت پردازد، در صورتی که سیاست‌ها و اولویت‌های مشخصی برای آن تعریف نشود، برنامه‌سازان احتمالاً با رویکرد احساسی و عاطفی که در مقایسه با دیگر رویکردها به مهدویت، به کارکرد سرگرمی و تفریحی رادیو و تلویزیون نزدیک‌تر است، به آن توجه می‌کنند؛ امری که وجه غالب برنامه‌های مهدوی را تشکیل می‌دهد. دوم آنکه صداوسیما به دلیل مخاطب عام خود، به رویکرد عاطفی نزدیک‌تر است تا دیگر رویکردها.

در عین حال و به‌عنوان نکته سوم، نباید از آنچه پیش‌تر در خصوص ولایت تکوینی امام زمان علیه السلام و ارتباط قلبی و معنوی که شیعیان به دلیل وجود همین ویژگی با امام علیه السلام برقرار می‌کنند، غفلت کرد. ولایت تکوینی و پیوند قلبی و عاطفی، بخش جدایی‌ناپذیر مهدویت و امامت است و باید به آن پرداخت، ولی جای این پرسش همچنان باقی است که: صرف‌نظر از لزوم توجه به دیگر رویکردها در صداوسیما، آیا رویکرد غالب موجود توانسته است به لایه‌های درونی نفوذ کند و پیوند قلبی مخاطبان را با امام مهدی علیه السلام تقویت نماید یا در لایه روین باقی مانده و دچار سطحی‌نگری شده است؟

به نظر می‌رسد صداوسیما در چند سال اخیر، با گسترش کمی به لحاظ تعداد شبکه‌ها و ساعت پخش برنامه‌ها و کاهش برنامه‌های تولیدی و افزایش برنامه‌های زنده روبه‌رو بوده است. در این ساختار جدید، از یک سو نویسندگان برنامه‌ای که روزانه باید حجم بسیار

گسترده‌ای از مطالب برنامه‌های زنده را به نگارش در آورند و پاسخ‌گوی هیجان و عطش آنتن باشند، اهمیت ویژه یافته‌اند. روشن است که سپردن کار فرهنگ‌سازی جامعه به دست این افراد که عمده توانایی‌شان نگارش متون رسانه‌ای است، چه تأثیری بر رسانه خواهد گذاشت و چه پیامدی برای فرهنگ جامعه خواهد داشت. از سوی دیگر، صداوسیما به دلیل همان ویژگی‌ها، به سمت مجری‌محوری گرایش یافته است؛ به طوری که گاه اینکه مجری برنامه چه کسی باشد، بسیار مهم‌تر از آن است که برنامه چه محتوایی می‌خواهد عرضه کند. در بسیاری موارد، عملاً کسانی جهت‌دهنده محتوا می‌شوند که به لحاظ حرفه‌ای، توانایی اجرای برنامه‌های زنده و سخنوری تلویزیونی یا رادیویی را دارند، ولی معمولاً واجد تخصص‌های حداقلی در زمینه‌های مورد بحث نیستند. این ویژگی رادیو و تلویزیون که در سریال‌های طنز تلویزیونی نیز به شکلی دیگر خود را نشان داده، سبب کم‌محتوایی و سطحی‌نگری در برنامه‌ها شده است. هنگامی که رسانه‌ای با این ویژگی می‌خواهد به مسئله مهدویت بپردازد، در نهایت به تقویت نگاه احساسی، عاطفی و ادبی در این عرصه می‌انجامد و به یقین توانایی لازم را برای ایجاد ارتباط میان مخاطبان برنامه‌های خود از یک سو، و امام مهدی عج از سوی دیگر نخواهد داشت و مهدویت‌گرایی مردم را که در سال‌های اخیر در حال رشد یافتن است، در لایه‌های سطحی نگه می‌دارد و اجازه عمق یافتن لازم را به آن نمی‌دهد.

ششم اینکه یکی از اقدامات مهم و تأثیرگذار سیما، تبلیغ تصویری مسجد جمکران به عنوان نماد امام زمان عج در ایران است. این امر می‌تواند تنها یک علت ساده داشته باشد و آن اینکه تلویزیون، ماهیت تصویری دارد و برای انتقال هر پیام، باید تصویری متناسب و مرتبط با خود را نیز در اختیار داشته باشد؛ و گرنه برنامه‌هایش در حد برنامه‌های رادیویی تنزل می‌یابد. همین امر می‌تواند سبب آن شود که تقریباً هیچ برنامه مهدوی از تلویزیون پخش نشود، جز آنکه در پس‌زمینه آن، تصویری از جمکران وجود داشته باشد. در بحث نمادسازی جمکران برای امام زمان عج در جامعه ایران، گذشت که چگونه مردم ایران

آمادگی پذیرش نمادی برای حضرت را در سطح جامعه داشتند. سیما با رسانه‌ای کردن جمکران و در نتیجه، عمومی ساختن آن، در ترویج و تثبیت این نماد که در جامعه در حال شکل‌یابی دوباره و رشد یافتن بود، نقش مهمی ایفا کرده است.

### رسانه‌های مکتوب و مهدویت

درباره مهدویت در نشریات گوناگون، مطالب متنوع و البته پراکنده‌ای به چاپ می‌رسد. این روند در سال‌های اخیر رو به افزایش گذاشته است که شاهد آن، نمایه مطبوعات است که از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد از مطبوعات کشور تهیه می‌شود. در این باره می‌توان به نشریات اختصاصی حوزه مهدویت اشاره کرد که در سال‌های اخیر انتشار یافته‌اند. پس از انتشار دو ماهنامه موعود در سال ۱۳۷۵ که بعدها به ماهنامه تبدیل شد، نشریات دیگری به این حوزه وارد شدند و خانواده نشریات مهدوی را به وجود آوردند. نشریات ذیل از جمله اعضای این خانواده‌اند:

- ماهنامه موعود،
- فصلنامه انتظار موعود،
- ماهنامه انتظار نوجوان،
- ماهنامه ملیکا (برای کودکان)،
- فصلنامه مشرق موعود،
- گاهنامه عصر آدینه،
- ماهنامه خورشید مکه،
- ماهنامه امان.

این مجلات، انتشار عمومی و سراسری دارند. نشریات متنوع دیگری نیز می‌توان در بین تشکل‌های دانشجویی و غیر آن با موضوع مهدویت مشاهده کرد.



در زمینه مهدویت، کتاب‌های متعدد و متنوعی از سوی مراکز تخصصی مهدوی یا غیر آنان به چاپ رسیده و می‌رسند. برای مثال، مؤسسه فرهنگی موعود در طول یازده سال فعالیت خود، ۶۳ عنوان کتاب به چاپ رسانده که بیشتر آنان در حوزه مباحث مهدوی است. بنابر اعلام مدیر مرکز تخصصی امامت و مهدویت نیز، این مرکز تا کنون و در طی شش سال فعالیت خود، ۵۵ عنوان کتاب در زمینه مهدویت منتشر ساخته است. انتشارات مسجد جمکران، از جمله مهم‌ترین انتشاراتی‌های کشور است. بر اساس اعلام مسئول روابط عمومی آن، انتشارات مسجد در سال ۱۳۸۴، نهصد هزار نسخه کتاب و در سال ۱۳۸۵، یک میلیون و ششصد هزار نسخه و در نیمه نخست سال ۱۳۸۶، حدود یک میلیون نسخه کتاب به چاپ رسانده است. انتشارات مسجد جمکران افزون بر آنکه با هفت صد ناشر مبادله کتاب دارد، به دلیل معروف بودن، محل مراجعه مراکز و مؤسسات متنوع دولتی و خصوصی است. برای مثال، به تازگی بیست هزار نسخه از کتاب *بامداد بشریت* را به سفارش سازمان بازنشستگان وزارت دفاع به چاپ رسانده است. البته کتاب‌های انتشارات مسجد جمکران، همگی در موضوع مهدویت نیست. بر اساس فهرستی از کتاب‌های انتشارات مسجد، از ۲۲۷ عنوان کتاب، موضوع حدود ۱۱۵ عنوان آن، مهدویت است، ولی ویژگی این انتشاراتی، تیراژ و تجدید چاپ‌های به نسبت بیشتر در مقایسه با دیگر ناشران، به علاوه ارتباط مبادله‌ای نسبتاً گسترده با دیگر ناشران است.

#### اینترنت و مهدویت

هم‌زمان با ورود اینترنت به ایران در چند سال اخیر و طرح دین در آن، مهدویت، به جزء برجسته‌ای از مباحث دینی آن تبدیل شد. سهم دنیای مجازی در طرح مباحث و امور مرتبط با مهدویت، قابل اعتناست، ولی در این زمینه، آمار مشخصی در دست نیست. برخی پایگاه‌های مهدوی از راه لینک‌گذاری، به معرفی این گونه پایگاه‌ها پرداخته‌اند. برای مثال،

مؤسسه فرهنگی موعود که پیش از این معرفی شد، در سال ۱۳۸۶ در پایگاه اینترنتی خود، ۵۶ سایت دیگر را معرفی کرده است. به نظر می‌رسد تعداد وبلاگ‌های مهدوی بیشتر از تعداد سایت‌های با این موضوع باشد. در وبلاگ «مجمع وبلاگ‌نویسان مهدوی»، تعداد این دسته از وبلاگ‌نویسان که در سال ۱۳۸۶ خود را به وبلاگ یادشده معرفی کرده‌اند، به ۵۱۱ می‌رسد؛ البته همه آنها وبلاگ‌های مهدوی نیستند، ولی فضای حاکم بر عموم این سایت‌ها و وبلاگ‌ها، فضای انقلابی به معنای تأیید و همراهی با انقلاب اسلامی است که با موضوع این نوشتار مرتبط می‌شود.

در این باره می‌توان به چند روزنامه الکترونیکی و خبرگزاری اشاره کرد که در زمینه مهدویت فعالیت می‌کنند یا برخی خبرگزاری‌ها، مثل خبرگزاری شبستان که بخشی از اخبار خود را با عنوان مستقل مهدویت به کاربران عرضه می‌کند. همین‌طور می‌توان به نرم‌افزارهای متعدد و متنوعی اشاره کرد که با موضوع مهدویت تولید و به بازار عرضه می‌شود.

#### دانشگاه‌ها و کانون‌های مهدویت

از جمله تشکل‌های دانشجویی که در چند سال اخیر در دانشگاه‌ها به وجود آمده و از رشد بالایی نیز برخوردار بوده، کانون‌های مهدویت است. بر اساس گفته معاون تبلیغ و ارتباطات مرکز تخصصی امامت و مهدویت، تاکنون ۱۳۳ کانون مهدویت با همکاری این مرکز در دانشگاه‌های کشور تشکیل شده است.<sup>۱</sup>

برای نمونه، خبر تأسیس کانون مهدویت دانشگاه آزاد واحد ایلام را به نقل از یکی از سایت‌های مهدوی نقل می‌کنیم تا با موقعیت و فضای حاکم بر این گونه کانون‌ها بیشتر آشنا شویم: کانون تخصصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام نیمه اسفندماه [۱۳۸۴] به همت دفتر فرهنگ اسلامی این دانشگاه تأسیس شد.

۱. خبرگزاری شبستان، مهرماه خبرگزاری تخصصی حوزه دین، شبستان، [www.shabestan.ir](http://www.shabestan.ir)، ۱۳۸۶/۷/۲۹.

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمدرضا حسینی‌نیا، رئیس دفتر فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام با بیان این مطلب اظهار کرد: این کانون با هدف نشر و گسترش فرهنگ مهدویت در بین دانشجویان، آشنایی با مسائل آخرالزمان، دوره ظهور حضرت امام زمان علیه السلام، علایم ظهور و شناسایی اقدامات رژیم صهیونیسم علیه این فرهنگ، راه‌اندازی شد.

وی در ادامه اضافه کرد: این کانون دارای یک هسته اصلی چهارده نفره از دانشجویان است و همچنین از دویست نفر اعضای عادی تشکیل شده است.

حسینی‌نیا یادآور شد: نقد فیلم‌های هالیوودی علیه فرهنگ مهدویت، برگزاری همایش با موضوعات مهدویت، دعوت برای همکاری از سخنرانان و متخصصان فرهنگ مهدویت در این زمینه از استان‌های تهران و قم و برگزاری میزگردهای آشنایی با این فرهنگ، از جمله برنامه‌های این کانون خواهد بود.

وی از انتشار نشریه تخصصی مهدویت و راه‌اندازی سایتی با همین عنوان در سال آینده خبر داد و گفت: اشاعه فرهنگ مهدویت، تلاش برای تحقق این اهداف در استان، قرائت دعای تدبیه و زیارت صاحب‌الامر و اجرای برنامه‌های مختلف قرآنی، از دیگر برنامه‌های این کانون است.<sup>۱</sup>

#### بسیج و مهدویت

نیروی مقاومت بسیج، از جمله مراکز فعال فرهنگی و نظامی کشور است که تعداد فراوانی از جوانان کشور را تحت پوشش دارد. بسیج، فعالیت‌های پراکنده‌ای در زمینه مهدویت

۱. مرکز مجازی مهدویت، به‌سوی ظهور، [www.Zohoortv.com](http://www.Zohoortv.com)، ۱۳۸۶/۸/۱.

انجام می‌دهد، ولی در برخی موارد نمود بیشتری می‌یابد. برای مثال، طرح معرفت، از جمله طرح‌هایی است که شرکت در آن برای بسیجیان الزامی است. یکی از منابعی که در این دوره‌ها آموزش داده می‌شود، کتاب *نهضت انتظار و انقلاب اسلامی*<sup>۱</sup> است. این کتاب در دو جلد و برای دو سطح زیر دیپلم و بالاتر از دیپلم نگاشته شده است. پاسداران رسمی نیز در آموزش‌های ضمن خدمت، گاه بخشی از مباحث عقیدتی‌شان به مهدویت اختصاص می‌یابد. افزایش توجه به موعودگرایی در بین سیاست‌مداران امریکایی در سال‌های اخیر و ربطی که میان موعودگرایی، صهیونیسم و مهدویت برقرار می‌کنند، سبب شده تا مهدویت برای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به دلیل ماهیت نظامی و وظیفه دفاع از انقلاب، جاذبه‌های خاصی بیابد. از این نظر، زمینه رشد این گونه مباحث عقیدتی و علمی در بدنه سپاه پاسداران و به تبع آن، در نیروی مقاومت بسیج وجود دارد.

#### آستان قدس رضوی و مهدویت

یکی از مسئولان در امور فرهنگی آستان قدس رضوی،<sup>۲</sup> درباره فعالیت‌های مهدوی که از سوی این بخش صورت می‌گیرد و روند رو به رشد آن، این گونه توضیح می‌دهد: «در حرم امام رضا (ع)، از قدیم الایام مراسم دعای ندبه برگزار می‌شده است. به تازگی، بعد از نماز صبح دعای عهد نیز خوانده می‌شود. پیش از آن و حدوداً دو سال قبل، طرح «نسیم معرفت» آغاز شده است. در این طرح، هر شب جمعه یک سخنرانی با موضوع مهدویت برگزار می‌شود».

او درباره فعالیت‌های تابستانی امور فرهنگی در سال ۱۳۸۶، به دو طرح مهدوی اشاره می‌کند: یکی طرح «راه وصال» که همایشی هفتگی برای حدود ۱۲۰۰ نفر دانشجو و طلبه

۱. علی اصغر الهامی، *نهضت انتظار و انقلاب اسلامی*، معاونت آموزش نیروی مقاومت بسیج، تهران، ۱۳۸۲.

۲. آقای ولی‌نژاد، مسئول دبیرخانه کل همایش‌ها در آستان قدس رضوی.

است که در دانشگاه رضوی برگزار می‌شود. به جز آن، دوره‌هایی برای عموم مردم از مجاوران (ساکنان مشهد) و زائران تحت عنوان «کارگاه مهدویت» برگزار می‌گردد. در این کارگاه‌ها، روزانه هزار نفر در ۳۶ کلاس و به مدت دو ساعت با مباحث مهدوی آشنا می‌شوند. او اضافه می‌کند به دلیل استقبال از این طرح تابستانی، قصد داریم آن را در طول سال برگزار کنیم. نکته قابل تأمل دیگر در سخنان او، این جمله است که طرح دیگری به نام «در سایه سار نهج البلاغه»، جزء طرح‌های تابستانی امور فرهنگی است که از بین مهدی‌ها برای این طرح تا زمان مصاحبه هشتصد نفر ثبت‌نام کرده بودند، ولی تعداد ثبت‌نام‌کنندگان مهدی برای کارگاه مهدویت، به سه هزار نفر رسیده بود. این افزایش نزدیک به چهاربرابری، وقتی به اهمیت و محبوبیت ویژه امام علی (ع) و معرفیت و جذابیت کتاب ایشان، نهج البلاغه در بین شیعیان توجه کنیم، قابل تأمل است.

### ۳. رشد عوامل انسانی نظام مهدوی

رشد توجه به مهدویت در بین مردم و نخبگان دینی و حتی سیاسی ایران، و تظاهر این توجه در رفتار آنان به شکل‌های گوناگون، از جمله نشانه‌های رشد عوامل انسانی نظام اجتماعی - فرهنگی مهدوی در دوره دوم انقلاب است که برخی شواهد آن را بیان می‌کنیم. آنچه می‌آید، می‌تواند پاسخی باشد به پرسش نخست تحقیق، مبنی بر اینکه: آیا پس از انقلاب اسلامی، تعداد شیعیانی که به امور مرتبط با مهدویت گرایش دارند و آن را در قالب رفتارهای مهدوی نیز بروز می‌دهند، افزایش یافته است؟ البته برخی شواهد برای پاسخ به این پرسش در بخش‌های دیگر نوشتار آمده و برخی از شواهد ذیل نیز لزوماً پاسخ به آن نیست.

۱. به نظر، روشن می‌رسد که هرگاه ابزارهای تبلیغی، به ویژه رسانه‌های جمعی مثل تلویزیون و رادیو در زمینه‌ای فعال شوند و موضوعی خاص را به شیوه‌های متنوع و در دفعات

متعدد به مخاطبان خود عرضه کنند، آن موضوع به تدریج، ترویج می‌شود و عمومیت می‌یابد و دست کم برای گروهی از مخاطبان به مسئله تبدیل می‌گردد؛ به طوری که از آن پس، آن موضوع را در سطح رسانه یا در زندگی فردی یا اجتماعی خود پی خواهند گرفت.

اگر مخاطبان به آن موضوع علاقه‌مند باشند و در آن سودی برای خود ببینند، این فرایند با سرعت و سهولت بیشتری رخ خواهد داد. این گفته درباره مهدویت و نقشی که تلویزیون و رادیو در این زمینه داشته، جاری است. ضمن اینکه تبلیغات در زمینه مهدویت، فقط از طریق دو رسانه تلویزیون و رادیو نبوده است؛ چه اینکه این دو، همراهی کننده موج ایجاد شده بوده‌اند، نه سازنده آن. نقش مردم و تبلیغات چهره‌به‌چهره را در کنار نقشی که مراکز مهدوی در این زمینه ایفا کرده‌اند، نباید از نظر دور داشت.

۲. از سویی، اگر مراکز مهدوی در برابر تبلیغات خود، بازخوردهای مثبت و تأثیرپذیری مخاطبان را از اقدامات خود نمی‌دیدند، فعالیت‌هایشان رو به کاهش و کارهایشان رو به تعطیلی می‌رفت و دست کم حوزه فعالیت‌هایشان گسترده نمی‌شد. به قول هومنز در قضیه موفقیت خود، «در مورد هر عملی که اشخاص انجام می‌دهند، غالباً این گونه است که هر عملی از یک شخص اگر مورد پاداش قرار گیرد، احتمال تکرار آن عمل به وسیله همان شخص افزایش می‌یابد».<sup>۱</sup>

صرف نظر از غلبه فردگرایی که در نظریه تبادل هومنز وجود دارد، در مورد این مؤسسات و مراکز باید اذعان داشت فعالیت‌هایشان در حال گسترش است و در گفت‌وگوهایی که با برخی اعضای آنها صورت می‌گرفت، روند گرایش به مهدویت و استقبال مردمی را از فعالیت‌هایشان مثبت و رو به جلو ارزیابی می‌کردند و به فعالیت‌های خود امیدوار بودند.

۳. از سویی، فراوانی مدعیان ارتباط با امام زمان علیه السلام در سال‌های اخیر که اخبار آن در

۱. جورج ریترز، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ص ۴۲۷.

روزنامه‌ها و سایت‌های اینترنتی درج می‌شود، بیانگر وجود زمینه برای پذیرش این دسته از افراد و رشد مهدویت در جامعه است؛ زیرا اگر علاقه به این امور در جامعه وجود نداشت، این افراد زمینه رشد نمی‌یافتند. برای نمونه، می‌توان به دلبر، زن ۲۵ ساله تبعه افغانستان و خدیجه، زن ۵۰ ساله پاکدشتی اشاره کرد که ادعا می‌کردند با امام زمان ارتباط دارند.<sup>۱</sup> یا فردی که در اردستان واقع در استان اصفهان همین ادعا را کرده بود و به دست مأموران انتظامی دستگیر شد.<sup>۲</sup> همین‌طور مردی ۵۰ ساله به نام مجید که با همین ادعا و با تمسک به مقدسات دینی به کلاهبرداری مشغول بود و در تهران دستگیر شد.<sup>۳</sup> فرد دیگری به نام کاظمی بروجردی که اهداف سیاسی نیز داشت و بر اساس اعترافاتش، برخی مخالفان نظام نیز در خارج از کشور از او حمایت می‌کرده‌اند، از این دسته افراد بود.<sup>۴</sup>

۳. افزایش زائران مسجد جمکران، به‌عنوان نمادی از امام زمان علیه السلام در ایران که پیش‌از این درباره آن سخن گفتیم، شاهد مهمی بر رشد عوامل انسانی در نظام اجتماعی - فرهنگی مهدوی است.

برخی از شواهد، بر گسترش توجه به مهدویت در بین نخبگان دلالت دارد. این دسته از شواهد، گاه در حد نخبگان باقی می‌ماند و در مواردی نیز به عموم مردم سرایت می‌کند، ولی نمونه جمکران، امری مردمی است و نشانه مردمی شدن مهدویت‌گرایی در سطح جامعه است. البته معمولاً دغدغه‌ها و دریافته‌های مردم و نخبگان از یک موضوع، تفاوت‌هایی نیز باهم دارد.

۴. نمایه مطبوعات، نرم‌افزاری است از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که مجموعه مندرجات نشریات کشور در آن گردآوری شده است. در جست‌وجویی که در

۱. پایگاه مؤسسه فرهنگی موعود، [www.Mouood.org](http://www.Mouood.org)، ۱۳۸۶/۷/۲۵.

۲. پایگاه شبستان، ۱۳۸۴/۱۱/۳۰، کد خبر ۸۴۱۱۳۰۰۶۴۳۰۳۱۱.

۳. خبرگزاری آینده روشن، [www.Bfnews.ir](http://www.Bfnews.ir)، کد مطلب ۱۲۶۵، ۱۳۸۴/۸/۸.

۴. پایگاه خبری تحلیلی الف، [www.alef.ir](http://www.alef.ir)، کد خبر ۶۴۰۳۰، ۱۳۸۶/۴/۱۲.

این نمایه و در بین عناوین مندرجات نشریات کشور از ابتدای سال ۱۳۷۷ تا انتهای سال ۱۳۸۵ صورت گرفت، روند رو به افزایش مباحث مرتبط با مهدویت در بین آن سال‌ها در این سطح از رسانه‌های مکتوب مشخص می‌شود. این امر ضمن اینکه از گسترش نظام معنایی مهدوی و وسایل انتقال رسانه‌ای آن حکایت دارد، از افزایش نخبگانی خبر می‌دهد که به این مباحث می‌پردازند و همین‌طور افزایش خوانندگانی که این مباحث را پی می‌گیرند. جدول ذیل این مدعا را نشان می‌دهد.<sup>۱</sup>

واژه/سال	۱۳۷۹-۱۳۷۷	۱۳۸۲-۱۳۸۰	۱۳۸۵-۱۳۸۳
مهدویت	۱۷	۲۵	۶۹
امام زمان	۳۰	۳۸	۹۱

جدول فراوانی دو واژه مرتبط با مهدویت در عناوین مندرجات نشریات کشور

۵. نمونه استقبالی که از طرح‌های مهدوی در آستان قدس رضوی بیان شد، به‌ویژه مقایسه‌ای که میان ثبت‌نام‌کنندگان طرح مربوط به مهدویت، با طرح مربوط به نهج البلاغه صورت گرفت، شاهدی بر رشد این گرایش در بین مشهدی‌هاست. ضمن اینکه بیشتر استقبال‌کنندگان از این طرح‌ها جوانان هستند و بعید است تفاوت معناداری میان جوانان مشهدی و جوانان دیگر شهرها وجود داشته باشد.

۶. مرکز فرهنگی و تبلیغی آینده‌سازان، وابسته به دفتر نمایندگی ولی‌فقیه در اتحادیه انجمن اسلامی دانش‌آموزان که روحانیان جوان را برای تبلیغ دینی به دبیرستان‌های سراسر

۱. این جست‌وجو در عناوین مندرجات صورت گرفته و از بین ۱۱۳ نمایه مربوط به این سه سال، امکان دسترسی به سیزده نمایه وجود نداشت و از بین واژگان اصلی که امکان جست‌وجوی آنها وجود داشت، دو واژه «مهدویت» و «امام زمان» انتخاب شد. ضمن اینکه جست‌وجوی امام زمان به صورت ترکیبی صورت گرفته و ممکن است در برخی عناوین، دو واژه امام و زمان به‌طور مستقل وجود داشته، ولی ربطی به بحث ما نداشته باشد.



کشور می‌فرستد، آمارهایی از نوع پرسش‌های مکتوب دانش‌آموزی سراسر کشور از مبلغان اعزامی مرکز تهیه می‌کند. در آمار گردآوری‌شده به‌وسیله این مرکز در ماه رمضان سال ۱۳۸۴ خورشیدی، در بخش اعتقادات دینی، پرسش‌های دانش‌آموزی به پنج دسته تقسیم شده است که عبارت‌اند از: خدا، نبوت، معاد، امامت و مهدویت. نخستین نکته جالب توجه در همین تقسیم‌بندی است. مهدویت با اینکه خود، بخشی از امامت است، به دلیل فراوانی پرسش‌های مربوط به آن، ستون مستقلی یافته است. از بین پرسش‌های اعتقادی دانش‌آموزان از مبلغان مذهبی که البته بر اساس ضوابط خاص آمارگردآوری‌شده و نقش خود مبلغان در جهت‌دهی به پرسش‌های دانش‌آموزان قابل توجه است، در بیشتر استان‌ها و در بین پرسش‌های اعتقادی، تعداد پرسش‌های مهدوی یا در رتبه نخست یا در رتبه دوم قرار داشت. این امر از توجه دانش‌آموزان به مباحث مهدوی خبر می‌دهد. دو جدول ذیل که بر اساس اطلاعات مرکز فرهنگی و تبلیغی آینده‌سازان تهیه شده، جایگاه پرسش‌های اعتقادی را در بین کل پرسش‌ها و جایگاه پرسش‌های مهدوی را در بین پرسش‌های اعتقادی نشان می‌دهد. پرسش‌های مهدوی در بین کل پرسش‌ها چشمگیر نیست، ولی در بین پنج دسته پرسش‌های اعتقادی، جایگاه نسبتاً ویژه‌ای به خود اختصاص داده است.

نوع پرسش	اعتقادی غیر اعتقادی (حدود شانزده نوع پرسش)	اعتقادی	مهدویت
تعداد در یازده استان	۲۱۲۰۷	۲۵۳۸	۱۰۰۹
درصد	٪۱۰۰	٪۱۲	٪۴/۸

جدول فراوانی پرسش‌های مکتوب دانش‌آموزان از مبلغان مذهبی مرکز آینده‌سازان،

در رمضان ۱۳۸۴ خورشیدی

نوع پرسش	اعتقادی	مهدویت
تعداد در یازده استان	۲۵۳۸	۱۰۰۹
درصد	%۱۰۰	%۳۹/۷

جدول فراوانی پرسش‌های مکتوب اعتقادی دانش‌آموزان، از مبلغان مذهبی مرکز آینده‌سازان،

در رمضان ۱۳۸۴ خورشیدی

آقای رضا اسکندری، معاون فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، که عهده‌دار کارهای تبلیغی مجموعه حوزه علمیه قم است، بر اساس آنچه در روزنامه اینترنتی اباصالح آمده، می‌گوید: «امامت و مهدویت، از مهم‌ترین مباحث اعتقادی است که مورد توجه مبلغان در ایام تبلیغ قرار می‌گیرد».<sup>۱</sup> این مسئله، آمار پیشین را تأیید می‌کند. ضمن اینکه برخلاف مخاطبان مرکز فرهنگی و تبلیغی آینده‌سازان، یعنی دانش‌آموزان دبیرستانی، مخاطبان دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، عموم مردم هستند.

#### ۴. رشد نظام معنایی مهدوی

از جمله تحولات مهم در دو سده اخیر در اروپا که با شدت و ضعف‌های متفاوت، به دیگر نقاط جهان نیز گسترش یافت، کاهش نقش فرانهادی دین در عرصه اجتماع و به‌ویژه سیاست است. این فرایند را که به‌قول ویلسون، سبب می‌شود فعالیت‌ها و نهادهای دینی، اهمیت اجتماعی خود را از دست بدهند و دین در عملکرد نظام اجتماعی به حاشیه رانده شود،<sup>۲</sup> عرفی‌شدن یا همان سکولاریزاسیون می‌نامند. در برابر این جریان که خاستگاهی

۱. روزنامه الکترونیکی اباصالح، [abasaleh-zohoor.blagfa.com](http://abasaleh-zohoor.blagfa.com)، ۱۳۸۵/۷/۲.

۲. برایان ویلسون، «جدائنگاری دین و دنیا»، مجموعه مقاله فرهنگ و دین: برگزیده مجموعه مقالات دایرةالمعارف دینی، ویراسته میرچا الیاده، ترجمه مرتضی اسعدی، ص ۱۲۵.

مسیحی - اروپایی دارد، در چند دهه اخیر فرایند جدیدی در سطح جهان اسلام و حتی مسیحیت در حال روی دادن است که در قالب نظریه دین سیاسی یا رشد اصول‌گرایی دینی پی‌گیری می‌شود و انقلاب اسلامی ایران و نظام برآمده از آن، نمونه بارز و سرمنشأ اساسی برای اشاعه آن به شمار می‌آید. هر کدام از این دو فرایند متضاد، در سطح جهان و در محدوده توانایی خود به شدت فعال‌اند و تأثیرهای عمیقی بر نوع باورها، رفتارها و نگرش‌های مؤمنان به ادیان الهی و دیگران برجای می‌گذارند.

در سطح جامعه ایران، با پیروزی انقلاب اسلامی و آغاز حرکت به سمت ایجاد ابرنظام حسی - شهودی جدید، دین سیاسی رشد کرد و تاروپود حکومت را درهم تنید و قانون اساسی جدید اعلام نمود که «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها، باید بر اساس موازین اسلامی باشد...»<sup>۱</sup> و این، یعنی قایل شدن به نقش فرانهادی برای دین در کامل‌ترین شکل ممکن و آغاز رسمی رشد دین سیاسی در ایران.

ورود ایران به عرصه جدیدی که انقلابیان مسلمان فراروی خود گشودند، نیازمند رستاخیزی دینی بود. در این رستاخیز، لازم بود به جنبه‌های سیاسی و اجتماعی دین به صورت ویژه توجه شود؛ جنبه‌هایی که طرح آنها تا پیش از انقلاب اسلامی ضرورت نداشت و مطرح‌کنندگان، گاه با شک دین‌داران در دینی بودن آن جنبه‌ها یا شک در لزوم طرح آنها مواجه، و زمانی نیز با شکنجه حاکمان روبه‌رو می‌شدند که آنها را خطری برای حکومت می‌دانستند. این رستاخیز در مواردی نیز نیازمند تفسیری جدید از برخی آموزه‌های پیشین، متناسب با شرایط جدید جامعه اسلامی و بر اساس اصول استنباطی مدوّن در علوم دینی بود. بر اساس همین قاعده و در چهارچوب انقلاب اسلامی، اسلام سیاسی در جامعه ایران مطرح و نسخه جدیدی از دین و به تبع آن، نظام معنایی جدیدی از مهدویت

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۴.

ارائه شد. در نتیجه، برخی عناصر این نظام معنایی گسترش یافت و برخی که مفعول مانده بود، به تناسب شرایط احیا گردید و برخی نیز حذف و شکل جدیدی از آن عرضه شد. بیشتر این تحولات را می‌توان در چهارچوب تغییر نگاه از انتظار منفعل به انتظار فعال پی گرفت؛ انتظار فعالی که در بستر حکومتی دینی تعریف شده است و در واقع، بسیاری از آنچه بدان خواهیم پرداخت، در همین راستا قابل ارزیابی است.

اینک به بررسی تغییراتی می‌پردازیم که در این حوزه رخ داد؛ با این مقدمه که سرمنشأ این تحولات را رشد دین سیاسی فرض می‌گیریم که البته خود به یک معنا، نتیجه تحول در بخش سیاسی نظام معنایی مهدوی است؛ زیرا دین سیاسی، مبتنی بر نظریه ولایت فقیه و نیابت عام از امام غایب علیه السلام در عصر غیبت به وجود آمد، که خود بخشی از نظام معنایی مهدوی است.

#### الف) حکومت دینی و نیابت عام

برخی از این تحولات را در بررسی تاریخ تحولات مهدویت پی گرفتیم و در آنجا آوردیم که انقلاب اسلامی در ادامه یک سلسله تحولات که مهدویت در حال گذران آن بود، قرار گرفت و این تحولات را به مرحله پختگی و تکامل بیشتر نزدیک ساخت. مسئله نوع نگرش به نایب عام امام زمان علیه السلام از این قبیل است. انقلاب اسلامی، نیابت عام امام را از مرجعیت تقلید به مرحله تکاملی و پیچیده‌تر آن، یعنی ولایت فقیه که اقتضای دوران تأسیس حکومت در عصر غیبت است، ارتقا داد. این کار بنابر توضیحی که در جای خود بیان شد، به تغییر گرایش مردم به سمت تحول جدید انجامید. همین تحول، در گرایش به حکومت مؤمنان در عصر غیبت نیز رخ داد و سبب شد مشروع و ممکن بودن حکومت دینی در عصر غیبت ترویج شود. انقلاب اسلامی با تشکیل عملی حکومت دینی با رهبری شخصیت محبوب و کاملاً پذیرفته‌شده و مرجع تقلید وقت، امام خمینی علیه السلام، در تغییر این گرایش میان

شیعیان که تشکیل حکومت دینی در عصر غیبت، یا بعیند است یا حرام، نقش قابل ملاحظه‌ای ایفا کرد. امروزه تقویت این گرایش، نه تنها در ایران، بلکه در کشورهای شیعی مثل عراق و بحرین نیز قابل پیگیری است.

نکته مهم در خصوص حکومت دینی و ولایت فقیه، گسترده و عمیق شدن تلاش‌هایی است که در این خصوص در سال‌های اخیر صورت گرفته و در حال انجام است. امام خمینی علیه السلام، پیش از انقلاب با طرح ولایت فقیه و حکومت اسلامی بر اساس آموزه‌های دینی و مهدوی آغازگر این جریان بود. او کوشید با بهره‌گیری از این آموزه‌ها، به ارائه ارزش‌ها، باورها و هنجارهای مرتبط با نظریه ولایت فقیه و حکومت دینی در عصر غیبت پردازد. این میزان تلاش برای آغاز کار ضرورت داشت، ولی نیاز حکومت به مبانی مشروعیت‌بخش خود، بسیار بیشتر از آن است که بتواند به آنچه در آغاز راه از آن بهره برده است، بسنده کند؛ به‌ویژه آنکه انقلاب اسلامی، شیوه جدیدی از حکومت را عرضه کرد که نظام رایج جهانی را که بر جدایی دین از سیاست مبتنی بود، به چالش کشید و روشن‌فکران فراوانی متأثر از جریان حاکم بر جهان، با این شیوه جدید احساس بیگانگی و گناه در برابر آن ایستادگی می‌کردند. این مسئله، نیاز به بررسی و تبیین هرچه بیشتر ابعاد موضوع را برجسته‌تر می‌ساخت. از جمله کارهای طرف‌داران فکری انقلاب اسلامی، بررسی تفصیلی دامنه‌ها و ابعاد گوناگون همین مسئله، بر پایه مهدویت و نیابت عام فقیهان از امام غایب علیه السلام در عصر غیبت است. این تلاش‌های جدید، مجال دیگری برای طرح و توجه محافل علمی و غیرعلمی کشور به مسئله مهدویت فراهم ساخت و در رشد این بخش از نظام معنایی مهدوی مؤثر افتاد. نمونه این گونه تلاش‌ها را می‌توان در کتاب‌ها یا سخنرانی‌های متعدد آیت‌الله مصباح یزدی یا آیت‌الله جوادی آملی و دیگران مشاهده کرد.

این امر سبب شده تا توجه برخی از مخالفان یا منتقدان نظریه حکومت دینی و ولایت فقیه به مهدویت جلب شود و نقدها یا مخالفت‌های خود را از این منظر مطرح کنند. نمونه آن،

کتاب *تطور الفكر السياسي الشيعي من الشورى الى ولاية الفقيه* یا تحولات اندیشه سیاسی شیعه از شورا تا ولایت فقیه، نوشته احمد الکاتب، نویسنده عرب است که برای رد ولایت فقیه نزد مخاطبان عرب خود احساس نیاز کرده و کتاب مفصل خود را نگاشته است. او کتاب را با این مقدمه آغاز می‌کند که ولایت فقیه با دموکراسی ناسازگار است و باید حذف شود و چون ولایت فقیه مبتنی بر نیابت عام از امام مهدی علیه السلام است، اگر ثابت کنیم امام مهدی علیه السلام وجود خارجی ندارد، اصل صورت مسئله را پاک کرده‌ایم و دیگر جایی برای سخن گفتن از ولایت فقیه باقی نمی‌ماند.<sup>۱</sup> او کتاب خود را با همین رویکرد می‌نگارد.

از فارسی‌زبانان نیز اظهارات شفاهی یا مکتوب برخی روشن‌فکران را می‌توان مثال آورد: «باری، نظریه مهدویت، حق باشد یا باطل، در عرصه سیاست یا به بی‌عملی سیاسی یا سفاکی و مردم‌فریبی صفوی صفتانه یا به ولایت مطلقه فقیه و یا اسلحه‌سازی ایدئولوژیک می‌انجامد که علی‌ای حال، با دادگری دموکراتیک، پاک بیگانه‌اند».<sup>۲</sup>

این گونه برخوردها با مهدویت، زمینه توجهات بیشتر به آن را فراهم می‌سازد.

### ب) جامعه آرمانی مهدوی

جامعه آرمانی، بر شکل‌دهی خواسته‌ها و آرزوها و ساختن منظومه‌های فکری و کلیدواژه‌های مفهومی که اندیشه‌ها در چهارچوب آن شکل می‌یابند و زندگی‌ها جهت می‌گیرند، تأثیر می‌گذارد. آرمان‌ها هرچند مربوط به آینده‌اند، جهت‌گیری ارزش‌ها و هنجارهای امروز جامعه را مشخص می‌کنند و به معیاری برای نقد وضعیت فعلی مبدل می‌شوند. جامعه‌ای که آرمان‌شهری قوی و روشن برای خود ترسیم کرده و آن را در

۱. احمد الکاتب، *تطور الفكر السياسي الشيعي من الشورى الى ولاية الفقيه*، ص ۹-۱۱.

۲. عبدالکریم سرروش، «از مهدویت سیاسی تا ولایت مطلقه فقیه»، پایگاه دکتر سرروش، ۱۳۸۵، [www.Drsoroush.com](http://www.Drsoroush.com)

چشم‌انداز نخبگان و عموم مردم قرار داده باشد، در معرض تحول قرار دارد. بنابراین، نباید ترویج جامعه آرمانی را کاری تخیلی، عبث و بی‌کار کرد پنداشت. برخی به دلیل توجه فراوان به نیازهای فعلی یا غفلت از کارکردهای جامعه آرمانی تبیین شده و سامان یافته، پرداختن به جامعه آرمانی مهدوی را کاری بی‌ثمر و نگاهی غیرکارکردی به مهدویت برای بهره‌فعلی می‌پندارند.

انقلاب اسلامی ایران، همچون دیگر انقلاب‌ها به این دلیل به وجود آمد که به وضع موجود اعتراض داشت و می‌خواست وضعیتی آرمانی و مطلوب به وجود آورد. انقلاب ایران از آنجا که انقلابی اسلامی و شیعی است، شکل آرمانی آن را باید در آرمان‌های شیعی جست‌وجو کرد. بخش مهمی از آرمان‌های شیعی، در جامعه آرمانی مهدوی تبلور می‌یابد. بنابراین، رشد توجه به جامعه آرمانی مهدوی پس از انقلاب و روی کار آمدن نظام مبتنی بر نیابت عام برای ترسیم وضعی که باید بدان رسید، امری قابل درک است.

از منظری دیگر می‌توان گفت با پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل حکومت دینی، از جمله نیازهای نظام جدید، فعال ساختن جنبه‌های اجتماعی و سیاسی دین است تا از این راه همراه با تعریف هویت خود، بتواند پاسخ‌گوی ابهام‌ها و تبیین‌کننده اهداف، راهبردها و مشخص‌کننده برنامه‌ها، سیاست‌ها، قوانین و ارزش‌های خاص خود باشد. به جامعه آرمانی مهدوی می‌توان در راستای پاسخ‌گویی به بخشی از این نیازها توجه کرد؛ از این رو، زمینه رشد آن پس از انقلاب اسلامی بیشتر فراهم شد. نمونه آن، تبیینی است که مدیر مسئول هفته‌نامه کیهان فرهنگی در یکی از سخنرانی‌های خود برای غیردینی و سکولار نبودن ذات ابزارهای ارتباطی ارائه می‌کند. او با استناد به برخی روایات مرتبط با جامعه آرمانی مهدوی که به آن اشاره خواهیم کرد، می‌خواهد بگوید جامعه آرمانی مهدوی، جامعه‌ای ارتباطی است که در آن از ابزارهای ارتباطی به‌طور گسترده استفاده می‌شود. اگر این ابزارها، ذاتی سکولار داشتند، نباید در جامعه آرمانی جایگاهی داشته باشند. این ابزارها در زمان ما

کارکردهای بیشتر سکولاری یافته است و این کارکردها، همان گونه که در مورد ابزارهای قدیمی ارتباطی تغییر یافته، در ابزارهای جدید نیز می‌تواند تغییر کند. وی از این راه می‌خواهد به موضع عملی اشاره کند که جمهوری اسلامی باید در برخورد با ابزارهای ارتباطی صورت دهد.<sup>۱</sup>

دو نمونه از روایات را که امکان این نوع استفاده از آن وجود دارد، بیان می‌کنیم:

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند گوش‌ها و چشم‌های شیعیان ما را چنان امتداد می‌دهد تا بین آنها و قائم علیه السلام پیک و پیام‌آوری باشد [نباشد]. پس کلامش را بشنوند و او را ببینند، در حالی که او در مکانش است».<sup>۲</sup>

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مؤمن در زمان قائم علیه السلام با اینکه در مشرق است، برادرش را در مغرب می‌بیند و همین‌طور کسی که در مغرب است، برادرش را در مشرق می‌بیند».<sup>۳</sup>

درباره انقلاب اسلامی و جامعه آرمانی و نیز ارتباط آن‌دو، می‌توان به دیدگاه‌های امام خمینی علیه السلام درباره انتظار فعال که پیش‌ازین از آن سخن گفتیم، اشاره کرد. امام خمینی علیه السلام هدف کلی انقلاب را تشکیل حکومتی با مقیاس‌های کوچک‌تر در مقایسه با حکومت عصر ظهور می‌داند تا از راه این نمونه، بتوان زمینه رسیدن به آن اصل را فراهم ساخت. این نوع نگاه در چهارچوب الگوگیری از جامعه آرمانی و ایجاد نمونه کوچک و ممکن آن، قابل فهم و ارزیابی است.

مباحث مربوط به جامعه آرمانی، پس از انقلاب اسلامی، برخلاف آنچه در دوره‌های پیش از انقلاب، به ویژه قرن‌های آغازین غیبت امام عصر علیه السلام وجود داشته، رشد بیشتری یافته است. اگر به کتاب‌های مهدوی نگاشته شده در قرن‌های ابتدایی آغاز غیبت، همچون الغیبه نعمانی،

۱. سخنرانی در نشستی علمی، مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما، قم، اردیبهشت ۱۳۸۶.

۲. لطف‌الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۳، ص ۱۷۰.

۳. همان، ص ۱۷۲.



الغیبه شیخ طوسی و... رجوع کنیم، شاهد بخش مستقلی برای این دسته مباحث نخواهیم بود. این روند با گذر زمان تغییر یافت، ولی به نظر می‌رسد با پیروزی انقلاب اسلامی، توجه به جامعه آرمانی بیش از پیش افزایش یافته است. در سال‌های پس از انقلاب اسلامی و به‌ویژه در سال‌های اخیر که با رشد مراکز علمی مهدوی، به‌عنوان وسایل انتقال این نظام معنایی رویه‌رو هستیم، جامعه آرمانی مهدوی بیش از گذشته در قالب کتاب یا مقاله مطرح شده است. نمونه این آثار را ذیل عناوینی چون *مدینه فاضله*، *جامعه آرمانی*، *وضعیت پس از ظهور*، *حکومت امام زمان (عج)* پایان تاریخ و... می‌توان مشاهده کرد. برای نمونه، کتاب *روایی منتخب الأثر* که پیش از این معرفی شد، بابتی از کتاب را در سیزده فصل به این امر اختصاص داده است. کتاب *مدینه فاضله* در *متون اسلامی* نوشته محمدحسن مکارمی نیز به همین مبحث توجه کرده یا کتاب *سیاست و مهدویت* اثر غلامرضا بهروز لک را که به نقد الگوهای توسعه سیاسی در غرب پس از جنگ جهانی دوم با بهره‌گیری از الگوی سیاسی مطرح در جامعه آرمانی می‌پردازد،<sup>۱</sup> در همین دسته می‌توان جای داد. به همین ترتیب، مقالات «جامعه مهدوی، آرمان‌شهر نبوی»،<sup>۲</sup> «عصر ظهور یا مدینه فاضله موعود در اسلام»،<sup>۳</sup> «شهر عدل مهدوی»<sup>۴</sup> و «آرمان‌شهر منتظران»،<sup>۵</sup> از نمونه مقاله‌هایی است که به این بحث پرداخته‌اند.

### ج) احساس خلأ استراتژیک و راه‌حل‌های مهدوی

سال ۱۳۶۸ از نظر بسیاری از تحلیل‌گران، نقطه عطفی در تحولات انقلاب اسلامی به شمار می‌آید. این سال با ارتحال بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران و فقدان آن شخصیت بسیار

۱. همان، فصل ۴ و ۶.

۲. حسینعلی سعدی، «جامعه مهدوی، آرمان‌شهر نبوی»، فصلنامه *انتظار*، پاییز ۱۳۸۱، ش ۵، ص ۲۵۱-۲۶۴.

۳. حبیب‌الله طاهری، «عصر ظهور یا مدینه فاضله موعود در اسلام»، فصلنامه *انتظار*، زمستان ۱۳۸۰، ش ۲، ص ۱۴۶-۱۶۵.

۴. علی اکبر پورعزیز، «شهر عدل مهدوی»، فصلنامه *انتظار*، پاییز ۱۳۸۳، ش ۱۳، ص ۲۳۱-۲۴۴.

۵. محمدرضا پندرجی، «آرمان‌شهر منتظران»، نشریه *موعود*، شهریور ۱۳۸۶، ش ۷۹، ص ۷۲-۷۶.

مؤثر در انقلاب اسلامی و بانثوذ در بین دولتمردان و عموم مردم مصادف شد. افزون بر آن، دوران سازندگی نیز از همین عصر آغاز گشت. امروزه بسیاری از مردم، ریشه برخی مشکلات موجود را به دوران پس از ارتحال امام خمینی علیه السلام و بسیاری از نخبگان علاقه‌مند به انقلاب، ریشه مشکلات را در دوران سازندگی جست‌وجو می‌کنند و معتقدند با آغاز سازندگی، ارزش‌های انقلابی و دینی به ضعف گرایید و اقدامات صورت گرفته، با لحاظ کردن ارزش‌های انقلابی صورت نپذیرفت. از این رو، انقلاب را در بخش‌هایی مجهز به تئوری‌ها و راهکارهای دینی و انقلابی نمی‌بینند. نمونه این نوع اظهارنظرها در سطح سخنرانی‌ها، اظهارنظرهای سیاسی و مقالات، فراوان است.

در این زمینه، برخی کارهای علمی نیز صورت گرفته است. برای مثال، کتاب توسعه و تضاد اثر دکتر فرامرز رفیع‌پور به «سین مسئله می‌پردازد. بر اساس پژوهش یادشده، پس از سال ۱۳۶۸ ارزش‌های مادی در سطح جامعه به ارزش غالب تبدیل، و جای‌گزین ارزش‌هایی شد که در سال‌های نخست انقلاب، در سطح جامعه رواج یافته بود.<sup>۱</sup> همین‌طور کتاب کنکاشی در تغییر ارزش‌ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی از آقای حاجیلری، به بررسی همین مسئله در سطح مطبوعات کشور در سال‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۷۵ پرداخته است و در برخی جهات، نتایج مشابهی می‌گیرد و می‌نویسد: «مقولات ارزشی نظیر جهاد، شهادت، عدالت، قانون‌گرایی، دین، معنویت، دنیا‌گریزی، ریاضت‌طلبی و... کمتر شده و مقولاتی چون آزادی، دارایی، ثروت، رفاه و آسایش افزایش یافته است».<sup>۲</sup>

تعداد قابل توجهی از انقلابیان و طرف‌داران انقلاب در خصوص تغییراتی که مدعی‌اند در حال وقوع است، ابراز نگرانی می‌کنند. برخی از آنان به وضع پیش‌آمده معترض‌اند و

۱. ر.ک: فرامرز رفیع‌پور، توسعه و تضاد: کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران، ص ۱۵۹-۲۳۲.

۲. عبدالرضا حاجیلری، کنکاشی در تغییر ارزش‌ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ص ۲۴۸-۲۵۰.

افراد و گروه‌هایی را در این روند مقصر می‌دانند. برخی نیز می‌کوشند راهی برای حل مشکل بیابند. در این میان، برخی راه‌حل‌ها مبتنی بر مهدویت است و سبب طرح مهدویت در ساختاری جدید یا احیای برخی اجزای نظام معنایی مهدوی و رشد کیفی آن شده است که در اینجا به برخی موارد آن اشاره می‌کنیم.

#### استراتژی انتظار

استراتژی انتظار که برای تبیین آن، کتابی نیز به همین نام به‌نگارش درآمده، از جمله مصادیق سخن پیش‌گفته است.

نویسنده کتاب *استراتژی انتظار* با تفصیلی که بیان می‌کند، معتقد است انقلاب اسلامی در دو مرحله پیروزی انقلاب و جنگ تحمیلی، انرژی لازم را برای حرکت در مسیر آرمان‌های انقلاب به دست آورد. در عین حال، در سال‌های نخست انقلاب و جنگ، به دلیل مشکلات روزمره و اضطراری دوران جنگ، استراتژی مشخص و مدوّتی برای اداره کشور وجود نداشت.

پس از جنگ، در حالی که استراتژی مشخصی برای نظام که مبتنی بر خاستگاه انقلاب اسلامی باشد، تبیین نشده بود، کسانی متولی امر توسعه در کشور شدند که نه شناخت درستی از فرهنگ سنتی و مذهبی خود داشتند و نه از فرهنگ غربی. در عین حال، شیفته فرهنگ غربی و نظریه‌های توسعه‌ای برآمده از آن بودند. این گروه کوشیدند با اجرای دکترین توسعه فرهنگی، نسل دوم انقلاب را مهیای پذیرش دکترین اقتصادی کنند.<sup>۱</sup> از این پس، شاهد توسعه فرهنگی به معنای تبدیل انسان سنت‌گرا و مذهبی، به انسانی مدرن در قالب دنیای توسعه‌یافته هستیم. از سال ۱۳۶۸، تهران مبدل به الگویی برای تغییر و اصلاح نظام شهری و اخلاق شهروندی می‌شود. نخستین بار در فرانسه، فراماسونرها قصاب‌خانه‌ای

---

۱. اسماعیل شفیعی سروستانی، *استراتژی انتظار*، ص ۲۹.

را به فرهنگ سرا تبدیل کردند. در تهران و به طور اتفاقی در جای کشتارگاهی قدیمی در جنوب شهر، همچون نمونه فرانسوی اش و در دیگر مناطق، فرهنگ سراها بنیان گذاشته می شود تا انسان های از جبهه برگشته و کسانی را که در آن حال و هوا سیر می کنند، با موسیقی های مدرن و... رام سازند. انواع و اقسام دانشگاه ها در سراسر کشور برای استحاله فرهنگی راه اندازی می شود. مسئولیت های جدید فرهنگی از سال ۱۳۷۴ برای وزارت ارشاد در راستای همان هدف تعریف می گردد و اینها همه در راستای دور شدن انقلاب از ارزش های اصیل خود است.<sup>۱</sup>

نویسنده ضمن بیان این گونه اعتراض ها می گوید آرمان شکست طاغوت با پیروزی انقلاب به واقعیت پیوست و آرمان شکست خصم نیز با پیروزی در جنگ به واقعیت نشست و وضع آرمانی خود را از دست داد. برخی می خواستند جوانان را به کمک آرمان های متعلق به گذشته و هم اینک به وقوع پیوسته، در مسیر انقلاب نگه دارند. این امر برای جوانان آرمان گرا که در کی از آن وقایع نداشتند، پاسخ گو نبود. در این صورت، راه حل جدید چه باید باشد؟ از نظر نویسنده، طرح جدیدی که می توانست و می تواند جوانان را همراه و همکار با انقلاب اسلامی گرداند و بیانگر چهارچوب کلی حرکت نظام به شمار آید و راهبردهای اقتصادی، اجتماعی و... ذیل آن تعریف شود، باید دارای هشت ویژگی باشد. او همراه با توضیح این ویژگی های هشت گانه، بیان می کند که آنها در مهدویت وجود دارد و آن را در قالب استراتژی انتظار مطرح می سازد و توضیح می دهد که استراتژی انتظار می تواند روشن کننده سیاست های کلان شیعی در عصر غیبت برای نظام اسلامی باشد.

در نظر نویسنده، ویژگی های هشت گانه مهدوی که می تواند سازنده استراتژی باشد، عبارتند از: ۱. رویکردی جدی و قوی به آینده دارد؛ ۲. در مافی الضمیر مردم و جوانان ریشه دارد؛ ۳. خاصیت فرهنگ سازی دارد؛ ۴. برانگیزاننده و شور آفرین است؛ ۵. از خاستگاه

شیعی و روحیه قومی ایرانی برخوردار است؛ ۶. در این دیار و ساکنان آن ریشه دارد؛ ۷. الگو و نمونه‌ای عینی دارد؛ ۸. جامع است و ملموس و واقعی جلوه می‌کند.<sup>۱</sup>

#### رویکرد عدالت‌محوری

از جمله مسائلی که به‌ویژه پس از دوران سازندگی، محور مجادلات فکری و بیش از آن، محور مجادلات سیاسی قرار گرفته، مسئله عدالت و چگونگی توجه به آن در برنامه‌های توسعه و تصمیم‌های اقتصادی - اجتماعی است. این مسئله به‌حدی در جامعه رشد و اهمیت یافت که در رقابت انتخابات نهم ریاست جمهوری، به یکی از محوری‌ترین مباحث تبلیغاتی تبدیل شد. شعار عدالت‌خواهی احمدی‌نژاد و نقدهایی که در این خصوص بر دولت‌های پیشین، به‌ویژه دولت سازندگی وارد می‌کرد و وجود احساس بی‌عدالتی، ستم، فساد و فقر در سطح جامعه، زمینه سوق یافتن آرا را به سمت او فراهم ساخت و به پیروزی شخصی انجامید که با صراحت لهجه، از احیای ارزش‌های سال‌های نخستین انقلاب سخن می‌گفت. این را می‌توان نوعی احساس خلأ استراتژیک و فقدان روح انقلابی حاکم بر عملکردهای نظام جمهوری اسلامی دانست. نتیجه انتخابات، صرف‌نظر از جنبه‌های سیاسی آن، برتری نگاه عدالت‌محور و معتقد به همگام ساختن توسعه با عدالت بود. اما نکته افزون‌تری که در بحث ما اهمیت دارد، آن است که عدالت، یکی از مفاهیم مهم مهدوی است و دکتر محمود احمدی‌نژاد نیز به عدالت اهتمامی ویژه دارد و از سویی، دارای گرایش‌های قوی مهدوی است و بسیاری اوقات آرمان‌های عدالت‌جویانه خود را در ربط با آرمان‌ها و مفاهیم مهدوی مطرح می‌سازد. بنابراین، احمدی‌نژاد، همراه با نقد دولت‌های پیشین و تصریح آشکار به تلاش برای احیای ارزش‌های سال‌های نخستین انقلاب، که در واقع نشان‌دهنده احساس وجود مشکل در روند حرکتی انقلاب اسلامی است، مهم‌ترین اقدام برای رفع مشکلات جامعه را،

حاکم ساختن عدالت بر سیاست‌ها و عملکردهای مسئولان می‌داند. با این وصف، می‌توان گفت احساس خلأ در نبود راهبردهای کلان نظام که بر ارزش‌های سال‌های نخست انقلاب مبتنی باشد، سبب شد تا راهکاری برآمده از مهدویت به نام عدالت‌محوری ارائه شود؛ به طوری که عدالت، به روح حاکم بر برنامه‌های توسعه‌ای و عملکردهای حاکمان تبدیل گردد و به نوعی، تنظیم‌کننده و الهام‌بخش روابط حاکم بر بخش‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه باشد. ریشه‌های این راهکار، دست کم در باورهای آقای احمدی‌نژاد که این حرکت را رهبری می‌کند، ریشه‌هایی مهدوی است.

در اینجا می‌توان به نکته‌ای جدید اشاره کرد. در بین ایرانیان، واژه عدالت، بسیاری اوقات نام امام علی علیه السلام را تداعی می‌کند و شاید ایرانیان پیش از آنکه عدالت را با امام مهدی علیه السلام، عدالت گستر جهان و حکومت جهانی عدالت‌محور او بشناسند، با علی علیه السلام و حکومت عادلانه او می‌شناسند؛ کسی که می‌گویند به دلیل شدت عدالتش، در محراب نماز به شهادت رسید. اما احمدی‌نژاد مفهوم عدالت را در پیوند و در ساختار مفهومی مهدویت مطرح می‌سازد. گرچه درون‌مایه هر دو عدالت یک مطلب است و تفاوت ماهوی باهم ندارند، ولی تفاوت‌هایی نیز مثل نگاه به گذشته در عدالت علوی و نگاه به آینده در عدالت مهدوی، در آن مشاهده می‌شود و در صورت تغییر این نوع گرایش در بین مردم، ممکن است برخی کارکردهای آشکار یا نهان را در پی داشته باشد. به هر تقدیر با توجه به برد رسانه‌ای سخنان احمدی‌نژاد، این احتمال وجود دارد که در تغییر منظر ایرانیان به عدالت از نظر یادشده تأثیر گذار بوده و دست کم عدالت مهدوی را در کنار عدالت علوی برجسته ساخته باشد.

#### د) دفاع از انقلاب در برابر غرب و احیای آموزه‌های مهدوی

هر کشور و انقلاب یا هر گروه و حزبی، نیازمند نیروهای فکری، تئوریسین و برنامه‌ریز هستند تا بر اساس شرایط و نیازهای جدید، پیوسته به دفاع، تولید یا بازتولید ارزش‌ها،

باورها، هنجارها، اهداف و برنامه‌های آن مجموعه پردازند تا آن مجموعه مثلاً در خصوص ارزش‌های خود، دچار مشکلاتی چون نبود ارزش‌های لازم، ابهام یا تضاد ارزشی و غیره نشود.

با توجه به اینکه این نوع تبیین‌ها و دفاعیات و گسیل این نوع از ارزش‌ها، باورها و هنجارها، از سوی افرادی صورت می‌گیرد که معمولاً برای گروهی از جامعه نقش الگورا دارند، سبب گسترش و ترویج آن عناصر فرهنگی در سطح جامعه و ساختن عوامل انسانی مورد نیاز می‌شوند.

اما تطبیق این سخن را با انقلاب اسلامی و مهدویت، با مقدمه‌ای کوتاه بیان می‌کنیم: امروزه بخش مهمی از تغییراتی که در بیشتر جوامع روی می‌دهد، منشأیی غربی دارد. این تغییرات در هر دو بخش مادی و معنوی در حال وقوع است و ایران و انقلاب اسلامی نیز از این قاعده بیرون نیست. بخشی از تغییرات معنوی و فکری و به بیانی دقیق‌تر، برخی عناصر فکری فرهنگ غربی که به جامعه ایرانی و محافل علمی و روشن‌فکری وارد شده، با ارزش‌ها و باورهای انقلاب اسلامی در تضاد است.

نیروهای فکری انقلاب برای دفاع و تبیین ارزش‌ها و باورهای انقلابی که معمولاً ریشه دینی دارد، یا برای ارائه الگوی دینی، گاه با استفاده از مطالبی که غربی‌ها بر اساس نیازها و منافع خود ارائه می‌دهند، سراغ منابع دینی می‌روند و در برخی از این موارد، آموزه‌های مهدوی را به کار می‌گیرند. اینان که نقش فرهنگ‌سازی را ایفا می‌کنند و معمولاً برای افراد جامعه و طرف‌داران انقلاب، نقش الگو را دارند، هنگامی که سراغ آموزه‌های مهدوی می‌روند و با هدف دفاع از انقلاب دینی ایران، این نوع آموزه‌ها را به سمت جامعه گسیل می‌دارند، سبب ترویج آن می‌شوند. در مواردی که بدان خواهیم پرداخت، این دسته از نیروهای فکری با هدف دفاع از انقلاب، سبب احیای عناصری از فرهنگ مهدوی شده‌اند.

## جهانی شدن غربی، جهانی شدن مهدوی

جهانی شدن، از جمله مفاهیمی است که در چند دهه گذشته در غرب رایج شد و به فضای مفهومی علمی و روشن فکری ما نیز وارد گردید. جهانی شدن، جنبه‌های گوناگونی دارد. از جمله، جهانی شدن سیاسی که با نظم نوین جهانی معنا می‌شد. یا جهانی شدن اقتصاد که «در آن، مرزهای جغرافیایی کمترین نقش را در فعالیت‌های اقتصادی از قبیل تجارت، سرمایه‌گذاری، تولید و نقل و انتقال مالی دارند»<sup>۱</sup> «و در حالی که دولت‌های ملی تضعیف می‌شوند و سرانجام از بین می‌روند، تقسیم کار در سطح جهان و به رهبری شرکت‌های چندملیتی صورت می‌گیرد».<sup>۲</sup> یا جهانی شدن فرهنگی که منظور از آن، «زوال فرهنگ‌های بومی و محلی و به وجود آمدن یک فرهنگ عام جهانی متفاوت با فرهنگ‌های سابق است؛ فرهنگی که در آن، تمایلات، ارزش‌ها، شیوه‌های پر کردن اوقات فراغت و... برای همه یکسان است. زوال فرهنگ‌های بومی، به زوال هویت و سنت‌ها می‌انجامد و بافت اجتماعی جوامع را متلاشی می‌کند».<sup>۳</sup>

این معانی و برداشت‌ها از جهانی شدن که بخش فراوانی از آنها سیاست‌های جهانی‌سازی است و نه لزوماً فرایندی طبیعی به نام جهانی شدن، گاه با مخالفت‌هایی از سوی طرف‌داران انقلاب روبه‌رو شده است. از این رو، در جهت القای این نکته که اولاً جهانی شدن مفهوم تازه‌ای نیست و ثانیاً ما خود، مفهوم و معنایی مستقل برای آن داریم و نباید خودمان را در دام دشمنان انقلاب گرفتار سازیم، و با تأکید بر جهان‌شمولی اسلام و باورهای مهدوی و حکومت جهانی امام زمان (عج) و ویژگی‌های آن، به ارزیابی و نقد مفهوم غربی جهانی شدن که گاه با باورهای دینی و اهداف انقلابی‌شان در تعارض است،

۱. زهرا پیشگاهی فر، نگرشی ژئوپولتیکی بر پدیده جهانی شدن، ص ۶۴.

۲. محمدحسین رفیعی قنود، آن سوی جهانی‌سازی، ص ۹۷، ۱۰۳.

۳. زهرا پیشگاهی فر، نگرشی ژئوپولتیکی بر پدیده جهانی شدن، ص ۵۹.



می‌پردازند. مثلاً با توجه به باورهای مهدوی خود، مبنی بر اینکه سرانجام در عصر ظهور، اسلام همه جهان را فراخواهد گرفت و جهانیان در پرتو فرهنگ اسلامی خواهند زیست، یا با توجه به وضعیتی که روایات برای دیگر ادیان الهی در عصر ظهور بیان داشته است، به ارزیابی و نقد جهانی شدن فرهنگی می‌پردازند.

طرح این دسته امور، معنایی جز ترویج نظام معنایی مهدوی ندارد. در کتاب‌ها، مقاله‌ها، همایش‌ها و سخنرانی‌ها، سایت‌ها و وبلاگ‌های فراوانی به این دسته از مباحث پرداخته شده است. با اندک مراجعه به این دسته از منابع، می‌توان نمونه‌های آن را مشاهده کرد. برای مثال، در مراجعه به سایت گوگل و انجام جست‌وجویی ساده در تاریخ ۱۳۸۶/۸/۴، نتایج ذیل به دست آمد:

واژگان	جهانی شدن	جهانی شدن - امام زمان	جهانی سازی	جهانی سازی- امام زمان
تعداد	۲۹۹۰۰۰۰	۸۵۴۰۰۰	۲۱۴۰۰۰۰	۵۶۰۰۰۰

#### فراوانی واژگان در جست‌وجوی اینترنتی آبان ۱۳۸۶

نتایج نشان می‌دهد که در حدود ۲۸ درصد از مواردی که جهانی شدن مطرح شده، امام زمان علیه السلام نیز در کنار آن آمده است. همین‌طور در حدود ۲۶ درصد از مواردی که جهانی سازی به کار رفته، همراه با آن امام زمان علیه السلام نیز مطرح شده است. با مراجعه به نمونه‌هایی از این دست، می‌بینیم بسیاری از آنها با ادبیات دینی و انقلابی به‌نگارش درآمده‌اند.

#### پایان تاریخ غربی، پایان تاریخ مهدوی

نظریه «پایان تاریخ» با انتشار مقاله‌ای به همین نام از سوی فوکویاما در سال ۱۹۸۹ شهرت یافت و چند سال بعد آن را در قالب کتابی ارائه کرد و به‌صورت گسترده در سراسر جهان

انتشار یافت. او جهان پس از سقوط بلوک شرق را، جهان لیبرال دموکراسی و دوران مرگ ایدئولوژی‌ها معرفی می‌کند. در جهان جدید، لیبرال دموکراسی غربی، شکل آرمانی و نهایی حکومت‌های بشری معرفی می‌شود. این نگاه که پیوند وثیقی با جهانی‌سازی دارد و چهره‌ای عریان از جهانی‌سازی سیاسی به شمار می‌آید، در داخل ایران، به‌طور طبیعی واکنش نیروهای فکری انقلاب را برانگیخت و سبب شد آنها برای مقابله با این دسته جدید از عناصر فرهنگ غربی که در حال ورود به فضای علمی، فرهنگی و سیاسی کشور بود، آن دسته از باورهای اسلامی را که در خصوص پایان تاریخ، آخرالزمان، جامعه آرمانی و مهدویت وجود داشت، به کار گیرند و برای دفاع از هویت دینی و انقلابی خود از آنها بهره برند. به این ترتیب، مجال دیگری برای طرح بیشتر برخی دیگر از اجزای نظام معنایی مهدوی در جامعه و توجه به جهانی شدن اسلامی و آخرالزمان فراهم آمد. در این زمینه نیز سخنرانی‌ها، مقاله‌ها، کتاب‌ها و... متعددی به عرصه فرهنگی و دینی جامعه گسیل شده است. برای نمونه، می‌توان به کتاب *انقلاب اسلامی و نظریه پایان تاریخ* از دکتر محمد مددپور اشاره کرد که در آن، به دفاع از انقلاب اسلامی و اندیشه مهدویت پرداخته است. یا به برخی مقاله‌های حسن رحیم‌پور ازغدی اشاره داشت که در سال‌های اخیر در نظریه‌پردازی در خصوص دین و انقلاب اسلامی شهرت یافته است.

#### آخرالزمان غربی، آخرالزمان مهدوی

مفهوم دیگر در این زمینه، آخرالزمان است. با ورود به هزاره سوم میلادی و قدرت گرفتن نومحافظه‌کاران در آمریکا، طی دو دوره ریاست جمهوری جورج بوش و طرح مباحث مربوط به موعودگرایی مسیحی و جلب توجه به آخرالزمان و آخرالزمان‌انگاری عصر حاضر و به دلیل صبغه دینی و سیاسی که این مباحث داشت و از این رو، با انقلاب دینی ایران نیز پیوند می‌خورد، این امر سبب شد بخشی از نیروهای فکری انقلاب به طرح این مباحث

و نقد دینی آن در قالب موعودگرایی شیعی و مفهومی از آخرالزمان که در باورهای خودشان معنادار بود، پردازند. بحث‌هایی از این دست ضمن اینکه در محافل روشن‌فکری دینی و در بین نخبگان مطرح بود، شاید در مقایسه با جهانی شدن و پایان تاریخ، به دلیل امکان درک بیشتر و جذابیت‌های مباحث مربوط به آخرالزمان و طرح آن با ابزارهای رسانه‌ای تصویری، بیشتر جنبه مردمی یافته باشد.

برای نمونه، سایت موعود وابسته به مؤسسه فرهنگی موعود عصر و همین‌طور برخی کتاب‌های این مؤسسه به این مباحث می‌پردازند. در فضای اینترنت نیز، موارد بی‌شماری از این دست مباحث را می‌توان ردیابی کرد.

#### ه) نظریه اختیاری ظهور

بر اساس روایات دینی، زمان ظهور، امری غیبی است و اطلاعی از آن در دست نیست، ولی بحث ما در اینجا، غیر از مسئله زمان دقیق ظهور و مشخص کردن آن است؛ حتی بحث در پیش‌بینی‌های احتمالی مبنی بر نزدیک یا دور بودن آن، بر اساس نشانه‌ها و شرایط ظهور نیز نیست. در اینجا سخن و پرسشی دیگر مطرح است: آیا ظهور امام غایب علیه السلام، در هر زمان که باشد، با عملکرد ما انسان‌ها ارتباط دارد؟ آیا عمل انسان‌های عصر غیبت، در تأخیر یا تقدیم زمان ظهور تأثیر می‌گذارد؟ آیا ظهور نیز همچون قیامت، زمانی قطعی دارد یا آنکه زمان ظهور متغیر است و بسته به اعمال ما، تغییر می‌کند؟

«در کتب علمای قدیم، درباره آخرالزمان و تحولات این مقطع خاص تاریخی، تفسیری جبرگرایانه وجود دارد. تحولات مربوط به آخرالزمان، امری است غیرعادی که در آخرین بخش از زندگی نوع انسان واقع می‌گردد و به تحولات قلبی جامعه انسانی مربوط نمی‌شود.»<sup>۱</sup> این نوع نگاه به آخرالزمان و تحولات آن، با آنچه متکلمان شیعه درباره اختیار

۱. مجتبی تونه‌ای، فرهنگ الفبایی مهدویت: موعودنامه، ص ۳۵.

انسان بیان داشته‌اند، در تضاد است و همین‌طور، با دیدگاه‌های اندیشمندان مسلمان، همچون شهید مطهری و شهید صدر در خصوص فلسفه تاریخ و نقشی که برای انسان‌ها در ساختن تاریخ و شکل دادن به آینده خود قایل‌اند، تضاد دارد. وجود نمونه‌هایی از این‌گونه تضادها، حتی در منظومه فکری دانشمندان و بزرگان اندیشه، امری نادر یا بعید نیست.

امروزه در نظر عموم شیعیان، مسئله اختیار انسان و تکلیف‌مندی او، امری پذیرفتنی و عادی شمرده می‌شود؛ چه رسد به نظر عالمان شیعی که بر این باور استدلال می‌آورند و آن را ترویج می‌کنند. اما به نظر می‌رسد دست کم در بین عموم شیعیان، مسئله ظهور تا حدی به‌مثابه استثناست. آنان همراه با باور به اراده آزاد انسانی، ظهور و تحولات آخرالزمان را امری می‌دانند که باید در انتظار آن نشست تا با اراده الهی تحقق یابد، نه آنکه خود را در وقوع آن دخیل بدانند و برای تحقق آن تلاش کنند.

یکی از تحولات مهم در عرصه مهدویت که بر اثر انقلاب اسلامی در حال وقوع است، تغییر نگاه جبری به ظهور، به نگاه اختیاری داشتن به آن است. این امر در صورت فراگیر و تبدیل شدن به باوری عمومی و زنده، مهدویت را از پشت صحنه، به صحنه می‌آورد و با توجه به توان بسیار بالایی که مهدویت برای ایجاد تحولات عمیق و گسترده دارد، می‌تواند جامعه را آبدستن تحولات بسیار سازد.

اما ارتباط انقلاب اسلامی با رشد نگاه اختیاری به ظهور و تکوین نظریه اختیاری ظهور را این‌گونه می‌توان توضیح داد که انقلاب اسلامی با ایجاد حکومت دینی و رشد دادن دین سیاسی از راه نظریه ولایت نایب عام امام، دست مؤمنان و منتظران را در دست حکومت و سیاست گذاشت. این امر، مستلزم باور به اراده آزاد انسانی و مسئولیت مؤمنان منتظر در برابر جامعه است تا امکان فعالیت و دخالت آنان در امور سیاسی و اجتماعی فراهم شود. باور به مسئولیت در برابر جامعه، با گوشه‌گیری و انزوا و دست روی دست گذاشتن، در تضاد است. در عصر سیاسی شدن دین، باورهای انزواطلبانه و منفعلانه از دین، به‌طوری که

همه چیز را به اراده الهی واگذاریم و از خود سلب مسئولیت کنیم، پذیرفتنی نخواهد بود. اراده الهی، در واقع با اراده انسانی تحقق می‌یابد و این مسئله، به‌طور معمول به همه حوزه‌های مرتبط با دین و حکومت سرایت می‌کند. یکی از این حوزه‌ها، مهدویت است که هم با دین ارتباط دارد و هم با حکومت. از این رو، تفسیرهای منفعلانه از مهدویت، چه در مسئله انتظار و چه در مسئله آخرالزمان و تحولات مربوط به آن، که بخشی ویژه از دوران انتظار را تشکیل می‌دهد، پذیرفتنی نیست. پیش از این درباره تغییر رویکرد از انتظار منفعل به انتظار فعال بر اثر انقلاب اسلامی توضیحاتی گذشت. در عصر غیبت و در چهارچوب حکومت دینی، انتظار فعال را در دو سطح می‌توان دید که در سطح دوم، نظریه اختیاری ظهور مجال طرح می‌یابد.

یکی آنکه با این دید به مسئله بنگریم که ما در عصر غیبت به سر می‌بریم و معلوم نیست چقدر با ظهور فاصله داریم. ای‌سا تا آن زمان، هزاران سال طول بکشد. در این دوران، باید تکلیف خود را دانست و صرف نظر از اینکه امام چه هنگام ظهور خواهد کرد، فکری به حال خود و دین خدا کرد. خداوند دین را نفرستاده تا جوهر سیاه کتاب‌ها باشد و در کتابخانه‌ها معطل بماند، بلکه باید به جزء جزء آن عمل کرد. پس عصر غیبت، عصر انفعال نیست. منتظر بودن، یعنی عمل کردن به دینی که امام زمان علیه السلام خواستار تحقق آن است. ما باید به دینی که حضرت بدان معتقد است و هنگام ظهور، آن را به‌طور کامل عملی خواهد کرد، در حد توان عمل کنیم که بهترین شکل ممکن آن، با تشکیل حکومت دینی پدیدار می‌شود.

سطح عمیق‌تری از نگاه به مسئله، آن است که افزون بر عمل حتی‌الامکانی به دین خدا در عصر غیبت، باید در مسیر زمینه‌سازی برای ظهور گام برداشت؛ یعنی نه فقط باید با تشکیل حکومت دینی، به عملیاتی‌سازی دین در سطح جامعه خود پرداخت، بلکه باید این کار را در مسیر زمینه‌سازی برای ظهور دید و کوشید زمینه برای عمل کامل همه مردم جهان به دین خدا در زیر سایه حکومت امام زمان علیه السلام فراهم شود. باید به حکومت دینی

خود به گونه‌ای جهت داد تا زمینه ظهور را فراهم آورد. مثلاً پیام‌های دینی حکومت خود را به دیگر ملت‌ها نیز برسانیم و با شناساندن امام زمان عجله به آنان، حلقه دوستداران، منتظران و زمینه‌سازان او را بزرگ‌تر سازیم. این نوع نگاه به انتظار و ظهور در فضای حکومت دینی و در جایی که افراد در برابر جامعه، دین و امام زمان خود مسئول‌اند، امکان رشد دارد و در انقلاب دینی ایران به دلیل توجهی که رهبر انقلاب و انقلابیان با شدت و ضعف‌های متفاوت در همان آغاز انقلاب به مسئله زمینه‌سازی برای ظهور داشتند و نگاه آن را مطرح می‌ساختند، زمینه رشد بیشتری یافت.

پذیرفتن نقش زمینه‌سازی ظهور برای خود، بر این باور مبتنی است که ظهور به عمل ما ربط دارد و نوع عمل ما در نزدیک ساختن زمان آن مؤثر خواهد بود. از سوی دیگر، اعمال متضاد با نوع اعمال زمینه‌ساز، در بعیدسازی زمان ظهور مؤثر است. مسئله ارتباط میان عمل منتظران و ظهور، هرگاه با تحولات مربوط به آستانه ظهور پیوند بخورد، یعنی باور منتظر این گونه باشد که دست کم در ایجاد برخی از این تحولات نقش دارد، در این صورت، باید با حساسیت بیشتری به پیامدهای اجتماعی و سیاسی آن توجه کرد.

نظریه اختیاری بودن ظهور که اجزایی از آن را در مطالب پیش گفته شرح دادیم، ضمن اینکه در نگاهی نظام‌مند در چهارچوب حکومت دینی معنا دار شد، عملاً نیز پس از انقلاب، آرام آرام زمینه شکل‌گیری آن فراهم آمد. برخی اقدامات سیاسی و انقلابی، نظیر پی‌گرفتن سیاست صدور انقلاب یا مخالفت‌هایی که با جریان انجمن حجّیه، به‌عنوان گروهی منفعل در برابر حوادث و رخدادهای سیاسی و اجتماعی مرتبط با جامعه اسلامی صورت گرفت؛ همچنین برخی فعالیت‌های علمی یا تبلیغی، نظیر موارد فراوانی که به تبیین انتظار فعال و رد انتظار منفعل پرداخته یا بسیاری موارد که به نقش انسان‌ها در ظهور به‌طور مستقیم توجه گردیده است یا مواردی که انقلاب اسلامی، زمینه‌ساز ظهور به شمار آمده و حتی هرگاه دعایی برای تعجیل در ظهور امام زمان عجله صورت گرفته است که در واقع بر

اساس باور به نقش دعا در نزدیک شدن ظهور بوده است، اینها همه زمینه طرح و انسجام بخشی به مجموعه‌ای از باورها را در قالب نظریه اختیاری ظهور فراهم می‌سازد. مضامین مرتبط با نگاه جدید به ظهور را در نوشته‌های فراوانی می‌توان دید. اما به تازگی، اختیاری بودن ظهور در چهارچوب یک نظریه انسجام و در قالب برخی مقالات و کتابی با عنوان *نظریه اختیاری ظهور* نشر یافته است. نویسنده بر اساس متون روایی و مباحث کلامی و فلسفی، نظریه اختیاری ظهور را تبیین می‌کند. طرح این نظریه، در واقع نتیجه تحولات پیش آمده در نظام معنایی مهدوی در فاصله حدوداً سی ساله پس از انقلاب اسلامی در ایران است.

#### (و) آخرالزمان گرایی

##### زمینه سازی انقلاب برای ظهور و آخرالزمان گرایی

پیش از این، درباره مطرح شدن ایده زمینه دانستن انقلاب اسلامی برای ظهور در آغاز انقلاب سخن گفتیم. این امر در دوره دوم انقلاب، یعنی دوره رشد مهدویت گرایی در کشور، همچنان ادامه یافت و تنوع و عمومیت بیشتری پیدا کرد.

از همان آغاز انقلاب، امام خمینی علیه السلام بر اساس نگاهی که به آخرالزمان و به مفهوم انتظار در عصر غیبت داشت، مسئله زمینه ساز دانستن انقلاب را برای ظهور مطرح کرد، ولی در این باره دیگرانی نیز آرام آرام دست به کار شدند. این مسئله در سال‌های اخیر رشد بیشتری یافته است. آنان کوشیدند این سخنان را به روایات نیز مستند کنند و این در واقع به معنای گشودن فضایی تازه و ورود به مرحله‌ای جدید است. باینکه امام خمینی علیه السلام به روایات آیات قرآنی اهتمامی ویژه داشت، ولی در این خصوص، به موردی که ایشان به روایات تمسک کرده باشند، برنخوریم. شاید دلیل آن، برخی روایاتی باشد که حتی امکان تطبیق آن با شخص ایشان وجود دارد و امام نخواسته است خود را با این گونه روایات به جامعه

معرفی کند. مثلاً در روایتی آمده است: مردی از قم، مردم را به حق دعوت می‌کند و در آن، به جنگی که یاران او در آن درگیر می‌شوند، اشاره شده است.<sup>۱</sup> به هر تقدیر، دیگران مسئله ارتباط انقلاب اسلامی را با انقلاب جهانی امام قائم علیه السلام با استناد به روایات و همچنین برخی حکایات از عارفان و عالمان بزرگ دینی و یا برخی تحلیل‌ها، باورپذیرتر ساختند. برقراری ارتباط میان این دو انقلاب و زمینه‌ساز دانستن انقلاب اسلامی برای آن انقلاب بزرگ، امروزه نیز در قالب کتاب، مقاله، سخنرانی و... در حال انجام است. برای نمونه، کتاب‌ها و مقالات ذیل در این مسیر گام برداشته‌اند که زمان ارائه نخستین بار برخی از آنها، به دوره نخست انقلاب برمی‌گردد، ولی به لحاظ تأثیرگذاری، به دوره جدید نیز تعلق دارند. برخی از کتاب‌ها را برمی‌شماریم: *آینده و آینده‌سازان*، نوشته محمد دشتی؛ *عصر ظهور*، نوشته علی کورانی؛ *از نهضت خمینی تا انقلاب مهدی*، نوشته مهدی همتی؛ و *نشانه‌هایی از دولت موعود* نوشته نجم‌الدین طبسی. برخی از مقاله‌ها هم در این موضوع بدین قرار است: «حکومت زمینه‌ساز»،<sup>۲</sup> «انقلاب اسلامی ایران، جلوه‌ای از الطاف امام عصر»،<sup>۳</sup> «انفجار نور، زمینه‌ساز ظهور»،<sup>۴</sup> «نهضت امام خمینی، زمینه‌ساز ظهور حضرت مهدی علیه السلام»<sup>۵</sup> و...

ترجمه برخی از روایاتی را که برای زمینه‌ساز دانستن انقلاب اسلامی بدان استناد می‌شود، از مقاله اخیر بیان می‌کنیم. نقل نکردن از منابع اصلی، برای اشاره به وجود این نوع روایات در رسانه‌های مکتوب و در دسترس مردم قرار داشتن آنهاست. نویسنده پس از

۱. محمدباقر مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۵۷، ص ۲۱۶.

۲. بلال نعیم، «حکومت زمینه‌ساز»، نشریه موعود، بهمن ۱۳۸۵، ش ۷۲، ص ۱۸-۲۰.

۳. علی ابوالحسنی (منذر)، «انقلاب اسلامی ایران، جلوه‌ای از الطاف امام عصر»، *فصلنامه انتظار موعود*، بهار و تابستان ۱۳۸۵، ش ۱۸، ص ۷۴-۱۰۴.

۴. مسعود پورسیدآقایی، «انفجار نور، زمینه‌ساز ظهور»، *فصلنامه انتظار موعود*، زمستان ۱۳۸۳، ش ۱۴، ص ۱۶۶.

۵. عرفان محمود، «نهضت امام خمینی، زمینه‌ساز ظهور حضرت مهدی علیه السلام»، ترجمه رحمت‌الله خالقی، *فصلنامه حضور*، زمستان ۱۳۷۷، ش ۲۶، ص ۱۵۸-۱۷۷.



برخی توضیحات، روایات را نقل می‌کند که در اینجا بخشی از توضیحات و برخی از روایات را می‌آوریم:

با مراجعه به روایاتی که درباره مهدی موعود نقل شده است، درمی‌یابیم که یکی از نقاط روشن اشتراک بین اخباری که اهل سنت و اهل بیت نقل کرده‌اند، وجود یک حرکت انقلابی زمینه‌ساز برای ظهور مهدی موعود است؛ حرکتی که از ایران به راه خواهد افتاد. چنین اتفاق نظری، بی‌آنکه مخالفی داشته باشد، خود دلیل روشنی است بر صحت اخبار و دست کم صحت مضمون مشترک بین آنها. در اینجا نمونه‌هایی از این احادیث شریفه را از مدار کی که در نزد شیعه و سنی معتبرند، نقل می‌کنیم:

- ابن ماجه، ترمذی و بیهقی در کتاب سنن، طبرانی در معجم وسط، قرطبی در تذکره، ابن کثیر در فتن، هیشمی در مجمع الزوائد، سیوطی در حاوی، ابن حجر در قول المختصر و الصواعق المحرقة، متقی هندی در کنز العمال و البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان و... از رسول خدا ﷺ روایت کرده‌اند که فرمود: «مردمی از مشرق خروج می‌کنند و زمینه حکومت مهدی را فراهم می‌آورند». با توجه به لحن اخبار و متون قدیم، چنین اثبات می‌شود که مشرق به ایران امروزی گفته می‌شود. همچنین در روایات دیگر تصریح شده است که چنین مردی اهل خراسان یا قم یا طالقان می‌باشد و همه آنها به ایران امروزی اشاره دارد؛ البته با ذکر نام مهم‌ترین مناطق آباد و شهرهای متمدن ایران آن روز.<sup>۱</sup>

- خطیب بغدادی و دیلمی از ابن عباس و ابوهریره روایت کرده‌اند: «هنگامی که پرچم‌های سیاه به اهتزاز درآمدند، به قوم فارس احترام کنید؛ زیرا دولت شما با آنهاست».<sup>۲</sup> در اینجا تعبیر «دولتکم»، به دولت مهدوی اسلامی اشاره دارد.

- از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «به زودی کوفه از مؤمنان خالی می‌شود».

۱. به نقل از: علی کورانی، معجم الاحادیث المهدی، ج ۱، ص ۳۸۷.

۲. همان، ص ۳۹۳.

و همان‌طور که مار در لانه خود به دور خود می‌پیچد و نهان می‌شود و قدرت تحرک ندارد، علم و دانش نیز در گوشه‌ای پنهان و محدود می‌شود؛ (یعنی در کوفه علم و دانش منتشر نمی‌شود و اگر هم وجود داشته باشد، در گوشه‌ای بی‌اثر مخفی می‌شود). پس از آن، علم در شهر دیگری که به آن قم گفته می‌شود، ظاهر می‌شود و معدن فضل و علم می‌گردد؛ به گونه‌ای که در روی زمین کسی که مستضعف در دین باشد یا دین را نفهمد، باقی نمی‌ماند؛ حتی زن‌هایی که در حجله‌ها و پشت پرده‌ها هستند. این زمان ظهور قائم ما خواهد بود و خدا قم و اهل آن را جانشینان حضرت حجت قرار می‌دهد و اگر چنین نباشد، زمین اهل خود را فرومی‌برد و در زمین حجتی باقی نمی‌ماند و علم از آنجا به دیگر کشورها و شهرها در شرق و غرب سرازیر می‌شود و حجت خدا بر مردم کامل می‌شود؛ به طوری که کسی در زمین نمی‌ماند که دین و علم به او نرسیده باشد. پس از آن، حضرت قائم علیه السلام ظهور می‌کند و سبب انتقام خدا و عذاب او بر چنین بندگان می‌شود؛ زیرا خدا از بندگان انتقام نمی‌کشد، مگر پس از آنکه آنها حجت خدا را انکار کنند.<sup>۱</sup>

از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مردی از اهل قم، مردم را به سوی حق فرامی‌خواند و همراهان او مانند آهن و پولاد آب‌داده هستند که تندبادها آنها را نمی‌لرزاند و از جنگ خسته نمی‌شوند و نمی‌ترسند و به خدا توکل می‌کنند و عاقبت از آن تقوایشگان است».<sup>۲</sup>

این برقراری پیوند، همراه با کارکردهایی که برای انقلاب اسلامی دارد، سبب تحول در نظام معنایی مهدوی و تقویت آن در سطح جامعه می‌شود. تفسیرهای مهدوی از انقلاب، به این دلیل که با باورهای مردم مطابق است و ازسویی، به انقلاب مشروعیت می‌بخشد و

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۳.

۲. همان، ج ۵۷، ص ۲۱۶.

۳. عرفان محمود، نهضت امام خمینی، زمینه‌ساز ظهور حضرت مهدی علیه السلام، فصلنامه حضور، زمستان ۱۳۷۷، ش ۲۶، ص ۱۵۸-۱۷۷.

در خصوص آینده آن امید می‌دهد و نوعی تضمین برای بقای آن به شمار می‌آید، برای مردم انقلابی، جذابیت خاصی دارد و آن را راحت‌تر می‌پذیرند. این امر، به‌طور ضمنی ترویج مهدویت را در پی خواهد داشت؛ ضمن اینکه اصل انتقال این روایات و این‌نوع مضامین به جامعه، ترویج مستقیم نظام معنایی مهدوی شمرده می‌شود.

مردم به اصل اینکه ظهور مهدی موعود سرانجام رخ خواهد داد، باور دارند و معتقدند این مسئله در آخرالزمان خواهد بود. اما ایجاد پیوند میان ظهور و انقلاب جهانی امام مهدی علیه السلام با رویدادی که در زمان حاضر پدیدار شده است، یعنی انقلاب اسلامی، سبب می‌شود مردم، آن دوره آخرالزمانی را که نامعلوم و مربوط به آینده است، با حال پیوند دهند و آن را به زمان حاضر نزدیک بیندارند. نزدیک دیدن آخرالزمان و افزایش احساس آخرالزمان دانستن دوره زمانی حاضر،<sup>۱</sup> سبب می‌شود احتمال ظهور مهدی موعود علیه السلام را در عصر حاضر محتمل‌تر بدانند. این نوع تصورات و باورها، پیامدهای دینی و اجتماعی خاص خود را دارد و در بیانی کلی، به گسترش نظام مهدوی در سطح جامعه می‌انجامد. مهم‌ترین تأثیر آن، افزایش گرایش‌های آخرالزمانی و افزایش حس آخرالزمان‌انگاری عصر حاضر و ارائه تحلیل‌های آخرالزمانی از رویدادهای پیرامونی است.

#### رویکرد زاهدی و تمدنی به مهدویت و آخرالزمان‌گرایی

این رویکرد که در نوع خود بدیع و دارای پویایی بسیار است، ازسویی بر پایه نظریه اختیاری ظهور بنا می‌شود و در مواردی از آن بالاتر می‌رود و ازسوی دیگر، بر زمینه‌ساز

---

۱. در متون دینی، زمان ظهور مشخص نشده و تعیین‌کننده زمان، دروغ‌گو معرفی شده است. اما آمادگی همیشگی برای مواجهه با ظهور و نزدیک دانستن آن توصیه شده است. در پایان دعای عهد که مؤمنان به وسیله آن، در صبحگاهان با امام غایب خود عهد و پیمان یاری می‌بندند، آمده است: «خدایا! فرجش را برای ما نزدیک گردان. آنان فرج امام را دور می‌بینند و ما آن را نزدیک می‌بینیم» (عباس قمی، *مفاتیح الجنان*، ص ۹۹۱). البته در روایات، از عجله کردن در این امر نیز نهی و سبب هلاکت دانسته شده است.

دانستن انقلاب اسلامی برای ظهور مبتنی است. بر اساس این رویکرد، هر دوره‌ای می‌تواند همان آخرالزمان معهود باشد، مشروط بر آنکه مؤمنان منتظر، شرایط و نشانه‌های ظهور را در آن دوره محقق سازند. این امر در زمان‌های پیشین، حتی در زمان دیگر معصومان نیز امکان وقوع داشت. در دوران بنی‌عباس، برخی زمینه‌ها برای این امر فراهم بود، ولی چون شرایط به‌طور کامل آماده نشد، حکومت آخرالزمانی اسلام شکل نیافت.

دوران فعلی نیز می‌تواند آخرین قطعه‌ی زمانی از دوران آخرالزمان پیش از ظهور باشد. بر اساس این رویکرد، رخداد انقلاب اسلامی به‌عنوان یک حرکت بزرگ دینی، ما را به ظهور نزدیک ساخته و در نقش آغازگر و زمینه‌ساز، امکان شکل‌گیری کامل تمدن الهی مهدوی را به وجود آورده است. ما می‌توانیم با شناختن و پی‌گرفتن نشانه‌ها و شرایط ظهور که اموری به‌هم‌پیوسته و منسجم‌اند، موقعیت و تکلیف آخرالزمانی خود را دریابیم و بالاتر از آن، با ایجاد کردن شرایط به‌وجود نیامده، به وقوع آن شتاب ببخشیم. معصومان، بی‌دلیل، آن تعداد بسیار از روایات مربوط به آخرالزمان و نشانه‌های ظهور را بیان نکرده‌اند. این روایات، در واقع می‌خواهند شیعه را متوجه رخدادهای پیرامونی خود سازند تا با دنبال کردن نشانه‌ها، بتوانند راهبرد خود را در عصر غیبت مشخص کنند. در هر دوره‌ی زمانی، برای پی‌گرفتن نشانه‌ها و شرایط ظهور، باید آن را در برخورد دو جریان کلی حق و باطل حاکم بر آن زمانه جست‌وجو کنیم. در عصر حاضر، دو جریان حق و باطل را باید در دو تمدن، یکی شیطانی که پیش‌ازاین به وجود آمده بود و دیگری الهی که به‌تازگی در حال شکل‌گیری است، دنبال کرد و این دو، یکی تمدن شیطانی غرب و دیگری تمدن الهی در حال شکل‌گیری انقلاب اسلامی است. بنابراین، نشانه‌ها و شرایط ظهور را در برخورد این دو تمدن شیطانی و الهی باید جست‌وجو کرد. این دو، میدان مشاهده‌ی ماست و با ورود به این میدان و مشاهده رخدادها، به وقوع پیوستن برخی شرایط را شاهد خواهیم بود و مهم‌تر از آن، نگاه فعالی است که باید به انتظار داشت؛ به این معنا

که صرفاً نظاره گر انفعالی آنچه در حال رخ دادن است نباشیم و در ایجاد شرایط و نشانه‌ها کوشا باشیم.

نکته مهم درباره این دیدگاه که اجمال آن را بیان کردیم آن است که بر اساس آن، هر دوره زمانی، همان آخرالزمان معهود است. از سوی دیگر، منتظران در ایجاد شرایط و نشانه‌های خاص ظهور نقش ایفا می‌کنند که البته بر اساس باورهای دینی، دست کم بسیاری از نشانه‌ها و شرایط به صورت طبیعی و به دست انسان‌ها و نه اعجاز گونه رخ خواهد داد. در عین حال، این سخن فراتر از آن است که ما مثلاً معتقد باشیم برای نزدیک‌سازی ظهور، باید اسلام و معرفت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه را در سطح جهان ترویج کنیم یا با هدف ایجاد آمادگی در بین مسلمانان و غیرمسلمانان، حلقه‌هایی از حکومت‌های دینی در سراسر جهان تشکیل دهیم.

برای تکمیل سخن درباره این رویکرد، یادآوری این نکته لازم است که رویکرد یادشده، هرچند هر دوره‌ای، از جمله دوران پس از انقلاب اسلامی را دوران آخرالزمان می‌داند، به دلیل پویایی و انعطافی که دارد، بر این مسئله نیز تأکید می‌ورزد که اگر تمامی شرایط لازم محقق نشود و تمامی حلقه‌ها به هم پیوند نخورند، ظهور رخ نخواهد داد. بنابراین، لزوماً انقلاب اسلامی به ظهور نمی‌انجامد. مثلاً باینکه اوج جنگ آخرالزمانی، بر اساس روایات اسلامی و متون دینی یهودیان و مسیحیان، در منطقه موسوم به خاورمیانه است و حضور نظامی آمریکا در منطقه را در همین چهارچوب می‌توان ارزیابی کرد، ولی این حضور نظامی می‌تواند به جنگ جهانی سوم و جنگ نهایی تاریخ و ظهور امام غایب عجل الله تعالی فرجه بینجامد و در صورتی که آمادگی برای استقبال از ظهور در مردم جهان به وجود نیاید، ای بسا جنگی رخ دهد، ولی نتیجه آن، تضعیف اسلام و تأخیر حتی چند قرنی ظهور باشد.<sup>۱</sup>

۱. محمدهادی همایون، مهدویت و تمدن جهانی اسلام، ص ۲۵۱۴.

به هر حال، این دیدگاه که بخش امروزی تحلیل خود را، بر اساس فهم آخرالزمانی از رخداد‌های انقلاب اسلامی و رخداد‌های مرتبط با آن در سطح منطقه و جهان سامان می‌دهد، به دلیل همین ویژگی و مهم‌تر از آن، به علت توجه به نقش انسان‌ها در ایجاد نشانه‌ها و شرایط ظهور، مهدویت‌گرایی را واجد پویایی و توانی گاه‌مه‌ارناشدنی می‌سازد.

#### بازخورد داخلی صدور انقلاب و آخرالزمان‌گرایی

در بحث از صدور انقلاب در دوره نخست وعده کردیم تا بخشی از تأثیرات مستقیم صدور انقلاب را بر گرایش به مهدویت، به دلیل ظهور آن در سال‌های اخیر در دوره دوم پیگیری کنیم که اینک به آن می‌پردازیم.

در آنجا گفتیم که سیاست صدور انقلاب، برگرفته از آموزه‌های مهدوی است و بر اساس منظومه فکری امام خمینی علیه السلام، رهبر انقلاب و حامی سیاست یادشده، انقلاب اسلامی، زمینه‌ساز ظهور است. ایشان برای زمینه‌ساز شدن هرچه بیشتر انقلاب، سیاست صدور انقلاب را پیگیری می‌کرد تا به اموری چون گسترش هرچه بیشتر اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله، بیداری هرچه بیشتر مسلمانان و مستضعفان جهان و... بینجامد و از این راه، زمینه ظهور فراهم شود.

سیاست صدور انقلاب که در سال‌های نخست با جدیت دنبال می‌شد، در سال‌های پس از جنگ همچون اوایل انقلاب در کانون توجهات قرار نگرفت و با کش و قوس‌هایی همراه شد، ولی در عین حال، بازتاب‌های منطقه‌ای و جهانی خود را برجای گذاشت. این بازتاب‌ها، در مکانیزمی که خواهیم گفت، بازخورد افزایش گرایش‌های مهدوی در سطح جامعه ایران را در پی داشته است.

پس از پایان جنگ تحمیلی و فاصله گرفتن از تب و تاب انقلابی‌گری سال‌های نخستین انقلاب و درگیر شدن نظام با برخی مشکلات داخلی و نیاز کشور به بازسازی و...، از غلظت شعارهای مربوط به حمایت از مستضعفان جهان و... کاسته شد. در این دوره،

سیاست ام‌القراء بودن تهران، به تفسیری جدید از صدور انقلاب تبدیل گردید.<sup>۱</sup> بر اساس این سیاست، می‌بایست با ارائه یک جامعه نمونه اسلامی، به دیگر کشورها الگودهی و از این راه انقلاب را صادر کرد. این سیاست که تفصیل بیشتری دارد،<sup>۲</sup> سبب تمرکز بیشتر توانایی‌های نظام اسلامی در داخل کشور شد؛ چنان‌که سند چشم‌انداز بیست ساله و اهدافی که بر اساس آن برای سال ۱۴۰۴ ایران در نظر گرفته شده است، ادامه همین سیاست می‌تواند شمرده شود. از سویی، طرح گفت‌وگوی تمدن‌ها، جای‌گزین دیگری برای سیاست صدور انقلاب بود که در آن به جای توجه به ملت‌ها و نهضت‌های آزادی‌بخش یا در عوض توجه به ساختن جامعه نمونه، توجهات، معطوف بخشی علمی و دانشگاهی به نام تمدن گردید. در این نگاه، ارزش‌های انقلاب اسلامی، لزوماً ارزش‌های برتر نیست، بلکه ایده‌های انقلاب اسلامی نیز می‌تواند در کنار افکار و ایده‌های دیگران مطرح شود.

به هر تقدیر، کش و قوس‌های این سیاست فراوان است. به نظر می‌رسد با گذر زمان، ضمن اینکه مواجهه واقع‌بینانه‌تری با این سیاست صورت گرفت، تا حد زیادی نیز از محور توجهات خارج و در خصوص آن غفلت شد. مثلاً پس از استقلال کشورهای آسیای میانه، جمهوری اسلامی ایران «اهداف خود را در قبال منطقه مذکور، نه بر اساس سیاست صدور انقلاب و تأکید بر اسلام سیاسی، که بر اساس دو محور تکیه بر میراث فرهنگی مشترک و سیاست‌های اقتصادی بنا ساخت».<sup>۳</sup>

اما نکته مهم در بحث ما آن است که فرایند صدور انقلاب، صرف‌نظر از میزان توجه و نوع تفسیری که درباره آن صورت گرفته و صرف‌نظر از اینکه آن را پروژه‌ای بینیم که انقلابیان، مجری آن بوده‌اند یا آن را فرایندی طبیعی بدانیم و صدور انقلاب را نتیجه

۱. علی فلاح‌نژاد، سیاست صدور انقلاب، ص ۱۳۳.

۲. همان، ص ۷۲-۶۹.

۳. همان، ص ۱۶۷.

خودبه‌خودی هر انقلابی برشماریم، به‌طوری که پس از وقوع، پیام‌ها و ارزش‌های آن در مرزهای جغرافیایی کشور محل انقلاب محدود نمی‌ماند و به خارج از مرزها نیز سرایت می‌کند، در هر کدام از دو صورت، انقلاب اسلامی و صدور آن، دست کم بنا بر ادعای برخی صاحب‌نظران علمی و سیاسی و برخی شواهد موجود، بازتاب‌های منطقه‌ای و جهانی داشته و این بازتاب‌ها، خود را در شکل افزایش گرایش به معنویت، اسلام، دین سیاسی و تشیع نشان داده است. بحث تفصیلی در این باره مجال مستقل می‌طلبد و خارج از حوصله این نوشتار است. در اینجا به اشاره‌ای در خصوص رشد دین سیاسی بسنده می‌کنیم.

از مهم‌ترین آثار انقلاب اسلامی، آوردن دین به عرصه سیاست بود. این اتفاق برخلاف جریان کلی حاکم بر دنیای مدرن روی داد. اگر قرار بود تضاد آشکاری که میان حادثه جدید، یعنی انقلاب اسلامی با جریان کلی حاکم بر عالم وجود داشت، استمرار یابد و به خارج از مرزهای ایران نیز منتقل شود، به‌طور طبیعی دنیای مدرن و نظام سلطه را در برابر خود قرار می‌داد؛ البته ایدئولوژی دینی انقلاب اسلامی به دیگر کشورها و به‌ویژه کشورهای اسلامی منتقل شد و خشم و رویارویی نظام سلطه را نیز به دنبال آورد.

آقای دکتر علی‌اکبر ولایتی، وزیر خارجه سابق ایران می‌گوید: «آقای لخ والسا رئیس‌جمهور وقت لهستان به من گفت: انقلاب شما روی ما هم اثر گذاشت و ما خوش‌حالیم از اینکه در یک کشور انقلاب بر اساس دین صورت گرفته است. پیروزی انقلاب اسلامی، موجب احیای فکر دینی حتی در سطح حکومت‌ها شد، ولو در کشورهای مسیحی».<sup>۱</sup> البته رشد دین سیاسی در کشورهای اسلامی، جلوه آشکارتری دارد.

در عربستان پس از انقلاب اسلامی، حج که محل تجمع سالیانه تعداد بسیاری از مسلمانان از کشورهای گوناگون اسلامی است، سیاسی شد. این مسئله، تحریک شیعیان منطقه شرقی عربستان را در پی داشت، قیام سال ۱۴۰۰ کعبه که قیامی مبتنی بر مهدویت بود، به وقوع پیوست



و وهابیت تقویت شد.<sup>۱</sup> وجود تمایلات وهابی گری نزد القاعده و نقش آن در تحولات پس از حادثه یازده سپتامبر روشن است. تأثیراتی در همین سطح را در بین مسلمانان بحرین، پاکستان، جنبش اخوان المسلمین مصر و... می توان مشاهده کرد. در ترکیه و از زمان روی کار آمدن حزب رفاه، اسلام گراها در حال رشد تدریجی و نفوذ هرچه بیشتر در ازکان حکومت هستند و حتی توانسته اند مقام ریاست جمهوری را نیز به دست آورند. جریان پیروزی اسلام گراها در الجزایر و سرکوب آنها و حمایت غرب از سرکوبگران مشهور است. در عراق و پس از اشغال آن به وسیله آمریکا و متحدانش و با وجود حضور آمریکا در این کشور، کسانی حکومت را به دست می گیرند که تمایلاتی قوی به حکومت دینی ایران دارند.

از جمله حوادث مهم پس از انقلاب اسلامی، تغییر موضع مبارزان فلسطینی از مواضع ناسیونالیستی به اسلامی و انتفاضه هایی بود که در این کشور رخ داد. به همین ترتیب، ایجاد گروه های فعال شیعی در لبنان، همچون حزب الله و نقش پیروزی تاریخی این حزب در جنگ ۳۳ روزه بر رژیم صهیونیستی، در تقویت هویت دینی و حتی شیعی منطقه و تضعیف رژیم صهیونیستی و تقویت اسلام سیاسی برجسته است.

رشد اسلام سیاسی در منطقه و رشد اسلام خواهی در جهان، پدیده بسیار مهم و تحمل ناپذیری برای تمدن سکولار غربی است. به جز آثار طبیعی انقلابی اسلامی، ایران اقدامات عمدی فراوانی نیز در این زمینه انجام داده است. حمایت های آشکار ایران از مردم فلسطین و مبارزان لبنانی، به رسمیت نشناختن رژیم اشغالگر قدس، تعیین روز جهانی قدس و تبلیغ و برپایی سالیانه آن، تبدیل ساختن مسئله فلسطین و قدس به مسئله ای اسلامی و مرتبط با همه مسلمانان و در نتیجه، خطراتی که در اثر انقلاب اسلامی برای کیان رژیم صهیونیستی - با توجه به پیوند وثیق میان صهیونیست ها و کاخ سفید - به وجود آمد یا تشدید

۱. پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، علیرضا جلالی، تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر روابط دولت ملت غربستان سعودی و پیامدهای آن بر روابط دو کشور، دانشگاه امام صادق، تهران، ۱۳۷۸، چکیده.

شد، سبب گردید امریکا در منطقه حضور نظامی یابد و جنگ‌هایی را در منطقه شعله‌ور سازد؛ جنگ‌هایی که قرار بود به وجود آورنده خاورمیانه بزرگ با هدف تأمین منافع امریکا و رژیم صهیونیستی باشد.

اما ربط این قضایا با مهدویت در آن است که حضور امریکا در منطقه، بنابر یکی از تحلیل‌های رایج، برای مهار کردن انقلاب اسلامی ایران و خنثی‌سازی پیامدهای صدور انقلاب و جای‌گزین ساختن ارزش‌های امریکایی - اسرائیلی به جای ارزش‌های انقلاب اسلامی ایران صورت گرفته است؛ یعنی سیاست صدور انقلاب که خود برگرفته از آموزه‌های مهدوی بود، سبب رشد اسلام سیاسی و حضور نظامی امریکا در منطقه شد و این حضور نظامی، با توجه به آنچه خواهیم گفت، سبب تقویت گرایش‌های مهدوی در بین جمعی از ایرانیان گردید.

بر اساس برخی روایات که در سال‌های اخیر و در اثر گسترش مباحث مهدوی در جامعه رواج بیشتری یافته است، در آخرالزمان و پیش از ظهور امام زمان (عج) جنگ‌هایی در منطقه روی خواهد داد. یکی از این جنگ‌ها، حمله سفیانی به عراق است. حمله امریکا به عراق دست کم برای عده‌ای از مردم ایران، تداعی گرسفیانی، جنگ‌های مقدماتی آخرالزمان و سرانجام پدیده ظهور بوده است؛ به‌ویژه آنکه در روایات، به انتقال جنگ به ایران یا مشارکت ایران در مبارزه با سفیانی و ارسال نیرو به عراق نیز اشاره شده است. احتمال درگیری نظامی امریکا و ایران و رسانه‌ای شدن گاه‌وبی‌گاه این خبر، به تقویت این حس آخرالزمانی کمک کرده است. برای نمونه، به خلاصه‌ای از برخی جملات از کتاب عصر ظهور اشاره می‌کنیم که برای نخستین بار در سال ۱۳۶۹ به فارسی برگردانده شد و تا به امروز، فراوان تجدید چاپ شده است و از جمله کتاب‌های پرتیراژ در ایران به شمار می‌آید:

سفیانی در حمله به عراق، با مخالفت جهانی یا منطقه‌ای روبه‌رو نمی‌شود. حتی ترکان [روس‌ها] که سفیانی در قرقیسیا با آنها وارد نبرد می‌شود،

هدفشان به دست آوردن ثروت و گنج قرقیسیاست و کاری به مسائل عراق ندارند. تنها نیروی مخالف او، یمنی‌ها و خراسانیان، یعنی یاران حضرت مهدی علیه السلام می‌باشند. این امر روشنگر این است که جنگ سفیانی در عراق، اساساً حرکتی است برضد حضرت مهدی علیه السلام و طرف‌داران وی می‌باشد. اما مردم عراق به دو یا سه گروه تقسیم می‌شوند: پشتیبانان زمینه‌سازان ظهور حضرت، طرف‌داران سفیانی و گروه سوم که شیصبانی رهبری آنان را به عهده دارد.<sup>۱</sup>

این بیان‌ها و نمونه‌های دیگر آن، هرچند با رخداد‌های منطقه تطبیق کامل ندارد، امکان تطبیق نسبی و حداقلی آن کافی است تا ذهن مخاطب، به‌ویژه مخاطبان علاقه‌مند را آماده آن سازد تا ابهام‌های موجود در آن را به‌نفع رخداد بسیار شگرف ظهور تفسیر کند یا از اجزای تعارض‌آمیز آن بگذرد تا رخداد‌های یادشده را به‌شکل مجموعه‌ای باورپذیر و هماهنگ با رویدادهای آخرالزمان ببیند.

حضور نظامی امریکا در منطقه، از طریق دیگری نیز می‌توانست به رشد مهدویت‌گرایی و افزایش توجه به موعود در جامعه بینجامد. حضور ابرقدرت نظامی امریکا در منطقه و احتمال حمله به ایران، که از نظر ایرانیان، گناهی که مستوجب این حمله باشند مرتکب نشده‌اند، می‌توانست احساس مظلومیت و وجود ستم را تقویت کند و زمینه را برای افزایش گرایش به منجی‌فریادرس آماده سازد.

ازسویی، بنابر یک تحلیل، حضور نظامی امریکا به رهبری بوش در منطقه، بر اساس باورهای مسیحیان صهیونیست برای ایجاد زمینه لازم جهت به وقوع پیوستن جنگ نهایی تاریخ در منطقه آرمگدون (هرمجدون در روایات اسلامی) در نزدیکی بیت‌المقدس و ظهور حضرت مسیح علیه السلام است. این ایده و ایده‌های شبیه به آن، از راه‌های گوناگونی، مثلاً از

۱. علی کورانی، عصر ظهور، ترجمه عباس جلالی، ص ۱۳۳، ۱۳۴.

راه انتشار اینترنتی ترجمه برخی مقالات خارجی که به همین مسئله اشاره دارد، در ایران ترویج شده است.

این نوع نوشته‌ها، فضای داخل را نیز متوجه آخرالزمان خواهد ساخت؛ هر چند جامعه شیعی ایران، تفسیرهای خاص مسیحی یا یهودی را از آخرالزمان، به دلیل مغایرت با باورهای خود نمی‌پذیرد، ولی این مسئله می‌تواند باورهای شیعی مرتبط با آخرالزمان را از حالت خفتگی به درآورد و خود را در گرایش‌های مردمی نشان دهد.

#### خبر از نزدیکی ظهور

از جمله عوامل قابل توجه در ایجاد یا تقویت گرایش‌های آخرالزمانی، سخنان منقول از سوی یکی از عرفا و مراجع تقلید در چند سال اخیر است که در آن، به نزدیکی ظهور در این زمان بشارت داده بود.

این مرجع تقلید که از سوی جامعه مدرسین حوزه علمی قم - که اعضای آن را روحانیان طراز اول حوزه قم و مبارزان انقلاب و حامیان امام خمینی علیه السلام تشکیل می‌دهند - به عنوان مرجع تقلید معرفی و از آن پس، اقبال عمومی مؤمنان به سمت ایشان رو به افزایش گذاشت و غیر از طلاب و روحانیان و اندکی از مؤمنان که پیش‌تر ایشان را می‌شناختند، عموم افراد این مرد بزرگ را شناختند و به ویژگی‌های اخلاقی و عرفانی ایشان تمایل یافتند. از این رو، می‌توان تحولاتی را که از این ناحیه به وجود می‌آید، در راستای تأثیرهای انقلاب اسلامی بر مهدیت پی گرفت.

سخنان منتسب به این مرجع تقلید در خصوص نزدیک بودن ظهور، از دو نظر امکان سرایت و شیوع سریع در سطح جامعه داشت: یکی با توجه به ماهیت پیام که نوعی پیشگویی یا از غیب خبر دادن است؛ آن هم خبر دادن از حادثه‌ای شگرف و بزرگ در سطح عالم، که شیعیان قرن‌هاست در انتظار آن به سر می‌برند. جهت دیگر، به دلیل

ویژگی‌های منبع نقل پیام که مرجع تقلید و نایب امام غایب علیه السلام و شاید مهم‌تر از آن، اینکه او یک عارف است و در نظر مردم امکان دریافت این گونه پیام‌ها از سوی عرفا وجود دارد. این عوامل، سبب شد خبر نزدیک بودن ظهور، به سرعت و به صورت دهان‌به‌دهان در جامعه منتشر شود. شخصاً این خبر را بارها از افراد گوناگون شنیده‌ام و توجه به آن را در سطح مطبوعات نیز مشاهده کرده‌ام. نمی‌توان از نقش این گونه اخبار در افزایش توجه به آخرالزمان چشم‌پوشی کرد.

## خاتمه

در پایان، با یادآوری پرسش‌های تحقیق و با توجه به مطالب مطرح‌شده، مروری گذرا بر پاسخ‌های آن خواهیم داشت و سپس به ارزیابی کلی تأثیرهای انقلاب بر مهدویت خواهیم پرداخت.

## پرسش‌های تحقیق و پاسخ‌های کوتاه

۱. آیا پس از انقلاب اسلامی، تعداد شیعیانی که به امور مرتبط با مهدویت گرایش دارند و آن را در قالب رفتارهای مهدوی بروز می‌دهند، افزایش یافته است؟

یکی از راه‌های مناسب، ولی پرهزینه و زمان‌بر برای پاسخ دقیق به این پرسش، انجام پیمایش‌های طولی در بین ایرانیان است که گرایش‌ها و رفتارهای مهدوی‌شان در طول زمان بررسی و باهم مقایسه شود، ولی در حد بررسی صورت گرفته، برخی شواهد دال بر این افزایش در بخش رشد عوامل انسانی با توضیحاتی بیان شد. بر این اساس، افزایش زائران مسجد جمکران که در سال‌های اخیر به وقوع پیوسته، افزایش برنامه‌های مهدوی رادیو و تلویزیون، با توجه به گستردگی مخاطبان این دو رسانه و تأثیری که این دو، معمولاً بر مخاطبان خود دارند یا فراوانی پرسش‌های مهدوی دانش‌آموزان از مبلغان مذهبی و

موارد بیان شده دیگر، شواهدی بر فراوانی و افزایش شیعیانی است که پس از انقلاب، گرایش‌ها و رفتارهای مهدوی خود را بروز می‌دهند.

۲. آیا در اثر انقلاب اسلامی، ابزارها و محمل‌های مادی که برای ترویج و تثبیت مهدویت در سطح جامعه لازم است، افزایش یافته است؟

بله. تا پیش از انقلاب اسلامی، رسانه‌های مکتوب مهدوی در حد یک نشریه داخلی انجمن حجتیه و البته برخی کتاب‌های تخصصی و عمومی در حوزه مهدویت و مکان‌ها و مراکز مهدوی در حد برخی مهدیه‌ها - که یکی از نیروهای انقلابی پیش از انقلاب بنای تأسیس آنها را گذاشت - و مواردی دیگر خلاصه می‌شد و رسانه‌ها یا مکان‌های مهدوی عمومیت یافته‌ای در میان مردم وجود نداشت، ولی پس از انقلاب و از راه مراکز رسمی دولتی یا نیروهای طرفدار انقلاب، این نوع ابزارها رشد یافت و این رشد در حال افزایش است. توسعه روزافزون مسجد جمکران و بُعد ملی یافتن آن، گسترش مهدیه‌ها، تأسیس و رشد مراکز مهدوی که به صورت تخصصی به تعمیق مباحث مهدوی و ترویج مهدویت می‌پردازند، مراکز دینی و تبلیغی غیرمهدوی که به ترویج مهدویت نیز علاقه نشان می‌دهند، تأسیس کانون‌های مهدویت در دانشگاه‌ها و برگزاری نشست‌های مهدوی در دانشگاه‌ها و غیردانشگاه‌ها، همچون همایش بین‌المللی سالانه دکترین مهدویت، ایجاد و افزایش نشریات مهدوی و نشریات و در مجموع رسانه‌های مکتوب غیرمهدوی که به مهدویت نیز می‌پردازند، افزایش کتاب‌های مهدوی، همچون کمیّت بسیار بالای کتاب‌های نشر یافته در انتشارات مسجد جمکران، ورود بیشتر رادیو و تلویزیون دولتی به عرصه برنامه‌سازی در زمینه مهدویت و نمونه‌های کوچک و بزرگ دیگری که در این حوزه به وجود آمده‌اند، بر رشد ابزارها و محمل‌های مهدوی دلالت می‌کند.

۳. انقلاب اسلامی چه تأثیری بر نوع نگاه شیعیان به حکومت در عصر غیبت داشته است؟

شیعیان از زمان امامت امام علی علیه السلام، با مفهوم غصبی بودن حکومت آشنا شدند و در

عصر دیگر معصومان و در دوران غیبت با این مفهوم انس گرفتند، ولی در اثر انقلاب اسلامی که به رهبری یک مرجع تقلید و نایب امام صورت پذیرفت و با توجه به پوشش گسترده مردمی انقلاب که همگان را به متن مبارزه برای تشکیل حکومت دینی کشاند و نیز جامعه‌پذیری سیاسی نسل جدید شیعه در فضای تأسیس حکومت دینی، این تصور که حکومت دینی در عصر غیبت امکان تشکیل ندارد، کم‌رنگ یا زدوده شد. امروزه نسلی از عالمان دینی به وجود آمده است که نه تنها اقدام برای تشکیل حکومت دینی در عصر غیبت را حرام نمی‌دانند، بلکه آن را مطلوب می‌پندارند.

۴. انقلاب اسلامی چه تأثیری بر مفهوم نیابت عام از امام غایب علیه السلام در عصر غیبت داشته است؟

نیابت عام پس از غیبت کبرا شکل گرفت. این نیابت، ابتدا بسیار ساده و در شکل روایت‌دانی و روایت‌خوانی به وجود آمد و سپس به اجتهاد رسید که نیابت علمی نامیده شد. پس از آن، نیابت مالی و سپس نیابت سیاسی شکل گرفت. نیابت سیاسی که مقدمات تاریخی آن تا پیش از انقلاب اسلامی، به‌ویژه در عصر صفوی و نهضت مشروطه‌خواهی به وجود آمده بود، با انقلاب اسلامی به بلوغ رسید و سبب شد نیابت عام، از مرجعیت تقلید به شکل پیچیده‌تر و نزدیک‌تر آن به مفهوم نیابت، یعنی ولایت فقیه تغییر یابد و البته مرجعیت تقلید نیز در کنار ولایت فقیه در حال استمرار حیات خود است. سال ۱۳۶۸، سالی بسیار سرنوشت‌ساز در تثبیت و نشانه‌مهمی از جامعه‌پذیری جامعه شیعی در خصوص معنای جدید نیابت به شمار می‌آید.

۵. انقلاب اسلامی چه تأثیری بر باورهای مرتبط با انتظار داشته و چه تغییرات احتمالی در آن به وجود آورده است؟

انقلاب اسلامی، از یک سو انجمن حجثیه را که نگاهی انفعالی به انتظار داشت، از صحنه سیاسی و مذهبی جامعه حذف کرد و بر اساس اصل محوری انقلاب، که همان



لزوم تشکیل حکومت دینی در عصر غیبت مبتنی بر ولایت نایب عام امام غایب علیه السلام است، دیگر مفاهیم مهدوی، از جمله انتظار را سامان دوباره داد و به تعمیق و انسجام نظام معنایی مهدوی مطابق با درک جدید از نیابت عام پرداخت. پس از انقلاب، انتظار فعال، مطرح شد و در همین راستا، انقلاب اسلامی، حکومتی زمینه‌ساز برای حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام معرفی گردید که از سوی منتظران ظهور تأسیس و حمایت می‌شود. در بین شیعیان که تا پیش از این برای بقای خود به تکیه پناه می‌بردند، پرداختن به حکومت زمینه‌ساز، مسئله‌ای جدید بود که پیشینه‌چندانی نداشت. از سویی، این حکومت زمینه‌ساز برای ایفای نقش زمینه‌سازی در جهان، به صدور انقلاب رو آورد که مبتنی بر مهدویت سامان یافت و این نیز در سایه انتظار فعال قابل فهم است. به همین ترتیب، حکومت زمینه‌ساز که قرار است نمونه کوچکی از حکومت بزرگ و جهانی امام زمان علیه السلام باشد و یاران حضرت در این حکومت تربیت شوند، در چهارچوب همان نگاه فعال به انتظار، جامعه آرمانی مهدوی را مطرح و تلاش کرد با ایجاد تصویری روشن از آن، آینده بشر را ترسیم کند و چونان الگویی برای شیوه حکومت‌داری و وضعیت مطلوب جامعه امروز خود به کار گیرد. همچنین در چهارچوب انتظار فعال، مبحث ارتباط ظهور با عمل و رفتار منتظران مطرح شد که حاصل آن، نظریه اختیاری ظهور بود و اموری دیگر که با تفصیل در متن بیان گردید.

۶. آیا انقلاب اسلامی، زمینه‌های تطبیق عصر حاضر را با آخرالزمان موعود فراهم آورده و سبب زودانگاری ظهور در بین مردم شده است؟ اگر پاسخ مثبت است، در این زمینه چه اقداماتی صورت گرفته است؟

انقلاب اسلامی به شیوه‌های گوناگون به آخرالزمان‌انگاری عصر حاضر و نزدیک دانستن ظهور کمک کرده است. از راه برخی نظریه‌پردازی‌ها که در چهارچوب انقلاب اسلامی و در زمینه مهدویت صورت می‌گیرد، یا طرح حکومت زمینه‌ساز و استناد آن به

متون دینی، و نیز صدور انقلاب و بازتاب‌های داخلی آن، که در شکل تقویت آخرالزمان دانستن عصر حاضر نیز خود را نشان داده است و...

#### ۷. مهدویت چه نقشی در مبارزات انقلاب اسلامی داشته است؟

مهدویت در زمان انقلاب اسلامی، بیشتر در حد نیرویی خفته در جامعه وجود داشت. تنها در حدود یک درصد از شعارهای انقلابیان، به صراحت نامی از امام زمان علیه السلام برده شده است. البته این مسئله، غیر از مواردی است که مضامین مهدوی در شعارها دیده می‌شود. در عین حال، مهدویت، نقش مشروعیت‌بخشی بالایی به انقلاب دینی ایران و تأیید حرکت دینی امام خمینی علیه السلام ایفا کرد. امام خمینی علیه السلام نیز بخش مهمی از ایده حکومت دینی و ولایت فقیه را مبتنی بر مهدویت بنیان نهاد. اگر بخواهیم انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی علیه السلام را بر اساس نگاه‌های موعودگرایانه تبیین و حرکت انقلابی مردم ایران را بر اساس الگویی از باورهای مهدوی‌شان تفسیر کنیم، در این صورت باید نقش مهدویت را در انقلاب اسلامی، برجسته دید.

### ارزیابی پایانی

ارزیابی پایانی را بر اساس سه جزء نظام اجتماعی-فرهنگی سوروکین پی می‌گیریم. نظام معنایی را پیش از هر چیز باید نزد نخبگان و عوامل انسانی خالق یا سامان‌دهنده آن جست‌وجو کرد. به نظر می‌رسد نظام معنایی مهدوی پس از انقلاب اسلامی در بین نخبگان، از رشد مناسبی متناسب با شرایط انقلاب اسلامی برخوردار بوده است. در این نظام معنایی، با محور قرار گرفتن نیابت عام از امام غایب علیه السلام، دیگر اجزا، از جمله انتظار، حکومت در عصر غیبت، حکومت زمینه‌ساز، جامعه جهانی، آخرالزمان، پایان تاریخ، جامعه آرمانی، انسان‌شناسی انسان منتظر و موارد دیگر در کنار هم و به صورتی که این اجزا با هم معنادار و تقویت‌کننده یکدیگر باشند، به وجود آمد و سامان گرفت. دیگر آنکه، سامان‌دهنده اصلی

این نظام معنایی را باید امام خمینی علیه السلام دانست؛ به طوری که بسیاری از اجزای آن را به راحتی می توان در نوشته ها یا سخنان او، با تفصیل یا به صورت گذرا مشاهده کرد.

سوروکین می گوید شرط لازم برای بقای هر نظام معنایی، انتقال آن به جامعه و جامعه پذیری اعضا نسبت به آن است؛ و گرنه آن نظام معنایی از بین خواهد رفت. آیا نظام معنایی مهدوی به سطح مردم انتقال یافته است؟ در واقع، آیا مسئله مهم جامعه پذیری این نظام معنایی، عملاً محقق شده است؟

با توجه به توضیحاتی که در متن گذشت، به نظر می رسد بخش هایی از این نظام تا حد بالایی به جامعه منتقل شده باشد. برای مثال و با توجه به توضیحی که در خصوص انتقال مقام ولایت فقیه از امام خمینی علیه السلام به مقام معظم رهبری گذشت، می توان گفت ولی فقیه به عنوان نایب عام امام غایب علیه السلام، احتمالاً تا حد زیادی به مرحله جامعه پذیری رسیده است. یا مسئله آخر الزمان انگاری عصر حاضر با جذابیت های خاص مردمی خود نیز سرنوشتی همین گونه دارد. اما شاهدی بر اینکه مفاهیم مربوط به انتظار - که از سوی امام خمینی علیه السلام مطرح گردید - به جامعه منتقل شده باشد، یافت نشد.

راه انتقال هر نظام معنایی به عموم مردم، وسایل انتقال آن است. وسایل انتقال مهدوی را می توان به دو دسته کلی تقسیم کرد:

در یک دسته، رادیو و تلویزیون و همچنین مسجد جمکران قرار می گیرند که مخاطبان عام و گسترده دارند و در واقع، از منابع مهم برای انتقال نظام معنایی مهدوی به عموم مردم به شمار می آیند. درباره نوع عملکرد صداوسیما پیش از این گفتیم که برنامه سازان، بیشتر با رویکرد عاطفی - ادبی برای مخاطبان مهدوی برنامه می سازند و گاه دچار نوعی سطحی نگری می شوند. از این رو، نباید نقش رسانه را در انتقال لایه های زیرین و عمیق نظام معنایی مورد بحث، موفق ارزیابی کرد و همین طور در انتقال ایمان قلبی، که ضعف رسانه در این زمینه آشکارتر به نظر می رسد، ولی باید به توانایی های آن اذعان

داشت؛ به ویژه در زمینه گسترش حلقه مخاطبان خاص مهدوی در جامعه، از راه گفت‌وگوهای کارشناسی، میزگردها، مناظره‌ها و همچنین تقویت موج‌های مهدویت‌گرایی نزد مخاطبان عام.

اما در خصوص مسجد جمکران، مسئله به گونه‌ای دیگر قابل طرح است. با اینکه مسجد جمکران مکانی بسیار مناسب برای انتقال نظام معنایی مهدوی به تعداد بسیار فراوان زائران آن است، در این مسجد برای زائران برنامه‌ریزی مدونی که بخش قابل توجهی از وقت بیشتر آنها را پوشش دهد، مشاهده نمی‌شود و همچنین هنجارهای مشخص و تعریف‌شده‌ای برای مدت حضور زائران وجود ندارد. در حدود چند ساعتی که هر زائر در مسجد می‌گذراند، ممکن است تا حدود سی دقیقه از وقت خود را با دو نماز تحیت و امام زمان علیه السلام بگذراند و وقتی را نیز برای مناجات و دعاهای خود قرار دهد، ولی مابقی فرصت را بسته به روحیات خود، به کارهای متفرقه که گاه جنبه‌های دینی نیز ندارد، سپری می‌کند. در عین حال، مسجد جمکران در تثبیت باورهای پیشین مهدوی زائر و تعمیق باورهای قلبی و تشدید روابط عاطفی و قلبی با امام زمان علیه السلام نقش بالایی دارد. این امور بیشتر نتیجه حضور زائران، اعمال فردی آنان و تأثیر نفس مکان است.

اما دسته دوم از وسایل انتقال مهدوی، همچون دسته قبل در اختیار تعداد بسیار زیادی از افراد جامعه قرار ندارد. این دسته، همچون نشریات و کتاب‌های تخصصی، همایش‌ها و غیره، یا در اختیار نخبگان است و در مسیر تولید نظام معنایی و انتقال آن به نخبگان عمل می‌کند، و یا وسایلی همچون سایت‌ها، وبلاگ‌ها، مهدیه‌ها و غیره است که به طور مشترک در اختیار نخبگان و غیرنخبگان قرار می‌گیرد. این دسته از وسایل، به میزان گستره مخاطبان در انتقال نظام معنایی مؤثرند و البته هر کدام در انتقال سطوحی از نظام معنایی مهدوی توفیقاتی به دست می‌آورند. در خصوص فعالیت این مراکز و میزان تأثیرگذاری آنان بر مخاطبان و نقشی که در جامعه‌پذیری مهدوی افراد ایفا می‌کنند، کار مستقلی صورت

نگرفته است. با توجه به رشد این دسته مراکز و رسانه‌های مهدوی، باید به انتقال بیشتر نظام معنایی مهدوی، به‌ویژه در سطوح عمیق‌تر آن خوش‌بین بود.

به هر تقدیر، رشد متناسب کمی و کیفی یک نظام اجتماعی - فرهنگی، اصل مهمی است که باید به آن توجه کرد؛ ضمن اینکه نباید توقع داشت همه بخش‌های یک اندیشه، نظام معنایی یا ایدئولوژی، به‌طور کامل به مردم منتقل شود. همیشه سطوحی از تفاوت میان نخبگان و عموم مردم باقی خواهد ماند.

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. الهامی، علی اصغر، نهضت انتظار و انقلاب اسلامی، معاونت آموزش نیروی مقاومت بسیج، تهران، ۱۳۸۲.
۳. امین زاده، علی، جنبش‌های شیعی در تاریخ ایران با نگاهی ویژه به سرنگاران، امید مهر، سبزوار، ۱۳۸۴.
۴. باغی، ع [باقی، عمادالدین]، حزب قاعدین زمان (موسوم به انجمن حجّیه)، نشر دانش اسلامی، بی‌جا، ۱۳۶۲.
۵. بختیاری، محمدعزیز و فاضل حسامی، درآمدی بر نظریه‌های اجتماعی دین، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع)، قم، ۱۳۸۲.
۶. برگر، پیتر، افول سکولاریزم، دین خیزش‌گر و سیاست جهانی، ترجمه افشار امیری، نشر پنگان، تهران، ۱۳۸۰.
۷. بهروز لک، غلامرضا، سیاست و مهدویت، آینده روشن، قم، ۱۳۸۴.
۸. پناهی، محمدحسین، جامعه‌شناسی شعارهای انقلاب اسلامی، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، تهران، ۱۳۸۳.

۹. پیشگاهی فر، زهرا، نگرشی ژئوپولتیکی بر پدیده جهانی شدن، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۰.
۱۰. تاجری، حسین، انتظار، بدر انقلاب، بدر، بی جا، ۱۳۵۸.
۱۱. تونه‌ای، مجتبی، فرهنگ الفبایی مهدویت: موعودنامه، میراث ماندگار، قم، ۱۳۸۴.
۱۲. جعفریان، رسول، تاریخ تشیع در ایران، ج ۲، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۶۹.
۱۳. \_\_\_\_\_، تاریخ تشیع در ایران، ج ۲، چ ۱، انصاریان، قم، ۱۳۷۵.
۱۴. \_\_\_\_\_، صفویه از ظهور تا زوال، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، تهران، ۱۳۷۰.
۱۵. حائری پور، محمد مهدی و دیگران، نگین آفرینش (پژوهشی در زندگی حضرت ولی عصر)، ج ۳، مرکز تخصصی مهدویت، قم، ۱۳۸۵.
۱۶. حاجیلری، عبدالرضا، کنکاشی در تغییر ارزش‌ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی، چ ۱، دفتر نشر معارف، تهران، ۱۳۸۰.
۱۷. حسن زاده آملی، حسن، ولایت تکوینی، قیام، قم، ۱۳۷۱.
۱۸. حسین، جاسم، تاریخ سیاسی امام دوازدهم علیه السلام، ترجمه سید محمد تقی آیت‌اللهی، امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۷.
۱۹. حسینی طهرانی، سید محمد حسین، امام شناسی، ج ۱، حکمت، بی جا، ۱۳۶۰.
۲۰. حسینیان، روح‌الله، تاریخ سیاسی تشیع تا تشکیل حوزه علمی قم (مقدمه‌ای بر انقلاب اسلامی)، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۰.
۲۱. حکیمی، محمد رضا، خورشید مغرب، چ ۸، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۳.
۲۲. حلبی، ابو صلاح، الکافی فی الفقه، تحقیق رضا استادی، مکتبه امیر المؤمنین، اصفهان، ۱۴۰۳ ق.
۲۳. خراسانی، محمد جواد، مهدی منتظر، نورالاصفیاء، قم، ۱۳۷۹.
۲۴. خمینی، روح‌الله، دیوان امام: سروده‌های حضرت امام خمینی علیه السلام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی جا، ۱۳۷۳.
۲۵. \_\_\_\_\_، شئون و اختیارات ولی فقیه (ترجمه مبحث ولایت فقیه از کتاب الیوم)، چ ۲، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۴.

۲۶. \_\_\_\_\_، صحیفه نور، ج ۱، ۵، ۶، ۱۲، ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۱۹، ۲۱، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، بی جا، ۱۳۶۱-۱۳۷۱، همه موارد، به نقل از: نرم افزار «به سوی نور با صحیفه نور» است.
۲۷. \_\_\_\_\_، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، ج ۱، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی جا، ۱۳۷۳.
۲۸. خمینی، مصطفی، ثلاث رسائل، ولایت الفقیه، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، قم، ۱۴۱۸ق.
۲۹. خویی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، ج ۹، ج ۵، بی نا، بی جا، ۱۴۱۳ق.
۳۰. دشتی، محمد، آینده و آینده سازان، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین، قم، ۱۳۷۵.
۳۱. ذبیح زاده، علینقی، مرجعیت و سیاست در عصر غیبت، ج ۱ و ۲، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع)، قم، ۱۳۸۳.
۳۲. رفیع پور، فرامرز، آناتومی جامعه، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۷۸.
۳۳. \_\_\_\_\_، توسعه و تضاد: کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران، ج ۲، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۷۷.
۳۴. \_\_\_\_\_، سنجش گرایش روستاییان به جهاد سازندگی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، بی جا، ۱۳۷۲.
۳۵. رفیعی فنود، محمد حسین، آن سوی جهانی سازی، صمدیه، تهران، ۱۳۸۱.
۳۶. ریتزر، جورج، نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، ج ۵، علمی، تهران، ۱۳۸۰.
۳۷. زاکرمین، فیل، درآمدی بر جامعه شناسی دین، ترجمه خشایار دیهیمی، لوح فکر، تهران، ۱۳۸۴.
۳۸. ساده، مجتبی، شش ماه پایانی: تقویم حوادث شش ماهه پیش از ظهور، ترجمه محمود مطهری نیا، موعود عصر، تهران، ۱۳۸۳.
۳۹. ساروخانی، باقر، روش تحقیق در علوم اجتماعی، ج ۱، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۲.
۴۰. سالنامه آماری سال ۱۳۶۵، مرکز آمار ایران، تهران، ۱۳۶۶.



۴۱. سنگری، محمدرضا و مهدی عبداللهی، عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس، ۳ جلد، مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولایت فقیه در سپاه، قم، ۱۳۸۰.
۴۲. سوروکین، الکساندر پیتریم، نظریه‌های جامعه‌شناسی و فلسفه‌های نوین تاریخ، ترجمه اسدالله نوروزی، حق‌شناس، رشت، ۱۳۷۷.
۴۳. سید مرتضی، امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام (ترجمه المقنع)، چ ۲، مسجد جمکران، قم، ۱۳۷۸.
۴۴. شایان‌مهر، علیرضا، دایرةالمعارف تطبیقی علوم اجتماعی (کتاب اول)، کیهان، تهران، ۱۳۷۷.
۴۵. شریعتی، علی، مجموعه آثار، حسین علیه السلام وارث آدم، ج ۱۹، چ ۶، قلم، تهران، ۱۳۷۵.
۴۶. شفیع سروستانی، اسماعیل، استراتژی انتظار، چ ۴، موعود، تهران، ۱۳۸۳.
۴۷. شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام النعمه، مؤسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۰۵ق.
۴۸. شیخ طوسی، الغیبه، مؤسسه معارف اسلامی، قم، ۱۴۱۱ق.
۴۹. ———، المبسوط فی الفقه الامامیه، مکتبه المرتضویه، تهران، ۱۳۸۷ق.
۵۰. ———، النهایة فی مجرد الفقه و الفتوی، منشورات قدس محمدی، قم، بی‌تا.
۵۱. شیخ مفید، الفصول العشره فی الغیبه، مؤسسه دارالکتاب، قم، ۱۳۶۳.
۵۲. ———، المقنعه، مؤسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۱۰ق.
۵۳. صافی گلپایگانی، لطف‌الله، انتظار عامل مقاومت، حضرت معصومه علیها السلام، قم، ۱۳۷۵.
۵۴. ———، منتخب الاثر، ج ۱-۳، مکتب المؤلف، قم، ۱۴۲۲ق.
۵۵. صدر، سیدمحمد، تاریخ غیبت کبری، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۹۹۲م.
۵۶. صمیمی، سیدرشید، تأثیرات نظری عصر غیبت بر اندیشه سیاسی شیعه، مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما، قم، ۱۳۸۴.
۵۷. طالقانی، سید محمود، مهدویت و آینده بشر، قلم، بی‌جا، ۱۳۶۰.
۵۸. عربان، رسول، ترسیم آفتاب، دارالهدی-خلق، قم، ۱۳۸۵.
۵۹. عشقی، لیلی، زمانی غیر زمان‌ها: امام، شیعه و ایران، ترجمه احمد نقیب‌زاده، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، تهران، ۱۳۷۹.

۶۰. فروغی ابری، اصغر، ایرانیان و عزاداری عاشورا (مراسم سوگورای در گذر تاریخ)، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ۱۳۸۶.
۶۱. فلاح‌نژاد، علی، سیاست صدور انقلاب، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۴.
۶۲. فوکو، میشل، ایرانی‌ها چه رؤیایی در سردارند، ترجمه حسین معصومی همدانی، هرمس، تهران، ۱۳۷۷.
۶۳. قاسمی، محمدعلی و همکاران، فقیهان امامی و عرصه‌های ولایت فقیه، ج ۱ و ۲، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ۱۳۸۴.
۶۴. قاضی، ابن‌برآج، المذهب، ج ۱، مؤسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۰۶ق.
۶۵. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با آخرین اصلاحات، ج ۲، لاهیجی، قم، ۱۳۷۹.
۶۶. قمی، عباس، مفاتیح‌الجنان، ج ۵، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۲.
۶۷. الکاتب، احمد، تطور الفكر السياسي الشيعي من الشورى الى ولاية الوقيه، دارالجدید، بیروت، ۱۹۹۸م.
۶۸. کرمانی، ناظم‌الاسلام، تاریخ بیداری ایرانیان، آگاه - نوین، تهران، ۱۳۶۲.
۶۹. کریمی قمی، حسین، آینه اسرار، مسجد جمکران، قم، ۱۳۸۴.
۷۰. کلینی، محمدبن یعقوب، اصول الکافی، دارالکتب الاسلامیه آخوندی، تهران، ۱۳۴۸.
۷۱. کورانی، علی، عصر ظهور، ترجمه عباس جلالی، ج ۱، سازمان تبلیغات اسلامی، بی‌جا، ۱۳۶۹.
۷۲. ———، معجم الاحادیث المهدی، بهمن، قم، ۱۴۱۱ق.
۷۳. کوزر، لوئیس، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، ج ۹، علمی، تهران، ۱۳۸۰.
۷۴. کریمی زنجانی اصل، محمد، امامیه و سیاست در نخستین سده‌های غیبت، نشر نی، تهران، ۱۳۸۰.
۷۵. گروه تحقیق انتشارات سروش، تقویم تاریخ انقلاب اسلامی ایران، سروش، تهران، ۱۳۶۹.
۷۶. لاور، رابرت اچ.، دیدگاه‌هایی درباره دگرگونی اجتماعی، ترجمه کاووس سیدامامی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۳.
۷۷. لیتل، دانیل، تبیین در علوم اجتماعی، ترجمه عبدالکریم سروش، ج ۲، صراط، تهران، ۱۳۸۱.

۷۸. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۲ و ۴۶ و ۵۱ و ۵۲ و ۵۷، مؤسسة الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۷۹. محسنی، منوچهر، بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در ایران، دبیرخانه فرهنگ عمومی کشور، تهران، ۱۳۷۹.
۸۰. ———، بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در تهران، زهد، تهران، ۱۳۷۹.
۸۱. محقق کرکی، جامع المقاصد، ج ۱۱، آل البیت، قم، ۱۴۰۸ق.
۸۲. نعمانی، محمدبن ابراهیم، الغیبه، مکتب الصدوق، تهران، بی تا، به نقل از: نرم افزار معجم فقهی.
۸۳. محمدی، منوچهر، انقلاب اسلامی زمینه‌ها و پیامدها، دفتر نشر و پخش معارف، قم، ۱۳۸۰.
۸۴. مددپور، محمد، انقلاب اسلامی و نظریه پایان تاریخ، بضعة الرسول، قم، ۱۳۸۱.
۸۵. مدرسی طباطبایی، حسین، زمین در فقه اسلامی، ج ۲، نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۲.
۸۶. ———، مکتب در فرایند تکامل، ترجمه هاشم ایزدپناه، داروین، نیوجرسی، ۱۳۷۴.
۸۷. مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، ج ۲۸، صدرا، قم، ۱۳۸۱.
۸۸. ———، قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ، به ضمیمه شهید، ج ۱۳، صدرا، تهران - قم، ۱۳۷۳.
۸۹. ———، ولاءها و ولایت‌ها، صدرا، قم، بی تا.
۹۰. مکارمی، محمدحسن، مدینه فاضله در متون اسلامی، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۷۷.
۹۱. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، دایرةالمعارف فقه مقارن، مدرسه الامام علی علیه السلام، قم، ۱۳۸۵.
۹۲. ملکوتیان، مصطفی، سیری در نظریه‌های انقلاب، ج ۲، قومس، تهران، ۱۳۷۶.
۹۳. نبوی، بهروز، روش تحقیق در علوم اجتماعی، ج ۱۷، فروردین، بی جا، ۱۳۷۵.
۹۴. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، ج ۲، دار الکتب الاسلامیه آخوندی، تهران، ۱۳۶۵.
۹۵. نودهی، علی رضا، نظریه اختیاری ظهور، موعود، تهران، ۱۳۸۵.
۹۶. نوری، حسین بن محمد، نجم الثاقب، مسجد جمکران، قم، ۱۴۱۲ق.
۹۷. هالم، هاینس، تشیع، ترجمه محمدتقی اکبری، نشر ادیان، قم، ۱۳۸۴.

۹۸. همایون، هادی، مهدویت و تمدن جهانی اسلام، ج ۳، مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق (ع)، بی‌جا، ۱۳۸۵.

۹۹. همتی، مهدی، از نهضت خمینی تا انقلاب مهدی (عج)، آثار دانشوران، قم، ۱۳۸۶.

۱۰۰. همیلتون، ملکم، جامعه‌شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی، تیبان، تهران، ۱۳۷۷.

### مقاله

۱۰۱. ابوالحسنی (منذر)، علی، «انقلاب اسلامی ایران جلوه‌ای از الطاف امام عصر»، فصلنامه انتظار موعود، بهار و تابستان ۱۳۸۵، ش ۱۸.

۱۰۲. بندرچی، محمدرضا، «آرمان‌شهر منتظران»، نشریه موعود، شهریور ۱۳۸۶، ش ۷۹.

۱۰۳. پورسیدآقایی، مسعود، «انفجار نور، زمینه‌ساز ظهور»، فصلنامه انتظار موعود، زمستان ۱۳۸۳، ش ۱۴.

۱۰۴. پورعزیز، علی‌اکبر، «شهر عدل مهدوی»، فصلنامه انتظار، پاییز ۱۳۸۳، ش ۱۳.

۱۰۵. رجایی، فرهنگ، «ایدئولوژی و جهان‌بینی ایرانی، صدور فرهنگی انقلاب»، در: اسپوزیتو، جان‌ال، مجموعه مقالات انقلاب ایران و بازتاب‌های جهانی آن، ترجمه محسن شانه‌چی، باز، تهران، ۱۳۸۲.

۱۰۶. رولاجوردی، ابی‌مصعب، «نقد و بررسی کتاب *converting persia*»، ماهنامه اسلام در نگاه غرب، زمستان ۱۳۸۴، ش ۱.

۱۰۷. سعدی، حسینعلی، «جامعه مهدوی، آرمان‌شهر نبوی»، فصلنامه انتظار، پاییز ۱۳۸۱، ش ۵.

۱۰۸. شفیعی سروستانی، اسماعیل، «آخرالزمان شناسی در آثار اسلامی»، شفیعی سروستانی، اسماعیل و دیگران، پیشگویی‌ها و آخرالزمان، موعود عصر، تهران، ۱۳۸۳.

۱۰۹. خلیل‌بیگی، نغمه، «مهدویت در صداوسیما»، نشریه موعود، مهر ۱۳۸۶، ش ۸۰.

۱۱۰. طاهری، حبیب‌الله، «عصر ظهور یا مدینه فاضله موعود در اسلام»، فصلنامه انتظار، زمستان ۱۳۸۰، ش ۲.

۱۱۱. محمود، عرفان، «نهضت امام خمینی، زمینه‌ساز ظهور حضرت مهدی (عج)»، ترجمه رحمت‌الله خالقی، فصلنامه حضور، زمستان ۱۳۷۷، ش ۲۶.

۱۱۲. نعیم، بلال، «حکومت زمینه‌ساز»، نشریه موعود، بهمن ۱۳۸۵، ش ۷۲.
۱۱۳. لافورگ، رنه، «نمادپردازی»، آلدی، رنه، مجموعه مقالات: اسطوره و رمز، ترجمه جلال ستاری، سروش، تهران، ۱۳۷۴.
۱۱۴. ویلسون، برایان، «جدانگاری دین و دنیا»، مجموعه مقاله فرهنگ و دین: برگزیده مجموعه مقالات دایرةالمعارف دینی، ویراسته میرچا الیاده، ترجمه مرتضی اسعدی، طرح نو، تهران، ۱۳۷۴.

### پایان‌نامه

۱۱۵. پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، جلالی، علیرضا، تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر روابط دولت-ملت عربستان سعودی و پیامدهای آن بر روابط دو کشور، دانشگاه امام صادق، تهران، ۱۳۷۸.
۱۱۶. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا، خرازی فلوریا، پیدایش و گسترش جمکران (بخشی در جغرافیای جهان‌بینی)، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۷۴.

### نرم‌افزارها و پایگاه‌های اینترنتی و روزنامه‌ها

۱۱۷. اسلام‌لو، محمدرضا، روزنامه جام جم، ۱۳۸۶/۶/۶، ش ۲۰۸۴.
۱۱۸. پایگاه اطلاع‌رسانی مسجد مقدس جمکران، [www. Jamkaran.info](http://www.Jamkaran.info)
۱۱۹. پایگاه خبری تحلیلی الف، [www.alef.ir](http://www.alef.ir)
۱۲۰. پایگاه مؤسسه فرهنگی موعود، [www. Mouood.org](http://www. Mouood.org)
۱۲۱. روزنامه الکترونیکی اباصالح، [zohoor.blagfa.com-abasaleh](http://zohoor.blagfa.com-abasaleh)، ۱۳۸۵/۷/۲
۱۲۲. خبرگزاری آینده روشن، [www. Bfnews.ir](http://www. Bfnews.ir)
۱۲۳. خبرگزاری تخصصی حوزه دین، شبستان، [www.shabestan.ir](http://www.shabestan.ir)، ۱۳۸۶/۷/۲۹
۱۲۴. سروش، عبدالکریم، «از مهدویت سیاسی تا ولایت مطلقه فقیه»، پایگاه دکتر سروش، ۱۳۸۵
- [www. Drsoroush. com](http://www. Drsoroush. com)

۱۲۵. مرکز مجازی مهدویت، به‌سوی ظهور، [www.Zohoortv.com](http://www.Zohoortv.com)، ۱۳۸۶/۸/۱.

۱۲۶. نرم‌افزار «به‌سوی نور با صحیفه نور»، نمایندگی ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، یادمان یکصدمین سالگرد میلاد نور.

۱۲۷. نرم‌افزار رشاد، دفتر تحقیقاتی یاسین.

۱۲۸. نرم‌افزار معجم فقهی، دفتر آیت‌الله گلپایگانی.

۱۲۹. ولایتی، علی‌اکبر، روزنامه کیهان، ۱۳۷۸/۱۱/۱۷.